

فرہنگ دائرہ نامی نظامی

شامل

دائرہ اسماء و صفات اہل بیت علیہم السلام وراثت شاہنشاہی

پابلیش

پبلیشر محمد اکبر علی

پوسٹ نمبر ۱۰۰۰۰۰۰۰

بہار ۱۴۰۳ھ



چاپخانه آتش شاهنشاهی

فہرست مضامین

تالیف: سید محمد اکرم علی

تقدیم بہ

مشگاہ مبارک

علی حضرت ہمایون شاہ شاہ آریامہر بزرگ ارتشاران





نیروی زینتی شاهنشاهی

فرهنگ واژه‌های نظامی

شامل

واژه‌ها و عبارتهای معمول و متداول در ارتش شاهنشاهی

تألیف

سپهبد - محمد کاظمی

بهمن ماه سال ۲۰۳۰ شاهنشاهی

چاپ دوم : با تجدید نظر کامل

چاپخانه ارتش شاهنشاهی

سخنی کوتاه در انگیزه چاپ دوم

آدمی به آدمیت و آدمیت به آئین بزرگی
بستگی دارد .

آئین بزرگی به شناسائی ارزشها، و شناخت
ارزشها ، به توان سپاس و بزرگداشت آدمیان
نیاز دارد . ایرانی ، ازدیدگاه خرد و اندیشه
در میان ارزشهای گرانمایه ، ارزشی بالاتر از
خدا ، شاه و میهن نمی شناسد .

خدا بچشم جهان بین فرهنگ ایران زمین،
فروغ تابناکی است که سپاس و ارجدانی از آن،
راهی جز کوشیدن برای پیوستن به گوهر فروغ
یزدانی ندارد، یعنی باید با منش و گفتار و
کردار خویش، فروزان گردید و بر خود چیره
شد و گوهر خویش را به رستاخیز آورد .

شاه از دیدگاه کهن فرهنگ ایران زمین ،
جلوه‌گاه جان و روان این سرزمین و یا نماد
«سمبل» رأی و آرمانهای ملت و رهبر راه و
رسم زندگیست که سپاس و ارجدانی از آن جز
باسربازی و جانبازی در راه برآوردن آرمانهای
یزدانی او ، امکان پذیر نیست .

میمن، بچشم هستی شناسی راستین، هستی
بخش مردم است و هر انسانی که چشم دل باز
کند خود را هستی یافته از آب و خاک و خانمان
خود می‌یابد . سپاس و ارجدانی از
میمن ، به شناسائی پدیده‌های آن و آبیاری و
پرورش پدیده‌های آن بستگی دارد .

من همیشه آرزومند بودم، براه خدا و شاه
و میمن ، رهروی پاکباز و هستی پرداز باشم .
دریافت فروغ یزدانی را از مهر خدا و شاه و
میمن میدانستم و تلاش در راه برآوردن
آرمانهای شاهنشاهی را در فروغ سربازی
می‌شناختم و برترین عشق براه سرافرازی و
جاودانی میمنم را در پاس و نگهداری تاریخ
و فرهنگ آن، و پاس و نگهداری تاریخ و
فرهنگ آنرا در شناسائی زبان و نگهداری آن
می‌دیدم .

فرخنده آئین پنجاه سال شاهنشاهی سرفراز
دودمان پرافتخار پهلوی از يك سو و پیشرفت‌های
شگفت‌انگیز میهن عزیزمان ، در پرتو
ره‌آوردهای انقلاب شاه و ملت از سوی دیگر ،
با طلوع آفتاب مهر یزدانی در آسمان پهناور
ایران، مرا آرزو مند ساخت تادر کنار جانبازی‌های
سربازی، کاری (ولو هر اندازه كوچك و ناچیز
باشد) در آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال
شاهنشاهی فرخنده دودمان پهلوی و گامی در
فراهم آوردن برگ سبزی برای تقدیم به
پیشگاه مبارك : اعلیحضرت همایون شاهنشاه
آریامهر بزرگ ارتشتاران و ارتش شاهنشاهی
ایران ، که ساخته و پرداخته دست توانای
شاهنشاهان بزرگ پهلوی است ، بردارم .

از آنجا که زبان، تواناترین راه تفاهم و
گرانمایه‌ترین گنجینه گنجهای نیاکان ایران
زمین بوده و هست و فرهنگ و اژه‌های نظامی
که سه سال پیش آنرا گردآوری و تألیف نمودم،
از کاستی‌ها و نارسائی‌های ناخودآگاه برکنار
نبود، از این‌رو تصمیم گرفتم تا به تکمیل و
رفع نارسائی‌های آن بپردازم .

خداوند بزرگت و توانا را سپاسگزارم که
این خواسته انجام پذیرفت و این آرزو برآمد و
با انتشار چاپ دوم فرهنگت و اثرهای نظامی
که دهمین خامه نارسای من است، توانسته‌ام
به آرمان میهنی خویش کامیاب شده، به بخشی
از آنچه در اندیشه داشته‌ام، برسم.

تردید نیست که پیروزی در این راه از
فروغ مهر، خدا و شاه و میهن بوده است که
مرا شوری سرشار و توانی خستگی ناپذیر
بخشید که در این سال بزرگت آرزویم را جامه
عمل بپوشانم و بدرک افتخاری جاویدان نایل
آیم.

آرزومندم که این برگ سبز ناچیز به بارگاه
بلند بزرگت رهبر ملت ایران «اعلیحضرت
همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران»
پذیرفته آید.

بهمن ماه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سپهبد - محمد کاظمی

دیباچه چاپ یکم

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگردد

سرپیچهای تاریخ هر سرزمینی، پایان راه فراز و سرآغاز راه نشیب، یا پایان راه نشیب و سرآغاز راه فرازیست که ناچار فرزندان آن مرز و بوم را در دو راهی ویژه‌ای میگذارد که گذشتن از آن، چون و چرا پذیر نیست.

هریک از این دوراهیها، یا راهی بدیار نیستی و پیوستن به جهانهای گمشده باز میکند و یا به رستاخیز نوسازیهای سرفراز و درفش آسمان سای زندگانی نیک، می‌انجامد.

هرگاه ریشه‌های بنیادی زنده ماندن، در تار و پود، بودنیهای کشوری بخشکد خود بخود، زهدان آن سرزمین از بارور شدن به ابر مردان سامان‌گر که پرچمدار

رستاخیزهای هستی بخش میشوند ، عقیم میگردد ، و چنین مردمانی ، بیای خود دواسبه رهسپار دیار فراموشی میشوند ، و چنانچه ریشه‌های بنیادی ایشان نخشکیده باشد ، اگر هم ، همه شاخ و برگ را سوخته باشند و بر باد رفته باشد ، بازکننده دیرین نهال ملیت جوانه‌های نو میزند و چیزی نمیگذرد که باز درخت تن‌آور زندگی ، بارور میگردد .

سرگذشت گیتی ، بسا ملت‌هائی را بیاد دارد که سرمایه‌های زنده ماندن را باختند و هر یک برگی از کتاب ملت‌ها و یا کشورهای گم شده را پرکردند .

از چند سرزمین انگشت شمار جهان کنونی و دودمانهای نژادی آنها که توفانهای رویدادهای گوناگون و دشوار روزگار را پشت سر نهاده‌اند ، برآستی می‌توان سرزمین کشور شاهنشاهی ایران را سرفرازترین پیش-آهنگان کشورهای جهان شناخت ، زیرا این مرز و بوم یزدانی همواره چهارراه پدیده‌ها و رویدادهای نیک و بد و دلنواز و جانخراش (از خاور و باختر) بوده است و از این دیدگاه ، هیچ سرزمینی همانند آن نبوده و نیست .

تاریخ معاصر کشور ما بخوبی نشان میدهد که در کشور شاهنشاهی ایران ، از شهریورماه ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ خورشیدی) تا نیمروز امردادماه ۲۵۱۲ (۱۳۳۲ خورشیدی) دروازه سهمگین‌ترین سرپیچهای تاریخ

ایران زمین پدیدار و گردو نه زندگانی این مرزو بوم در آن ۱۲ سال چندین بار به پرتگاه نیستی و نابودی نزدیک شد که هر دورانیش فرزانه‌ای، چشم انداز گورستان خاموشی را درپیش میدید ولی کشتی توفانی دریای تیره روزیمهای این سرزمین را دو فروغ جاویدان به ساحل رستگاری رهنمون گردانید:

یکی ابرمردی که نهاد زنده این مرز و بوم را در آستین داشت و دیگری سرچشمه بی‌زوال یزدانی و ناخشکیده ماندن ریشه‌های بنیادی زندگی در ایران زمین که شاه ریشه آن نامی جز فرمان خون و سرشت و جام جهان نمای هستیها و آفریده‌های آن یعنی زبان پارسی، ندارد.

این سخن از استاد فرزانه‌ای همیشه درگوش جانم زنگ‌میزند که: «زبان، جام‌آب زندگانی سرزمینهاست، و در هر مرز و بومی که این جام زندگی شکست، آن سرزمین رهسپار دیار نیستی و نابودی شد».

زبان پارسی، بزرگترین و گرامی‌ترین گنجینه‌ایست که از نیاکان ما بما رسیده است، همچنانکه خونبهای یک انسان بزرگ و فرزانه را با سیم و زر نمیتوان سنجید، شناخت ارزشهای این گنجینه گرانبها هم چون بهای زندگانی بینشوران و دانشمندان ایران، از آغاز تاریخ تا امروز، با سیم‌وزر و باهم‌وزن زمین، سنجیدنی نیست.

برای تفاهم درمیان دو انسان یا هرگروه از مردمان با یکدیگر، هموارترین شاهراه نیک‌بختی، جز زبان رسائی یافته و گویا، کلید دیگری وجود ندارد .

نبرد زندگی در هرروزگاری، به جنگ افزار زمان خود نیاز دارد که هرآینه ، تواناترین جنگجویان هم با جنگ افزارى که از گردونه بیرونست بجنگد، فرجام پیکارشان چیزى جز شکست غم‌انگیز نیست .

نخستین جنگ افزار زیست و زندگانی سرافراز امروز در دو کلمه دانش و فن (تکنولوژی) چکیده شده است، که سرآغاز و بنیاد ساختمان این جنگ افزار ، زبانت و بس. خوشبختانه رهبر عالیقدر رستاخیز امروز ایران، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران همواره گردونه رهبری این سرزمین جاویدان را پیشاپیش زمان میرانند و با چشم انجام بین خویش هیچ نکته‌ای از نکته‌های رهبری در این رستاخیز حیات‌بخش شاه وملت را فروگذار نفرموده، و از شش‌سو تا بی‌پایانیمهای هرچشم‌اندازی را پیش‌بینی میفرمایند. چنین پیشوائى درباره زبان که سرتاسر، زیربنای کاخ زندگی را دربر دارد با دید ویژه‌ای دیدبانى فرموده و هرجا، نیاز بوده است از فرخنده فرمانهای شاهانه دریغ نفرموده‌اند .

از آنجا که دانش و تکنولوژی نخستین و برترین جنگ افزار جهان و زبان تاروپود ساختمان آنست ، بهمین رو خجسته فرمان فرماندهی تاجدار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران . برای فراهم آوردن فرهنگ و اثره های نظامی و واژه هائی که به هنر و دانش جنگ پیوستگی دارند ، نیروی زمینی شاهنشاهی را سرافراز ساخت و این فرخنده فرمان همایونی از سوی فرماندهی نیروی زمینی شاهنشاهی تیمسار ارتشبد غلامعلی اویسی به دانشکده فرماندهی و ستاد و به نگارنده واگذار شد .

دانشکده فرماندهی و ستاد و نگارنده بسیار مفتخر و سرافرازند که باکنکاش و بهره مندی از دیگرکانون- های آموزشی و فرهنگی نیروی زمینی شاهنشاهی ، بگرد آوری و فراهم آوردن این فرهنگ و اثره های نظامی پرداخته که نخستین چاپ آنرا بفرماندهان ارجمند و گرانمایه ارتش شاهنشاهی تقدیم میکنند .

ناگزیر به یادآوری است که نیاز، ارتش شاهنشاهی را وادار میساخت که نخستین گام این کار بزرگ، ولونارسا، برداشته شود و هرچه زودتر این فرهنگ برای هم آهنگی و یک زبانی دردسترس یگانهای ارتش شاهنشاهی گذارده شود، یکدسته از واژه هائی هم که در چهار چوب کار سپاهگیری نبوده و برخی دیگر جزء زبانهای بیگانه بوده

ولی در زمینه‌های بسیار، در ارتش شاهنشاهی بکار می‌روند بدین فرهنگ افزوده شده تا مورد بهره‌برداری خوانندگان ارجمند قرار گیرد، باشد که تا زمان چاپ دوم واژه‌های مناسب پارسی بجای آنان برگزیده شود و این نارسائی کوچک هم از بین برود.

از آنجاکه این فرهنگ در ارتش شاهنشاهی ایران پیشینه ندارد، آشکار است که نخستین گام آن از کاستی‌ها و نارسائی‌های ناخودآگاه برکنار نیست که بی‌گمان با همکاری‌های گرانبهای فرماندهان بینشور و افسران دانشور و راهنمائی‌های پراج فرماندهان فرزانه که به‌گردآورنده و نگارنده اعلام خواهند فرمود، این کار ناچیز را بدان پایه از ارج و شایستگی خواهند رسانید که خرسندی کامل فرماندهی تاجدار **اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران** را فراهم سازد.

انتظار نگارنده از خوانندگان ارجمند آنست که در رفع کاستی‌ها و نارسائی‌های این فرهنگ مرا یاری کنند و از خرده‌گیری چشم‌پوشند.

تاچه قبول افتد و چه در نظر آید؟

سپهبد - محمد کاظمی

ردیف	عنوان مطالب	صفحه
۱	سخنی کوتاه در انگیزه چاپ دوم	۵
۲	دیباچه چاپ یکم	۹
۳	پیامی به خوانندگان	۱۷
۴	حرف «آ»	۲۱
۵	حرف «الف»	۳۸
۶	حرف «ب»	۶۰
۷	حرف «پ»	۷۶
۸	حرف «ت»	۹۴
۹	حرف «ث»	۱۱۵
۱۰	حرف «ج»	۱۱۶
۱۱	حرف «چ»	۱۲۶
۱۲	حرف «ح»	۱۳۱
۱۳	حرف «خ»	۱۳۶
۱۴	حرف «د»	۱۴۹
۱۵	حرف «ذ»	۱۶۸
۱۶	حرف «ر»	۱۷۰
۱۷	حرف «ز»	۱۷۹
۱۸	حرف «ژ»	۱۸۵
۱۹	حرف «س»	۱۸۸

صفحه	عنوان مطالب	ردیف
۲۰۸	حرف «ش»	۲۰
۲۲۱	حرف «ص»	۲۱
۲۲۶	حرف «ض»	۲۲
۲۳۰	حرف «ط»	۲۳
۲۳۵	حرف «ظ»	۲۴
۲۳۷	حرف «ع»	۲۵
۲۴۸	حرف «غ»	۲۶
۲۵۲	حرف «ف»	۲۷
۲۶۲	حرف «ق»	۲۸
۲۷۰	حرف «ک»	۲۹
۲۸۷	حرف «گ»	۳۰
۳۰۰	حرف «ل»	۳۱
۳۰۵	حرف «م»	۳۲
۳۴۹	حرف «ن»	۳۳
۳۶۸	حرف «و»	۳۴
۳۷۵	حرف «ه»	۳۵
۳۸۷	حرف «ی»	۳۶
۳۹۵	واژه‌های متمم به ترتیب الفبا	۳۷

خواننده گرامی

در جهان امروز توسعه و پیشرفت دانش و تکنولوژی و دامنه تخصص‌های گوناگون، نیاز انسانها را به شناخت زبانهای فنی و اصطلاحات ویژه (بمنظور هم‌زبانی) بیش از هر زمان دیگر آشکار ساخته، بهمین سبب از اواخر قرن نوزدهم میلادی تاکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته، کار تهیه و تألیف فرهنگ‌نامه‌های اختصاصی آنچنان گسترش یافته، که در هر يك از رشته‌های علوم و در هر زمینه‌ای از دانش بشری و تکنولوژی، راهنما و فرهنگ‌نامه‌های متعددی تهیه، تدوین و چاپ گردیده است، بطوریکه بمحض نیاز در هر يك از زمینه‌های تاریخ-جغرافیا، فلسفه، زبان، مدیریت، اقتصاد و حتی سپاه‌گیری و مانند آن میتوانید يك فرهنگ‌نامه، از اینگونه آثار پیدا کنید و با مراجعه بآن رفع اشکال نمائید. اما در کشور ما هنوز بندرت میتوانید يك چنین

کتابهایی را به آسانی بیابید و نیاز خود را بر طرف سازید، بهمین سبب به تازگی برای تهیه و تدوین این چنین فرهنگ نامه‌های تخصصی، نخستین گامها برداشته شده ولی با وجود براین هنوز برای بسیاری از تخصص‌ها ورشته‌های فنی فرهنگ نامه‌ای تهیه نگردیده و نیازمندان را مجبور بمراجعه بمدارك بیگانه مینماید.

یکی از آن رشته‌های تخصصی، خدمت سپاهگیری است که بسبب پیشرفت روزافزون تاکتیک و تکنیک، دامنه این نیازمندی را، بویژه برای دانشجویان ودانش-پژوهان مراکز فرهنگی ارتش شاهنشاهی بیش از پیش آشکارتر ساخته است که همین دلیل، ارتش شاهنشاهی را وادار میساخت که نخستین گام این کار بزرگ (ولونارسا) برداشته شود و هرچه زودتر این چنین فرهنگی برای هم‌زبانی و هم‌آهنگی در دسترس مراکز فرهنگی و پرسنل ارتش شاهنشاهی گذارده شود.

از این رو هنگامیکه خجسته فرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران برای فراهم آوردن فرهنگ واژه‌های نظامی و واژه‌هایی که به هنر و دانش جنگ بستگی دارند، شرفصدور یافت، نگارنده برآن شد، تا این خدمت ناچیز را، در اجرای فرمان مطاع

مبارك شاهانه ، در حدامكان ، وبه بهترين وجهى انجام دهد .

ولى برآشنايان به تأليف كتاب بويژه فرهنگ نامه ها پوشيده نيست كه در هيچ زبان وزمانى انجام اين كار از عمده يك نفر ساخته نيست وكسانى كه داوطلب انجام اين كار بزرگ شده اند باوجود صرف عمر ووقت زياد ، بازنتيجه كارآتان خالى از نارسائى ويا اشتباهات ناخودآگاه نبوده است ، چنانچه فرهنگ هاى فارسى گوناگونى كه تا كنون تأليف وبچاپ رسيده است خالى از نقص ونارسائى نيست ، كه خوشبختانه نويسندگان پراچ اينگونه فرهنگ نامه ها با علاقه و تلاش فراوان هر سال برفع كاستى ها و تكميل آنها مى پردازند .

از آنجا كه اين فرهنگ هم در ارتش شاهنشاهى ايران سابقه اى نداشته ، بديهى است كه نخستين گامهاى آن از كاستى ها و نارسائىهاى ناخود آگاه بركنار نيست كه بيگمان با همكارىهاى ارزنده خوانندگان ارجمند و همكاران دانشور و راهنمايىهاى پراچ علاقه مندان به تكميل اينگونه فرهنگ نامه ها كه به نگارنده اعلام ميفرمايند ، اين فرهنگ نظامى هم راه تكامل خود را طى خواهد كرد ودير يا زود فرهنگ جامع و كاملترى

تقدیم پژوهشگران و پاسداران مرز و بوم کشور شاهنشاهی
میگردد .

باشد ، که این اثرناچیز مورد پسند همگان واقع
شده ، و با امید باینکه در چاپهای آینده ، نارسائیمها ،
رساگردد ، از کاستیها و نارسائیمهای آن چشم‌پوشند
و در جهت رفع کاستی‌های آن ، نگارنده راکمک و یاری
نمایند .

سمپید - محمد کاظمی

فرهنگ واژه های نظامی



<p>آ : آ</p> <p>الف - حرف اول الفبای فارسی و عربی و همه جا ساکن است و حرکت قبول نمیکند و اول کلمه واقع نمی شود و هرگاه با همزه ترکیب شود آنرا (آ) مدی گویند و صدای آن کشیده باشد مانند آب .</p> <p>آئین : روش ، کیش ، زیب و وزینت ، آرایش و تشریفات .</p> <p>آئین بستن : جشن گرفتن - چراغانی کردن .</p> <p>آئین دادرسی : اصول و روش محاکمات .</p> <p>آئین داوری : رسم و قاعده قضاوت - قانون قضاوت کردن .</p> <p>آئین نامه : شرح و بیان چگونگی اجرای</p>	<p>قانون و اساسنامه و مانند آن - نظامنامه .</p> <p>آئین نامه فنی : آئین نامه ایست که در آن روش بکار بردن و نگهداری هر نوع وسیله نظامی مشخص شده باشد .</p> <p>آئروسل : (۱) ابری از ذرات جامد یا مایع است که در هوا معلق میباشد مانند : مه و دود و عوامل ش . م - ر (۲)</p> <p>آب : جسمی است مایع ، مرکب از اکسیژن و هیدروژن ، در طبیعت به مقدار زیاد یافت میشود و سه چهارم سطح زمین را فرا گرفته است ، در صد درجه حرارت بجوش می آید و در صفر درجه منجمد میشود .</p>
--	--

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

(۲) شیمیائی ، میکروبی و رادیو آکتیو .

آب آلوده

آب آلوده :

آبی است که دارای باکتریهای بیماری‌زا و مضر باشد .

آب تصفیه شده :

آبی است که اعمال تصفیه در آن انجام شده باشد .

آب تصویب شده :

آبی است که آزمایشهای گوناگون نشان داده است میتوان بدون تصفیه آنرا آشامید .

آب خاکی (آمفی بی) (۱)

واژه‌ای است که ماهیت یک عملیات نظامی را از نظر نوع اجراء تعیین میکند و بدان معنی آمده است که ، این عملیات در آب آغاز و در خشکی پایان می‌پذیرد .

آب خام :

آبی است که در آن هیچگونه عمل فیزیکی یا شیمیایی جهت تصفیه انجام نشده و بطور کلی آبی است که مستقیماً از منابع طبیعی برداشته شده باشد .

آبخور :

محل آب خوردن (آشامیدن) دواب ، سرچشمه و کنار رود

وامثال آن که آنجا آب برگیرند و نوشند .

آبخوری :

نوعی از دهنه است که هنگام آب دادن بردهان اسب میزنند .

آب داده :

شمشیر ، سرنیزه و خنجرو مانند آن که شمشیرسازان آنرا آب داده باشند . گوهردار

آبشخور :

جائی از رود ، نهر و یا حوضچه که از آن آب میتوان برداشت و خورد معمولاً این واژه در مورد آب دادن دواب بکاربرده میشود .

آب شور :

به آبی گفته میشود که مقدار نمکهای محلول در آن بین ۴۰۰ الی ۳۰۰۰۰ میلیگرم در لیتر باشد .

آب شیرین :

به آبی گفته میشود که مقدار نمکهای محلول در آن از ۴۰۰ میلیگرم در لیتر کمتر باشد .

آب مشروب :

آب تصفیه شده‌ای است که از نظر مزه ، بو ، رنگ و فقدان هر

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی .

آب مقطر

آتریاد : (۲)

سازمانی است با استعداد يك
تیپ (واژه روسی)

آتش : (بصورت فرمان نظامی)

فرمانی است که برای انجام
تیراندازی به خدمه جنک افزارها
داده میشود .

آتش افروزهای نظامی :

آتش افروزهای نظامی، مهماتی
هستند که برای ایجاد نور سفید
بمنظور روشنائی و نور رنگی
برای اعلام خبر و مخابره از
آنها استفاده میشود .

آتش ایدائی :

این آتش به منظور برهم زدن
استراحت ، متوقف کردن
حرکت و پائین آوردن سطح
روحیه دشمن اجرا میگردد .

آتشبار :

کوچکترین یگان رزمی در رسته
توپخانه است که همپراز
گروهان پیاده میباشد .

آتش بس : (بصورت فرمان نظامی)

فرمانده برای اینکه خاتمه آتش
را اعلام کند فرمان میدهد :
آتش بس .

نوع آلودگی برای آشامیدن
مطلوب باشد .

آب مقطر :

آبی است که آنرا جوشانده و
تقطیر کرده باشند، در پزشکی و
داروسازی بکار میرود .

آب نمک :

به آبی گفته میشود که مقدار
نمکهای محلول در آن از ۳۰۰۰۰
میلیگرم در لیتر بیشتر باشد .

آبهای سطحی :

به منابع آبی گفته میشود که
سطح آنها با زمین هم سطح
باشد .

آپ : UP (۱)

گلوله گذار تانک به محض
شنیدن نوع مهمات در فرمان
اولیه آتش ، مهمات مورد نظر
فرمانده تانک را داخل لوله
توپ قرار داده و اظهار میدارد:
آپ .

آپارات :

دستگاهی است که میتوان برای
چسباندن لاستیک پنچر شده
اتومبیل از آن استفاده کرد .
عمل چسباندن بوسیله حرارت
حاصله از دستگاه مزبور کامل
میشود .

(۱) واژه آمریکائی - متداول دریگانهای زرهی ارتش شاهنشاهی .

(۲) واژه روسی - متداول در ارتش شاهنشاهی در زمان گذشته .

آتش پوششی

آتش پوششی :

آتشی است که بمنظور حفاظت عده های مأمور تازش، هنگامی که در برد جنگ افزارهای کالیبر کوچک دشمن قرار گرفته اند اجرا میگردد .

آتش پهلویی :

آتشی است که از پهلو به سمت هدف اجرا میشود .

آتش ترادفی :

هرگاه قطر بزرگ منطقه زده شده با قطر بزرگ هدف بر روی یکدیگر قرار گیرند آتش ترادفی انجام میشود . این نوع آتش ممکن است ، جبهه ای یا پهلویی بوده و بهترین نوع تیراندازی به هدف میباشد زیرا حداکثر سطح منطقه هدف، زده میشود .

آتش تراش (تیر تراش) :

آتشی است که در آن خط سیر گلوله تقریباً با زمین، موازی بوده و بلندترین ارتفاع خط سیر گلوله از سطح زمین، کمتر از قامت یک انسان متوسط باشد.

آتش تمپه :

عبارتست از توده ای از آتشیهای پیش بینی شده که طبق یک

برنامه زمانی و بمنظور يك تك اجراء میشود .

آتش جبهه ای :

آتشی است که از روبرو نسبت به هدف اجراء میشود .

آتش زا :

به مهمات ، خمپاره و بمب هائی گفته میشود که هنگام پرتاب و انفجار در سطح هدف مواد قابل اشتعال پراکنده میسازد و تمامی هدف را به آتش میکشد.

آتش زنه :

وسیله ایست که در اثر اصطکاک جرقه زده و فتیله باروتی را در هر نوع شرایط جوی و حتی در زیر آب آتش میزند .

آتش ضد آتشبار :

عبارتست از اجراء آتش روی خمپاره اندازها، توپها، موشکها و مواضع پرتاب آنها .

آتش ضد تمپه :

عبارتست از توده ای از آتش-های پیش بینی شده روی دشمن وقتیکه تك قریب الوقوع او کشف شده باشد .

آتش مایل :

هنگامیکه قطر بزرگ منطقه زده شده نسبت به قطر بزرگ هدف، مایل باشد .

آتش مهمانعی

آتش روی هدفهای ناکهانی و اجرای آتش بمنظور پوشش حرکات و حفاظت عده‌های موجود در مواضع را شامل میشود.

آتشهای پدافندی دور :

آتشهای هستند که بمنظور درگیر کردن دشمن از هرچه دورتر بمنظور وارد کردن تلفات، به تأخیر انداختن پیشروی و برهم زدن سازمان دشمن طرحریزی و اجراء میگردد.

آتشهای پدافندی نزدیک :

آتشهای هستند که بمنظور بر هم زدن آرایش و سازمان نیروی تک‌کننده دشمن قبل از اجرای هجوم با وارد کردن حد اکثر تلفات، از هم گسیختن کنترل، فرماندهی، مخابرات، جلو - گیری از دیده‌بانی و خنثی کردن آتشهای پشتیبانی دشمن طرحریزی و اجراء میگردد.

آتشهای داخل منطقه نبرد :

این آتشها بمنظور محدود کردن رخنه، از بین بردن نیروهای دشمن در داخل رخنه و پشتیبانی از طرح پاتک نیروهای خودی طرحریزی و اجراء میشوند.

آتش مهمانعی :

آتشی است که بمنظور جلو-گیری از استفاده آزادانه دشمن از یک منطقه یا یک نقطه اجراء میگردد.

آتش و حرکت :

روش یا فنی است از تک که در آن، نیروی مانور کننده بدو قسمت تقسیم شده و هر قسمت متناوباً پیشروی قسمت دیگر را با آتش می‌پوشاند. هنگام هجوم هر دو قسمت بهم می‌پیوندند.

آتش و مانور :

روش یا فنی است از تک که در آن، نیروی مانور کننده پیشروی خود را تحت پوشش آتش عنصر دیگری بنام مبداء آتش اجرا مینماید. هنگام هجوم نیروی مانور و مبداء آتش بیکدیگر نمی‌پیوندند.

آتشهای بنا بدرخواست :

عبارتند از آتشهای طرحریزی شده‌ای که احتیاج به آنها از قبل پیش‌بینی گردیده و بموقع درخواست میشوند.

آتشهای پیش از تهیه :

معمولاً تنظیم تیرها، اجراء

آتشهای طبق برنامه ساعتی :

آتشهای پیش بینی شده‌ای هستند که بمنظور پشتیبانی از عملیات نیروی پشتیبانی شونده در زمان معین و با حجم معین اجراء میشوند .

آتش هجومی :

آتشی است که نیروهای تک کننده به هنگام هجوم و رزم نزدیک اجراء میکنند . این آتشها معمولا در حالت ایستاده بانواختی معلوم اجراء میشوند .

آتلیه :

تعمیرگاه متحرکی است که برای تعمیرات صحرائی خودروها و دیگر وسائل بکار میرود .

آج :

زدن قشر سیاه رنگی بر سطح خارجی جنگ افزارها، بمنظور جلوگیری از زنگ زدگی آنها در برابر رطوبت .

آجودان :

افسری است در خدمت فرماندهان (معمولا فرماندهان تیپ به بالا) .

آجودانی گل :

عبارتست از بخشی از ستاد

تخصصی که مجری طرحهای پرسنلی (طرحریزی شده به- وسیله رکن یکم) میباشد .

آچار :

این واژه ترکی است بمعنی کلید، افزارهای فلزی که با آن پیچها و مهره‌های ماشین و دیگر دستگاهها را باز و بسته کنند .

آخرین آتشهای حفاظتی :

عبارتند از سدهای آتش پیش-بینی شده‌ای که بمنظور حفاظت نیروها، تأسیسات خودی در طول خطوط پدافندی روی دشمن اجراء میگردد .

آخرین خط هماهنگی :

آخرین خط خیزی است که برای هماهنگی و بلند کردن و انتقال آتشهای پشتیبانی و آخرین هماهنگی یگانهای رده تک کننده پیش از انجام هجوم بکار میرود .

آخور :

جائی که چهارپایان (الاغ - اسب و قاطر) در آن علیق خود را میخورند .

آدرس رمز (آرمز) :

پیامی که فقط آدرس کامل آن در متن پیام رمز شده است .

آدرس کشف (آك)

متفاوت که در آناریکه از انگستان دستها گرفته میشود بچشم میخورد .

آرشیو :

بایگانی - جائی که اسناد و مدارك ادارات مولتی یا سازمانهای بخش خصوصی در آن نگهداری میشود .

آرم :

علامت و نشان ویژه يك یگان نظامی یا يك اداره یا يك سازمان .

آرمیچر :

قسمت سیم پیچی یا هسته آهنی درون مولد یا موتور الکتریکی که داخل بالشتك میچرخد .

آزمایش تکمیلی بدن :

عبارتست از آزمایشهای لازم بمنظور بررسی و تشخیص اختلالات بدنی بخشهایی از بدن که مورد نیاز پزشك باشد (این آزمایشها ممکن است فیزیکی، شیمیائی، فیزیو- لوزیکی و بیولوژیکی باشند).

آزمایش جار :

آزمایشی است که بمنظور تعیین مقدار مواد مورد نیاز (آلوم و سوداش) جهت انعقاد

آدرس کشف (آك) :

آدرسی است که در نوشتن آن ازكد یا رمز استفاده نشده باشد .

آذوقه :

خواروبار و مایحتاج خوراکی برای ادامه زندگی .

آرایش : (در اصطلاح نظامی)

۱- بکار بردن کلیه وسائل و امکانات و استفاده از عناصر و عوامل موجود در طبیعت و یا بطور مصنوعی به منظور تقویت مواضع پدافندی .

۲- معنی دیگر این واژه عبارتست از صورت بندی و یا گسترش مناسب با وضعیت یگانهای پیاده ، زرهی و مکانیزه در منطقه عملیات و در هوا برای هواپیما های نظامی و جنگنده ها و در آب برای رزم ناوها و کشتی های جنگی

آرایش زمین :

عبارتست از مستحکم کردن يك موضع پدافندی بوسیله ساختن استحکامات صحرائی و انجام استتار .

Arch :

در انگشت نگاری خطوطی است بشکل قوسهایی به شعاعهای

آزمایش کلی بدن

ورسوب مواد معلق در آب انجام میشود .

آزمایش کلی بدن :

عبارتست از معاینه کلی اعضاء و دستگاههای بدن .

آزمایشگاه پزشکی ارتش :

یگانی است متحرك یا ثابت که بیدرتک در اختیار و دسترس مقامات مربوطه قرار گرفته و در آنجا ابزارهایی برای شناسائی بیماریهای واگیردار و تحقیقات پزشکی، فیزیو-لوژیکی، بیولوژیکی وجود دارد.

آزمیهوت (گرا) :

زاویه افقی است بین يك امتداد و یکی از شمالها در جهت عقربه‌های ساعت .
(مبنای اندازه گیری ، یکی از شمالها) چون سه نوع شمال وجود دارد بنابراین سه نوع آزیموت نیز موجود است (جغرافیائی - مغناطیسی - شبکه) .

آزیر :

۱- باهوش، محتاط ، پرهیز-گار، زیرک ، هوشمند.

۲- در کاربرد نظامی واژه‌ای است بمنظور آگاه ساختن وهوشیار کردن .

آسایشگاه نظامی

محل استراحت - جائیکه سربازان در آنجا استراحت کرده و میخوابند .

آستانه :

تیری است که در قسمت پائین پایه‌های پلهای نظامی بطور افقی بکار میرود .

آسترگشی :

عبارتست از داخل کردن يك لوله بداخل لوله دیگر برای افزایش عمر لوله .

آسفالت شکن :

دستگاهی است که برای تخریب آسفالت بکار میرود و به شیلنگ هوای کمپرسور متصل شده و از انرژی این هوای فشرده شده برای بکار انداختن دستگاه ، استفاده میشود .

آسیب پذیری :

میزان حساسیت يك نیرو را نسبت به عمل دشمن آسیب پذیری گویند .

آسیب دیده در جنگ :

هر شخصی که هنگام جنگ کشته، زخمی، گم یا اسیر و زندانی شده باشد ، یادرائر

آسیب دیده دور از جنگ

تیربارها می باشد (مثل آشیانه تیربار سنگین، آشیانه هواپیما).

آفتامات :

وسیله ای است که جریان برق حاصله از مولد الکتریکی را از نظرولتاژ و آمپراژ برای مصرف کننده ها تنظیم نموده و از جریان معکوس برق از طرف باتری بسوی مولد جلوگیری میکند .

آفندی :

حالت يك نیروی تك کننده را آفندی میگویند .

آلترناتور: Alternator (۱)

دستگاهی است که برق متناوب تولید میکند .

الحاق :

- ۱- پیوسته، وابسته، متصل به چیزی یا کسی .
- ۲- کاربرد نظامی این واژه در در عملیات هوابرد است که یگان هوابرد بعد از پرتاب در منطقه سرپل بایستی با يك یگان دیگر (از نظر استعداد متناسب با وضعیت زمین و دشمن و نیروهای خودی) از راه زمین عمل الحاق انجام دهد یا بعبارت

زخمهایی که هنگام جنگ یا بازگشت از نبرد دیده است، بمیرد .

آسیب دیده دور از جنگ :

اشخاصی که از آسیب دیدگان میدان رزم نبوده، در میگذرند، و یا گم میشوند و محل آنها ناشناخته است .

آشپزخانه :

جای پختن غذا و خوراک .

آشپزخانه صحرائی :

دستگاهی است چرخدار که بوسیله يك خودرو کشیده میشود و دارای کلیه امکانات تولید حرارت و دیگهای متعدد با اندازه های مختلف میباشد که در حین حرکت، توقف، هنگام عملیات و اردوگاهها میتوان برای پختن غذا و خوراک از آن استفاده نمود .

آشپزخانه متحرك :

به معنی آشپزخانه صحرائی مراجعه شود .

آشیانه :

- ۱- لانه - لانه پرندگان - خانه - مسکن
- ۲- در کاربرد نظامی آشیانه بمعنی محل توقف هواپیما و هلیکوپتر و همچنین موضع

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

الکتروتراپی :

دیگر به یگان دیگری برای ادامه انجام مأموریت بیونند .

الکتروتراپی :

معالجه امراض با جریان برق.

آلودگی :

آلوده بودن اشیاء و اشخاص و مناطق بعوامل هسته ای ، شیمیائی و میکروبی.

آلوم :

نام اختصاری سولفات آلومینیوم است .

آماج :

۱- توده خاک که نشانه تیر و یا هدف را روی آن قرار میدهند (آماج گاه)
۲- نشانه - نشان - هدف .

آماد :

به کلیه مواد خام و مصنوعات که توسط ارتش تهیه و برای تجهیز ، نگهداری و مداوم نگهداشتن عملیات رزمی و اداری در اختیار مصرف کنندگان (یگانها) قرار میگیرد اطلاق میشود، مانند خواربار، پوشاک ساز و برگ، سوخت و لوازم متفرقه .

آماد برنامه ریزی شده :

سیستمی است که از طریق آن آمادکننده مقدار اقلامی را که مصرف کننده لازم دارد حساب میکند و بدون درخواست روی برنامه ای که با مصرف کننده هم آهنگ کرده است، برای او ارسال میدارد. این برنامه را میتوان هر موقع که مصرف کننده اطلاع دهد اصلاح کرد و یا تغییر داد. آماد برنامه ریزی شده را میتوان در مورد آماده های اصلی برای انجام مأموریت و نیازمندیهایی که بطور منطقی قابل پیش بینی هستندند اجراء کرد .

آماد طبقه ۱ :

جیره وعلیق (مواد خوراکی روزانه افراد و دواب).
طبقات جزء آن عبارتند از:
A- اغذیه ای که در حین پرواز به پرسنل داده میشود .
R- جیره های منجمد
S- جیره های غیر منجمد، بجز جیره عملیاتی .
C- جیره عملیاتی .

آماد طبقه ۲ :

اقلام غیر عمده جداول سازمان و جداول توزیع مانند: پوشاک،

آماد طبقه ۳

والکترونیکی و وسائل عکاسی.
K - اقلام جزء همراه خودروها،
تریلرها و موتورسیکلتها،
تانکها، نفربرها، توپهای خود
کششی، خودروهای جمع آوری
و غیره .

L - اقلام جزء موشکهای
هدایت شونده و سفینه های
فضائی .

M - اقلام جزء جنگ افزارها .

Q - اقلام جزء موتورها و
توربینها، وسائل و ماشین
آلات نجاری، وسائل تجارتنی،
وسائل و ماشین کشاورزی ،
وسائل آزمایشگاهی، ماشین
آلات فلزکاری، وسائل و ابزار
تعمیر و نگهداری و وسائل
طبخ و سرویس غذا .

P - اقلام جزء وسائل الکترو-
نیکی مورد نیاز سازمانهای
امنیتی ارتش .

U - اقلام جزء وسائل ارتباطی
مورد نیاز سازمانهای امنیتی
ارتش .

T - اقلام صنعتی مانند
بلبرینگها ، فلزات و وسائل
ساینده و غیره .

X - وسائل جزء اقلام شیمیائی
مانند وسائل جزء ماسکهای

تجهیزات انفرادی چادرها ،
دست ابزارهای سازمانی ،
کیفهای ابزار آلات، وسائل
و آمادهای اداری و زیستی .
طبقات جزء آن عبارتند از :

A - تجهیزات هوائی و وسائلی
که جهت فرود هواپیما استفاده
میشود.

B - وسائل و تجهیزات جزء
که در ساختمانها و تأسیسات
از آنها استفاده میشود مانند
شیرهای آب، نردبانها، سیمها
و وسائل تقسیم برق، سر -
پیچها و لامپها، زنگهای اخبار
و افافها .

E - اثاثیه و لوازم اداری ،
وسائل موسیقی، فتوگرافها،
رادیوها، وسائل تفریحی و
ورزشی، وسائل نظافت ، -
کارتنها و وسائل بسته بندی،
محصولات شیمیائی، کتابها و
سایر نشریات، برسها، رنگها،
چسبها و مواد چسبنده

F - لوازم خانگی و وسائل
بازرگانی ، منسوجات، چرم،
پوست، واکس، چادر، پرچم،
ملبوس، تجهیزات انفرادی و
متفرقه .

G - اقلام جزء وسائل ارتباطی،
وسائل کشف، وسائل الکترونیکی

ضدگاز، وسائل رفع آلودگی و عوامل دودزا .

آماد طبقه ۳ :

مواد نفتی شامل : بنزین ، روغن، نفت، گریس، روغنهای عایق کاری و هیدرولیکی ، روغنهای ضد زنگ، گازهای مایع فشرده، فرآوردهای حجیم شیمیائی ، خنک کننده‌ها، ضد یخ و محصولات شبیه آنها ، ذغال سنگ و ذغال .
طبقات جزء آن عبارتند از :

A - مواد نفتی و مواد شیمیائی مورد مصرف در هواپیماها .
H - مواد نفتی عمده که در داخل تانکرها و نفتکش‌ها حمل میشوند .

V - مواد نفتی که در داخل ظروف ۲۰۰۰ لیتری و کمتر حمل میشوند .

J - روغن، گریس، مایعات هیدرولیکی و غیره .

W - سوخت جامد مانند ذغال و ذغال سنگ .

آماد طبقه ۴ :

مصالح ساختمانی و مصالح استحکامات و سدها و موانع و وسائل نصب مصالح و راکتورهای اتمی .

آماد طبقه ۵ :

مهمات از هر نوع، میکربی ، شیمیائی ، رادیولوژیکی ، مهمات جنگ افزارهای ویژه ، بمبها، مواد منفجره و محترقه، مینها، چاشنیها، ماسوره‌ها، خمپاره‌ها، راکت‌ها، هدایت-شونده‌ها، موشکها و غیره .
طبقات جزء آن عبارتند از :
A - مهمات مورد مصرف در هواپیماها و سیستم جنگ - افزارهای هوائی .

W - مهمات شیمیائی، دودانگیز و منور .

N - مهمات هسته‌ای .

V - مهمات بیولوژیکی .

Z - مهمات شیمیائی سمی .

آماد طبقه ۶ :

احتیاجات شخصی مانند سیگار، آدامس، واکس، نشان البسه غیر نظامی و غیره .

آماد طبقه ۷ :

اقلام عمده سازمانی مانند تانکها، خودروها، هواپیماها، ناوها، تعمیرگاههای سیار ، بیسیمها ، وسائل و وسائط مهندسی و غیره .

طبقات جزء آن عبارتند از :
A - هواپیماها و هلیکوپترها .

آماد طبقه ۸

سلاحهای پدافند هوایی انفرادی
و غیره .

N - جنگ افزارهای مخصوص .
O - ناوها و وسائل ناوبری ،
وسائل راه آهن ، موتورها و
توربین ها .

P - وسائل الکترونیکی مورد
نیاز سازمانهای امنیتی ارتش .

U - وسائل ارتباطی مورد نیاز
سازمانهای امنیتی ارتش .

Z - وسائل شیمیائی مانند
ماسکهای ضدگاز ، وسائل
رفع آلودگی و وسائل دودزا .

آماد طبقه ۸ :

اقلام بهداری (پزشکی و
دندانپزشکی و دامپزشکی) و
قطعات یدکی مربوطه .

آماد طبقه ۹ :

قطعات یدکی منهای قطعات
یدکی بهداری .

طبقات جزء آن عبارتند از :

A - قطعات یدکی وسائل و
تجهیزات هوایی .

B - قطعات یدکی طبقه جزء **B**
طبقات ۲ و ۷ .

D - قطعات یدکی خودروهای
اداری .

E - قطعات یدکی طبقه جزء **E**
طبقه ۲ .

B - وسائل عمده ای که در
تاسیسات و ساختمانها از
آنها استفاده میشود و یا به
منظور ایجاد تاسیسات بکار
میروند مانند تراکتورها ،
دستگاههای تهویه هوا ،
یخچالها ، مولدهای برق و
غیره .

D - خودروهای اداری از جمله
خودروهای سرویس عمومی و
خودروهای تجارتي که در
خودروگاههای اداری موجود
بوده و مورد استفاده قرار
میگیرند .

G - وسائل مخابراتی و
الکترونیکی مانند دستگاههای
بیسیم ، دستگاههای تلفن ،
دستگاههای تله تایپ ، وسائل
عکسبرداری ، دستگاههای
رادار و غیره .

K - خودروهای تاکتیکی مانند
تانکها ، نفربرهای زرهی ،
توپهای خودکششی ، تراکتورها
کامیونها ، تریلیها و غیره .

L - موشکهای هدایت شونده
و سفینههای فضائی .

M - جنگ افزارها شامل
جنگ افزارهای کالیبر کوچک ،
توپها ، وسائل کنترل آتش ،
موشک اندازهها ، تیربارها ،

است که مسئول انجام يك يا چند امر از امور دریافت ، تفكيك ، طبقه بندی ، انبار کردن ، توزیع ، نگهداری و بازیافتی آماد میباشد و یا تاسیسات و یا محلی که آنچه برای ارتش لازم است از خواروبار و پوشاك و وسائل و امثال آنها در آنجا متمرکز و برای توزیع آماده میگردد .

آمادگاه ثابت بهداری :

محل معینی است که برای مدت زمان طولانی ابزارهای پزشکی در آنجا گردآوری میشوند .

آمادگی :

ساختگی ، آراستگی ، آماده و مهیا بودن .

آمادگی رزمی :

آماده بودن يك يگان رزمی برای قبول رزم در هر شرایطی (این آمادگی شامل پرسنل ، وسائل ، تجهیزات و دیگر موارد لازم میباشد) .

آمادگی نظامی بیماران :

آماده کردن افراد غیر فعال برای خدمات نظامی مانند بیماران بستری و غیره .

آماد مهمات ویژه :

شامل مهمات هسته ای ، شیمیائی و میکروبی .

F - قطعات یدکی طبقه جزء F طبقه ۲ .

G - قطعات یدکی طبقه جزء G طبقات ۲ و ۷ .

K - قطعات یدکی طبقه جزء K طبقات ۲ و ۷ .

L - قطعات یدکی طبقه جزء L طبقات ۲ و ۷ .

M - قطعات یدکی طبقه جزء M طبقات ۲ و ۷ .

N - قطعات یدکی طبقه جزء N طبقه ۷ .

Q - قطعات یدکی طبقه جزء Q طبقات ۲ و ۷ .

P - قطعات یدکی طبقه جزء P طبقات ۲ و ۷ .

U - قطعات یدکی طبقه جزء U طبقات ۲ و ۷ .

T - قطعات یدکی طبقه جزء T طبقه ۲ .

Z - قطعات یدکی طبقه جزء Z طبقات ۲ و ۷ .

آماد طبقه ۱۰ :

وسائلی که برای پشتیبانی برنامه های غیرنظامی بکار میرود مانند وسائل توسعه کشاورزی و اقتصادی که در طبقات ۱ تا ۹ منظور نشده اند.

آمادگاه :

عبارتست از تاسیسات آمادی

آمادگی

عملیات آفندی یا پدافندی .

آمار :

عبارتست از سیاهه و فهرستی از دارائی و یا وضعیت پرسنلی يك قسمت .

آمار بیماران :

بیمارانی که نام آنها در سیاهه يك مرکز پزشکی ثبت شده باشد خواه حاضر باشند و خواه در حال نهستی .

آمار تخصصی نظامی :

آماريست که پرسنل موجود يگان را در تخصص نظامی نشان میدهد و معمولا هر سه ماه یکبار تهیه میگردد .

آمار سازمانی :

آماري است که تعداد پرسنل يگان را طبق جداول سازمانی مصوبه نشان میدهد .

آمار سازمانی و موجودی نمونه ۲ :

آماري است که پرسنل سازمانی و موجودی يگان را در هر يك از درجات نشان میدهد و معمولا بطور ماهانه تهیه میشود .

آمارگر :

۱- کسی که مأمور انجام دادن کارهای آمار است .
۲- تهیه و تنظیم کننده آمار .

آمادگی :

آماده ساختن ، مهیا کردن ، فراهم کردن ، آماده شدن ، مهیا شدن .

آمادگی آب :

سلسله اقداماتی است که آب مورد نیاز یگانها را در شرایط مختلف رزم با رعایت اصول بهداشت ، بحد کافی تأمین و توزیع میکند .

آماده :

مهیا ساخته ، تهیه شده ، حاضر شده .

آمادهای موجود :

آمادهای موجود شامل آماديست که در انبارها موجود بوده و یا با پول موجود بتوان مقداری را خریداری کرد و یا تعهداتی را که قطعی نشده است به مرحله قطعی رسانیده، اجناس را از متعهد گرفته و طلب او را واریز نمود .

آمادهای همراه :

آمادهائی است که در عملیات هوایرد بوسیله یگانها به منطقه هدف حمل میشوند .

آماده باش :

آگاهی از يك تهدید یا خطر و آمادگی برای اجرای هر نوع

آمار موجودی نمونه ۴

آمار موجودی نمونه ۴ :

آماری است که پرسنل موجود یگان را در درجات مختلف نشان میدهد و معمولا بطور ماهانه تهیه میشود .

آمار موجودی نمونه ۴ رسته‌ای :

آماری است که پرسنل موجود یگانهای مختلف را با در نظر گرفتن درجه و رسته مشخص میکند .

آمار نمونه ۱ روزانه :

آماری است که استعداد و وضع خدمتی پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی را در هر روز نشان میدهد .

آمبولانس :

اتومبیل ویژه برای حمل بیماران و مجروحین و مجهز بکلیه وسائل ایمنی کمکهای اولیه برای نجات بیمار تا رسیدن به بیمارستان ثابت و با سایر وسائل لازم مانند بوق، آژیر و چراغهای چشمک‌زن

آمپر :

واحد شدت جریان برق میباشد.

آمپر دور :

حاصل ضرب جریانی که از

سیم‌پیچ می‌گذرد در تعداد حلقه‌های سیم .

آمپر ساعت :

عبارتست از جریان يك آمپر در يك ساعت .

آمپرسنج : (آمپر متر)

وسیله‌ای است برای تعیین میزان قوه جریان برق .

آمفی‌بی : (آب خاکی) (۱)

به معنی واژه آب خاکی مراجعه شود .

آموزش انفرادی :

کلیه آموزشهای لازمی است که يك فرد نظامی بایستی با توجه به تغییرات و پیشرفت- های فنون نظامی فراگیرد .

آموزش حین خدمت :

يك برنامه طرح‌ریزی شده میباشد که بمنظور بالا بردن سطح مهارت و شایستگی پرسنل ضمن انجام خدمت معمولی آنها اجراء میشود .

آموزش رزم انفرادی :

کلیه آموزشهایی است که يك فرد نظامی برای حفظ جان خود در رزم بایستی فراگیرد .

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

آموزش رزم شبانه

جدا در جهات مختلف قرار میگیرند و در نتیجه برآیند آنها صفر است در صورتیکه در اجسام مغناطیسی مغناطیس های مولکولی به یک سو متوجه بوده و از این رو دارای خاصیت جاذبه یا دافعه مغناطیسی میباشند .

آهنگ :

۱- قصد ، عزم ، اراده ، عزیمت ، روش ، آواز ، لحن و نیز بمعنی وزن یا ملودی آواز یا موزونی آواز میباشد .
۲- در کاربرد نظامی واژه ای است به منظور تعیین سرعت یک یگان پیاده یا ترابری و یا مکانیزه در یک ساعت، یا در یک دوره زمانی معین بر حسب کیلومتر در ساعت و یا مایل در ساعت بیان میگردد و شامل توقفها و تأخیرها در راه پیمائی میباشد .

آهنگ حرکت: (یا آهنگ راه پیمائی)

متوسط مسافت طی شده در یک دوره زمانی معین شامل توقفها و تأخیرها در راه پیمائی که بر حسب کیلومتر در ساعت یا مایل در ساعت بیان میگردد .

آهنگ دار :

شخصی که برای کنترل سرعت حرکات کاروان در اولین خودرو ستون سوار شده است .

آموزش رزم شبانه :

این آموزش شامل آشنائی پرسنل به عملیات در شب و محدودیت های ناشی از تاریکی شب در رزم از کلیه جهات (حرکت در شب - سمت یابی در شب - رزم شبانه و تیر - اندازه های شبانه) میباشد .

آموزشگاه :

محل آموختن و درس دادن علم و هنر و دانش .

آموزش یگانی :

کلیه آموزشهای لازمی است (برابر برنامه) که یک یگان متشکل نظامی به منظور کسب آمادگی رزمی بایستی در آن شرکت نماید و آنها را فراگیرد .

آنتن دایبل :

آنتنی است که معمولا طول آن نصف طول موج فرکانس کار است

آنتن دوتائی :

رجوع کنید به دوتائی .

آهن ربائی :

خاصیت جذب آهن که در بعضی اجسام طبیعی یا در سیم پیچی که جریان الکتریسته از آن عبور میکند وجود دارد . این خاصیت در اجسام غیر مغناطیس نیز وجود دارد منتها در این اجسام مغناطیسیهای الکتریکی مولکولی هر یک جدا

فرهنگ واژه‌های نظامی

الف

الف :

۱- (همزه) حرف اول الفبای فارسی و عربی همزه‌ای است که در آغاز کلمه درمیآید و بدو صورت می‌باشد ، همزه اصلی یا همزه وصلی .
همزه اصلی جزء اصلی کلمه بوده و حذف آن غیرممکن است مانند انجام - اندام .
همزه وصلی آنست که چنانچه حذف شود در معنی کلمه تغییری حاصل نمی‌شود مانند افتادن فتادن .

ابلاغ :

در کاربرد نظامی یعنی آگاه ساختن سازمان ، یگان، مقام و یا شخص مورد نظر از صدور يك امر یا يك دستور (ممکن است این آگاهی بصورت شفاهی یا کتبی انجام شود) .

ابوابجمع :

در کاربرد نظامی این واژه ، به نظامیان، کارمندان و کارکنان يك سازمان ، يك قسمت و یا يك یگان گفته میشود .

ابوابجمعی :

در کاربرد نظامی این واژه به نظامیان، کارمندان و کارکنانی گفته میشود که تحت تابعیت سازمانی و یا غیرسازمانی (مأمور) يك رئیس یا يك فرمانده در يك سازمان ، يك قسمت و یا يك یگان نظامی انجام وظیفه و یا خدمت نمایند .

اپتیک : Optic (۱)

رشته‌ای از علم فیزیک است که در مورد حالت طبیعی و قوانین نور و دید بحث میکند.

اپتیکهای پوشش‌دار :

عدسی‌های چشمی ، منشورها

(۱) - واژه بیگانه که در ارتش شاهنشاهی متداول است.

اتصال کوتاه

گلوله کوتاه در امتداد خط هدف بدست می‌آید. این کار بانصف کردن مسافت بین محل های اصابت مذکور تکرار میشود تا گلوله به هدف اصابت نماید.

احاطه دو طرفه :

حالتی ازمانور احاطه‌ای است که در آن نیروهای تک‌ور ، مواضع اصلی پدافندی دشمن را از طرفین مورد تهدید قرار میدهند .

احاطه قائم :

هنگامیکه نیروی تک اصلی با احاطه از راه هوا در پشت مواضع اصلی پدافندی دشمن پیاده شود، احاطه قائم انجام میشود .

احترام گذاشتن :

۱- احترام کردن بر چیزی یا کسی .
۲- سلام نظامی .

احتیاجات رادیوتی .

عبارتست از کلیه وسائل مخابراتی بیسیم که مورد نیاز یک یگان میباشد .

احتیاط :

۱- قسمتی از یک نیرو که در آغاز عملیات در عقب یادور

و غیره که بمنظور تقلیل انکسار سطحی نور بوسیله محافظی پوشیده باشد . باین ترتیب راندمان بصری بیشتری بدست می‌آید .

اتصال کوتاه :

کوتاه شدن مسیر عبور جریان الکتریکی بعلت وجود اتصالی در مدار .

اتكاء :

تکیه کردن، تکیه داشتن، پشت دادن تکیه کردن بر چیزی .

اتم :

کوچکترین ذره از هر عنصر ساده که میتواند در فعل و انفعالات شیمیائی وارد شود.

اتمسفیر :

بمعنای دنیای بخار و عبارت از طبقه هوائی است که گرداگرد زمین را فرا گرفته است.

اجراء :

در کاربرد نظامی انجام دادن صحیح يك کار یا يك دستور بطوریکه مطلوب نظر فرمانده صادرکننده دستور قرار گیرد.

احاطه هدف :

روشی است در تنظیم تیر که با اصابت يك گلوله گذار و يك

یگان احتیاط و زیر پرچم منتسب شده باشند و یا آنکه به عنوان پرسنل پرکننده ، رها کننده ، اضافات زمان جنگ و یا جایگزین انتخاب و آموزش داده شوند .

احتیاط غیرفعال :

به پرسنل احتیاطی اطلاق میگردد که مازاد بر نیازمندیهای نیروها بوده و واجد شرایط احتیاط فعال نباشند .

اخبار :

آنچه که درباره جو ، زمین و دشمن بدست آمده ولی درستی یا نادرستی آنها هنوز بطور قطع روشن نشده باشد .

اخبار مربوط به رمز :

اخباری است که درباره مسائل مربوط به رمز میباشد ولی از نظر حفاظتی بحد کافی گویای فنون ، روشها ، سیستم یا تجهیزاتی که تحت عنوان اطلاعات رمزی بیان شده نیست .

اختفاء :

عبارتست ازحفاظت در برابر دید دشمن . اختفاء ممکن است طبیعی یا مصنوعی باشد .

از تماس با دشمن نگهداری میشود .

۲- یعنی باحزم و تدبیر کار کردن، عاقبت اندیشی و با استواری کاری را انجام دادن .

۳- بعبارت دیگر واژه ای است در نیروهای مسلح شاهنشاهی برای نگهداری و دسترسی به نیروهای انسانی کافی در کشور برای زمان جنگ، پس از انجام خدمت زیر پرچم .

احتیاط جایگزین (تقویت کننده)

به آن عده از پرسنل احتیاط فعال اطلاق میشود که در زمان صلح بمنظور جایگزین نمودن ضایعات و تلفات زمان جنگ یگانها انتخاب و آموزش داده میشوند .

احتیاط شناور :

در يك عملیات آبخاکی احتیاط شناور عده ای هستند که تا هنگام لزوم ، سوار بر کشتی باقی میمانند .

احتیاط فعال :

به پرسنل احتیاطی اطلاق میشود که برابر نیازمندیهای نیروها از زمان صلح به يك

اختلاف ارتفاع

ادونس یا آوانس (بیش برق)

عبارتست از جرقه زدن شمع در سرپیستون قبل از تراکم کامل مخلوط هوا و بنزین یا بعبارت دیگر جرقه زدن پیش از رسیدن پیستون (در زمان سوم) به نقطه مرگ بالا.

ارتباط :

برقراری تماس بین يك شخص یا مکان با شخص یا مکان دیگر.

ارتباطات الکترونیکی :

به ارتباطی گفته میشود که توسط وسایل الکترونیکی انجام پذیرد .

ارتباط جانبی :

عبارتست از ارتباط بین دو یگان مجاور در يك خط ارتباطی .

ارتباط مخابرات :

عبارتست از مجموعه روشها و سیستمهایی که برای ارسال هر نوع پیام از يك شخص یا محل بشخص یا محل دیگر مورد استفاده قرار میگیرد (اعم از اینکه متن آن پیام بصورت کشف یا رمز باشد)، باستثنای مذاکرات مستقیم و پیامهایی که بوسیله مؤسسات پستی غیرنظامی فرستاده میشوند .

اختلاف ارتفاع :

اختلاف ارتفاع در توپخانه عبارتست از اختلاف ارتفاعی که بین دو نقطه وجود دارد مانند اختلاف بین موضع وهدف.

اخراج :

۱- بیرون کردن، بیرون کشیدن بیرون آوردن .

۲- بیرون کردن کارمند بعلت تخلف و تمرد از مقررات سازمان و یا از خدمت

اخراجات :

۱- اقدامات مربوط به بیرون بردن زخمیها از میدان نبرد و در صورت لزوم حرکت دادن آنها در سلسله مراتب تخلیه .

۲- تخلیه پرسنل ، حیوانات و وسائل از يك محل معین .

۳- اقدامات کنترولی در جمع-آوری، طبقه بندی و بارگیری و وسائل غیر مفید و یا جا مانده خودی و بیگانه بمنظور احیاء، تعمیر، کسب اطلاعات فنی و یا مصرف مجدد .

اخطار :

اولین جزء فرمان اولیه آتش میباشد. خدمه را از وجود هدفی که باید با آن درگیری حاصل نمایند آگاه میسازد .

ارتباط مستقیم

ارتباط مستقیم :

ارتباطی است که مستقیماً بین فرستنده و گیرنده بدون وجود پست واسطه برقرار میشود .

ارتش :

بمعنی اعم عبارتست از نیروهای نظامی يك کشور (اعم از زمینی دریائی - هوائی).

ارتشبد :

عالی ترین درجه نظامی در نیروهای مسلح شاهنشاهی است و يك درجه از سپهبدی بالاتر و علامت مشخصه آن (يك تاج و چهار ستاره پنج پرزرد رنگ) روی هریك از سردوشی ها نصب میشود .

ارتفاع :

واژه ای است متداول برای تعیین فاصله رأس يك قله و یا موقعیت يك وسیله هوائی در آسمان تا سطح افق (و یا سطح دریاهاى آزاد)

ارجحیت :

درجه تقدیمی است که برای يك پیام بوسیله صادر کننده آن تعیین میشود اختصاص ارجحیت برای تعیین نکات زیر است :

۱- از لحاظ مقام فرستنده ، در نظر گرفتن سرعت مورد لزوم برای تسلیم پیام به گیرنده .

۲- از لحاظ عوامل مخابراتی در نظر گرفتن ترتیب نسبی مبادله و تسلیم پیام .

۳- از لحاظ گیرنده، در نظر گرفتن ترتیب نسبی برای توجه به پیام .

ارد : ORD

مخفف کلمه اردنانس میباشد و کاتالوگهای اردنانس را باین نام مینامند. عبارت دیگر کتابی است که از روی آن شماره اس. ان. ال S. N. L و سهمیه مجاز قطعات یدکی تعیین میشود.

ارد ۷ :

برای تعیین سهمیه مجاز قطعات یدکی و تعمیرى در سطح رده های ۱ و ۲ (نگهداری سازمانی) بکار میرود .

ارد ۸ :

بمنظور تعیین مجاز قطعات یدکی جهت انجام تعمیرات و تنظیمات برای رده ۳ و ۴ میباشد.

ارد ۹ :

کاتالوگی است مصور همراه با شرح قطعات جزء يك قلم عمده .

اردنانس

۲- محل و منطقه ای است مناسب برای استراحت افسران و درجه داران و خانواده های آنها برای استفاده از مدت مرخصی ، در زمان صلح ممکن است این محل در کنار دریا و یا هر منطقه خوش آب و هوای دیگر انتخاب شود .

اردوگاه موقت :

محلی است در صحرا که سربازان پس از عملیات صحرائی برای استراحت و صرف غذا در آنجا گرد می آیند .

ارزیابی :

عمل یافتن ارزش و بهای هر چیز .

ارسال پارازیت بطریق الکترونیکی :
تشعشع یا انعکاس علامت الکترو مغناطیسی است شامل پارازیت مشبک (توری) بمنظور ایجاد اشکال در استفاده دشمن از دستگاههای الکترونیکی خود.

ارسال رادیوتی :

فرستادن پیام بوسیله دستگاه بیسیم را ارسال رادیوتی گویند.

اره زنجیری :

اره ایست که بوسیله هوای فشرده کمپرسور کار میکند .

اردنانس :

رسته ایست که کلیه امور مربوط به تهیه آماد ، انبار کردن ، توزیع و تعمیرات و نگهداری اقسام اردنانس را انجام میدهد .

اردو :

۱- تیپ لشکر ، سپاه و یا گروهی از سپاهیان که با تمام سازوبرگ و تجهیزات به محلی خارج از سربازخانه اعزام و مستقر شوند .

۲- زبانی است مرکب از فارسی و هندی و انگلیسی و عربی که در پاکستان و هندوستان به آن تکلم میکنند .

اردوگاه :

تعدادی از چادرها ، کپرها و سایر پناهگاههایی که برای استفاده موقت سربازان ساخته شده اند (برای آموزش ها ، عملیات صحرائی ، تمرین ها ، تیراندازیها و استراحت) .

اردوگاه استراحت :

۱- محل و منطقه ای است مناسب برای استراحت افسران و درجه داران و سربازان برای استفاده از مرخصی پس از یک دوره عملیات رزمی طولانی .

اره مدور :

این اره برای انجام کارهای سنگین ساخته شده، در جلوی اره دو بریدگی بشرح زیر تعبیه شده است :

یکی بریدگی عمقی که راهنمائی برای برش عمودی و دیگری بریدگی کوچک برای برش ۴۵ درجه سطحی میباشد .

ازکار افتاده دائمی :

بکارمند آسیب دیده ای گفته میشود که پس از اتمام معالجه به گواهی شورای عالی پزشکی نظامی نه تنها قادر بانجام کار اولیه نباشد بلکه قابلیت هر گونه کار دیگری از او سلب شده باشد .

ازیهوت :

بمعنی واژه گرا مراجعه شود .

اژدر اذکن :

وسیله ایست که به توسط آن اژدر پرتاب میشود .

اژدر بتگال :

لوله های فلزی بطول ۱۵۰ سانتیمتر است که در داخل آنها مواد منفجره قرار میدهند، این لوله ها را بهر اندازه که بخواهند بدنبال یکدیگر وصل

مینمایند در سر آن دماغه ای فولادی تعبیه شده که برای راندن به میان شبکه های سیم خاردار و میدانهای مین مورد استفاده قرار میگیرد، انفجار این لوله ها سبب از بین رفتن موانع میشوند .

اسپیک :

قطعه ایست که فقط در موتورهای I شکل (موتورهاییکه سوپاپ آنها در سر سیلندر قرار دارد) وجود داشته و وظیفه آن انتقال حرکت از میل به بالادهنده بمحور سوپاپ است .

استارت : Start (۱)

وسیله ایست که برای روشن کردن موتور بکار میرود .

استاندارد : Standard (۲)

نمونه، قاعده، میزان، مقیاس .

استتار :

عبارتست از هم رنگ کردن خودرو و وسائل و افراد با محیط به گونه ای که سبب جلب توجه دشمن نگردد .

استراتژی :

در کاربرد نظامی علم و هنر طرح ریزی و هدایت عملیات

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۲) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

استحکامات

استعلام بهاء :

عبارتست از پرسش نرخ هر چیزی بطور کتبی .

استفاده از موثقیقیت :

- ۱- یکی از انواع عملیات آفندی است که معمولاً بدنبال يك رخنه یا احاطه پیروزمندانه اجراء میگردد.
- ۲- بهره برداری سریع از پیروزیهای بدست آمده در رزم .

منظور از این عمل رخنه در عمق منطقه پدافندی دشمن است.

استوار دوم :

این درجه نظامی يك درجه از گروهبان یکمی بالاتر است، علامت مشخصه آن (سه نوار زرد رنگ بشکل ۸ که از قسمت پائین بایک نوار بیکدیگر مربوط شده) روی آستینها دوخته میشود .

استوار یکم :

این درجه نظامی یکدرجه از استوار دومی بالاتر است ، علامت مشخصه آن (سه نوار زرد رنگ بشکل ۸ که از قسمت پائین با دونوار بیکدیگر مربوط شده اند) روی آستینها دوخته میشود .

وسیع نظامی را استراتژی گویند .

استحکامات :

شامل کلیه کارهای ساختمانی و پدافندی برای مقابله با تگ احتمالی دشمن و یا مستحکم نمودن يك موضع پیش از شروع تگ دشمن، و یا حفاظت علیه پاتک دشمن در زمینی که از وی گرفته شده است میباشد.

استحکامات دائمی :

عبارتست از استحکامات و ساختمانهایی که در خارج از محیط تماس با دشمن آماده میشود .

استحکامات صحرائی موقت :

عبارتند از کلیه کارهای استحکاماتی که هنگام تماس با دشمن انجام میشود.

استخدام دولت :

عبارتست از پذیرفتن شخص بخدمت دولت در یکی از وزارتخانهها و یا مؤسسات دولتی .

استراق سمع : (کسب خبر)

گوش دادن و ضبط مخابراتی که برای دیگران فرستاده میشود بمنظور کسب خبر .

استوانه گردان :

جزء دستگاه بتون ساز میباشد که مصالحی مانند سیمان و ماسه و شن را با آب مخلوط کرده و بتون تهیه میکنند .

اسکادرون : (۱)

یگان تاکتیکی نیروی هوایی تقریباً معادل گردان .

اسکرپیر : (۲)

یکی از وسائل سنگین گردان مهندسی است که در روی زمین حرکت نموده و قادر به کندن زمین، بار کردن، حمل نمودن و تخلیه و پخش مواد میباشد.

اسکله :

پهلو گاهی است که در آب جلو رفته و کشتیها میتوانند بسادگی در يك طرف و یا در هر دو طرف آن جهت تخلیه و بارگیری پهلو بگیرند .

اسکولچ : (Squ. lch) (۳)

مدارست درگیرنده ها که با تنظیم آن ، موقعیکه فرستنده ارسال نمیکند، امواج پرازیت و صدای خش خش اضافی کمتر میشود .

اسکورپیون : (Scorpi) o (۴)

خودرو شناسائی اسکورپیون تانک سبکی است ساخت کشور انگلستان و مجهز به توپ ۷۶ مم و بعلت داشتن تحرك عالی و سرعت مطلوب و حفاظت زرهی ویژه در یگانهای شناسائی بکار گرفته میشود :

اسکوروت : (۵)

عناصری هستند برگزیده و مسلح که بمنظور حفاظت مقامات بلند پایه و یا يك ستون موتوری حامل مهمات و وسائل و تجهیزات ویژه انتخاب و در جلو، پهلوها و عقب حرکت میکنند.

اسکوروت ستون موتوری :

عناصری که برای حفاظت يك ستون موتوری علیه حملات هوایی و مکانیزه و یاسایر یگانهای زمینی دشمن و یا جلوگیری از تصادف ستون با سایر وسائل عبور و مرور در روی جاده اختصاص داده میشود .

اسپیر :

افرادی که هنگام جنگ بدست دشمن گرفتار شوند .

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۲) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۳) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۴) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۵) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

اشپیل (گیره)

اشعه گاما :

اشعه ایست نامرئی با طول موج خیلی کوتاه و فرکانس زیاد شبیه اشعه ایکس که میتواند در بدن انسان وارد شده و باعث یونیزاسیون اتمهای سلولها شود و بسته بمیزان دریافت اشعه توسط بدن ممکن است عوارض گوناگونی در بدن بوجود آید که گاه منجر بمرگ میشود .

اشعه لیزر :

واژه لیزر Laser ترکیبی است از حروف اول واژه‌های زیر :
Light Amplification
by Stimulated Emissions of
Radiations

به معنی تقویت نور بوسیله تحریک انتشار اشعه .

اشعه مادون قرمز :

اشعه‌ای است نامرئی و غیر قابل دید با چشم غیر مسلح که از عبور نور از یک فیلتر مخصوص حاصل میگردد با استفاده از این خاصیت با پریسکوپهای مادون قرمز در شب ، میتوان هدف و یا منطقه مورد نظرا بطور واضح دید .

اشپیل (گیره) :

عبارتست از يك میله چاکدار که پس از بستن مهره بمنظور باز نشدن آن ، گیره را داخل سوراخ انتهای پیچ نموده و دوسر آنرا خم میکنند تا پیچ و مهره بهم قفل شوند .

اشتباه احتمالی :

واژه ایست مربوط به تجزیه و تحلیل هدفهای هسته‌ای و منظور از آن فاصله ایست از مرکز منطقه زده شده که در آن گلوله‌ها احتمال ۵۰٪ فرود را دارند . اشتباه احتمالی بدو اشتباه افقی و عمودی تقسیم میشود .

اشعه ایکس :

اشعه‌ای است نامرئی ولی وجود دارد و قادر است از اجسام عبور نماید . قدرت نفوذ آن بستگی مستقیم به ضخامت و فشردگی مولوکول اجسام دارد . با استفاده از این خاصیت اشعه ایکس میتوان از درون بدن انسان یا حیوان و اجسام برای تشخیص بیماریها و ترک خوردگی‌های بسیار کوچک در صنعت استفاده نمود .

اصول رمز :

مشخصات عناصر، دستورات اساسی طرزکار، حرکات و فعالیت‌هایی است که درسیستم رمز پیروی میشود .

اضافات زمان جنگ :

به آن عده از پرسنل احتیاط اطلاق میگردد که آموزشهای لازم را در زمان صلح بر مبنای طرحها و دستورالعملهای صادره اخذ و سازمان ستاد یگانهای رزمی و غیر رزمی را بر مبنای صد درصد استعداد جد اول سازمانی پرمینمایند تا سازمان های مزبور بتوانند در زمان جنگ و اضطرار مأموریتها و وظایف محوله را در سه نوبت ۸ ساعته انجام داده وضعیت و موجودیت عملیاتی خود را در تمام مدت ۲۴ ساعت حفظ نمایند .

اطاق جنگ :

محل و یا مرکزی است با تأمین کافی که در آنجا کلیه نقشه وضعیت‌های عملیاتی برابر آخرین وضعیت به منظور توجیه فرمانده و اعضاء ستاد و هرگونه اقدامات لازم دیگر نگهداری می‌شود .

اطاق خرج :

فضائی است که در نقاط عبور اجباری و سائل خودرونی دشمن تهیه شده و داخل آن مواد منفجره قرار داده میشود .

اطاق فرمان یا برجک دوار :

قسمتی است شامل موتور جرثقیل که روی طوقه برجک سوار است .

اطلاعات :

اخباری است که پرورش یافته و بوسیله عناصر اطلاعاتی درست بودن آنها تأیید شده است .

اطلاعات ارتباطی :

خبرهای فنی و اطلاعاتی که از مخابرات کشورهای خارجی بوسیله کسانی غیر از گیرندگان اصلی آن خبر بدست می‌آید .

اطلاعات الکترونیکی :

۱- مطالب و اطلاعات فنی که از ارسال امواج الکترو مغناطیسی و انتشارات الکترومغناطیسی کشورهای خارجی بدست می‌آید و برای استنتاج اخبار و اطلاعات بعدی نگهداری میشود .

اطلاعات رزمی

اطلاعات طبقه بندی شده :

اطلاعاتی است رسمی که در پدافند ملی دارای اهمیت بوده و بایستی برای جلوگیری از آشکار شدن آنها ترتیبی بیش گرفت که اشخاص غیرمجاز نتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند .

اعتبار مصوبه :

عبارت از اعتباری است که وسیله مجلسین به تصویب رسیده و از طریق وزارت جنگ و اداره کنترولر ستاد بزرگ ارتشتاران به ادارات سرویس و نیروها ابلاغ میگردد .

اعلام خطر دور:

(واژه متداول در پدافند زمین بهوا)
شامل هرگونه اعلام خطری است که نیروهای خودی، یا یگانهای زمین بهوای پدافند هوایی و یا هواپیماهای شنکاری خودی را از نزدیک شدن خطر از مسافتهای دور در يك مدت زمان معین آگاه میسازد .

اعلام خطر محلی :

(واژه متداول در پدافند زمین بهوا)
سیستم اعلام خطری است که یگانهای خودی و یا یگانهای پدافند زمین بهوا را از نزدیک شدن قریب الوقوع هواپیماهای

۲- اطلاعاتی که از جمع آوری و پرورش اخبار برای منظور های اطلاعاتی از ارتباطات تشعشعات الکترو مغناطیسی غیر از انفجار هسته ای و منابع رادیو اکتیو منابع خارجی بدست می آید.

اطلاعات رزمی :

اطلاعات رزمی به دانستنیهایی از جو ، زمین و دشمن گفته میشود که فرمانده از آنها در پیش بینی و اجرای عملیات بهره برداری می کند .

اطلاعات رمزی :

کلیه اطلاعاتی است مربوط به فنون و عملیات رمزی ، طرز کار و مقدرات سیستم با وسائل رمز که آگاهی يك شخص غیرمجاز از آنها ممکن است سبب شناسائی خصوصیات وسائل و منجر به جعل قسمتی یا تمام سیستم رمز یا کمک بیافتن راه حل يك مخابره رمزی گردد .
اطلاعات رمزی برای وسائل و مکاتبات رمز بوده و شامل دانستنیهایی که بستگی به رمز ندارد (فاقد طبقه بندی) نمیشود .

اعلام رفع خطر

دشمن بمنظور کسب آمادگی و بهره‌برداری از فرصت‌های طلایی موجود آگاه‌میسازد، این سیستم قسمت اساسی و حیاتی یگانهای پدافند زمین به‌و‌را تشکیل می‌دهد .

اعلام رفع خطر :

عبارتست از علامت قراردادی قبلی که رفع خطر هر نوع تک دشمن و یا سایر خطرات را اعلام می‌کند .

اعلام وصول یا اعلام رسید :

پیامی است که گیرنده به فرستنده می‌فرستد و اعلام میدارد که پیام او دریافت و فهمیده شده است .

اغتشاش :

عبارتست از بروز عدم آرامش در جامعه که بصورت تظاهر و طغیان درآید .

اف. ام : (F. M) (۱)

مدولاسیون فرکانس را افام گویند .

افت :

اختلاف وزن بین مقدار خمیر مصرفی و نان حاصل را افت نامند .

افزارمندان :

کارکنان غیرنظامی حرفه‌ای ارتش .

افسر ارتباط :

افسری است که تسهیلات ارتباطی بین دو ویا چند یگان را فراهم می‌کند .

افسران جزء :

افسرانی هستند با درجات ستوان سوم تا سروانی (داخل) .

افسران ارشد :

افسرانی هستند با درجات سرگردی تا سرهنگی (داخل) .

افسر پزشکی پیشگیری :

افسری است از رشته پزشکی با آموزش ویژه و تجربه لازم در پیشگیری. این افسر وابسته بیک ستاد فرماندهی است و برای پیشگیری بیماریها و آسیب‌های غیررزمی و بالابردن سطح بهداشت کوشش میکند و همچنین به رئیس بهداری و فرماندهی کمک کرده و به عنوان مشاور فنی در تمام مسائلی که مربوط به پیشگیری پزشکی است مورد مشورت قرار میگیرد.

(1) Frequency Modulated

افسر تعمیرات

افسر تعمیرات :

افسری است که در عقب ستون حرکت نموده و مسئولیت تعمیرات یگانهای ستون را به عهده دارد و ممکن است علاوه بر تعمیرات وظایف افسر عقب دار را نیز عهده دار گردد.

افسر رابط توپخانه :

نماینده فرمانده توپخانه در یگان پشتیبانی شونده بوده و بین فرمانده توپخانه و آن یگان ارتباط برقرار مینماید .

افسر رابط هوائی :

افسری است نماینده فرمانده نیروی هوائی دریگان پشتیبانی شونده که بین نیروی هوائی و آن یگان ارتباط برقرار میسازد.

افسر عقب دار :

افسری است که در عقب ستون خودروئی حرکت نموده و عهده دار برقراری نظم و تأمین عقبه ستون میباشد.

افسر عملیات توپخانه پدافند هوائی :

نماینده توپخانه پدافند هوائی است که در پاسگاه فرماندهی پدافند هوائی ارتش شرکت دارد و بر کلیه فعالیتهای توپخانه پدافند هوائی نظارت میکند .

افسر مداومتکار :

بمنظور مداومتکار و انجام وظایف محوله در يك سازمان نظامی و یا يك ستاد عملیاتی در زمان صلح و جنگ ، افسری برای مدت معین به عنوان افسر مداومتکار انتخاب میشود که کارهای فوری را در ساعتیهای غیر خدمت و شب انجام دهد .

افسر نگهبان :

یگانها و سازمانهای نظامی در طول شبانه روز بایستی آگاهانه و هوشیارانه از حدود سازمان و یگان خود مراقبت و حفاظت نمایند بمنظور کنترل و يك نظارت مؤثر روی عوامل نگهبانی و سیستمهای حفاظتی و هرگونه اتخاذ تصمیم صحیح هنگام بروز حوادث و وقایع در داخل سربازخانه افسری از جمع افسران سازمانی آن یگان یا سازمان با رعایت نوبت یکنفر افسر، بنام افسر نگهبان انتخاب میشود .

افسر هم آهنگ کننده پزشکی :

افسری از رشته خدمات پزشکی متعلق به یکی از نیروهای مسلح است که مأمور هم آهنگ کردن مراکز پزشکی از نظر

اقداماتی است که بمنظور جلو-گیری یا کاهش اثرات تجهیزات و تاکتیک های دشمن درباره استفاده از تشعشعات الکترو مغناطیسی بعمل می آید و بمنظور جلوگیری از مورد استفاده قرار گرفتن تشعشعات مزبور بوسیله دشمن میباشد .

اقدامات ضد الکترونیکی :

بخش مهمی از جنگهای الکترونیکی بوده و شامل اقداماتی است که بمنظور حصول اطمینان از استفاده مؤثر انتشارات الکترونیکی خودی علیه اقدامات متقابل دشمن انجام میشود .

اقدامات عامل :

اقداماتی را گویند که برای از بین بردن دشمن یا خنثی کردن عملیاتش بکار میرود این اقدامات با آتش همراه میشوند .

اقدامات غیر عامل :

بکارهایی گفته میشود که برای نگهداری یگان و کاهش اثرات آتش دشمن بکار بسته میشوند این اقدامات با آتش همراه نمیباشند .

اقلام بازیافتی :

۱- اقلام خراب، متروک و دور انداخته شده ای را گویند که

نقل و انتقالات بیماران میباشد و با داشتن اطلاعاتی مانند تعداد تختهای خالی مراکز پذیرنده بیماران ، میتواند برنامه تخلیه بیماران را تنظیم کند .

افسریار :

این درجه نظامی حدفاصل بین درجات درجه داری و افسری - بوده و یکدرجه از استواری کمی بالاتر است . علامت مشخصه آن (یک مربع مستطیل زرد رنگ پر بطول ۲ و عرض ۱ سانتیمتر) روی سردوشیها نصب میشود .

اقدامات ضد اطلاعاتی عامل :

عبارتند از ضد شناسائی ، ضد جاسوسی ، ضد خرابکاری ، ضد براندازی ، ضد الکترونیکی و استفاده از دود .

اقدامات ضد اطلاعاتی غیر عامل :

عبارتند از تأمین مدارک و وسائل طبقه بندی شده ، تأمین مخابرات ، تأمین حرکات ، تأمین الکترونیکی ، استتار ، اختفا و سانسور .

اقدامات ضد الکترونیکی :

بخش مهمی از جنگهای الکترونیکی بوده و شامل

اقلام ترکیبی (مرکب)

بمنظور احیاء و استفاده مجدد جمع‌آوری می‌گردند و ارزش تعمیرشدن و استفاده مجدد را دارند .

۲- به اقلام و تجهیزات در منطقه عملیات گفته می‌شود که از نیروهای دشمن باقی مانده باشند و میتوان از اینگونه وسائل بنفع نیروهای خودی استفاده نمود .

اکسل : Axel

محوری است که در خود روبرو بکار رفته و دوسر آن بدو سرچرخ منتهی میشود .

اقلام ترکیبی (مرکب) :
قطعه‌ای که خود از چند قلم تشکیل شده باشد .

اگزوز : Exhaust

لوله‌ایست چسبیده به موتور که دود از داخل آن تخلیه میشود ضمناً صدای موتور را کاهش میدهد .

اقلام عمده : (بزرگ)

شامل یکدستگاه کامل است که می‌توان از آن استفاده عملی نمود مانند تانک، توپ، کشتی و هواپیما .

الفبای تهجی :

فهرستی از کلمات استاندارد است که برای تشخیص حروف در یک پیام مخابره شده بوسیله بیسیم یا تلفن بکار میرود .

اقلام کنترل شده :

آماده‌هایی که بعلت کمیابی ، گرانی یا بعلت فنی و یا خطرناک بودن نظارت دقیق مقامات بالا را ایجاب بنماید کنترل شده می‌گویند و تقسیم آن از طریق سلسله مراتب فرماندهی و با کسب اجازه خواهد بود .

الفبای مخابراتی :

بمنظور جلوگیری از نامفهوم بودن کلمات آنها را هجی میکنند و برای هجی کردن در مقابل هر حرف الفبا کلمه‌ای که با آن حرف شروع میشود انتخاب میگردد این کلمات را الفباء مخابراتی گویند مانند «بهرام» بجای حرف «ب» .

الکترولیت :

محلولی است قابل یونیزه

اقلام مازاد :
اقلامی است اضافه بر میزان

امکانات مخابراتی :

کلیه تسهیلات ارتباطی است که شامل نفقات و وسائل بوده و برای بوجود آوردن ارتباط بکار برده میشود .

امنیت :

برقراری و حفظ نظم اجتماعی و اجرای مقررات .

امنیت داخلی :

اجرای قوانین و حفظ نظم اجتماع را امنیت داخلی گویند .

امواج مدوله :

امواجی هستند که از ترکیب امواج صوتی با امواج رادیویی حاصل میشوند .

اموال استهلاکی :

به اموالی گفته میشود که در حین استفاده شکل ظاهری و ماهیت آنها تغییر نموده و دولت برای آنها عمر قانونی تعیین نکرده است . فرسوده اموال استهلاکی با نبار بازگشت داده نمیشود .

اموال غیر استهلاکی :

اموالی است که در حین مصرف شکل ظاهری و ماهیت آنها تغییر پیدا نکرده و دولت برای آنها عمر قانونی تعیین نموده است . فرسوده این اموال

شدن مانند مخلوط آب و اسید داخل باطری .

الکترو مغناطیسی :

خاصیت آهن ربائی که در اثر عبور جریان برق از سیم پیچی که در اطراف یک هسته آهنی پیچیده شده ایجاد میشود تا زمانی که جریان عبور کند هسته آهنربا است .

الکترون :

عبارتست از اجزائی با بار الکتریکی منفی در پوست اتم .

الکتریسته ساکن :

بار الکتریکی ساکنی است که بر اثر اصطکاک ایجاد میشود .

امراء :

افسرانی هستند با درجات سرتیپی تا ارتشبدی (داخل) .

امربس :

سربازی است با جنک افزار یا بدون جنک افزار که برای مبادله پیام بعنوان یکی از وسائل مخابراتی از وی استفاده میشود .

امریه :

شامل کلیه دستوراتی است که بصورت کتبی، شفاهی ویا علائم از مقام بالا دست ابلاغ میشود .

اموال نو

انتقال :

وضع پرسنلی است که از یگانی به یگان دیگر یا از نیروهای مسلح به سایر مؤسسات دولتی منتقل گردند.

انحراف :

در هر نقطه از طبیعت زوایائی بین سه شمال (جغرافیائی - مغناطیسی - شبکه) ایجاد میگردد که هر یک از آنها را در نقشه خوانی انحراف گویند.

انحراف دستگاه :

زاویه حاصله بین شمال جغرافیائی و شمال شبکه که مبداء آن شمال شبکه و جهت آن در جهت حرکت عقربه‌های ساعت است میباشد، تغییرات آن بین صفر تا ۳۶۰ درجه است.

انحراف شبکه :

زاویه ایست بین شمال جغرافیائی و شمال شبکه که مبداء آن شمال جغرافیائی و جهت آن خاوری یا باختری خواهد بود .

انحراف شبکه مغناطیسی :

زاویه ایست بین شمال شبکه و شمال مغناطیسی که مبداء آن شمال شبکه و جهت آن خاوری یا باختری باشد .

بانبار سرویس فنی مربوطه تحویل خواهد شد . مانند پتو و لباس .

اموال نو :

این قبیل اموال، اموالی هستند که از آنها هیچ استفاده نشده و آنها را با حرف (ن) معرفی میکنند .

امور پستی :

به کلیه اقداماتی گفته میشود که در مراکز پیام انجام میگردد.

امور غیر نظامیان :

(امور غیر ارتشیان و یامردم‌یاری)

کلیه اقداماتی است که بمنظور بهبود اوضاع و بهسازی زندگی و محیط زندگی مردم غیر نظامی مناطق جنگ زده انجام میشود (اینگونه اقدامات موجب گرایش مردم بارتش و نظامیان میشود)

انبارداری :

کلیه عملیاتی است که روی آمادها از موقع تحویل بارتش تا هنگام تحویل به یگانهای مصرف کننده ارتش، در انبار انجام میگردد . عملیات انبارداری شامل دریافت، نگهداری ، انبار و توزیع اقلام میگردد .

انحراف مغناطیسی

انحراف مغناطیسی :

زاویه ایست بین شمال جغرافیائی و شمال مغناطیسی که مبداء آن شمال جغرافیائی بوده و جهت آن ممکن است خاوری یا باختری باشد.

اندازه خط (در راه آهن)

فاصله ثابتی است که از حاشیه داخلی يك خط به حاشیه داخلی خط متقابل اندازه گیری میشود و بر سه نوع است:

۱- اندازه استاندارد بین المللی که معادل $1/435$ متر است.

۲- اندازه پهن تر از بین المللی مانند راه آهن شوروی که معادل $1/525$ متر و اسپانیا که معادل $1/676$ متر است.

۳- اندازه تنگتر از بین المللی که عرض آن $1/76$ تا يك متر است مثل راه آهن سابق شاهزاده عبدالعظیم .

اندازه گیری اشعه بوسیله عکسبرداری :

استفاده از فیلم عکاسی برای اندازه گیری مقدار اشعه ای که با افراد داده میشود .

انژکتور :

دستگاهی است در موتورهای دیزل که گازوئیل را با فشار

زیاد و بصورت پودر وارد محفظه انفجار سیلندر موتور میکند .

انضباط استتار :

عبارتست از اجتناب از کارهایی که ظاهر يك منطقه را تغییر داده و یا اشیاء نظامی را برای دشمن کشف و آشکار کند .

انعکاسات ثابت رادار :

بازگشت امواج رادار از هدفهای ثابت به صفحه رادار.

انعکاسات مزاحم رادار :

انعکاسات یا تصاویر نامطلوب روی سطح لامپ تصویر که مانع رویت علائم مطلوب میشوند مانند اثرات بصری در صفحه رادار در برگشت از دریا یا زمین که موجب تار شدن هدف میشود .

انفجار :

تغییر شکل آبی ماده از حالت جامد یا مایع بحالت گاز توأم با تولید گرما و فشار زیاد و در نتیجه ازدیاد ناگهانی حجم . یا بعبارت دیگرهایی مقدار زیادی انرژی در زمان بسیار کم .

انفجار القائی :

هرگاه منفجر شدن يك مین و یا سایر مواد منفجره سبب انفجار مین یا مواد منفجره مجاور گردد انفجار حاصله را انفجار القائی گویند .

انکسار ساحلی

از زند سفلی آغاز میشود .

اهرم هزار خار :

دنده ایست که در داخل جعبه فرمان قرار داشته با پینیون فرمان درگیر میشود .

اهم :

واحد مقاومت الکتریکی میباشد .

ایست :

این واژه فرمانی است برای توقف خودی بمنظور ادای احترامات نظامی و یا هر توقفی دیگر که مورد نظر شخص فرمان دهنده باشد .

ایستگاه راه آهن :

محل تنظیم حرکت ، تلاقی ، سبقت و یا عملیات مانور قطارها و همچنین محل سوار و پیاده شدن عده ها و بارگیری و یا تخلیه بار میباشد .

ایستگاه آمبولانس :

جایگاه آمبولانس هائی است که جایگزین آمبولانس هائی میشوند که برای رساندن مجروحین از خط مقدم جبهه بایستگاه تخلیه و درمان میروند .

ایستگاه اصلی آمبولانس :

مکانی است در ایستگاه تخلیه که آمبولانس ها در آنجا گرد

انکسار ساحلی :

تغییر مسیر امواج مستقیم بیسیم هنگام گذشتن از خشکی بر روی دریا یا از دریا بر روی خشکی است .

انگلدوزر :

به نوعی تراکتور مهندسی گفته میشود که بیل آن علاوه بر حرکت عمودی در افق نیز زاویه میگیرد .

انهدام (واژه متداول در تاکتیک)

درگیر کردن نیروی دشمن با آتش و مانور و شکست قطعی او بطوریکه پس از آن، قادر باجرای عملیات نظامی مؤثر نباشد .

انهدام : (واژه متداول در پدافند زمین بهوا)

یعنی سرنگون ساختن هواپیما - های دشمن بارهگیری و توسط هواپیماهای شکاری خودی ، موشکهای هدایت شونده و یا با جنگ افزارهای یگانهای پدافند زمین بهوا .

اولنارلوپ :

در انگشت نگاری از کلمه (اولنا) بمعنی زند سفلی گرفته شده است باین سبب که تمایل خطوط بطرف انگشت کوچک،

ایستگاه بارگیری آمبولانس

آمده و برای جایگزین کردن بیماران و بهره برداری های پزشکی آماده میباشند .

ایستگاه بارگیری آمبولانس :

نزدیکترین نقطه به جبهه است که بیماران از جبهه برگشته از آنجا بعقب جبهه تخلیه میشوند .

معمولا این نقطه در ایستگاه جمع آوری باشد .

ایستگاه پیمایش :

هریک از نقاط متوالی را در نقشه برداری ایستگاه پیمایش گویند .

ایستگاه توجیه :

نقطه ای است روی خط توجیه نزدیک موضع توپ که میتوان از آن برای روانه کردن آتشبار استفاده نمود .

ایستگاه جمع آوری :

۱- محلی نزدیک جبهه است برای جمع آوری، جدا کردن و از خطر رهانیدن مجروحین .
۲- ایستگاه پزشکی است که در منطقه جلوی نبرد واقع شده و در آنجا آسیب دیدگان سبک درمان شده و به یگان باز میگردند و آنهایی که ناتوانند به عقب تخلیه

میشوند .

۳- هر نقطه ای که برای دسته بندی فراریان، پناهندگان و تخلیه شوندگان پیش از بازگشت به محل اولیه و تعیین تکلیف آنها انتخاب شود ایستگاه جمع آوری نام دارد .

ایستگاه خطوط هوایی :

عبارتست از يك ایستگاه مخابراتی در زمین که برای ارتباط با هواپیماهای در حال پرواز یا ارتباط با ایستگاههای هوایی دیگر تأسیس میشود منظور از ایجاد این ایستگاهها تسریع و تأمین حرکت هواپیماها است محل این ایستگاهها ممکن است در نزدیکی خطوط هوایی پیش بینی شده باشد و و یا نباشد .

ایستگاه رادیو :

محلی است که در آنجا يك یا چند بیسیم وجود دارد و در حال ارسال و یادریافت میباشد .

ایستگاه راهنمایی شبکه :

ایستگاهی است که برای کنترل مخابره و برقرار کردن انضباط در یک شبکه ارتباط رادیویی تعیین میگردد .

ایستگاه کمکهای اولیه

یا چند ایستگاه فرستنده نوع پولس (۱) استفاده میکند .

ایستگاه مثلث بندی :

عبارتست از يك نقطه ثابت و مشخص که مختصات آن با دقت از طریق نقشه برداری ژئودزی بدست آمده و برای نقشه برداری بروش مثلث بندی مورد استفاده قرار میگیرد.

ایستگاه نقشه برداری :

هر نقطه مشخصی که در طرح نقشه برداری بمنظور تعیین موقعیت همان نقطه یا نقاط دیگر در نظر گرفته شود ایستگاه نقشه برداری نامیده میشود .

اینچ : (۲)

واحد اندازه گیری است و برابر با ۲/۵۴ سانتیمتر، معمولاً در کشورهای انگلیسی زبان متداول است

ایستگاه کمکهای اولیه :

مکانی است که در موارد اورژانس به درمان و طبقه بندی بیماران و تفکیک و تخلیه آنها تخصیص یافته و آنانرا در صورت نیاز به مراکز درمانی میفرستد .

ایستگاه کنترل آمبولانس :

مکانی است که نفری برای راهنمایی و کنترل رفت و آمد آمبولانسها ایستاده است.

ایستگاه کنترل شبکه (۱) :

ایستگاهی است که برای کنترل نحوه کار سایر ایستگاههای همان شبکه بکار میرود.

ایستگاه لوران :

(ناوبری الکترونیکی برد زیاد)
يك سیستم ناوبری رادیویی برد زیاد است که برای تعیین موقعیت از اختلاف زمانی بین دریافت علائم رادیویی از دو

(۱) یکنوع مدولاسیون است PULSE

(۲) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

فرهنگ واژه‌های نظامی



اندازه‌گیری برد و سمت بکار
می‌رود .

بار استاتیک :

باریست که تدریجاً به جسم
وارد شده و تحت تأثیر آن در
زمان نسبتاً کمی در جسم
تعادل بوجود می‌آید .

بار ضربه‌ای :

باریست که با سرعت بر جسم
وارد شده و موجب لرزش
میشود و تا از زمین رفتن لرزش
تعادل برقرار نمی‌گردد .

بار گسترده :

باری است که بطور یکنواخت
روی تکیه‌گاه یا تکیه‌گاههای
خود وارد میشود .

بار میناء :

آن مقدار از مهمات مورد نیاز
یک یگان که مجاز به نگهداری
آن در هر زمانی بوده و با افراد
و خودروهای سازمانی آن
یگان حمل می‌گردد .

ب

یکی از حروف بی‌صدا و دومین
حرف از الفبای فارسی و عربی
می‌باشد .

بادامک های میل سوپاپ :

برآمدگیهایی است روی میل
سوپاپ که باعث باز شدن
سوپاپهای گاز و دود میشود .

بادبند :

جزئی از پل های خریائی
هستند که نیروهای عرضی
مانند رانش خاک و یا فشار
نیروی باد را میگیرند .

بادزن دیدبانی :

وسیله‌ایست که بشکل نقاله و
از پلاستیک شفاف ساخته شده
است و یک قطعه آن ۱۶۰۰
میلیم میباشد .

بادزن سمت و برد :

وسیله‌ایست که بمنظور اندازه
گیری مسافتها و سمتها یا

بار متمرکز

بار مداوم :

باریست که مدام بر حاملهای ساختمان وارد میشود غیر از بار مرده ساختمانها

باروت :

ترکیبی است از مواد شیمیائی که پس از اشتعال گاز زیادی ایجاد مینماید و معمولا برای خرج پرتاب از آن استفاده میشود.

باروت بی دود :

باروت نیتروسلولز (غیر از باروت سیاه) را باروت بی دود گویند که پس از انفجار جرمی از خود باقی نمیگذارد.

بارهای متناوب یا تکراری :

باریست که متناوباً بر جسم وارد شده و برداشته میشود (مثل حرکت نفرات در داخل ساختمان و حرکت خودروها از روی پل).

بار همراه :

اقلامی از تجهیزات انفرادی و دیگر نیازمندیها که سرباز در همه حال در میدان رزم نیاز دارد.

بازپرسی :

فردی است که از سوی مقامات قضائی ارتش، ژاندارمری، شهربانی و یا دادگستری از

بار مبناء در مورد مهماتی که با جنگ افزارها تیراندازی میشوند بر حسب تعداد و در دیگر موارد بر حسب وزن یا مقیاسهای دیگر تعیین میشود. بار مبناء معمولا بمقدار ثابت از طرف مقامات عالیله ارتش تعیین و طی جداول معلومی به یگانها اعلام میگردد. بنابر این بار مبناء مصوبه است و نمیتوان آنرا تغییر داد.

بار متمرکز :

بار یا نیروئی است که بربك نقطه وارد میشود نظیر بار جراثقال روی ریل آن.

بار مجاز :

مقدار معینی است از انواع آمادهها (باستثنای مهمات) که یگانها مجاز به نگهداری آن بوده و بوسیله افراد و خودروهای هریگان حمل میشود. میزان آن بوسیله فرماندهان لشکر تعیین میگردد.

بار محوری :

هرگاه بار متمرکزی از کلیه مراکز ثقل اجزاء جسم مورد نظر عبور کند آنرا بار محوری گویند.

بازپرسی

متهم پرسشهایی میکند و توضیحات لازم را میگیرد .

بازپرسی :

۱- عملی است که بمنظور اخذ توضیحات لازم و جمع آوری اطلاعات لازم توسط بازپرس انجام میشود .

۲- يك سلسله سئوال و جواب (پرسش و پاسخی است) که برای روشن شدن حقایق بین بازپرس و متهم یا مطلع صورت میگیرد

بازداشت :

۱- دستگیری شخص و نگهداری موقتی او در جایی محدود و معین بنام بازداشتگاه بحکم قانون .

۲- نگهداشتن پرسنل در سر بازخانه یا محل کار خود .

بازداشتگاه :

زندان موقت - جایی که در آن پرسنل نظامی یا غیر نظامی را بازداشت میکنند .

بازخرید :

یعنی خرید طول مدت خدمت يك فرد نظامی یا غیر نظامی شاغل در نیروهای مسلح شاهنشاهی با توجه به نسبت خدمت و حقوق دریافتی از لحاظ درجه

و یا رتبه برای پایان بخشیدن خدمت آنها .

بازدید :

دوباره دیدن، دیدار کردن، دیدار دوباره و نیز در کاربرد نظامی این واژه به معنی رسیدگی بكار يك نفر یا يك يکان یا يك سازمان می باشد .

بازدید رسمی :

بازدیدي است که توسط فرماندهان طبق برنامه ای در زمان و محل معین از یکانی بعمل می آید .

بازدید غیر رسمی :

بازدید است که بدون تشریفات و برنامه و بدون اعلام خبر از یکان یا قسمتی انجام میشود .

بازدید غیر مترقبه :

بازدیدي است که بدون اطلاع و بطور ناگهانی توسط فرمانده از یکانی انجام میگیرد .

بازدید فنی :

نوعی از بازدید است که جنبه های فنی و وسائل و وسائط دقیقاً بازرسی و کنترل میشوند .

بازدید نگهداری و وسائل :

عبارتست از يك روش مداوم بازدید از وسائل بمنظور اطلاع و کشف معایب آنها

بازدیدهای فنی اردنانس

بازرسی رادیولوژی :

کوشش هدایت شده‌ای برای تعیین محل و شدت تشعشع هسته‌ای در يك منطقه .

بازرسی شاهنشاهی :

سازمانی است مستقل برای بازرسی از نحوه فعالیت و انجام وظیفه سایر سازمانهای غیرارتشی که رسیدگی و ارزیابی طرزکار آنها ضرورت یافته است .

بازرسی شیمیائی میکربی:

کوشش هدایت شده‌ای بمنظور تعیین محل و نوع عوامل شیمیائی و میکربی در يك منطقه:

بازرسی ویژه نظامی :

سازمانی است متشکل از افسران بازرس با تابعیت سازمانی ستاد بزرگ ارتشتاران برای بازرسی از نحوه فعالیت و انجام وظیفه سایر سازمانها و یگانهای نیروهای مسلح شاهنشاهی براساس شرح مأموریت و وظائف تعیین شده درجداول سازمان و تجهیزات و برابر فرامین مخصوص ممکن است این سازمان، وظایف بالا را در مورد سایر سازمان، های غیرنظامی نیز انجام دهد.

برای جلوگیری از توسعه و بسط معایب .

بازدیدهای فنی اردنانس :

بازدیدى است که از يك وسیله و یا يك قطعه بمنظور خاصی صورت میگیرد .

بازدیدهای فنی ش.م.ر : (۱)

بازدیدهائی است که بوسیله متخصصین مربوطه مستقیماً روی تجهیزات بمنظور تعیین شدت و نوع آلودگی انجام میگیرد.

بازرس :

کسی است که ازسوی یگان، اداره و یا سازمانی مأمور شود که بکارهای يك اداره یا سازمان دیگر و یا بعضی از کارمندان آن رسیدگی نماید .

بازرسی :

عملی است که بمنظور آگاهی ازچگونگی انجام کار یاوظایف يك شخص یا يك سازمان توسط بازرس انجام میشود.

بازرسی بدنی :

بازرسی ملبوس واعضاء بدن متهم یا مجرم بمنظور کشف اسلحه یا سایر مدارك جرم.

(۱)- ش . م . ر (شیمیائی ، میکربی ، رادیواکتیو) .

بازکردن شبکه : (افتتاح شبکه)

طبق زمان بندی معینی که ایستگاه راهنمای شبکه تعیین کرده است شبکه باید بازشود و بکار افتد و همه ایستگاه ها با همدیگر تماس و ارتباط حاصل نمایند معمولاً همه ایستگاههای شبکه میدانند در رأس ساعت معین باید بیسیمهای خود را روشن کنند و ارشد شبکه با صدا کردن معرف شبکه ، شبکه را باز نموده و ایستگاههای فرعی بترتیب خود را به ایستگاه راهنمای شبکه معرفی مینمایند، این کارها را بازکردن شبکه گویند .

بازنشسته :

کسی که در پیری یا پس از مدتی طولانی ، یا بععل دیگر از کاربرکنار شود و از حقوق بازنشستگی استفاده کند . (متقاعد) در ارتش شاهنشاهی برای هر درجه سن مشخصی برای بازنشستگی تعیین گردیده است .

بازوی بار :

عبارتست از فاصله مرکز بار تا نقطه تعادل در عمل بارگیری.

بازیافتی :

بوسائل ، وسایط و اقلامی در جنگ گفته میشود که از دشمن به غنیمت گرفته شده و یا در صحنه عملیات از دشمن جا مانده و در اختیار نیروهای خودی قرار میگیرد.

بازی جنگ :

به معنی واژه جنگ آزمائی مراجعه شود .

باشگاه :

محلّی که گروهی برای ورزش، بازی، تفریح و دید و بازدید و پذیرائی در آن گرد هم آیند .

باطری : Battery (۱)

دستگاهی است که انرژی شیمیائی را به انرژی الکتریکی تبدیل میکند .

باطری محلی :

اگر منبع تغذیه دهنی و وسیله اعلام خبر ، وسیله خود تلفن تأمین گردد آنرا سیستم باطری محلی نامند .

باطری مشترک :

سیستمی است که در آن تغذیه تلفن ها و وسائل اعلام خبر از مرکز تلفن تأمین میگردد .

(۱) - واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی .

بالستیک :

علمی است که درباره کیفیت حرکات ، شکل ظاهری و هرگونه تغییر درموشکها و ادوات مشابهی که تحت تأثیر قوه محرکه یا نیروی باد، نیروی جاذبه زمین ، حرارت و یا هر نوع نیروی دیگری به حرکت درمی آیند بحث میکند .

بالشتك :

۱- عبارتست از يك هسته فلزی که اطراف آن سیم پیچی شده و بوسیله جریان برق تبدیل به آهن ربا می-گردد و در اطراف هر آرمیچر یا داخل دینام یا استارت-ر دو یا چهار بالشتك قرار دارد .

۲- (درمهندسی) قطعه ایست که بمنظور تقسیم نیرو در سطح بیشتری در زیر پایه ها بکار میرود .

بالن :

محفظه ای است غیر قابل نفوذ و پر شده از گازهایی با وزن مخصوص کمتر از هوا که به منظورهای مختلف از آنجمله تعیین و پیش بینی وضعیت جوی منطقه بهوا فرستاده می شود.

باند : Band (۱)

- ۱- محدوده ایست معین از طول موج رادیوئی .
- ۲- گروه نوازندگان موزیک .
- ۳- پارچه نواری شکل و نازک ضد عفونی شده برای بستن جراحات و زخمها .
- ۴- در کاربرد هواپیمائی و یا نظامی مسیر ساخته و تعیین شده برای نشستن و برخاستن هواپیماها .

باند فرودگاه :

به معنی ردیف ۴ واژه باند مراجعه شود .

باند خزش :

مسیر و یا جاده خزیدن یا تاکسی کردن هواپیما ، هلیکوپتر برای هدایت به باند پرواز و یا خروج از باند فرود و رفتن به محل پارکینگ .

بانك بودجه :

محل نگهداری وجوه بودجه ای .

بانك سپرده :

محل نگهداری وجوه غیر بودجه ای .

بخاك سپردن اضطراری :

هنگامی که بعلیی نتوان گشته شدگان را بگورستان عمومی

(۱)- واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی .

بخش بیماران زندانی

انتقال داد اضطراراً درمیدان
نبرد بخاک سپرده میشوند .

بخش بیماران زندانی :

بخشی است که بیماران زندانی
را که نیازمند بستری شدن یا
درمانهای تکمیلی میباشند
بستری میکنند .

بخشنامه :

نوشته ایست که جنبه عمومی
داشته و از سوی یک مقام
مسئول برای آگاهی و اجراء
بافراد و مقامات زیردست
صادر میشود .

بدنه محفوظ :

موضعی است آماده شده برای
تانک که اختفاء و پوشش آن
تا زیر برجک بوده و بدنه را
از دید و تیرمستقیم دشمن
محفوظ میدارد .

دراین حالت تانک قادر به
تیراندازی است .

بدون کاری :

وضع افسر یا کارمندی است
که بعلت صدور کیفرخواست
جنائی ویا درصورت محکومیت
قطعی به زندان (درحالیکه
مستلزم اخراج از خدمت
نباشد) و یا تنبیه برای کسیکه
انتظار خدمت دروی مؤثر واقع

نشده باشد موقتاً از کار
برکنار گردد .

بدون عقب نشینی :

این واژه در جنگ افزارهای ضد
تانک و ضد زره بکار می رود
و در ساختمان اینگونه جنگ-
افزارها از ویژه گی عمل و
عکس العمل ویا دوبردار نیروی
متساوی و مخالف که موجب
بی حرکت ماندن جنگ افزار
میگردد استفاده میشود بهمین
سبب اینگونه جنگ افزارها را
جنگ افزار بدون عقب نشینی
مینامند .

بدنه : (لوله بده)

عبارت از لوله ایست که آب
را از منبع یا محفظه ای به بیرون
هدایت میکند .

برآورد :

بررسی منظم و منطقی کلیه
عوامل مؤثر بر مأموریتی که
باید انجام شود .

برآورد اطلاعاتی :

بررسی منظم و منطقی اثرات
جو و زمین و دشمن بر عملیات
خودی بمنظور تعیین اثرات
منطقه عملیات بر راه کار خودی،
راههای کار احتمالی دشمن ،
نقاط ضعف و آسیب پذیر
دشمن .

برآورد عملیاتی

خواص و آثار دستگاه بردارهای
جزء را داشته باشد .

براست و بچپ :

موقعیت ترکش گلوله هانسیب
به هدف در سمت .

براندازی :

عملیاتی است که برای ازبین
بردن قدرتهای نظامی، سیاسی،
اقتصادی روانی و وفاداری
افراد يك کشور طرحریزی
میشود و هدف کلی آن تغییر
حکومت است .

برپا :

واژه ایست امری، که بمنظور
فرمان بلند شدن و ایستادن
به یکنفر سرباز و یا عده ای
داده میشود .

برپا کردن :

۱- آماده کردن چادر برای
زیست در صحرا و اردوگاه
۲- آماده کردن جنگ افزارهای
اجتماعی برای تیراندازی

برتری آتش :

اگر قدرت آتشیهای نیروی تك
کننده طوری باشد که بتواند
با دادن تلفات کم بسوی دشمن
بیشروی نماید این نیرو دارای
برتری آتش است. بدیهی
است چنانچه قدرت آتشیهای

برآورد عملیاتی:

بررسی منظم و منطقی کلیه
عوامل مؤثر بر مأموریت بمنظور
رسیدن بیک پیشنهاده صحیح.

برآورد وضعیت :

بررسی منظم و منطقی کلیه
عوامل مؤثر در اجرای مأموریت
بمنظور مشخص نمودن بهترین
راه کار برای رسیدن بیک
تصمیم .

برآورد وضعیت آموزشی :

پیدا کردن بهترین روش یاد
دادن چیزی است بیک یا چند
نفر، آن چیز جز مأموریت
آموزشی يك دوره چیز دیگری
نیست، مانند آموزش دوره
مقدماتی پیاده یادوره مکانسین
برجک ارا به وغیره .

برآورد وضعیت فرماندهی :

بررسی منظم و منطقی کلیه
عوامل مؤثر بر مأموریت بمنظور
رسیدن بیک تصمیم صحیح

برآوردهای توانائی بدن :

برآورد توانائی کلی يك فرد
برای تعیین وظایف سپاهی او
با در نظر گرفتن نیروی تن و
روان اوست .

برآیند یا نتیجه چند بردار:

برداری است که میتواند کلیه

برتری هوایی

بتواند از برجك دیده بانی نموده
و تمام تانك در موضع پنهان
باشد در این حالت تانك قادر
به تیراندازی نمی باشد .

برچسب :

عبارتست از ورقه ای که
مشخصات ارقام روی آن نوشته
شده و بر روی ارقام چسبیده
میشود .

برچسب قوری پزشکی :

یکی از برگه های پزشکی است
که بشکل برچسب برای افراد
اختصاص داده شده و به آسیب
دیدگان می چسبانند .

در این برچسب بعضی از
دانستنیهای لازم اداری و
پزشکی ثبت میشود . این
برچسب توسط ایستگاههای
کمکهای اولیه تهیه میشود .

برد :

فاصله یا مسافت افقی بین
جنگ افزار و دورترین نقطه ای
که این جنگ افزار میتواند
گلوله خود را پرتاب کند .

برد بیسیم :

برد بیسیم حد اکثر مسافتی
است که يك فرستنده میتواند
امواج خود را بفرستد .

پدافند کننده هم طوری باشد
که تك کننده قادر به پیشروی
باتلفات کم نباشد در این
صورت پدافند کننده دارای
برتری آتش خواهد بود .

برتری هوایی :

میزان توانائی هوایی در
دریشتیبانی عملیات زمینی ،
دریائی و هوایی مربوطه بطوری
که دشمن نتواند در زمان و
مکان معین در این عملیات مداخله
نماید . (به سیادت هوایی نیز
مراجعه شود)

برج :

محلی است برای دیده بانی و
حفاظت که سرباز نگهبان یا
پاسدار در آن قرار میگیرد و
با تسلطی که به منطقه دیده بانی
و حفاظت دارد هرگونه فعالیت
یا حرکتی را زیر نظر خواهد
داشت .

برجك :

محفظه ایست فولادی با ضخامت
زیاد که در بالای بدنه تانك
سوار شده و میتواند ۳۶۰ درجه
در سمت حرکت کند .

برجك محفوظ :

موضعی از تانك را برجك
محفوظ گویند که فرمانده

برد حداکثر (یا حداکثر برد)

برش عرضی جاده :

تصویری از جاده است بطوری که جاده را از عرض بطور عمودی قطع کرده و در امتداد طولی بآن نگاه کنیم .

برکناری :

افسران و کارمندان نظامی را بهر عنوان و طریقی که از خدمت نظام یا از سازمان نظامی جدا شوند، برکنار از خدمت خوانند.

برگ اعزام خودرو :

برگ اجازه خروج خودرو برای انجام هر نوع مأموریت .

برگ بیمارستان صحرائی :

برگ پزشکی است که در بیمارستان صحرائی یا تیمارگاهها و درمانگاههای ثابت ، ویژه بیماران تنظیم میشود .

برگ کار جنگ افزار :

بمنظور تعیین میزان کارکرد هر جنگ افزار و آگاهی از وضع کارائی آن در هر لحظه ، تعداد دفعاتی که جنگ افزار در میدان تیر یا عملیات مورد استفاده قرار گرفته و تعداد مهماتی که هر بار بآن تیراندازی میشود با ذکر تاریخ در آن درج میگردد .

برد حداکثر : (یا حداکثر برد) :

به معنی واژه برد مراجعه شود.

برد مفید :

حداکثر مسافتی است که در آن مسافت از یک جنگ افزار انتظار میرود که بدقت تیراندازی نموده و تلفات و خسارت وارد آورد .

برد مؤثر :

حداکثر مسافتی است که در آن مسافت از یک جنگ افزار انتظار نمیرود که بدقت تیراندازی نماید و در نتیجه در چنین مسافتی تلفات و خسارتی نیز وجود ندارد مگر آنکه به ندرت آنها در برخورد اتفاقی گلوله به انسان و یا هر جاندار که آنها را احتمالاً مجروح یا زخمی میسازد و ممکن است از ادامه مأموریت یا حرکت آنها را بازدارد .

بررسی ستادی :

بررسی ستادی پاسخهای لازم را برای سئوالات و مسائلی که فرمانده عنوان نموده است فراهم کرده و تصویب یا مخالفت ویرا در مورد مطالبی که تحت بررسی و مطالعه کامل قرار گرفته است تسهیل مینماید.

برنامه ریزی

برنامه ریزی :

عبارتست از بررسی و تعیین چگونگی رسیدن به هدفها و شامل تعیین خط مشیها ، استانداردها، منابع و برنامه زمانی اجرای آن میباشد و معمولا دورههای زمانی چند ساله ای را شامل میگردد .

برنامه ریزی عملیاتی :

عبارتست از تعیین خط مشیها، استانداردها ، منابع اجراء و برنامه زمانی يك هدف بصورت کمی و در قالب کار معین :

برنامه س :

این برنامه اولین برنامه رسمی آغاز فعالیتهای روزانه است، در این برنامه توسط کلیه فرماندهان از پائین ترین تا آخرین رده فرماندهی موجود در سربازخانه متناسب با مقامی که دارند پرسنل زیر امر خود را مورد بازدید قرار داده و از آمادگی پرسنل جهت انجام فعالیتهای روزانه برابر برنامه اطمینان حاصل میکنند. این برنامه از بازدید فرمانده تیم یا گروه آغاز میگردد و بشرکت کلیه پرسنل در مراسم صبحگاه ختم میشود .

بست اتصال :

وسیله ایست که بمنظور اتصال الکتریکی دو قطعه سیم یا کابل بکار میرود .

بستن دور افق :

عبارتست از اندازه گیری زاویه مکمل زاویه مورد نظر بطوریکه مجموع زوایای اندازه گیری شده يك محیط دایره گردند .

بستن شبکه :

وقتی شبکه مخابراتی شروع بکار کرد و همه ایستگاهها خود را به ایستگاه راهنمای شبکه معرفی نمودند و پیامها رد و بدل گردید، راهنمای شبکه مشاهده کرد که دیگر کاری ندارند دستور میدهد که بیسیمها را خاموش کنند این عمل را بستن شبکه گویند .

بسك :

قطعات گلوله را پس از انفجار بسك مینامند .

بسیج :

- ۱- اسباب و سامان، ساز و سامان جنگ، آمادگی نیروی نظامی يك کشور برای جنگ.
- ۲- بمعنی قصد و اراده نیز آمده است .

بعد جاده

بلبرینگتک : (رول برینگ)

عبارتست از يك قطعه دو پوسته‌ای که در آن ساچمه‌های کروی، مخروطی، استوانه‌ای، یا شکل دیگر قرار دارد که بمنظور کم کردن اثر اصطکاک بکار می‌رود .

بلند : (کنار)

واژه بلند در مورد گلوله‌ای بکار می‌رود که به هدف اصابت نکرده و پشت آن فرود آمده باشد .

بمب : Bomb (۱)

نوعی از مهمات است که از هواپیما روی هدفهای زمینی پرتاب میشود .

بمباران :

عملی است که بمنظور انهدام هدفها و مناطق مهم و حساس توسط هواپیماها با پرتاب بمب انجام میشود .

بمب افکن :

این واژه به هواپیماهایی گفته میشود که دارای قدرت پرواز دور ، حمل بمب و سیستم پرتاب بمب میباشند .

بمب ساعتی :

یکی از انواع تله‌های انفجاری است که در اثر تکمیل و اتصال

بعد جاده :

مجموع طول جاده که توسط يك ستون یا عنصری از آن اشغال شده و مسافتی که ممکن است برای حاشیه امنیت یا تأمین و قابلیت انعطاف لازم باشد .

بعد زمانی :

زمان طی شده برای عبور ستون یا عنصری از آن در يك نقطه معین جاده (بادر نظر گرفتن زمان حاشیه امنیت) .

بکلی سموی :

۱- بالاترین عنوان طبقه بندی اسناد ، مدارك و اطلاعات طبقه بندی شده میباشد و به اسناد و مدارك اطلاعاتی داده میشود که افشای غیر مجاز آن زیانهای جبران ناپذیر بکشور وارد کند .
۲- به هرگونه اطلاعاتی گفته میشود که از لحاظ تأمینی دارای اهمیت زیاد بوده و افشاء غیرمجاز آنها موجب زیان بزرگ و فوق العاده‌ای بملت شود .

بگسل کردن :

کشیدن يك خودروی از کار افتاده توسط يك وسیله دیگر

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

بمب ناپالم

يك مدار الكتریکی در زمان تعیین شده (توسط حرکت عقربه‌های ساعت) منجر به جرقه میشود و از طریق چاشنی مواد منفجره داخل ساعت بصورت نارنجك یا بمب کوچکی منفجر میگردد .

بمب ناپالم :

بمبی است محتوی يك نوع سوخت مایع (ترجیحاً بنزین با اکتان ۸۰ و یکی از بودرهای ام ۱ ، ام ۲ ، ام ۹) که پس از پرتاب و برخورد به هدف تولید ماده ژلاتینی نموده و با شعله و حرارت زیاد میسوزد .

بنا بدستور :

این واژه در طرحها و دستورات ویا کالکهای عملیاتی هنگامی بکار میرود که فرمانده تصمیم دارد از آن به بعد مأموریت بنا بدستور ادامه پیدا کند .

بند پیوند :

این بند وسیله ایست با قدرت مقاومت زیاد (در حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلوگرم فشار برسانتی متر مربع) و موجب پیوند چتر باز به هواپیما تا لحظه باز شدن چتر میشود. این بند معمولاً برنگ زرد نارنجی است و با

يك قلاب که در سر این نخ نصب شده چتر باز با کابل داخل هواپیما مربوط گشته و وقتی پرش صورت میگیرد این بند موجب میشود که چتر اصلی بطور مرتب و منظم از کیسه چتر خارج گشته و چتر کاملاً باز شود .

بندر :

محل است که تأسیسات بندری مانند پهلوگاهها ، اسکله‌ها ، و دیگر تسهیلات تخلیه و بارگیری در آنجا ساخته شده است .

بنه :

کلیه خودروها ، پرسنل و وسائلی که برای پشتیبانی خدمات رزمی یگان لازم است، بنه نامیده میشود . بنه شامل بنه رزمی و بنه صحرائی میباشد .

بودجه بندی :

عبارتست از تعیین هزینه‌های سالیانه يك سازمان برای رسیدن به هدفها، با توجه به منابع، بطور دقیق و در قالب ارقام ریالی .

بودجه بندی عملیات و نگهداری :

(برنامه دوم)

بودجه عملیات و نگهداری

بوستر

وظائفی استتاجی باید انجام شوند ، مأموریت را به ترتیب اجرای آنها مجدداً بیان مینماید.

بیداری :

متناسب با فصل برای بیدار شدن تمام پرسنل از خواب و آغاز فعالیتهای روزانه در سربازخانهها زمانی تعیین گردیده است که این ساعت را بیداری گویند.

بیسیم :

وسیله مخابراتی است که با استفاده از امواج رادیویی و برحسب قدرت فرستنده آن میتوان در فواصل مختلف ارتباط برقرار کرد .

بیکران :

واژه ایست که بجای کلمه نامحدود در نگارشات نظامی بکار گرفته میشود.

بیکن هوابرد :

فرستنده ای بانور مادون قرمز که برای کمک به تجدید سازمان نیروها در شب بکار میرود. از این دستگاه برای تعیین محل پرتاب و فرود استفاده میشود.

بیگانه :

فردیست که تابعیت کشور

بودجه ای است که برای اداره سازمان و امور جاری از قبیل هزینه های نگهداری، اداری و غیره ضرورت دارد .

بوستر : Booster (۱)

در سیستم های خودروئی که ترمز سریع و بموقع مورد نظر می باشد، از سیستم بوستر که در اثر مکش موتور ، هوای پشت ترمزها تخلیه میگردد استفاده میشود و بدین ترتیب عمل ترمزها بهتر انجام میگردد.

بوئی :

رجوع شود به ماندالین .

بولدوزر :

به نوعی تراکتور مهندسی گفته میشود که بیل آن تنها در جهت عمودی حرکت مینماید .

بهدف :

وضعیت اصابت گلوله ای است که از نظر برد و سمت اشتباهی نداشته و کاملاً بهدف بخورد.

بیان مجدد مأموریت :

فرمانده بعد از تشخیص و تعیین وظائف تصریحی از مأموریت قرارگاه بالاتر و تعیین اینکه در صورت لزوم چه

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

شاهنشاهی ایران را نداشته باشد .

بیل بارکن : (لودر) Loader

وسیله ایست که در جلو جرثقیل بسته شده و برای بارگیری و جابجا نمودن مواد نیمه سخت مورد استفاده قرار میگیرد سطح کار ممکنست بالاتر یا هم سطح محل استقرار لودر باشد .

بیل بارکن پنجه ای :

دستگاهی است که جلوی دکل جرثقیل بسته میشود و میتواند مواد سست وکنده شده مانند شن، ماسه، خاک و مواد نسبتاً نرم را که در سطحی بالاتر و یا پائین تر از زمین مجاور جر- ائقال قرار دارد ، جابجا کند.

بیلچه :

قسمت انتهایی سهم را در هویتزر که پس از فرورفتن در زمین سبب استقرار توپ میشود بیلچه گویند . بزائده های کف قنداق و دو پایه خمپاره انداز نیز بیلچه گفته میشود .

بیل خاککن :

بیلی است که بوسیله آن عملیات خاکی انجام میشود .

بیل لاروب :

دستگاهی است که جلوی دکل جرثقیل بسته شده و برای لاروبی نهرها و گودالها و همچنین کندن زمینهاییکه سطح جرائقال پائین تر است بکار میرود .

بیل میکانیکی : Crane-Shovel

وسیله ایست که در جلو جرثقیل نصب شده و فقط برای کندن و بارکردن زمینهای سختی که سطح کار بالاتر از سطح استقرار جرثقیل باشد مورد استفاده قرار میگیرد .

بیمار پیش :

- ۱- تجمع روزانه بیمارانی که توانائی حرکت دارند برای آزمایش نزد پزشک .
- ۲- شیپوری که برای این تجمع زده میشود .

بیمار درمانگاهی : (سریا)

شخصی که در يك مرکز پزشکی بطور سرپائی درمان میشود .

بیمار دوره نقاهت :

بیماری است که مراحل اولیه و سخت بیماری را گذرانیده و روبه بهبودی است .

بیمارستان

بیمارستان صحرائی :

مؤسسه درمانی متحرکی است که معمولاً در ناحیه رزم دایر میشود و منظور از دایر شدن آن جلوگیری از تمرکز موقتی بیماران در ناحیه مواصلات میباشد .

بیمارستان منطقه‌ای :

مؤسسه درمانی نسبتاً ثابتی است که در ناحیه مواصلات دایر و با شماره‌ای مشخص میشود .

بیمار غیر قابل انتقال :

آسیب‌دیده جنگی است که وضع بدنی او باندازه‌ای بد است که تخلیه او بدون درمانهای درست جانس را به خطر میاندازد .

بیمار ناتوان :

بیماری است که نتواند با پای خود به مراکز درمانی برود .

بیمار یازخمی خارج از جنگ :

کسی است که بیماری او مربوط به جنگ نیست و در بیمارستان تخلیه پذیرفته میشود .

بیماری پیش از وقوع خدمت :

اصطلاحی است ویژه مواردی که سرباز پیش از ورود به خدمت سربازی دلائل استواری بر وجود بیماری دارد .

بیمارستان :

محلّی است مخصوص درمان بیماران بستری و در آنجا وسائلی موجود است که با آنها میتوان به تشخیص و درمان پرداخت و معمولاً مأموریت درمانی یک یگان را دارد و گاهی میتوان از آن به جای تیمارگاه یا درمانگاه بهره‌برداری کرد .

بیمارستان پادگان :

بیمارستانی است ثابت در یک سازمان نظامی یا در نزدیکی آن بمنظور فراهم کردن درمانهای پزشکی و دندانپزشکی برای افراد نظامی .

بیمارستان تخلیه :

بیمارستانی است متحرک یا نیمه متحرک در نزدیکیترین میدان جنگ برای کارهای پزشکی ، جدا کردن و تخلیه بیماران به پشت جبهه .

بیمارستان تخلیه نیمه متحرک :

بیمارستان تخلیه نیمه متحرک بیمارستانی است که در نزدیکیترین نقطه ممکن به منطقه رزم مستقر گردیده و با پذیرفتن انواع بیماران و آسیب‌دیدگان لشکر مربوطه را پشتیبانی کرده و یا آنها را برای تخلیه آماده میکند و در هنگام ضرورت بستری شدن نهائی را انجام میدهد .

فرهنگ واژه‌های نظامی



از طریق جذب یا تخریب یا خنثی کردن (که با طرق بالا عوامل ش. م. ر بشکل بی- ضرر در آمده و یا زدوده میشوند.)

پادار :

پاینده - توانا - برقرار

پادار شدن :

برقرار شدن - پایدار شدن

پادار کردن :

ثابت و پابرجا کردن (این اصطلاح در امور مالی و حسابداری در مورد تأمین اعتبار هزینه‌ها و بجای واژه تأمین بکار میرود - پایدار کردن - برقرار کردن

پاداش :

اجر و مزد سزای نیک تشویق در برابر انجام کارهای فوق العاده خوب .

پ :

سومین حرف ازالقباى فارسى است .

پائیدن :

نگاه کردن - درکمین بودن نگهبانی کردن - پاسبانی کردن

پاتك : (حمله متقابل)

تکی است که باتمام، یا قسمتی از نیروی احتیاط علیه نیروی تگ کننده دشمن که در یک منطقه پدافندی رخنه کرده ، انجام میگيرد .

پاد :

نگهبان - پاس - دوام و ثبات

پاد آلود :

هر ماده‌ای که برای رفع آلودگی بکار رود، پاد آلود نامند .

پاد آلودگی :

یعنی از بین بردن آلودگی اشخاص، نواحی و اشیاء برای ایمنی يك بخش - رفع آلودگی

پادشاه :

بدرملت. نگهبان کشور. بزرگ
ارتشتاران. شخص اول کشور
در رژیم سلطنتی که صاحب
تاج و تخت باشد.

پادگان :

مرکب از پاد (ازمصدر پائیدن
به معنای محافظت کردن) و گان
(پسوند نسبت و حفاظت) و
رویهمرفته به معنی محافظ
است. بنابراین محلی را که
گروهی از سربازان و افراد
ارتش در آن برای محافظت مقیم
باشند، پادگان گویند.

پارازیت : Parasite (۱)

مختل کردن ارتباط بوسیله
امواج مزاحم یا وسائل دیگر را
پارازیت گویند.

پاراف :

اثری از امضاء تهیه کننده
نگارش، بمنظور معرفی و تأیید
اقدامی که انجام داده است

پارچه الحاق :

عبارتست از اسکلت دستگاه
آتش و یا عبارت دیگر قسمتی
که قطعات دستگاه آتش را در
خود جای داده است.

پاسبان :

مأمور شهربانی که در خیابان
و معابر حرکت میکند و وظیفه اش
حفظ و آرامش شهر است.

پاسبخش :

درجه داری است مأمور تعویض
پاسداران ، نگهبانان و یا
پاسبانان در ساعت های معین.

پاسدار :

نگهبان، محافظ ، محافظت
کننده .

پاسدار رزمی :

رده تأمین تیپ میباشد و لشکر
از نظر ایجاد هماهنگی بین
تیپها محل عمومی آنرا که
معمولا بین ۱۰۰۰ تا ۲۴۰۰
متری جلو لجمن (لبه جلو
منطقه نبرد) است تعیین
مینماید . مأموریت اصلی
پاسدار رزمی اعلام خطر بموقع
از نزدیک شدن دشمن و ممانعت
از دیده بانی نزدیک زمینی دشمن
روی منطقه نبرد و جلوگیری از
آتش مستقیم دشمن بداخل
منطقه بدافندی جلو میباشد.
پاسدار رزمی معمولا در پدافند
منطقه ای تعیین میشود .

پاسدار عمومی :

رده تأمینی لشکر میباشد و سپاه از نظر ایجاد هماهنگی بین لشگرها محل عمومی آنرا که معمولا بین ۸ تا ۱۶ کیلو-متری جلو لجمن (لبه جلو منطقه نبرد) است تعیین میکند. مأموریت اصلی پاسدار عمومی، اعلام خطر از نزدیک شدن دشمن، به تأخیر انداختن پیشروی دشمن و بهم زدن سازمان رزمی او، فریب دادن دشمن نسبت بطرح پدافندی و وارد کردن حداکثر تلفات به دشمن میباشد.

پاسداری : (پاسبانی)

نگهبانی، مراقبت و محافظت از چیزی یا محلی و یا شخصی، پاسداری به معنی حق شناسی نیز آمده است.

پاسگاه اصلی فرماندهی :

پاسگاه اصلی فرماندهی قرارگاه اصلی است که کلیه افسران ستاد هم‌آهنگ کننده (ستاد عمومی) و ستاد تخصصی که با عملیات رزمی و پشتیبانی رزمی ارتباط دارند در این قرارگاه انجام وظیفه میکنند.

پاسگاه تاکتیکی فرماندهی :

(گروه فرماندهی)

در پاسگاه تاکتیکی فرماندهی ممکن است فرمانده باتفاق پرسنل منتخب ستاد، پرسنل تأمینی و ارتباط با وسائل لازم و ضروری در محلی غیر از پاسگاه اصلی فرماندهی و نزدیک یگانهای رزمی مستقر شده و عمل نمایند.

پاسگاه مراقبت :

بهریک از پاسگاههای پاسدار رزمی که در عرض گسترش یافته و معمولاً هم دارای استعداد برابر نمیشوند پاسگاه مراقبت گفته میشود.

پاسور : (بفتح و)

عنصر رزمنده ایست که جهت همراهی و حفاظت یک نیروی دیگر گمارده میشود.

پاسور ستون موتوری :

به اسکورت ستون موتوری مراجعه شود.

طاق یا مقطع پیدایش :

محل نشیمنگاه قوسی ری پایه‌ها.

پاکت خودرو :

پاکتی است که در آن کلیه نمونه‌های نگهداری خودرو را

پاك كردن

پايه آتش :

قطعه ايست در دستگاه چکاننده جنگك افزار كه سبب مسلح شدن جنگك افزار و رها كردن سوزن يا چخماق ميگردد.

پايه خركي :

مجموع قطعات چوبي يا فلزي كه تشكيل يك پايه ياتكيه گاه مياني پل را ميدهد.

پايه كوپ : (دتك مكانيكي)

يكي از وسايل سنگين گردان مهندس بوده كه براي كوييدن انواع مختلف پايه هاي چوبي، بتوني و يا فلزي بكار ميرود .

پتانسييل : Potentiel (۲)

عبارتست از فشار الكتريكي، كه واحدسنجش آن ولت است.

پدافند : (دفاع)

- ۱- هرگونه عمليات رزمي كه در آن درجه اي از پايداري ديده شود پدافند نام دارد.
- ۲- بكار بردن كلييه جنگك افزارها و روشهاي موجود بمنظور جلوگيري از موفقيت دشمن و برهم زدن تك او پدافند ناميده ميشود، وازه پدافند معمولاً باحفظ ونگهداري زمين همراه است .

ميگذارند ، و پشت آن نيز تاريخ تعويض قطعات عمده خودرو ثبت ميگردد .

پاك كردن :

از بين بردن مقاومتهای سازمان يافته دشمن در منطقه واگذار شده، بوسيله انهدام نيرو - هاي دشمن و يا وادار كردن دشمن به عقب نشيني از منطقه.

پالت : Palette (۱)

صفحات چوبي است كه در انبارها، اجناس روي آن چيده ميشوند كه هم مانع نفوذ رطوبت و هم باعث سهولت حمل اجناس ميشود .

پايان :

آخرين قسمت يك نگارش است كه شامل خط امضاء ، فهرست گيرندگان و شرح پيوستها ميگردد .

پايگاه پشتيباني :

عبارتست از منطقه اي از صحنه عمليات پيش از تشكيل ناحيه مواصلات كه كلييه منابع و تسهيلات مربوط به پشتيباني خدماتي رزمي در آن قرار گرفته باشند .

(۱) و (۲) وازه بيگانه متداول در ارتش شاهنشاهي

پدافند با فرصت

پدافند با فرصت :

پدافندی است که در آن تماس با دشمن نزدیک نبوده و با داشتن زمان کافی پدافند سازمان می‌یابد. این پدافند معمولاً از یک منطقه مستحکم (مواضع، مزغله‌ها، پناهگاهها و سیستمهای ارتباطی ویژه) انجام میشود.

پدافند تعجیلی :

پدافندی است که در آن تماس با دشمن نزدیک بوده و زمان برای سازمان دادن پدافند محدود باشد.

پدافند داخلی :

اقداماتی است که یک دولت برای محافظت جامعه خود در برابر شورش، بی‌قانونی و براندازی میدهد.

پدافند دایره‌ای :

نوع و شکلی از پدافند بوده و بیشتر بوسیله یگانهای که در منطقه عملیات، مجزا میشوند اجراء میگردد (مانند یگانهای پیاده هواپرد) در این نوع پدافندیگانهای مستقر در خط، در محیط دایره‌متمركز میشوند.

پدافند در عقب :

یکی از ملاحظات اصلی پدافند

بوده و در آن، یگانها برای حفظ عارضه حساسی که در انجام مأموریت مؤثر میباشد به گسترش در عمق مبادرت میورزند.

پدافند در عمق بوسیله گسترش در جلو عارضه حساس، استفاده از مواضع سد کننده روی معابر و وصولی دشمن و همچنین طرحریزی و تقسیم آن در عمق عملی میگردد.

پدافند دورادور :

یکی از ملاحظات اساسی پدافند بوده و منظور از آن آماده بودن جهت پدافند از کلیه سمتها است. پدافند دورادور باتیبه مواضع سد کننده در پهلوها و عقب منطقه پدافندی تأمین میگردد.

پدافند زمین بهوا : (A.D.A)

یگانهای هستند که مجهز به جنگ افزارهای زمین بهوا بوده و مأموریت دارند که از پایگاهها و ایستگاههای رادار علیه تگهای هوایی در ارتفاع پست پدافند نمایند.

پدافند ضد تانک :

عبارتست از بکار گرفتن کلیه وسائل و سیستمها و جنگ -

پدافند ضد شیب

قسمت اعظم نیروی پدافندی مواضع تاکتیکی خود را در محلی که رزم قطعی بایستی صورت گیرد انتخاب نموده و بمنظور حفظ مواضع و کنترل زمین انجام میگیرد و در آن به قدرت نیروها در مناطق پدافندی تکیه میشود .

پدافند میکربی :

شامل کلیه اقداماتی است که بمنظور جلوگیری از عملیات میکربی دشمن و یا خنثی نمودن اثرات نامطلوب ناشی از انتشار میکربها صورت میگیرد .

پدافند هوائی :

کلیه اعمالی که بمنظور انهدام، خنثی کردن، کاهش اثرات تک هواپیماها و موشکهای بالستیکی دشمن در هوا انجام میگیرد ، پدافند هوائی نام دارد (مراحل پدافند هوائی عبارتیست از تجسس، شناسائی، رهگیری و انهدام هواپیماهای دشمن)

پدایش :

- ۱- کارهای اداری که يك بیمارستان هنگام پذیرفتن بیمار انجام میدهد
- ۲- مرحله دریافت مشمولین خدمت نظام وظیفه از حوزه-

افزارهای ضد تانک با استفاده صحیح از زمین در وضعیت پدافندی در معاوبر و گذرگاههای اجباری علیه تانکهای دشمن .

پدافند ضد شیب :

پدافندی است که در شیب پائین رونده، پشت و دور از دید دشمن سازمان می یابد .

پدافند عامل :

نوعی پدافند است که بوسیله اجرای آتش انجام میگیرد و شامل استفاده از هواپیماهای شکاری، توپخانه پدافند هوائی، جنگ افزارهای الکترونیکی ، موشکهای زمین بهوا و هوا به هوا میباشد .

پدافند غیر عامل :

شامل استفاده از پوشش ، استتار، اختفاء پراکندگی ، فریب و کنترل حرکت در روشنائی میباشد .

پدافند متحرک :

پدافند از منطقه یا موضعی است که با اجرای مانور، استفاده از زمین و آتشهای موجود بمنظور انهدام دشمن و بدست آوردن ابتکار عملیات انجام میگیرد.

پدافند منطقه ای :

نوعی پدافند است که در آن

پذیرش ابتدائی بیمارستان

های سرباز گیری به مراکز آموزش انفرادی .

پذیرش ابتدائی بیمارستان :

پذیرش بیمارانی که مستقیماً به بیمارستان مراجعه کرده یا پذیرش بیماری از سایر مراکز درمانی که وسیله درمانی تخصصی آن بیمار را نداشته‌اند مراجعه کرده است .

پراکندگی : (پراکندگی تیر)

۱- هرگاه تعدادی گلوله‌های هم کالیبر با یک نوع مهمات و یک جنک افزار و با یک سمت زاویه تیر، تیراندازی شوند گلوله‌ها به نقاط مختلف برخورد میکنند این پخش شدن گلوله را پراکندگی گویند .

۲- قاعده ایست که بایستی در تمام عملیات تا آنجا که به تمامیت و یکپارچگی نیرو لطمه‌ای وارد نشود رعایت گردد .

پرتونگاری :

عکسبرداری از اعضاء بدن یا اشیاء و یا حفره‌ها بوسیله تابانیدن اشعه ایکس (X)

پرچم مخاברה :

پرچمی است زوجی که برای

مخاברה حروف یا اعداد در مسافت‌های کم بکار می‌رود .

پرداخت خرج (هزینه) بیماری :

مبلغی است که ارتش به بیماری که در درمانگاه یا بیمارستان غیر نظامی درمان شده بر مبنای مشخصی و طبق مقررات می‌پردازد .

پرده پوشش :

یکی از انواع مقاومت است که با عمل مراقبت در پهلوها ، جلو و عقب یک جبهه وسیع به یک نیروی متحرک یا ثابت واگذار گردیده و این وظیفه به وسیله دیدبانی ، گزارش و حفظ تماس بصری با نیروهای دشمن (که با آن روبروست) انجام می‌گیرد .

پرده شناسائی :

دو تخته پرده بطول و عرض ۴ × ۲ متر به رنگ‌های زرد و قرمز شفاف هستند که یگانهای زمینی برای معرفی و شناسائی خودشان به‌وایماهای خودی در زمان جنک از آنها استفاده میکنند .

(برای پهن کردن آنها بر روی زمین از دستور کارمخابرات استفاده میشود) .

پرده شناسائی

و یاسازمان نظامی کارمیکنند،
گفته میشود .

پرسنل احتیاط جداول زمان جنگ :

به پرسنل احتیاطی اطلاق
میشود که پرسنل جداول
سازمانی ویژه زمان جنگ
برخی از یگانها را تأمین می-
نمایند .

پرسنل رهاشونده :

بافسران کادر ثابت نیروهای
مسلح شاهنشاهی اطلاق
میشود که پرسنل جداول
سازمانی ویژه زمان جنگ
بوسیله افسران احتیاط (رها
کننده) رها میشوند .

پرسنل رهاکننده :

بافسران احتیاطی اطلاق میشود
که در زمان جنگ افسران کادر
واجد شرایط را برای انتصاب
در مشاغل مهمتر (رزمی) رها
میکنند .

پرسنل پرکننده :

بآن عده از پرسنل احتیاط
گفته میشود که بمنظور پر کردن
محلها و مشاغل بلا تصدی
یگانهای زیر پرچم و احتیاط
انتخاب میگردند و این پرسنل
قبل از پایان خدمت زیر پرچم

پرده شناسائی : (مویت)

پرده ایست که بوسیله عده های
زمینی برای مخابره علائم به
هواپیماهای خودی گسترده
میشود .

پرده های مخابراتی :

پرده های مخابراتی عبارتند از:
دوتخته پرده سفید و سیاه که
هر کدام بطول و عرض 4×2
متر میباشند این پرده ها برای
مخابره حروف ، اعداد مرس
و علائم اضطراری از زمین به هوا
(برای هواپیماها و هلیکوپترها)
بکار میروند .

پرسی : Press (۱)

دستگاهی است که ایجاد فشار
میکند .

پرستاری بهداشتی :

قسمتی از رشته پرستاری
ارتش است که مسئول بسالا
بردن سطح بهداشت و جلوگیری
از بیماری و ناتوانی در ارتش
و نگهداری بیماران نظامی
است .

پرسنل : (افراد - کارکنان)

بکلیه عوامل انسانی که زیر
امر یا تابعیت یک فرماندهی

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

که جاده را از وسط درامتداد محور طولی بریده و از یکی از دو طرف جاده بطور عمودی با زاویه ۹۰ درجه به آن نگاه کنید .

پرونده آئین یا خط مشی :

مجموعه مقررات و تدابیر اساسی و همچنین روش جاری امور ارکان یکم ستادها .

پرونده بیمارستان صحرائی :

برگه‌هایی است که در بیمارستان صحرائی وضع پزشکی و بالینی بیمار در آن ضبط شده و در پوشه‌ای قرار دارد .

پرونده بیماری :

پرونده‌ایست که توسط بیمارستانها برای ثبت پیشینه بیماری و آزمایشهای پزشکی و آزمایشگاهی مانند پرتونگاری تشکیل میشود ، یا به منظور تشخیص و پیشرفت بهبودی و اثر داروهای بکار رفته و کنکاشهای پزشکی و اعمال جراحی می باشد .

پرونده پزشکی پرسنلی :

پرونده‌ای است که پزشکان برای بیماران به منظور بایگانی تنظیم می کنند .

اولیه برای اشتغال در محل سازمانی خود در دوره خدمت احتیاط به یکی از یگانهای زیر پرچم و یا احتیاط متناسب میگردند .

پرک :

در جنگ افزارهایی که لوله آنها خان ندارد، وسیله استقرار کلوله‌ها پرک است (مانند خمپاره‌های ۶۰ و ۸۱ مم) .

پروتون : Proton (۱)

عبارتست از اجزائی با بار الکتریکی مثبت در هسته اتم .

پروژکتور مرکب :

دستگاهی است مرکب از چند پروژکتور که میتواند تصاویر پی‌درپی عکسهای هوائی را در روی یک مسیر (صفحه) نشان دهد. نمایش تصاویر از لحاظ مقیاس و وضعیت به طریقی تنظیم میشود که مجموعه تصاویر برجسته و از نظر جزئیات عکس و مقیاس دقیق است .

پروژه :

طرح . نقشه .

پروفیل طولی :

تصویری از جاده است، وقتی

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

پرونده جاری تعمیراتی

شخص و ارجاع آن به يك مستخدم در نظر گرفته شده است. اعم از اینکه دارای متصدی باشد یا بدون متصدی .

پست دیده بانی :

محلّی است با رعایت کلیه جنبه‌های ایمنی از نظر انتخاب صحیح زمین ، حفاظت، اختفا و استتار و مسلط و سرکوب به منطقه دیده‌بانی .

پست نیروی زمینی یا هوایی :

سازمان پست نظامی که دارای شماره مشخص بوده و بعنوان یکی از شعبات پست کشوری تعیین شده است .

پسوندها :

شماره‌ای است در مهمات که میتوان بجای مهمات دیگر استفاده کرد مثلاً اگر دو نوع مهمات دارای يك پسوندها باشند میتوان از آنها بجای یکدیگر استفاده کرد .

پشتیبانی :

هر نوع فعالیتی از طرف يك یگان را که موجبات تسهیل مأموریت یگانهای دیگر را فراهم کند پشتیبانی گویند .

پرونده جاری تعمیراتی :

عبارتست از اوراقی که معایب اقلام تعمیراتی در آن ثبت و در حال اقدام باشد .

پریمپ : (۱)

دستگاهی است که با استفاده از قانون شکست نور درست شده و خدمه تانک را قادر میسازد بدون اینکه در خطر تیر مستقیم دشمن قرار گیرند منظره خارج تانک را از داخل تانک دیدبانی نمایند .

پزشک نظامی :

افسر مسئول بهداری يك یگان یا يك سازمان یا يك پادگان نظامی است . این شخص از گروه افسران پزشک ستادی بوده و فرمانده را در مسائل پزشکی یاری میدهد .

پست :

شامل برنامه یا پیام الکتریکی، یادداشت، نامه عادی ، بسته و هر نوع مکاتبه‌ای است که دریافت و ارسال میگردد .

پست ثابت سازمانی :

عبارتست از محلّی که در سازمان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی بطور همیشگی برای يك

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

پشتیبانی خدمات رزمی

منظور از پشتیبانی توپخانه ، پشتیبانی یگانهای مانورکننده بوسیله آتش میباشد .

پشتیبانی خدمات رزمی :

پشتیبانی خدمات رزمی به آن گونه پشتیبانیها و کمکهای گفته میشود که برای یگانهای عملیاتی در زمینههای خدمات اداری و دین‌یاری ، امور غیر نظامیان، امور مالی، خدمات قضائی ، نگهداری ، خدمات بهداری ، دژبان ، جایگزینی، آماد و ترابری وسایر خدمات لجستیکی دیگر فراهم میگردد.

پشتیبانی رزمی :

عبارتست از کمکهای عملیاتی که برای عناصر رزمی وسیله سایر یگانهای تعیین شده ، فراهم میشود .

پشتیبانی عمومی :

نوعی پشتیبانی است که تماماً به یگان پشتیبانی شونده بطور کلی و اعم داده میشود نه به یگانهای تابعه آن بطور اخص.

پشتیبانی لجستیکی :

کلیه فعالیتها و اقدامات مربوط به آمادها ، ترابری ، نگهداری ، تخلیه و بستری

کردن ، امور کارگری و امور ساختمانی را پشتیبانی لجستیکی گویند .

پشتیبانی متقابل :

هنگامیکه یگانها به سبب نیازمندی ووظائفشان بتوانند با گسترش مناسب خود و با مقدوراتی که دارند یکدیگر را پشتیبانی کنند ، دارای پشتیبانی متقابل خواهند بود. پشتیبانی متقابل یکی از ملاحظات عمده پدافندی است.

پشتیبانی مستقیم :

یک نوع رابطه فرماندهی است که بین یگانهای پشتیبانی رزمی و یا پشتیبانی خدمات رزمی بایگانهای رزمی برحسب نیاز عملیاتی برقرار میگردد.

پلاتینگ برد : (۱)

صفحه ایست مدور، شفاف و مشبك که روی يك صفحه دیگر شیری رنگ از نوع پلاستیک با يك محور متحرك سوار شده و برای محاسبات برد و سمت (برای تعیین عناصر تیر) و همچنین تصحیح تیر در تیراندازی خمپاره اندازها و توپخانه در مرکز هدایت آتش بکار میرود .

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

پلاتین‌ها

پلاتین‌ها :

کلید قطع و وصلی است که در دلکو قرار گرفته و با تبدیل جریان مستقیم برق به جریان متناوب سبب قطع سریع حوزة مغناطیسی کوئل و ایجاد ولتاژ قوی در آن میشود .

پلاک هویت :

پلاک فلزی است با زنجیر که هویت، شماره پرسنلی و نوع گروه خون صاحب پلاک روی آن حک شده است و آویختن آن بگردن در هر حال اجباری است .

پلان مسیر :

پلان مسیر تصویری است افقی که از بالای جاده گرفته شده باشد و در آن فقط فواصل بین نقاط و سمت و جهت نقاط مختلف مشاهده گردد .

پلس : (پولس)

محور فعال و زنده در خودرو است که سبب انتقال نیروی موتور از دیفرانسیل به چرخها میشود .

پمپ

دستگاهی است که در اثر فشار یا مکش آن عمل بنزین، روغن و آبرسانی انجام میگیرد .

پمپ انژکتور

دستگاهی است در موتورهای دیزل که سوخت مورد نیاز را بموقع و با فشار لازم به انژکتورها میرساند .
(رجوع شود به انژکتور) .

پمپ بنزین :

دستگاهی است که در موتورهای بنزینی، بنزین را از باک مکیده با فشار معین بطرف کاربراتور هدایت میکند .

پناهگاه :

برای حفاظت عده‌ها، سلاحها، تدارکات مربوطه و استراحت نفرات رزمده در برابر هوای بد و طوفانی و مقاومت در برابر آتشهای دشمن در ضد شیبها، دره‌های تنگ، نقاط پست و جنگلها محل‌هایی بوجود می‌آورند که پناهگاه نامیده میشود .

پوشش :

- ۱- اقدام یا تهدید به عملیات آفندی، پدافندی و یا هر دو بوسیله هر یک از نیروهای سه‌گانه بمنظور ایجاد حفاظت .
- ۲- حائل یا حفاظت طبیعی یا مصنوعی .

۳- حفاظت در برابر آتش

دشمن .

۴- بعنوان درجه‌ای از تأمین

که بوسیله نیروئی جدا از

عمده قوا ایجاد میگردد .

۵- پوشش عقب نشینی

یگانه‌ایکه ضمن حفظ

تماس با دشمن از خط

یگانهای خودی میگذرند ،

این عمل با آتش همراه

میباشد . مانند پوشش

عقب‌نشینی پاسدار عمومی

لشکر بوسیله تیپهای در

خط در پدافند .

پوکه :

قسمتی از يك گلوله طیانچه ،

تفنگ ، تیربار، توپ ویا

هویتزر میباشدکه خرج پرتاب

مرمی در داخل آن قرارمیگیرد

تا در اثر اصابت سوزن بجاشنی

خرج پرتاب محترق گشته و

مرمی از لوله جنگ افزار به-

خارج پرتاب شود .

پهلودار :

يك نیروی تأمینی است که در

پهلوهای يك نیروی ثابت، یا

متحرك عمل نموده و آنرا در

مقابل دیدبانی زمینی دشمن،

آتش مستقیم و تك غافلگیری

دشمن حفظ میکند .

پهلوگاه :

محل است که کشتی‌ها در موقع

تخلیه و بارگیری در آنجا پهلو

میگیرند .

پی . اچ . (P-H) آب :

عبارتست از میزان اسیدی یا

قلیائی آب که بر اثر موادمعدنی

وشیمیائی در آب پدید میآید و

به ۱۴ درجه تقسیم میشود (از

صفر تا ۷ اسیدی از ۷ تا ۱۴

قلیائی و ۷ خنثی) .

پی . اچ . (P-H) سمج :

دستگاهی است که بامعرفهای

مورد نظر میزان اسیدی یا

قلیائی آب و دیگر مایعات را

تعیین میکند .

پیاده مکانیزه :

يك یگان رزمی است که دارای

نفربر زرهی بوده و بمنظور

نزدیک شدن بدشمن وانهدام

او توسط آتش ومانور و دفع

هجوم دشمن در رزم نزدیک و

پشتیبانی از تانکها سازمان

داده میشود .

پیام :

۱- هر نوع مطلبی است که

بطور مختصر در فرم مصوبه

بصورت رمز یا کشف برای

ارسال با یکی از وسائل

مخابراتی تهیه میگردد.

پیام آتی

یگانهای زمینی یادریائی پرتاب
میشود.

پیام خدمتی رمز :

پیامی است که معمولاً رمز بوده
و برای درخواست یا دادن
اخباری در باره نامرتب بودن
عمل رمز یا کشف پیامها بین
تأسیسات رمز مبادله میشود.

پیام خیلی فوری :

این ارجحیت به پیامهای مربوط
به بسط گزارش تماس اولیه
با دشمن، دستورهای عملیاتی
مربوط به عملیات جاری و
همچنین پیامهای اداری که اثر
مستقیمی روی وضعیتهای
تاکتیکی دارند داده میشود .

پیام رسان :

سربازی است که پیام زبانی
یا نوشته‌ای را از یک محل به
محل دیگر میرساند (سواره
یا پیاده)

پیام رسان زوجی :

هنگامیکه مأموریت مشکل و
خطرناک باشد پیام رسان زوجی
بکار رفته و بهر نفر یک نسخه
از پیام داده میشود، این دو
نفر باندازه‌ای از هم دور هستند
که ضمن اینکه یکدیگر را می بینند
هر دو با هم دفعتاً دستگیر
نمیشوند .

۲- پیام عبارت از خبری است
که از یک شخص بشخص
دیگر و یا یگانی به یگان دیگر
بوسیله یکی از وسائل
ارتباطی ارسال میگردد -
پیام بردونوع است، زبانی
و نوشته‌ای .

پیام آتی :

ارجحیتی است که به پیام داده
میشود این ارجحیت اختصاص
به پیامهای مربوط به نخستین
تماس با دشمن یا پیامهای
رزمی عملیاتی دارد که بی نهایت
ضروری است. مراعات اختصار
در این گونه پیامها لازم و ضروری
است .

پیام با چند گیرنده :

پیامی که برای دو یا چند گیرنده
میباشد ولی نوعی است که
فرستنده میخواهد هر گیرنده
از سایر گیرندگان بی اطلاع
نباشد .

پیام برداشتنی :

پیامی که بوسیله کابل برداشت
هواپیما مشغول پرواز در
ارتفاع کم از زمین برداشته
شده است .

پیام پرتابی :

پیامی است که از هواپیما برای

پیام ساختگی (کاذب)

یک ماده شیمیائی یا ناخالصی را در یک میلیون قسمت از آب بیان میکند .

پی جاده :

قسمت زیر جاده را تا ارتفاع خط پروژه پی جاده مینامند که ممکن است زمین طبیعی و خاک دست نخورده و یا محل خاک ریزی شده باشد . این قسمت از جاده باید کلیه بارها و فشارهای وارده را تحمل کند .

پیستون :

قطعه‌ای است استوانه‌ای شکل که در داخل سیلندر موتور قرار گرفته و انرژی حرارتی حاصل از احتراق سوخت و هوا را تبدیل بانرژی مکانیکی میکند .

پیش افروز برقی :

از یک رشته فتیله انفجاری بطول در حدود ۶۰ سانتیمتر و یک چاشنی برقی متصل به آن تشکیل میگردد .

پیش افروز ساده :

از یک رشته فتیله انفجاری بطول در حدود ۶۰ سانتیمتر یک چاشنی ساده ، یک رشته فتیله ملایم و یک آتشزنه متصل بیکدیگر تشکیل میشود .

پیام ساختگی (کاذب)

پیامی که بمنظوری غیر از آنچه که در متن پیام است فرستاده شود . این پیام ممکن است شامل گروه مطالب ساختگی و یا دارای متن بی معنی باشد .

پیام عادی :

ارجحیتی است که به پیام داده میشود این ارجحیت برای کلیه پیامهایی است که باید با وسائل سریع مخابراتی ارسال شوند ولی احتیاج به ارجحیت بالا-تری ندارند .

پیام قوری :

ارجحیتی است که یک پیام داده میشود این ارجحیت برای پیامهایی است که احتیاج به اقدام سریع از طرف گیرندگان و یا برای پیامهایی است که اطلاعات اساسی برای هدایت عملیات در برداشته و ارجحیت عادی برای آن کافی نیست .

پیام کد شده :

پیامی است که جهت تأمین بیشتر متن آن به کد تبدیل شده است .

پی . پی . ام . : (P . P . M)

واحد سنجش در تصفیه آب است که میزان یک قسمت از

پیشانی جنگی

انجام می‌پذیرد. این حرکات معمولاً از يك نقطه پوشیده تا يك نقطه پوشیده دیگر می‌باشد.

پیشروی رده بهره :

این پیشروی نوعی حرکت به جلو است که در آن عناصر يك یگان بچند بخش تقسیم و بخشها در زمانهای گوناگون بجلو حرکت مینمایند .

پیش فنك :

سلام نظامی و اداء احترام از طرف سربازان نگهبان و یا پاسدار نسبت به افسر عالی مقام (برابر آئین نامه) که با حرکت دادن و نگاه داشتن تفنگ در پیشروی خود و بحالت خبردار صورت میگیرد.

پیشگیری :

۱- عبارتست از بازرسی در موقع معین وانجام تعمیرات بموقع پیش از اینکه يك عیب و نقص كوچك به عیب و نقص بزرگتری تبدیل شود .

۲- عبارتست از نشانه روی به فاصله معین در جلو هدفهای متحرك بمنظور تیراندازی و اصابت دقیق به آنها .

پیشانی جنگی :

قسمتی از قطعات مقدم گلنگدن است که هنگامی که فشنگ در داخل لوله قرار میگیرد ته فشنگ به آن تکیه دارد .

پیش بینی :

اقدامات پیش از شروع کار را در ارتش ، پیش‌بینی برای انجام آن کار میگویند . واژه پیش‌بینی بیشتر در مورد برآورد نیازمندیهای مختلف عملیات آینده بکار میرود .

پیش بینی تعهد :

پیش‌بینی میزان اعتبار قانونی جهت پرداخت وانجام مأموریت که در نتیجه ارتش به پرداخت ارزش آن متعهد میگردد .

پیش پرداخت :

عبارتست از مبلغ پرداختی که از اعتبارات مربوطه طبق احکام، مقررات و قراردادهای دستورات پیش از انجام تعهد صورت میگیرد .

پیشروی :

حرکات بسوی دشمن و نزدیک شدن به او را پیشروی گویند.

پیشروی خیز به خیز :

حرکتی است که در آن پیشروی بصورت يك سری حرکات مجزا

۲- در علم پزشکی شامل اقداماتی است به منظور جلوگیری از بروز بیماریها.

پیشگیری نگهداری :

شامل توجه دائمی، بازدید و سرویس وسائل و وسایط و پیدا کردن و رفع معایب آنها بمنظور حاضر بکار نگهداشتن دائمی است .

پیش نویس :

نوشته ایست که به فرم نگارش نهائی (که در نظر است تهیه شود) نوشته شده و بمنظور تصویب یا اظهار نظر و تصریح مطالب آن به فرمانده یا رئیس ارائه میشود .

پیك :

قاصد . نامه رسان . پیغام بر .

پیکار :

جنگ . رزم . زد و خورد . تیراندازی .

پیکان :

تیر . سر نیزه .

پیکرد :

تعقیب . دنبال کردن .

پیمان :

۱- قرارداد- عهد - سوگند.
۲- هرگونه تعهد و قرارداد را

بین دو کشور یا بیشتر پیمان گویند .
۳- قراردادی است بین مقامات نظامی با فروشنده خدمات یا اجناس طبق شرایط ویژه بمنظور خرید آن خدمات یا اجناس .

پیمان سنتو :

(یا پیمان مرکزی CENTO)
پیمانی است در زمینه همکاری منطقه ای و نظامی بین کشورهای ایران ، پاکستان ، ترکیه و انگلستان (اعضاء اصلی) و کشور ایالات متحده آمریکا (عضو غیر اصلی و ناظر) این پیمان بنام پیمان مرکزی نیز نامیده می شود (واژه CENTO مخففی است از حروف اول کلمات انگلیسی زیر) :

Central Treaty Organisation

پیمان سیتو : (SEATO)

پیمانی است در زمینه همکاری متقابل و نظامی بین تعدادی از کشورهای غیر کمونیست جنوب خاوری آسیا که بنام پیمان آسیای جنوب خاوری نیز نامیده می شود (واژه SEATO مخففی است از حروف اول کلمات انگلیسی زیر) :

South East Asia Treaty Organisation

پیمان ناتو

پیمایش باز :

در نقشه برداری پیمایش باز عبارتست از يك سری خطوط بهم پیوسته با طول و سمت و اندازه گیری شده که آخرین خط آن به نقطه شروع و یا نقطه ای که موقعیت آن معلوم است ختم نمیگردد .

پیمایش بسته :

پیمایشی است که از يك نقطه شروع شده و بهمین نقطه و یا نقطه دیگری با مختصات معلوم ختم میشود .

پینیون : Pinion (۱)

اگر انتهای محوری به دنده ختم شود آن دنده را پینیون میگویند در خودروها در انتهای میل گاردان و میل فرمان اصلی پینیون موجود است .

پیوست :

برای رعایت اختصار در متن اصلی نگارش ، جزئیات و مدارك مورد نیاز ، به نگارش اصلی الصاق میشود این مدارك را پیوست نامند .

پیمان ناتو

پیمانی است در زمینه همکاری متقابل و نظامی بین تعدادی از کشورهای غیر کمونیست اروپای باختری علیه تهدیدات احتمالی اعضاء پیمان ورشو که بنام پیمان آتلانتیک شمالی نیز نامیده می شود (واژه ناتو NATO مخففی است از حروف اول کلمات انگلیسی زیر) :

North Atlantic Treaty Organisation.

پیمان ورشو :

پیمانی است در زمینه هرگونه همکاری متقابل و نظامی بین کشورهای کمونیست اروپائی (اقمار روسیه شوروی) علیه تهدیدات احتمالی نظامی کشورهای غیر کمونیست اروپائی عضو پیمان ناتو .

پیمایش : (متداول در نقشه برداری)

عبارت از خطوط مستقیم (ساق پیمایش) متوالی است که بوسیله نقاط متوالی (ایستگاه پیمایش) بهم ربط داده میشوند .

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

فرهنگ واژه‌های نظامی

ت

۱- دانش و هنر بکار بردن نیروها را در رزم تاکتیک گویند .

۲- ترتیب منظم مانور یگانها را نسبت بیکدیگر و نسبت بدشمن (بطوری که از قدرت آنها حداکثر استفاده بعمل آید) تاکتیک میگویند .

تاکتیکهای ضد آتشبار :

عبارتست از خط مشی فرمانده توپخانه در مورد بکار بردن یگانهایش ، برای تک به آتشبارها و سایر جنگ افزارهای دشمن .

تأمین :

۱- اقداماتی است که بمنظور حفاظت يك نیرو در برابر جاسوسی ، دیدبانی ، خرابکاری ، دخالت و غافلگیری بعمل می آید .

ت :

حرف چهارم از الفبای فارسی است .

تاب :

۱- به معنی پیچ و خم در رشته یا ریسمان .
۲- به معنی فروغ، روشنائی و گرمی .
۳- به معنی طاقت و توانائی نیز آمده است .

تابمندی : (قابلیت انعطاف)

عبارتست از توانائی روبرو شدن با وضعیت های گوناگون و غیر پیش بینی شده .

تاخت :

دویدن - بدو در آوردن است . حمله کردن، هجوم بردن .

تاخت و تاز :

عده ای با جنگ افزار به جمعیتی و یا محلی تاختن و ضربت زدن .

تاکتیک :

حمله کردن ، هجوم بردن .

تأمین ارتباط

۲- حالتی است که در نتیجه برقراری و حفظ اقدامات تأمینی پیدا میشود .

۳- شرایطی است که از برقراری اقداماتی جهت حفاظت اخبار معین ، سیستمها ، ترکیب ها و تجهیزات برای جلوگیری پرسنل دشمن یا نفوذ دشمن ناشی میشود .

تأمین کردن :

بمفهوم تاکتیکی عبارتست از تصرف يك موضع یا عارضه حساس بوسیله نیرو و آتش یا بدون نیرو .

تأمین کردن هدف :

حالتی است که در آن امکان تهدید متقابل دشمن روی هدف تصرف شده از بین رفته باشد .

تأمین مخابره :

يك اصطلاح کلی است که هم شامل تأمین ارتباط وهم تأمین الکترونیکی میگردد .

تأمین منطقه عقب :

اقداماتی است که پیش یا در حین و یا بعد از عملیات، در مقابل تهدید های یگانهای هوابرد دشمن یا عمل تخریبی و عمل نفوذی چريك ویا عملیات روانی و تبلیغاتی او برای بحد اقل رسانیدن اثرات حاصله از اقدامات آنها انجام میگردد .

۲- حالتی است که در نتیجه برقراری و حفظ اقدامات تأمینی پیدا میشود .

۳- شرایطی است که از برقراری اقداماتی جهت حفاظت اخبار معین ، سیستمها ، ترکیب ها و تجهیزات برای جلوگیری پرسنل دشمن یا نفوذ دشمن ناشی میشود .

تأمین ارتباط :

اقداماتی است بمنظور جلوگیری از بخطر افتادن هر نوع پیام یا وسائل و مدارك ارتباط .

تأمین ارسال :

آن قسمت از تأمین ارتباط که از کلیه اقدامات پیش بینی شده برای حفاظت ارسال (مخابره) در برابر استراق سمع، تجزیه و تحلیل مخابره و دریافت مخابرات تقلیدی ناشی میگردد .

تأمین رمز :

آن قسمت از تأمین ارسال که از پیش بینی يك سیستم رمزی مطمئن از نقطه نظر فنی و کار آن ناشی میشود .

تأمین فیزیکی :

آن قسمت از تأمین که از اقدامات پیش بینی شده بمنظور

تانك : (ارابه جنگی)

خودروئی است شنی‌دار و زره دار که با انواعی از جنگک-افزارها مجهز شده و بمنظور اجرای عملیات متحرك در رزم آفندی، پدافندی و عملیات حرکات بعقب از آن استفاده میکنند .

تاییدکننده :

رئیس بلاواسطه دائم یا موقت، نظریه دهنده دوم .

تئودولیت : (۱)

دستگاهی است برای اندازه‌گیری امتداد زاویه ستاره قطبی با سطح افق بمنظور تعیین عرض جغرافیائی نقاط در روی کره زمین .

تبابی :

با هم ساختن ، با هم سازش کردن و همدست شدن برای اقدام به کاری .

تبلیغات :

هرگونه خبر ، ایده ، آئین یا نظری است که از هدفهای ملی پشتیبانی کند و بمنظور نفوذ در عقاید و طرز رفتار افراد طرحریزی شده و مستقیم یا

غیرمستقیم منافع اجراءکننده را تأمین نماید .

تبلیغات خاکستری :

تبلیغاتی است که اجراءکننده آن اصولاً وابستگی خود را به شخص یا سازمان ویژه‌ای اعلام نمیکند (منبع و عامل نامعلوم).

تبلیغات سفید :

تبلیغاتی است آشکار که منبع آن مشخص بوده و هویت اجراءکننده و یا وابستگی آن به سازمان معین اعلام میشود .

تبلیغات سیاه :

تبلیغاتی است که اجراءکنندگان آن بستگی به منبعی که ادعا میکنند نداشته و خود را عوضی و به دروغ معرفی کنند (منبع و عامل هر دو غیر واقعی میباشد).

تپه :

زمینهای شنی یا خاکی برجسته‌ایکه بلندی آن از کوه کمتر باشد (معمولاً با بلندی ۱۵۰ تا ۶۰۰ متر) .

تثبیت دشمن :

تثبیت دشمن ، مفهوم متوقف کردن، برتری یافتن و احاطه

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

تثبیت کردن

مذکور به کشف انجام میشود بدون در اختیار داشتن کلیدی که در رمز کردن متن مزبور بکار برده شده است.

تجزیه و تحلیل هدف :

تجزیه و تحلیل هدف به معنی بررسی قدرت هدفها بمنظور تعیین اهمیت نظامی آنها، تقدم آنها ، برای تک و امکانات جنگ افزارهای موجود برای تیراندازی روی آنها میباشد.

تجسس :

(واژه متداول در بدافند زمین به هوا) یعنی جستجو و پیدا کردن هواپیماهای دشمن توسط رادارهای موجود از مسافتهای دور، بطوریکه موقعیت هواپیما را در پرواز با تعیین سمت ، برد و ارتفاع بر روی صفحه اینگونه رادارها ظاهر میسازد.

تجهیزات :

وسائل و سازوبرگ نظامی را تجهیزات گویند .

تجهیزات انفرادی :

بوسائل و ساز و برگ که يك سرباز در حالات گوناگون رزم و تمرینات صحرائی به آنها نیازمند میباشد تجهیزات انفرادی گویند .

کردن نیروهای دشمن را با نیروی خودی دربردارد .

تثبیت کردن :

جلوگیری از عقب نشینی يك قسمت از نیروی دشمن و کرانمند (محدود) نمودن آزادی عمل او را تثبیت کردن گویند .

تجدید سازمان :

تجدید سازمان بمنظور ترمیم ضایعات و تلفات وارده و حفظ آمادگی رزمی جهت آماده شدن برای عملیات آینده انجام میگردد .

تجزیه و تحلیل :

۱- تجزیه: جزء جزء کردن چیزی ، اجزاء جسمی را از هم جدا کردن.

۲- تحلیل : حلال کردن - حل کردن - گشودن - حل کردن غذا در معده .

در کاربرد نظامی تجزیه و تحلیل عبارتست از بررسی جزئیات بمنظور تعیین و مشخص شدن کلیه مشکلات و نارسائیهها در انجام مأموریت یا وظیفه بمنظور برطرف ساختن آنها.

تجزیه و تحلیل رمز :

بررسی متن رمز شده و مراحل یا کارهایی که در تبدیل متن

تحت پیگرد

تحت پیگرد :

فردی که بسبب اتهامی تحت تعقیب قانونی قرار گیرد.

تحت السلاح :

حاضر در خدمت نظام - حاضر در خدمت نیروهای مسلح کشور

تحرک :

توانائی یا کیفیتی است در نیروهای نظامی که به آنها اجازه حرکت از یک مکان به مکان دیگر داده در حالیکه قدرت خود را بمنظور اجرای مأموریت حفظ میکنند .

تخریب :

حروف کلمات را عوض کردن، بیان و یا نوشته کسی را بر-خلاف واقع تغییر دادن .

تحکیم هدف :

با اقداماتی مانند سازمان دادن و تقویت مواضع متصرفی جهت روبرو شدن با عملیات پاتک دشمن گفته میشود.

تخت روان :

وسیله ایست که با آن فرد آسیب دیده را در حال درازکش به پشت رزمگاه (عقب جبهه) میبرند.

تختهای آماده :

تعداد تختهای حاضر در یک مرکز پزشکی که بطور عادی

به بیماران اختصاص داده شده است .

تختهای پذیرنده :

تختهایی است در مراکز پزشکی که در وضع موجود آماده پذیرش و درمان بیماران است.

تخریب :

تخریب عبارت است از نابود کردن ساختمانها، مصالح یا عوارض زمین ، یا جاده ها ، پلها و یا باند فرودگاه بمنظور غیر قابل استفاده کردن و ایجاد موانع . تخریب ممکنست بوسیله مواد منفجره ، سلاح اتمی، آتش ، وسائل مکانیکی، آتش سلاحها و بمباران هوائی صورت گیرد .

تخریبهای نظامی :

عبارت است از تخریباتی که بمنظورهای زیر انجام میشود. به تأخیر انداختن حرکت قوای دشمن و تسهیل حرکت عده های خودی بوسیله غیر قابل استفاده کردن پلها ، فرودگاه ها ، جاده ها و دیگر تأسیسات حیاتی و یا از کار انداختن تجهیزات مهم نیروهای متجاوز و یادرهم کوبیدن موانع دشمن.

تخصصهای نظامی

تداخل مغناطیسی :

تداخلی است که در نتیجه القاء الکترو مغناطیسی یا الکترو استاتیک در هادی‌های مجاور ایجاد میشود .

تدبیر عملیات :

خلاصه‌ای از راه کار کلی که برای اجراء انتخاب شده است.

تدبیر فرماندهی :

راهنمایی‌های اضافی برای کمک بستاد در تهیه طرح‌ها.

تذکر :

بیاد آمدن ، بیاد آوردن ، یاد کردن ، یادآوردن ، پنددادن.

توابری : (حمل و نقل)

واژه جدیدی است که بجای واژه حمل و نقل درگفتار و نگارشات بکار گرفته میشود.

تراز :

۱- جمع جبری زاویه ترازو تصحیح تکمیلی را در توپخانه تراز نامند .

۲- دستگاهی است که زاویه برد (ارتفاع) را برای روانه کردن توپ تانک ، بر روی هدف تعیین مینماید .

۳- افزاری که با آن هموار بودن ، مسطح و راست بودن سطح و یا دیواری را تعیین میکنند .

تخصصهای نظامی :

اصطلاحی است برای مشخص کردن یکدسته از مشاغل و وظایف نظامی که دارای نزدیکترین ارتباط بایکدیگر میباشند . کلیه کسانی که در این دسته طبقه‌بندی شده‌اند مساعدترین وضع را برای تبدیل مشاغل بیکدیگر دارا هستند .

تخلیه :

۱- مراحل حرکت دادن ضایعات پرسنلی (کشته ، مجروح و یا بیمار) از میدان نبرد بطرف عقب جبهه .

۲- عبارتست از خارج کردن نفر ، دواب و وسائل از يك محل مشخص .

۳- جمع‌آوری ، طبقه‌بندی و بسته‌بندی وسائل غیرقابل سرویس و یا وسائل جامانده خودی و یا دشمن در میدان رزم ، و ارسال آن به مراکز تعمیراتی ، اطلاعات فنی و یا بازیافتی .

تخلیه پزشکی از راه هوایی :

عبارتست از تخلیه از راه هوایی (با هواپیما) همراه با نظارت پزشکی روی بیمار در زمان تخلیه .

تراکم عبور و مرور

تراکم عبور و مرور :

تعداد خودروهائی از ستون
راه پیمائی که يك كيلومتر از
طول جاده را اشغال میکنند .

تراده :

سطحی است ساخته شده از
چوب یا سایر مواد و امکانات
موجود در منطقه عملیات برای
عبور دادن وسائط سنگین از
ساحل نزدیک به ساحل دور
رودخانه (از يك ساحل به
ساحل دیگر) .

تراکم خاک :

پرکردن فضای خالی خاک
بوسیله دانه‌های جامد .

تراکم میدان مین :

تعداد متوسط مین در هر متر
مربع از جبهه میدان مین .

ترانسفورماتور :

وسیله‌ایست که ولتاژ قوی یا
ضعیف برق را به ولتاژ کمتر
یا بیشتر تبدیل میکند .

ترتیب احتراق :

ترتیبی که درسپلندرها جرقه
زده میشود .

ترتیب توالی :

رعایت انجام منطقی کلیه
اقدامات ستادی را از نظر تقدم

در تهیه طرحها و برآوردها
بمنظور انجام يك اقدام ستادی
صحیح ترتیب توالی گویند .

ترتیب نیرو

عبارتست از لیست عده های
دشمن با توجه به ترکیبات ،
تابعیت‌ها ، نام ، مشخصات ،
هویت فرماندهان عمده ، احتمالاً
گسترش و محل استقرار
یگانها و عناصر دشمن .

ترکیب نیرو :

کتابی است که در آن لیست
یگانهای خودی ، شامل :
ترکیبات ، گسترش ، روابط
و تابعیت آنها مشخص گردیده
است .

ترفیح :

۱- عبارتست از ارتقاء افسران
و درجه‌داران و افراد به
درجه بالاتر .

۲- روشی است برای تعیین
محل توقفگاه در روی نقشه .

ترکش :

انفجار گلوله را ترکش گویند .

ترکش سطحی :

وقتی گوی آتشین انفجارمرمی
هسته‌ای بزمین برخورد نماید
ترکش را سطحی مینامند .

ترکش زیر سطحی

ترمینال :

عبارتست از محل یا ایستگاه - های انتهائی که در آنجا بارو مسافر اعزام یا تحویل میشود.

تره بار :

در کاربرد نظامی ، بکلیه اقلام و مواد غذائی سرباز شامل سبزیجات ، میوه جات و مانند آن گفته میشود .

ترور : Terror (۱)

۱- ترس زیاد، بیم ، هراس، خوف، وحشت .

۲- کاربرد نظامی این واژه و کاربرد آن در سیاست بمعنی کشتن واز بین بردن مخالفین برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم .

تروریست : Terroriste (۲)

فردی است که طرفدار حکومت تروریسم بوده و عامل اجرای منویات آن حکومت نیز میباشد .

تروریسم : Terrorisme (۳)

روشی است که عناصری با الهام گرفتن از اعمال خشن و وحشیانه و با ایجاد ترس و وحشت و آدمکشی در اجتماع بجامعه مسلط گشته و حکومت میکنند .

ترکش زیر سطحی :

ترکش يك جنگ افزار هسته ای که مرکز انفجار آن زیر سطح زمین یا زیر سطح آب قرار گرفته باشد .

ترکش هوائی :

وقتی که گوی آتشین انفجار مرمی هسته ای با سطح زمین تماس نشود ترکش را هوائی نامند . در اینحال اثرات موج انفجار و حرارت بحد اعلاء میرسد ولی ریزش قابل توجه نیست .

ترکیب تاکتیکی :

هنگامی که چند گروه تاکتیکی در يك نیروی رزمی بایکدیگر همکاری کنند ، يك ترکیب تاکتیکی درست میشود .

ترمز :

دستگاهی است که برای متوقف کردن وسائط نقلیه بکار میرود .

ترموستات :

دستگاهی است در موتور که درجه حرارت آب داخل بدنه سیلندر را تنظیم نموده و تا قبل از رسیدن بحرارت معین، اجازه ورود آب را به رادیاتور نمیدهد .

(۱) و (۲) و (۳) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

تربیلی :

خودرو یا وسیله ایست که بمنظور حمل بارهای مختلف سبك و سنگین بکار میرود .

تسلیمات :

تخشائی - اداره صنایع نظامی ، اداره اسلحه و یا جائی که اسلحه و مهمات تهیه و ساخته میشود .

تسمه پروانه :

۱- حلقه نواری شکل است که بین دو یاجند استوانه تعبیه شده و سبب انتقال نیرو و گردش استوانه ها میگردد.
۲- نواری است حلقه ای شکل که در قسمت جلو موتور خودروها بکار گرفته شده است و پروانه فلزی یا پلاستیکی را بگردش در می آورد بمنظور خنك کردن موتور .

تسویه حساب :

پایان دادن به حساب افراد یا سازمان و یا کارهای محاسباتی را خاتمه دادن .

تشعشعات حرارتی :

مقدار زیادی انرژی حرارتی است که بصورت تشعشعات حرارتی از انفجار يك مرمی

هسته ای در زمان بسیار کوتاه رها میشود .

تشعشعات رادیواکتیویته :

(تشعشع هسته ای)

مقدار زیادی از تشعشعات هسته ای ناشی از انفجار مرمی هسته ای بشکل اشعه گاما و نیوترونها و ذرات آلفا و بتا است (عوامل خطرناك اولیه اشعه گاما و نیوترونها میباشند).

تشعشع الکترومغناطیسی :

تشعشعی که از نوسان میدانهای الکترو مغناطیسی ایجاد و با سرعت سیر نور پخش میشود.

تشییع :

بدرقه کردن ، به قصد وداع دنبال کسی رفتن ، تشییع جنازه در مراسم دفن مرده شرکت کردن .

تصحیح تکمیلی زاویه تراز :

زاویه ایست کوچک که برای خنثی کردن تأثیر قوه جاذبه زمین و سایر عوامل جوی روی مسیر گلوله بروش جمع جبری روی زاویه تراز اعمال میشود.

تصحیح تیر :

عبارت از اقداماتی است که دیده بان برای اجرای تیر و یا آتش مؤثر به منظور انهدام هدف انجام میدهد. و آنچه که

تصرف

عمق بیشتر یا تهیه دستورها را میدهد .

تضعیف شدت :

کاهش شدت يك سيگنال یا پرتو یا موج است که در اثر جذب انرژی و پراکندگی حاصل میشود و ربطی به کم شدن در بعد جغرافیائی ندارد .

تظاهر :

تظاهر یعنی نشان دادن يك نیرو در منطقه مورد تصمیم فرمانده بمنظور فریب دادن دشمن .

تعادل استاتیکی : (ایستا)

هر جسم وقتی در تعادل استاتیکی است که برآیند تمام نیروهای وارد بآن صفر باشد و هیچ لنگری بر آن وارد نشود

تعادل دینامیکی : (بویا)

یعنی برآیند کلیه بردارهای وزن و شتاب جسم صفر باشد.

تعاقب :

عملی است آفندی (تعرضی) که علیه يك نیروی در حال عقب نشینی که در صدد قطع تماس میباشد، انجام میگردد.

تعرض :

اجرای تك و هجوم بطرف دشمن .

دیده بان از ترکش گلوله‌ها نسبت به هدف مشاهده میکند به مرکز هدایت آتش اعلام و مرکز هدایت آتش با انجام محاسبات دقیق فرامین لازم را از نظر تصحیح سمت و برد به یگانهای تیرانداز ابلاغ مینماید .

تصرف :

باشغال فیزیکی هدف، تصرف گفته میشود . در تصرف امکان تهدید متقابل دشمن وجود دارد .

تصفیه خود بخود :

عبارتست از تصفیه‌ای که به مقدار جزئی در اثر عواملی مانند ، حرکت ، ته نشینی ، سکون ، تنازع بقاء و اکسیداسیون انجام میشود .

تصفیه نهائی :

عملیاتی است که آبرای بطور کلی تصفیه میکند و شامل عملیات سم‌گیری ، عبور از صافی و ضد عفونی است .

تصمیم فرماندهی :

بیان رسمی راه کار انتخاب شده فرمانده با جزئیات کافی که بستاد امکان طرحریزی با

تعرفه ن . پ . يك

تعرفه ن . پ . يك :

خلاصه گویائی است از هویت کامل، سوابق خدمتی، مشاغل و میزان اطلاعات افسران و کارمندان .

تعرفه ن . پ ۲- :

تعرفه ایست که در آن ارزش خدمتی و میزان شایستگی و صفات و خصائل نظامی و شخصی افسران برای مدت خدمت محدودی ثبت میشود و بنای صحیحی برای ترفیعات پرسنل در عملیات پرسنلی میباشد .

تعرفه ن . پ ۳- :

تعرفه ایست که بمنظور تعیین ارزش تحصیلی و خصوصیات اخلاقی افسران و درجه دارانی که در یکی از سازمان های فرهنگی نیروهای مسلح شاهنشاهی تحصیل میکنند تهیه و تنظیم میشود و در طبقه بندی ترفیعاتی این پرسنل مورد استفاده قرار میگیرد .

تعقیب :

- ۱- از نظر اطلاعاتی: مراقبت پنهانی و دائمی شخص یا مکانی با وسایل موتوری یاپیاده بمنظور کسب نتیجه.
- ۲- از نظر تاکتیکی: دنبال کردن

نیروئی که در حال عقب - نشینی و قطع تماس میباشد

تعمیر :

بصورت قابل استفاده در آوردن وسایل از کار افتاده و معیوب بوسیله تعویض قطعات معیوب .
مرمت کردن - اصلاح کردن

تعمیر اساسی :

برگرداندن يك وسیله بيك وضعیت كاملا قابل استفاده با توجه به استانداردهای تعیین شده نگهداری .

تعمیر کامل :

تعمیر کامل عبارتست از تغییر وضع يك وسیله غیر قابل استفاده بنحوی که مانند يك وسیله نو قابل استفاده و حاضر بکار گردد .

تعمیری :

آن طبقه از اموالی که تعمیر آنها از نظر اقتصادی مقرون بصرفه و بسود ارتش بوده و میتوان آنها را پس از تعمیر جزئی ، مورد استفاده قرارداد و باحرف (ت) مشخص مینمایند .

تعویض درمحل :

عملیاتی است که در آن تمام یا قسمتی از یگان مستقر در منطقه

تفنگ بدون عقب نشینی

تقسیم تیر :

موقعیت ترکشها را در محل هدف تقسیم تیر مینامند .

تقسیم در نقطه :

روشی است از توزیع آمادها که در آن یگان دریافت کننده باوسائل ترابری سازمانی خود به نقطه تقسیم آمادها مراجعه وآمادهای مورد نیاز خود را دریافت و بمنطقه خود میبرد .

تقطیر :

عبارتست از جوشاندن آب در حرارت بیش از صد درجه برای تبخیر و تبدیل مجدد بخار و تبدیل مجدد بخار آن بآب جهت جدا کردن مواد محلول در آب .

تقویت :

- ۱- یعنی یگان توپخانه ، آتش یگان توپخانه دیگری را افزایش دهد .
- ۲- هرگاه يك گردان یا گروهان، بترتیب يك گروهان یا يك دسته هم جنس، یا یکدسته و یا يك گروه غیرهم جنس واگذار شود، دراصطلاح آن گردان تقویت شده است . مانند تقویت يك گردان پیاده با يك گروهان پیاده و تقویت

رزمی توسط یگان دیگری تعویض میشود .

تفنگ بدون عقب نشینی :

جنگ افزاری است که ته لوله آن باز بوده و تعادل فشاریین گازهای دهانه و عقب سبب میشود که جنگ افزار لگد نزند .

تفنگ ژ - ۳ :

جنگ افزاری است خودکار که با شانه بیست فشنگی تغذیه میشود .

تفنگ شکاری :

تفنگی است بدون خان و با برد کم که شکارچیان آنرا بکار میبرند .

تقاطع :

واژه ایست مورد استفاده در نقشه خوانی ، برای تعیین توقفگاه (با استفاده از دو امتداد مشخص روی نقشه و در طبیعت) .

تقسیم به یگان :

روشی است در توزیع آمادها که در آن یگان آماد کننده آمادها را باوسائل ترابری خود به منطقه یگان آماد شونده حمل کرده و به آن یگان تحویل میدهد .

یک گروهان تانک بایکدسته
تانک ، همینطور تقویت یک
گردان پیاده بایکدسته تانک.

تقویت کننده :

در دستگاههای بی سیم وسیله ای
بنام تقویت کننده وجود دارد
که امواج و ولتاژهای دریافتی
را تا حد مورد لزوم تقویت
میکند .

تقویت های پل :

قطعاتی هستند که بمنظور
تقویت زیربنا یا روبنای پل
بطور افقی، عمودی، و متقاطع
بکار میروند .

تک : (حمله)

یک عمل آفندی است که بمنظور
اجرای مأموریت محوله انجام
میگیرد. حمله کردن

تک اصلی : (حمله اصلی)

تک اصلی واژه ایست مورد
استفاده در عملیات آفندی که در
مناسب ترین سمت معبر و وصولی
و بقاطع ترین منطقه هدف برای
موفقیت مأموریت با بکارگرفتن
مهمترین عوامل مانوری و آتش
انتخاب میشود. که معمولا
سمت تک اصلی بایک فلش از
خط عزیمت تا هدف در روی
کالک آفندی مشخص میشود.

تکاور : (رنجر)

در کاربرد آموزش نظامی و در
ارتش شاهنشاهی ایران تکاور
به معنی (تک آورنده، تیزرفتار
و دونده) آمده است تکاوران
عده هائی هستند با مقاومت
جسمانی عالی که بایستی در دوره
آموزشی مشکل و زندگی در
شرایط سخت شرکت نمایند
و آمادگی لازم را برای انجام
هرگونه مأموریت دشوار کسب
نمایند. واژه دیگری با معنی
مشابه در ارتش آمریکا برای
این آموزش مشکل بکار برده
میشود بنام رنجر. (Ranger)

تک ایذائی : (تک مختل کننده)

یکی از عملیات آفندی در پدافند
است و منظور از آن وارد کردن
ضربه سخت به دشمن، هنگامی
که در حال تجمع یا گسترش
برای اجرای عملیات آفندی
است .

تک پشتیبانی : (حمله فرعی)

تک پشتیبانی واژه ایست مورد
استفاده در عملیات آفندی که در
سمت معبر و وصولی دیگری غیر از
تک اصلی برای موفقیت تک
اصلی با بکارگرفتن سایر
عوامل مانوری و آتش انتخاب

تك جزء به جزء

بهره برداری و استفاده قرار
میگیرد .

تكور : (۳)

درجه ای است در روش نوین
درجه داری که در نظر است به
پرسنل فنی ن ز ش به دانش-
آموزانی این درجه اعطاء
گردد که دوره تحصیلی خود
را در آموزشگاه نوجوانان با
موفقیت طی کرده باشند .

تك وران در صورت احراز
موفقیت در مشاغل ارجاعی به
ترتیب بدرجات مشروحه زیر
ترفیح مییابند .

تكور	پایه مهارت ۱
تكور ۳	پایه مهارت ۲
تكور ۲	پایه مهارت ۳
تكور ۱	پایه مهارت ۴
سرتكور ۳	پایه مهارت ۵
سرتكور ۲	پایه مهارت ۵
سرتكور ۱	پایه مهارت ۵

تك هماهنگ شده :

يك عمل آفندی است که با
دقت طرح ریزی و اجراء شده
و در آن عناصر يك نیروی بنحوی
به پای کار می آیند که از

میشود و در روی کالک آفندی
فاقد هرگونه علامتی است .

تك جزء بجزء : (غیریکجا)

تك جزء بجزء هنگامی صورت
میگیرد که کلیه عناصر تك کننده
مانند تك هماهنگ شده در
اختیار فرمانده مربوطه نباشد
و بهمان ترتیب که نیروها در
دسترس قرار میگیرند وارد
عمل شوند (مانند تك از
ستون) .

تك فریبنده :

تکی است سطحی و محدود که
برای فریب دادن دشمن و
انحراف او از محل تك اصلی
بکار میرود .

تکنیک : Technique (۱)

فن و هنر درست انجام دادن
هرکاری را تکنیک گویند .

تکنیسین : Technician (۲)

فردی است متخصص و با
تجربه در امور فنی ، مربوط
به جنگ افزار ، خودرو ،
هواپیما ، رادار و یا هر وسیله
که در ارتش شاهنشاهی
بمنظور انجام مأموریت مورد

(۱) و (۲) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

(۳) این درجه از درجات نوینی است که برای کادر درجه داری نیروی زمینی شاهنشاهی
انتخاب و پیشنهاد گردیده ولی هنوز به تصویب نهائی نرسیده است .

تلاش اصلی

قدرت رزمی آنها حداکثر استفاده بعمل آید .

تلاش اصلی :

کاربرد این واژه در عملیات آفندی است و معمولاً بهنگام وارد عمل شدن رده‌های بالاتر از لشکر بکار می‌رود و آن بدین معنی است که کلیه تلاشها ، امکانات و عوامل موجود بمنظور وصول بههدف در سمت تلاش اصلی بکار گرفته میشوند .

تلاش پشتیبانی :

کاربرد این واژه در عملیات آفندی است و معمولاً بهنگام وارد عمل شدن رده‌های بالاتر از لشکر بکار می‌رود و آن بدینمعنی است که برای موفقیت حتمی تلاش اصلی سایر امکانات و عوامل موجود در سمت تلاش پشتیبانی بکار گرفته میشوند .

تلفات رزمی :

به آسیب دیده در جنگ مراجعه شود .

تلفات غیررزمی :

عبارتست از تلفاتی که بطور غیر مستقیم از عملیات دشمن ناشی میشود مانند :

درگذشتگان غیررزمی ، کشته شدگان غیر رزمی و بیماران و مجروحین .

تلفات اداری :

عبارت از: منتقل شدگان از یگان ، غائبین . فراریان ، گردش دوره‌ای (جایجائی) پرسنلی و خارج شدن از خدمت .

تلکس : (۱)

تله تایی است که میتوان با گرفتن شماره مورد نظر مستقیماً با ایستگاه مقابل ارتباط تله تایی برقرار کرد . و پیام‌ها را بصورت تایی (ماشین نویسی) مخابره کرد .

تلفنگرام :

دستورها ، امریه‌ها ، نامه‌ها و گزارش هائی هستند که برای رعایت سرعت عمل ، متن آن وسیله تلفن باگاهی یگان یا مقام ذینفع میرسد . (باستثنای دستورها ، نامه‌ها و گزارشها طبقه بندی شده) .

تلمبه :

بدستگاهی گفته میشود که عمل مکش و پس دادن را انجام میدهد . معمولاً برای برداشت

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

و اطمینان از کارآئی فرمانده و ستاد يك يگان نظامی در هدایت و کاربرد یگانهای تابعه در عملیات با شرکت کلیه ستاد های رده پائین تر بطور حقیقی و ستاد رده بالاتر بطور فرضی (این تمرین بر اساس یادداشت آموزشی و یاسناریو و فقط با کار روی نقشه و ارسال و دریافت پیامها برابر جدول حوادث و ارزیابی اقدامات انجام شده توسط داوران در برابر هر حادثه انجام میشود). ممکن است این تمرین در زمان و مسافت حقیقی یا غیر حقیقی اجراء گردد.

تمرین صحرائی :

تمرینی است به منظور ارزیابی اطمینان از کارآئی فرمانده و ستاد يك يگان نظامی در هدایت و کاربرد عملیاتی یگانهای تابعه. در این نوع تمرین علاوه بر تمرین امور ستادی عملا کلیه یگانهای تابعه و زیر امر و ستاد آنها در يك عملیات تمرینی طرح ریزی شده همانند يك عملیات واقعی در رزم شرکت میکنند (بر اساس سناریوی تمرین و وقایعی که برابر جدول حوادث توسط داوران ایجاد میشود).

مایعات از مخزن مربوطه و ریختن در ظرف دیگر استفاده میشود.

تله :

در کاربرد نظامی و تاکتیکی یعنی تهیه و پیش بینی وسائل کشتن و بدام انداختن افراد و وسائل دشمن.

تله انفجاری :

کاربرد این واژه عبارتست از تهیه و پیش بینی وسایلی که با فشار، قطع فشار و یا کشش، ماسوره آن عمل کرده و موجب انفجار و کشته شدن میشود تله های انفجاری ممکن است در مواضع، پاسگاه های فرماندهی و ساختمانهای تخلیه شده بکار روند.

تمارضی :

خود را به ناخوشی زدن و یا خود را بیمار نشان دادن.

تمرکز :

در يك نقطه یا مرکز گرد آمدن.

تمرین :

عادت دادن، ورزیدن برای فرا گرفتن چیزی، تکرار کردن عمل یا درس و هر کاری.

تمرین پاسگاه فرماندهی :

تمرینی است بمنظور ارزیابی

تمهید :

بمدت افزودن - کشاندن -
گسترده .

تمهید مرخصی :

بمدت مرخصی مصوبه زمانی
اضافه کردن .

تمرین نهائی :

آخرین تمرینی است قبل از
اجرای اصلی يك طرح پیش بینی
شده مانند طرح يك مانور و
یا تمرین پاسگاه فرماندهی و
غیره .

تناژ یگان :

مقدار باری که يك یگان موتوری
در يك وهله می تواند از نقطه ای
بنقطه دیگر حمل کند .

تناژ روزانه یگان :

مقدار باریست که يك یگان
موتوری قادر است با وسائل
موتوری خود در يك روز (در
يك یا چند مسافرت) حمل
کند .

تنبیه :

بیدار شدن ، هوشیار شدن ،
بخود آمدن ، آگاهی ، هوشیاری .

تنبخواه گردان :

اعتبار جاری و علی الحساب -
اعتباری که برای هزینه های
فوری و ضروری در اختیار

یگانها و سازمانها گذارده
میشود .

تنظیم :

اندازه نمودن قسمت های از
يك وسیله که از حالت اصلی
خارج شده و ممکنست این
حالت معایبی را در وسیله
بوجود آورد .

تنظیم تیر :

تنظیم سمت و برد گلوله روی
هدف و در توپخانه علاوه بر
دو مورد فوق تنظیم ارتفاع
ترکش بر روی هدف نیز
میباشد .

تنظیم زوایا :

عبارتست از تقسیم اشتباه بستن
بطور مساوی بین زوایای اندازه
گیری شده یا محاسبه شده در
يك شکل هندسی یا در
پیمایش بسته بنحوی که
اشتباه بستن از بین برود .

تن کیلومتر :

حاصل ضرب تعداد تن باردر
کیلومتر .

توان موتور :

توان يك موتور عبارت از قدرتی
است که يك موتور ایجاد میکند
و بستگی دارد به تعداد سیلندر،
قطر پیستون، کورس پیستون،
تعداد دور در دقیقه و غیره .

توآوت

یگانی که کار آن تیراندازی با توپ میباشد.

- واحدی از ارتش که چند قبضه توپ در اختیار داشته باشد .

توپخانه ارتش :

شامل یگانهای توپخانه مأمور یا منتسب به ارتش بوده و مستقیماً تحت امر ارتش هستند افسر توپخانه ارتش بنام فرمانده توپخانه ارتش روی این یگانها کنترل عملیاتی دارد .

توپخانه پدافند هوایی :

جنگ افزارها و وسائل یگانی است که بطور مؤثر از روی زمین علیه هدفهای هوایی در نبرد مورد استفاده قرار میگیرند .

توپخانه سپاه :

شامل ارکان ، آتشبار ارکان و دیگر یگانهای توپخانه که از پیش به عناصر تابعه سپاه مأمور یا منتسب شده اند .

توپخانه صحرائی :

به انواع توپخانه هائی گفته می شود که پشتیبانی آتش لازم و کافی برای یگانهای مانوری را فراهم میسازد .

تو آوت : Toeout (۱)

اختلاف فاصله بین دو سر جلو و عقب در چرخهای جلوی يك خودرو .

تو این : Toein (۲)

اختلاف فاصله بین قسمت جلوئی چرخهای يك خودرو با قسمت عقب همان چرخها .

توییخ :

سرزنش کردن، نکوهش کردن (بطور انفرادی و یا اجتماعی).

توپ :

جنگ افزاری است که طول لوله آن بین ۳۰ تا ۵۰ برابر کالیبرش بوده و دارای برد زیاد باشد .

توپ بدون عقب نشینی :

جنگ افزاری است که در موقع تیراندازی عقب نشینی ندارد.

توییچی :

نفری است از خدمه تانک که توپ را روی هدف روانه کرده و اجرای آتش میکنند. و در توپخانه نیز بکلیه خدمه توپ اطلاق میشود .

توپخانه :

- جای نگاهداشتن توپهای

(۱) و (۲) واژه بیگانه متداول در رشته موتوری و ترابری

توپخانه لشگر

توپخانه لشگر :

شامل ارکان، آتشبار ارکان و دیگر یگانهای توپخانه سازمانی و متناسب به لشگر است .

توجیه نقشه :

قرار دادن کلیه امتدادهای نقشه به موازات و در امتداد ، امتدادهای آن در طبیعت را توجیه نقشه گویند .

تور استتار :

توری است (سیمی یا نخ) که برای هم رنگ کردن اشیاء و وسائل با محیط اطراف آن مورد استفاده قرار میگیرد .

توربو سوپر شارژ :

دستگاهی است که بمنظور مکش هوای تمیز بداخل سیلندرها در تانک ام ۶۰ تهیه شده و بوسیله دود اگزوز کار میکند .

(به سوپر شارژ رجوع شود) .

توربو شارژ :

دستگاهی است که سبب ورود هوای بیشتر به موتور میگردد . توضیح اینکه فرق بین توربو-شارژ و سوپر شارژ این است که توربو شارژ هوای خارج شده از موتور توسط

اگزوز را مکیده پس از تصفیه به موتور میرساند .

توزیع :

یک عمل آمادی است که شامل دریافت ، انبار کردن، ترابری و صدور نهائی آنها میگردد .

توسعه داخلی :

تقویت پایهها و مقدمات یک حکومت و نیز تجدید حیات ملی یک کشور برای سوق دادن بسوی استقلال داخلی و رهائی از شرایطی که موجب بروز شورش شده است .

توسعه وضعیت :

اصطلاحی است که بمفهوم روشن کردن گسترش، استعداد ترکیب، موقعیت دشمن و آماده کردن شرایط برای رزم میباشد .

تورشنباز : (فتر میله ای) (۱)

میله ایست که در مقابل پیچش حالت فنری داشته و بمنظور خنثی کردن ضربات وارده به چرخهای هرزه گرد در خودروهای شنی دار (تانک) تعبیه شده است .

توقف اجباری :

از روی ناچار و اجبار توقف کردن ، توقف پیش بینی نشده

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی (در رسته زرهی)

تهاجم :

بيکديگر تک (حمله) کردن -
هجوم بردن حمله ور شدن -
آفند کردن

ته پر :

این واژه به جنگ افزارهائی
گفته می شود که گلوله آنها از
انتهای لوله (ته لوله) برای
پرتاب داخل می شوند .

تهديد هوائی :

(واژه متداول در پدافند زمین به هوا)
عمر نوع عملیات هوائی دشمن
که وضعیت آفندی و پدافندی
ما را به مخاطره انداز تهدید
هوائی گویند .

تهيه اسناد و مدارك :

شامل عناصر اولیه خبرها
بوده و مبادله آنها برای ایجاد
مدارك اجرائی ، سوابق و
گزارشات میباشد .

تیپ :

بخشی است از يك لشکر و
يك رده بالاتر از گردان ، از
تعدادی گردانهای مشابه و یا
مختلف و قسمتی بنام قرارگاه
تیپ و دیگر عناصر مورد نیاز
پشتیبانی رزمی و خدمات
رزمی تشکیل گردیده است .

تیربار :

جنگ افزاری است که بطور
مداوم (پشت سرهم) تیراندازی
مینماید .

تیر تراش :

به معنی واژه تیر مستقیم مراجع
شود .

تیر رس :

هدف و نشانه ای که در جای
مناسب و در بردگلوله جنگ -
افزار باشد .

تیر کشیده :

به معنی واژه تیر مستقیم
مراجعه شود .

تیر طولی پل :

تیری است که در امتداد طول
پل و روی پایه ها و در قسمت
زیر روبنا قرار گیرد .

تیر عرضی پل :

تیری است عمود بر محور طولی
پل و روی تیرهای طولی قرار
میگیرد .

تیر مستقیم : (تیر تراش - تیر کشیده)

گلوله ایست که خط سیر آن
مستقیم باشد .

تیر منحنی :

گلوله ایست که خط سیر آن
منحنی باشد .

تیر مؤثر

تیر مؤثر : (آتش مؤثر)

هنگامیکه آتش توپخانه ، هویتزر و یا خمپاره انداز هدف را بنحو مطلوب بپوشاند و یا احاطه نماید .

تیر هادی یا خفت :

تیر است که عرض معبر سواره روپل را محدود و مانع انحراف خودرو از روی معبر پل میشود .

تیرهای پیش بینی شده :

آتشهایی هستند که روی مناطق یا نقاطی که احتمالاً تیر اندازی روی آنها لازم خواهد شد پیش بینی میشوند .

تیم :

یک ترکیب تاکتیکی است که از مبادل یا افزودن یک یا چند دسته تانک به یک گروهان تفنگدار (که حداقل شامل ارکان گروهان و یک یا چند دسته باشد) و یا برعکس مبادل یا افزودن یک یا چند دسته تفنگدار به یک گروهان تانک (که حداقل شامل ارکان گروهان و یک یا چند دسته باشد) بوجود میآید .

تیم : (یا جوخه)

بخشی است از یک گروه که

حداکثر از چهار نفر (بنام رئیس تیم و سه نفر تفنگدار) تشکیل شده است تیم یا جوخه کوچکترین عنصر رزمی متشکل در یک یگان نظامی است. هر گروه پیاده دارای دو تیم میباشد .

تی کوان دو : (۱)

نوعی از حرکات و ضربات دستها و پاهاست برای دفاع شخصی (این فن بیشتر در کره رایج است) .

تیم تانک :

عبارتست از تجمع تاکتیکی یگانهایی که تحت فرماندهی یک فرمانده گروهان تانک جهت انجام عملیات یا مأموریت معینی سازمان داده میشود .

تیم کشوری :

سازمانی است که از کشور پشتیبان در کشور میزبان تشکیل میشود ، اعضای آن عبارتند از :

سفیر یا رئیس هیئت سیاسی و تیم ستادی برگزیده که به منظور اجرای هدفهای کشور میزبان ، برآوردها و طرحهای مورد نیاز را تهیه و هماهنگی های لازم را در زمینه عملیات ضد شورش بعمل میآورد .

(۱) واژه کره ای متداول در ارتش شاهنشاهی برای آموزش و ورزش ویژه نامبرده بالا

فرهنگ واژه‌های نظامی

ث

<p>ثبت : در دفترنوشتن مطلب و یا یک موضوع، پایداری، برهان و دلیل</p> <p>ثبت تیر : استقرار مرکز مستطیل پراکندگی روی نقطه تنظیم (نقطه ثبت تیر) بوده و شامل ثبت تیر ضربتی و زمانی میباشد.</p> <p>ثبت میدان مین : برداشت محل مینهای کاشته شده از یک میدان مین و ثبت آن روی فرم استاندارد که معمولاً بوسیله گروه ثبت یگان مین گذار تکمیل میشود و بامضای افسرمتصدی یگان مین گذار میرسد.</p> <p>ثوب : جامه، لباس، تن پوش و واحد اندازه و تعداد پوشاک (مانند دو ثوب کت یا شلوار)</p>	<p>ث : حرف پنجم از الفبای فارسی است .</p> <p>ثابت : استوار، مستحکم، پایدار</p> <p>ثابت قدم : با اردده - با تصمیم .</p> <p>ثاقب : ۱- جهنده - درخشنده ۲- نوعی گلوله است که علیه هدفهای زره دار (مانند تانک) و یا مستحکم بکار میرود.</p> <p>ثبات : ثبت کننده ، اندیکاتور نویس</p> <p>ثباتی : شغل ثبت داشتن - دفتر نویسی .</p> <p>ثبات : (بضم ث) استوار ، محکم ، پایدار</p>
---	---

فرهنگ واژه‌های نظامی

ج

جاده آزاد :
راهی است که فقط نظارت مختصری (مانند کنترل غیرنظامی) در آن اعمال می‌شود.

جاده نظارت شده :
راهی است که در آن توسط پستهای عبور و مرور، گشتی و مأمورین دژبان کنترل محدودی بعمل می‌آید.

جاده‌های خوب، متوسط، و بد :
جاده‌ها از نظر استفاده نظامی از آنها به سه نوع X و Y و Z نامگذاری شده‌اند.

جاده خوب : (X)
جاده‌ایست که در تمام فصول میتوان از آن استفاده نموده و ریزش برف و باران موجب مسدود شدن آن نمیشود.

جاده متوسط : (Y)
جاده‌ایست که در فصول بارندگی عبور و مرور بعضی

ج :
ششمین حرف الفبای فارسی است.

جا :
محل - موضع - مکان - جای

جائزه :
پاداش یا انعامی که برای انجام کار خوب داده می‌شود - پاداشی که در مسابقه‌ها به برنده داده می‌شود و جمع آن جوایز میباشد.

جاده :
راه - شاهراه.

جاده صاف کن :
افزایی که با آن راه را هموار و صاف نمایند.

جاده کوپ :
افزار سنگینی است که با آن راه را کوبیده و سطح جاده را سخت نمایند.

جاده بد

یا مدارك توسط يك جاسوس انجام میشود .

جان پناه :

منطقه پوشیده‌ای است که از دیدوتیر مستقیم جنگ افزارهای مختلف دشمن محفوظ باشد .
پناه گاه .

جان لوله :

قسمتی از انتهای لوله جنگ - افزار است که فشنگ جهت تیراندازی در داخل آن جا میگیرد و قطر آن از قطر لوله بیشتر است .

جایگزینی :

جبران نمودن پرسنل کشته‌ویا مجروح را در جنگ بطور انفرادی و یا یگانی عمل جایگزینی گویند .

جبهه :

۱- فضائی که يك نیرو در عرض اشغال مینماید، از حدنهائی يك پهلو تا آخرین حد پهلو دیگر جبهه نام دارد ، بدیهی است این فضا ممکن است در پدافند یا درآفند باشد .

۲- خط تماس بین دو نیرو مهاجم جبهه آن دو نیرو میباشد .

از خودروها غیر ممکن میگردد ولی با مختصری تعمیرات مثل بکار بردن ماکادام ، سنگریزه و الوار های فلزی عبور برخی از وسائط نقلیه عملی خواهد بود .

جاده بد : (Z)

جاده ایست که در فصل بارندگی بعلت بدی جنس زمین و مناسب نبودن زیرسازی غیر قابل عبور گشته و حتی با تعمیرات نیز قابل استفاده نخواهد بود .

جاده های ذخیره :

جاده هایی هستند که برای استفاده استثنائی یگان معین، یا عبور و مرور مشخص و یا برای دیگر مقاصد بخصوص ذخیره شده باشند .

جاسوس :

عنصری است از کشور خودی یا بیگانه که برای منافع کشور یا يك سازمان بیگانه به طور غیر آشکار و مخفی مبادرت به جمع آوری و دزدی خبر و مدارك مینماید .

جاسوسی :

يك اقدام اطلاعاتی است که برای دزدی و یا جمع آوری خبر

۳- سمتی که يك يگان با آن روبروست جبهه آن يگان است .

جدا سازی :

شامل کلیه فعالیت‌هایی است که چريك‌ها را از هر منبع آمادی خارجی و پشتیبانی مردم، محروم می‌سازد یا فعالیت‌هایی هستند که اساس درهم‌شکستن نیروی تروریستی چریکی را تشکیل می‌دهند .

جدا شده :

قسمتی از يك يگان که از سازمان اصلی خود جدا گردیده است تا در جای دیگر انجام وظیفه نماید .

جدول توزیع :

مأخذ تهیه پرسنل، وسایل و تجهیزات برای یگان‌هایی که رده مشابه ندارند، میباشد. مانند جدول توزیع برای دانشکده فرماندهی و ستاد و دانشکده افسری .

جدول تیر :

جدول ویا دفترچه‌ای است که برای تعیین عناصر تیر و میزان خرج پرتاب از آن استفاده می‌شود.

جدول حوادث :

جدولی است حاوی کلیه وقایع و حوادث پیش‌بینی شده که بایستی در جریان يك تمرین صحرائی یا تمرین پاسگاه فرماندهی در زمان‌های تعیین شده بمنظور انجام واکنش صحیح ستادی و عملیاتی یگان‌های شرکت‌کننده در تمرین بوجود آید تا ارزیابی بموقع اقدامات انجام شده (عملیاتی و ستادی) برای هیئت داوران در تمرین با مقایسه اقدامات صحیح در جدول تسهیل گردد .

جدول راه پیمائی :

جدولی است حاوی کلیه اطلاعات لازم برای يك راه پیمائی منظم و حساب شده با توجه بزمان لازم و کلیه عوامل محدودکننده برای کلیه یگان‌های شرکت‌کننده در راه پیمائی (ممکن است این جدول برای یگان‌های پیاده و یا یگان‌های ترابری ، زرهی، ویا مکانیزه تنظیم و منتشر گردد)

جدول سهمیه :

مأخذ تهیه وسائل مورد نیاز برای مؤسسات فرهنگی و آموزشی و اداری است .

جدول راهنمایی مواد غذایی

جراح : (با تشدید)

پزشکی که امراض را باشکافتن
و بریدن معالجه کند پزشکی که
زخم را مداوا کند.

جراحت : (زخم)

اصطلاحی است که برای بیان
پارگیها ، له شدگیها، فشار
زدگیها ، رگ برگ شدگیها
و آفتابزدگیها بکار میرود.

جراح دندانپزشک :

افسر دندانپزشکی است که
مسئول خدمات دندانپزشکی
یک منطقه یا یک یگان میباشد.

جراثیم :

ماشینی است که از روی
خاصیت چرخهای دندانه دار
ساخته شده و برای بلند
کردن بارهای سنگین و بزرگ
و یا حفر معادن بکار میرود .

جریان الکتریسته :

عبور الکترونهای آزاد را از
یک جسم هادی (مثلا فلز)
جریان الکتریسته گویند .

جستجوی دورانی :

روش جستجو بوسیله رادار
که در آن حرکت محور اشعه
راديوئی جستجو کننده در یک
صفحه ۳۶۰ درجه ای دوران
نماید .

جدول راهنمایی مواد غذایی :

جدولی است که ارزش مواد
غذائی را نشان میدهد و بعنوان
راهنما بکار میرود .

جدول سازمان و تجهیزات :

جدولی است حاوی کلیه اطلاعات
لازم از نظر پرسنل و وسائل و
وسائط برای يك سازمان
مشخص و ویژه نظامی که پس
از تصویب مقامات ذیصلاح در
ارتش شاهنشاهی مبنای
دریافت پرسنل ، وسائل و
وسائط برای سازمان مورد
نظر یا سازمانهای مشابه
میباشد.

جدول مشاهدات :

جدولی است که مشاهدات
محل گلوله نسبت به خط
دیدبان - هدف را بخط توپ-
هدف تبدیل مینماید .

جدول نشانی :

جدولی است که برای شناخت
ایستگاه های ارتباطی بکار
میرود .

جراثقال :

دستگاهی است که بمنظور
بلند کردن بارهای سنگین مورد
استفاده قرار میگیرد.

جسم چسباننده :

جسمی است که در اثر ترکیب با آب دانه‌های خاك و سنگ را به یکدیگر چسبانده و پس از خشک شدن تبدیل بیک جسم یکپارچه میشود .

جسم مرده :

قطعه‌ای است از مصالح (چوبی - فلزی - سنگی و غیره) که بمنظور بستن مهارها داخل زمین دفن میشود .

جشن جاوید :

در بیستم اسفند ماه هر سال به منظور بزرگداشت روح شهیدان و فدائیان راه میهن مراسم باشکوهی در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران با حضور بازماندگان درجه يك شهدا برگزار میگردد و بازماندگان درجه يك شهدا (فقط) یکنفر از هر خانواده) از دست مبارك شاهانه بدریافت نشان جاوید مفتخر میگردند .

جعبه آزمایش : (AN-HZ)

دستگاه آزمایش سموم شیمیائی آب است .

جعبه ابزار :

جعبه ایست که ابزار و آچار را در آن جای میدهند .

جعبه اخبار :

این دستگاه اصولا يك جعبه ارتباط بوده و کلیه مدارهای الکتریکی هدف گیری و تیر-اندازی از آن میگردد .

جعبه تطبیق :

وسیله ایست که جهت هماهنگی دویا چند دستگاه که اعمال مختلفی را انجام میدهند ، بکار میرود .

جعبه تعمیر :

بتعدادی اقلام مخصوص گفته میشود که برای انجام تعمیر يك وسیله مورد نیاز است و در جعبه مخصوص نگهداری میشود .

جعبه کنترل :

وسیله ایست که معمولا نزدیک دستگاه بیسیم نصب شده و کلیه امکانات کار با آن در اختیار بیسیم چی گذاشته میشود .

چك :

وسیله ایست که میتوان بوسیله آن وزنه سنگین مانند خودرو را بلند کرد .

جلگه

نارنجك و گلوله‌ها مقاوم می‌باشد .

جملات دستوری :

مجموعه لغات یا عباراتی است که دارای معنی خاص بوده و بمنظور تسهیل در امر ارتباط و یکنواخت کردن آن و جلوگیری از اشتباهات بکار می‌رود .

جنبش مقاومت : (نهضت مقاومت)

تلاش سازمان یافته يك عده غیرنظامی برای ایستادگی و مقاومت در برابر حکومت قانونی و یا نیروی اشغالگر میباشد که بدین ترتیب موجب برهم زدن نظم و آرامش میشود .

جنگ :

رزم - ستیزه - کارزار.

جنگ آزمائی : (بازی جنگ)

وانمود يك عملیات نظامی (با هر امکاناتی) که شامل دو نیروی متخاصم بوده و قوانین، مقررات و روشهای جنگ به منظور تجسم وضعیت های حقیقی یا فرضی در رزم در آن بکار گرفته میشود .

جنگ افزار :

سلاح جنگی است، که درموقع لزوم میتوان بوسیله آن بصورت

جلگه :

زمین پست و همواریکه بلندی قابل توجهی نداشته و بلندترین نقطه آن بیش از ۲۰۰ متر از سطح جلگه بلندی نداشته باشد .

جلودار :

يك نیروی تأمینی است که در درجه یکم حالت آفندی داشته و در جلو يك نیروی متحرك حرکت میکند تا پیشروی بلاانقطاع او را تأمین کرده و این نیروی متحرك را درمقابل تكتوأم یا غافلگیری دشمن محافظت کند .

جلوگیری از اسارت :

عملی است که هر نفر هنگام جدا شدن از یگان خود انجام میدهد تا بدست دشمن اسیر نشود و به یگان خود برگردد.

جلیقه :

نیم تنه بی آستین که زیر کت پوشند .

جلیقه ضد گلوله و ترکش :

نیم تنه بی آستینی است که از الیاف فلزی و فشرده ای تهیه شده و در برابر گلوله جنگ افزار های سبک و کمری و ترکش

جنگ افزار اجتماعی

جنگ افزار کالیبر بزرگ :

این نوع جنگ افزارها عبارتند از انواع خمپاره اندازها، انواع تفنگ های ضد زره بدون عقب نشینی ، موشک اندازها و انواع توپخانه و هویتر .

جنگ افزار کالیبر کوچک :

به واژه جنگ افزار سبک مراجعه شود.

جنگ افزار نیمه خودکار :

جنگ افزار است که وقتی با انگشت روی ماشه آن فشار وارد بیاوریم فقط يك گلوله تیراندازی میکند و مجدداً مسلح میشود و برای تیراندازی مجدد بایستی انگشت را از روی ماشه برداشت و دوباره ماشه را چکانید .

جنگ اقتصادی :

عبارتست از بکار بردن تمام امکانات اقتصادی دولت برای تحت تأثیر قرار دادن اقتصاد کشور خارجی .

جنگجو و جنگاور :

سپاه گر - جنگی - سپاهی .

جنگ روانی :

شامل تبلیغات و سایر اقدامات طرح ریزی شده است که به

اجرای آتش و یا بصورت سرد ایجاد ضایعه نمود .

جنگ افزار اجتماعی :

جنگ افزاری است که برای تیراندازی با آن بیشتر از یک نفر مورد نیاز باشد .

جنگ افزار انفرادی :

جنگ افزاریست که برای تیراندازی با آن فقط یک نفر مورد نیاز باشد .

جنگ افزار خودکار :

جنگ افزاری است که ، تا زمانیکه دست روی ماشه است عمل تیراندازی را بطور خودکار ادامه میدهد .

جنگ افزار سبک :

۱- این نوع جنگ افزارها عبارتند از جنگ افزار کمتری مانند کلت، تفنگ، و انواع تیربارها .

۲- به جنگ افزارهایی گفته میشود که کالیبر آنها از ۱۵/۲۴ میلیمتر (۶/۰ اینچ) کمتر باشد .

جنگ افزار سنگین :

به جنگ افزارهایی گفته میشود که کالیبر آنها از ۱۵/۲۴ میلیمتر (۶/۰ اینچ) بیشتر باشد .

جنگ سرد

واژگون کردن یا نابود کردن آن اقدامات شدیدی انجام می‌دهند ، وجه تمایز این جنگها با شورشهای کوچکتر در میزان تهدیدی است که متوجه حکومت میشود و یا هدفهای شورشیان کنترل محلی یا ملی است .

جنگ ضد تانک :

عبارتست از بکار گرفتن کلیه وسایل و سیستمها و جنگ - افزارهای ضد تانک هوایی و زمینی با بهره گیری از موقعیت های مناسب زمین در هر گونه وضعیت تاکتیکی بمنظور انهدام هرچه بیشتر تانکها در منطقه عملیات .

جنگ :

زمین پست و بلندی که از انبوه درختان پوشیده شده باشد .

جنگ وگریز :

نوعی از عملیات رزمی است که بوسیله گریختن، دشمن را فریب داده و سپس باو حمله کرده و تلفاتی بوی وارد می کنند .

جنگ ور : (جنگور)

فرد جنگی یا کسی که

منظور نفوذ در عقاید، احساسات، رفتار و تمایلات گروه های هدف (دشمن - بیطرف و دوست) ، در پشتیبانی و حمایت از خط مشی های جاری، هدفها و یا طرح های نظامی اجراء میگردد .

جنگ سرد :

يك حالت تشنج بین المللی است که در آن کلیه اقدامات سیاسی، اقتصادی، تکنولژی، اجتماعی ، روانی ، شبه نظامی و نظامی علیه کشور هدف برای رسیدن به هدفهای ملی انجام میشود و هنوز بجنگ گرم که در آن از نیروهای مسلح استفاده میشود تبدیل نشده است .

جنگ همیاسی :

عبارتست از استفاده کامل از امکانات سیاسی برای رسیدن به هدفهای ملی .

جنگ شورشی :

عملیاتی است بین دولت قانونی و شورشیان سازمان یافته و غالباً شورشیان در داخل کشور علیه آسیب پذیربهای سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی ، نظامی و غیر نظامی حکومت برای

جنگهای الکترونیکی

به رزم و جنگ علاقه مفرط داشته باشد .

جنگهای الکترونیکی :

قسمتی از فعالیتهای الکترونیکی ارتش شامل اقداماتی است که برای جلوگیری یا کاهش اثرات انرژی الکترومغناطیسی منتشره بوسیله دشمن انجام میشود و همچنین اقداماتی که بمنظور اطمینان از مؤثر بودن انرژی الکترومغناطیسی منتشره بوسیله نیروهای خودی بعمل میآید .

جنگهای چریکی :

عبارتست از هدایت و اجرای عملیات نظامی و شبه نظامی در مناطق اشغالی و یاسرزمین دشمن بوسیله افراد یگانهای نامنظم که اکثر آنان افراد محلی میباشند .

جنگهای ضد چریکی :

عملیات و فعالیتهائی است که بوسیله نیروهای مسلح ، نیروهای شبه نظامی و سازمانهای غیر نظامی يك کشور (حکومت) علیه چریکها هدایت میشود .

جنگهای نامنظم :

اصطلاحی است کلی که برای

تشریح عملیات از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی در منطقه تحت کنترل دشمن وبا استفاده از منابع و ساکنین بومی بکار میرود و شامل سه قسمت اصلی براندازی (مقاومت) ، جنگهای چریکی ، نیرنگ و فرار بوده و معمولاً بوسیله منابع خارجی پشتیبانی و هدایت میشود .

جنگهای ویژه :

شامل کلیه اقدامات و فعالیتهای نظامی، شبه نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که سه قسمت از جنگهای نامنظم، پدافند داخلی و عملیات روانی را شامل میشود .

جنگچه :

بزه - گناه کوچک یا متوسط که برابر قانون ممکن است تا سه سال زندان داشته باشد .

جنگچه کوچک :

تقصیر و خطای کوچک .

چودو :

نوعی از فنون کشتی است برای دفاع شخصی که با سرعت و غافلگیری توأم است (این فن بیشتر در ژاپن رایج است) .

جیره عادی :

مواد غذایی فاسد شدنی است که همه روزه با توجه به تعداد آماره‌ریگان توسط سازمانهای ذیصلاح فراهم و طبق برنامه استاندارد که کمیته تغذیه ارتش شاهنشاهی تعیین نموده است برای پخت و مصرف در اختیارریگان مصرف‌کننده قرار داده می‌شود .

جیره عملیاتی : (جیره جنگی)

نوعی از جیره‌های انفرادی است که در داخل یک جعبه فلزی قابل حمل قرار داده می‌شود ، از نظر کیفیت از جیره اضطراری قوی‌تر می‌باشد و شامل مواد غذایی کامل و کالری مورد نیاز بصورت کنسرو تهیه و در هنگام عملیات برای مصرف روزانه به یک نفر تحویل میگردد .

جیره :

عبارتست از غذای مجاز یک نفر در یک روز .

جیره اضطراری :

نوعی از جیره‌های انفرادی است، با بسته بندی مناسب و قابل حمل از نظر اندازه و کیفیت مطلوب و ماکول برای توزیع هنگام ضرورت و اضطرار، مانند انواع شکلات، بیسکویت (حمل و استفاده از آن سهل و ساده است)

جیره بندی :

یعنی برقراری سیستم کنترل و تعیین محدودیت در مصرف بعضی از مواد و وسائل که کمبود آن در یک اجتماع، یک سازمان و یا یک یگان نظامی احساس می‌شود .

فرهنگ واژه‌های نظامی



چاشنی ساده :

تشکیل شده است از يك لوله فلزی که داخل آن تا نیمه از يك ماده منفجره حساس پر شده و در اثر شعله حاصله از احتراق فتیله باروتی، منفجر میگردد .

چاشنی خوران :

وسیله ایست پلاستیکی که برای اتصال چاشنی‌ها به بسته‌های مواد منفجره، خرج‌های ماری شکل واژدربنگال بکار میرود .

چاشنی الکتریکی :

عبارتست از لوله‌های مسی یا آلومینیومی که در داخل آن دو ماده منفجره یکی بعنوان خرج مسلح کردن و دیگری بعنوان خرج اصلی قرار دارد ، دهانه آن کاملاً آب بندی شده و از داخل آن يك رشته سیم دولا

چ :

حرف هفتم از الفبای فارسی

چابك :

زرنگ - تندکار - فعال .

چابك سوار :

سوار زبده - يکه سوار - کسی که در سوارکاری مهارت دارد .

چادر :

تخته‌های کرباس - برزنت و یا هر نوع پارچه ضخیم و کلفت که با الگوئی مخصوص بهم دوخته شده و بصورت اطاق، برای زیست سربازان ، محل کار و یا نگهداری وسائل در صحرا و بیابان در می‌آیند.

چاشنی :

ماده منفجره بسیار حساسی است که با کوچکترین تحریک منفجر شده و باعث انفجار یا اشتعال مواد دیگر میشود .

چانل

خارج شدن خودرو و یا هر وسیله نقلیه‌ایکه بعللی (از قبیل تصادف با خودروی دیگر ، عیب فنی، انحراف از جاده ، لغزندگی جاده) يك پهلوی آن بر روی زمین قرار گرفته باشد.

چپه شدن :

بمعنی چپ شدن مراجعه شود

چپ یا راست :

اصطلاحی است که در ارتش بمنظور نشان دادن موقعیت يك نیرو یا يك یگان بکار میرود. برای کسی که این اصطلاح را بکار میرد چنین فرض شده است که رو بسمت دشمن بوده و با پیشروی یا عقب نشینی خودی کاری ندارد.

چتر اصلی :

از ۳۲ طاقه یا بیشتر با استفاده از پارچه مخصوص (با مقاومت کافی در مقابل فشار هوا) بهم دوخته شده ، با سطحی در حدود ۷۰ متر مربع که در قسمت پشت نفر چتر باز بسته میشود، در هنگام پرش چتر باز جدا شدن از هواپیما این چتر

بطول ۳/۵ متر برای اتصال بجریان برق خارج شده است، این چاشنی برای انفجار مواد منفجره بکار میرود .

چانل : (Channel) (۱)

عبارتست از يك مسیر ارتباطی الکترونیکی که بین دو نقطه ، ارتباط برقرار مینماید .

چانل رمز :

۱- يك سیستم کامل ارتباط رمز بین دو یا چند استفاده کننده شامل :

الف - وسائل کمکی معین شده رمز نویسی .

ب- دارندگان سیستم رمز.

پ - مشخص کننده‌ها یا راههای دیگر شناسائی .

ت - منطقه یا مناطق استفاده .

ث - استفاده‌های ویژه

دیگری که سیستم بهمان منظور در اختیار دارد .

ج - سایر اطلاعات از لحاظ

توزیع ، (پخش) استعمال سیستم و غیره .

۲- چانلهای رمزی مانند يك

مدار رادیوئی .

چپ شدن :

کنایه از منحرف شدن و ازجاده

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

چتر باز

در سمت راست آن قرار دارد، استفاده میکنند.

چخماق : (چخماخ - حتماق)

قسمتی از دستگاه چکاننده است که به سوزن ضربت میزند، سنگ آتش زنه

چراغانی - چراغان :

در جشنها و مراسم ویژه چراغ بسیار و رنگارنگ روشن کردن

چراغ جنگی :

چراغی است برای رعایت حفاظت حرکت خودروها در شب که در روی خودروهای نظامی نصب میگردد، اینگونه چراغها دید مناسبی را برای حرکت خودرو در شب فراهم مینمایند بدون آنکه سبب کشف حرکت خودرو شود.

چراغ شاخص :

نوعی چراغ قوه مخصوصی است با حفاظ استتار شده که برای تیراندازیهای شبانه و تعیین سمت هدف در شب در قسمت بالای شاخص نصب میشود تا نفر تیرانداز بتواند محل شاخص را در شب برای گرفتن خط نشانه صحیح و تنظیم تیر، بخوبی ببیند.

بطور خودکار بعد از ۴ ثانیه که نفر از هواپیما پرید (در چترهای اتوماتیک) و یا توسط نفر پرنده در زمان دلخواه با کشیدن دستگیره (در چترهای سقوط آزاد) باز شده و موجب میشود که نفر چتر باز با سرعت ۸ متر در ثانیه بطرف زمین پائین آید. (در چتر سقوط آزاد بعضی از طاقه‌های چتر بمنظور کنترل بیشتر نفر چتر باز بر- داشته شده است).

چتر باز :

يك فرد نظامی یا غیر نظامی است که با استفاده از چتر پرش از هواپیما یا هلیکوپتر در منطقه مورد نظر پرتاب شده و آرامی بزمین میرسد.

چتر کمکی :

چتری است شبیه چتر اصلی و معمولا برنگ سفید که از دوخته شدن طاقه‌های مختلف ایجاد گردیده و در قسمت جلوی بدن چتر باز، بالای کمر بسته میشود و در هنگامی که چتر اصلی به دلالتی بموقع باز نشود چتر باز برای نجات خود از این چتر با کشیدن يك دستگیره که

چراغ مادون قرمز

معمولاً بوسیله يك يا چند کشور خارجی پشتیبانی میشود . (در حقیقت به عنصر جنگجوی نهضت مقاومت، چریک گویند). اگر چریک دارای یونیفرم خاصی بوده و یا علامت مشخص داشته و اسلحه خود را علناً حمل و دارای رهبر نیز باشد، بهنگام دستگیری از مقررات ژنو بر - خوردار شده و اسیر جنگی تلقی میگردد .

چشمه پل :

فاصله بین دو پایه متوالی را يك چشمه پل نامند .

چکانیدن :

عمل رها کردن ماشه و ضربت زدن به چاشنی فشنگ یا گلوله

چکمه :

پوتین ساقه بلندی است که ساق آن تا زیرزانو قرار گیرد و بیشتر هنگام سواری بر اسب مورد استفاده قرار میگیرد.

چکش :

گلوله فلزی بوزن ۷/۲۵۷ کیلوگرم که به انتهای دسته‌ای از سیم فولادی بطول ۱/۲۲ متر آویخته و در ورزش پرتاب چکش بکار میرود .

چراغ مادون قرمز :

دستگاهی است که با روشن کردن آن در شب و استفاده از پریسکپ مخصوص ، اجسام در شب و در تاریکی دیده میشوند .

چراغ متاخره :

چراغی است که از آن برای فرستادن پیام استفاده میشود. طرز کار این چراغ به ترتیبی است که با استفاده از يك کلید یا دکمه، برابر الفبای مرس یا کدهای ویژه دیگر، روشن و خاموش میشود . متاخره کد خط و نقطه الفبای مرس برای ارسال يك پیام وسیله نور انجام میشود .

چرخ موازنه شنی :

چرخي است که در خودروهای شنیدار (زنجیردار) بمنظور کشش شنی تهیه شده است.

چریک :

عبارتست از فرد جنگجویی که در جنگ های چریکی شرکت میکند ، عبارت دیگر فرد غیر نظامی بومی است که بر علیه حکومت قانونی یا حکومت اشغالگر فعالیت میکند که

چك لیست

- افزار آهنگران که با آن آهن
و یا چیز سخت را بکوبند .

چك لیست : Cheque Liste (۱)

۱- فهرست اقداماتی است که
باید یک بازرسی و یا داور
در بازرسی و یا داوری با
توجه باین فهرست نحوه
اقدامات انجام شده را
کنترل و ارزیابی نماید
۲- فهرست اقداماتی است که
شخص و یا سازمان بازرسی
شونده بایستی خود را بر
اساس مواد چك لیست
جهت بازرسی آماده نماید .

چوگان :

۱- از ورزشهای باستانی و ملی
ایران زمین است که نخست
از ایران به هندوستان و از
آنجا ب انگلستان و دیگر
کشورهای اروپا سرایت
کرده و امروزه در غالب
کشورهای مشترك المنافع
و کشورهای اروپائی متداول
است - چوگان سواره را
روی زمینی چمن کاری شده
بطول ۳۰۰ یارد و عرض

۲۰۰ یارد بازی میکنند و
در هر دسته چهار سوار
شرکت دارند .

۲- چوب گوی زنی که دسته آن
راست و باریک و سر آن
اندکی پهن و خمیده است .

چوگان بازی :

یکی از اقسام ورزش که سواره
یا پیاده با گوی و چوگان، بازی
میکند .

چهارخانه رمز :

مربع کوچکی است در کاغذ
شطرنجی ویژه رمز نویسی .

چهار عنصر :

آب ، باد، آتش، و خاک که آنها
را چهار آخشیج هم گویند
(اصطلاح قدیم)

چیفتن : (Chifftan)

تانکی است ساخت کشور
انگلستان، مجهز به توپ ۱۲۰
میلیمتری، با قابلیت انعطاف،
تحرك عالی و دارای قدرت آتش
و عمل ضربتی ممتاز و با بر-
خورداری از حفاظت زرهی کامل
و دید مطلوب در روز و در شب .

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

فرهنگ واژه‌های نظامی

ح

۲- در کاربرد نظامی حدخارجی عوارض زمین ، آبادی و یا جنگل را حاشیه گویند .

حاشیه امنیت :

مقدار فاصله و مسافتی که در حالت تیراندازی به روی دشمن ، جلوی نیروی خودی در نظر گرفته می‌شود تا عده‌های خودی از تشتت تیراندازی در امان باشند و آسیبی نه بینند .

حاضر :

آماده - مهیا - خلاف یا متضاد غائب .

حاضر باش :

آماده بودن - آماده بکار - آماده باش .

حاضر خدمت :

آماده و مهیا برای انجام کار ، وظیفه و یا مأموریت .

حاضر یراق :

اصطلاحی قدیمی و متداول در

ح :

هشتمین حرف از الفبای فارسی است ، این حرف در واژه‌های اصیل فارسی کمتر بکار برده شده و از ممیزات زبان سامی است و در زبان فارسی مانند هر تلفظ می‌شود .

حائز :

دارا - شامل - دربردارنده .

حائز مقام :

دارای شغل و کار مهم و بزرگ بودن .

حائز اهمیت :

قابل توجه - اهمیت داشتن .

حادثه :

پیش آمد - امر ناگهانی - امر تازه .

حاشیه :

۱- کناره - خارج از متن - لبه .

ارتش ، به معنای آماده برای رزم و یا مأموریت جنگی .

حافظ :

نگاهدارنده - حفظ کننده .

حافظ مگسک :

قطعه فلزی است مدور و سخت که مگسک را از برخورد با اشیاء و شکسته شدن حفظ مینماید .

حالت آمادگی توپخانه پدافند هوایی

عبارتست از درجه آمادگی عملیاتی یک یگان توپخانه پدافند هوایی در عملیات .

حالت خمیری خاک :

نشان دهنده شکل پذیری خاک می باشد .

حبس :

زندان - زندان کردن .

حبس ابد :

زندان همیشگی و دائمی .

حبس بااعمال شاقه :

زندانی شدن با انجام کارهای دشوار و سخت .

حبس مجرد :

زندانی بدون کار سخت و دشوار .

حبس تأدیبی :

برای جنحه مهم بیش ازیکماه

زندانی شدن و برای جنحه کوچک بیش از یازده روز تا یکماه (بطور کلی مدت حبس تأدیبی از سه سال بیشتر نیست) .

حجم عبور و مرور :

عبارتست از تعداد خودروهائی که در زمان معین از جاده در جهت یا جهات معلومی حرکت کرده و از نقطه مشخص عبور میکند .

حجم عملیات خاکی :

مقدار خاکبرداری و خاکریزی را برحسب واحد حجم ، حجم عملیات خاکی گویند .

حداختفای نفر درحالت ایستاده :

حدی است که در آن نفر ایستاده بدون آنکه دیده شود بتواند دیدبانی کند .

حداختفای نفر درحالت بزانو :

حدی است که در آن نفر بدون آنکه دیده شود بتواند درحالت بزانو دیده بانی کند .

حداختفای نفر درحالت درازکش :

حدی است که در آن نفر درازکش بدون اینکه دیده شود بتواند دیدبانی کند (در صورتیکه نفر کوله پشتی نیز داشته باشد) .

حد اختفای خودرو یا وسایل زرهی

حراج :

عبارتست از فروش حضوری ارقام به خریداری که بالاترین بها را پیشنهاد نماید .

حرکت :

جنبش - تغییر مکان . (جمع، حرکات) .

حرکات اداری :

حرکاتی که در آن خودروها و پرسنل طوری ترتیب یافته‌اند که به سرعت حرکت و راحتی پرسنل و صرفه‌جویی در وقت توجه بیشتری میشود، در این راه پیمائی بجز احتمال تک‌های هوائی احتمال دستبرد و تک‌های زمینی دشمن نمی‌رود .

حرکت انعکاسی :

در پزشکی به حرکتی گویند که غیر ارادی است. یعنی بدون دخالت مغز و فکر انجام می‌گیرد.

حرکات تاکتیکی :

بحرکت عده‌ها و وسایل با مأموریت تاکتیکی تحت شرایط رزمی ، هنگامی که در تماس مستقیم با دشمن نیستند گفته میشود. این حرکات با اتخاذ بهترین صورت بندی (باز و تفرقه) انجام می‌گیرد .

حد اختفای خودرو یا وسایل زرهی:

حدی است که اگر خودرو جلوتر از آن برود از طرف دشمن دیده شود .

حداکثر برد (برد نهائی) :

این واژه مربوط به برد گلوله کلیه جنگ‌افزارهاست (و آن عبارتست از حد نهائی قدرت پرتاب گلوله هر جنگ‌افزار و به متر یا یارد معمولاً تعیین میشود) .

حداکثر سرعت مجاز :

عبارتست از حداکثر سرعتی که برای خودرو بخصوص تجویز شده است .

حد تجدید سفارش :

میزان سطح آمادی است که برحسب روز آماد بیان شده و وقتی مجموعه آماد در شرف ورود و موجود ، باین سطح رسید آماد مورد نیاز بمقدار همیشگی درخواست میگردد و این حد با توجه به زمان حمل و سفارش و سطح تأمین که هر دو به روز آماد بیان میشوند تعیین میگردد .

حد مجاز :

مقدار آمادی است که جهت مداومت عملیات باید موجود باشد

حرکت برای اخذ تماس

حرکت برای اخذ تماس :

نوعی از عملیات آفندی است که بمنظور تماس زمینی یا تجدید تماس از دست رفته با دشمن اجراء میگردد .

حرکت عقب :

عبارتست از حرکتی (سازمان داده شده) که بطرف عقب و یا دور از دشمن اجراء شود. این حرکت ممکن است در اثر فشار دشمن و یا بطور دلخواه انجام گردد .

حرکت دورانی :

به مانور دورانی مراجعه شود.

حرکت متناوب :

حرکتی است که جسم متحرك در زمانهای مساوی به يك - نقطه از مسیرش برمیگردد .

حریف :

طرف مقابل - طرف جنگ .

حریق :

آتش سوزی - آتش شعله ور - آتش گرفته .

حساب اداری وسائل رمز :

تعیین ذیحسابی دارندگان سیستم رمزی است که فقط برای مراجعه میباشد و جنبه عملیاتی ندارد .

حساب اعتبار :

حسابی است که حدود خرج (هزینه) را تعیین میکند .

حساب تعهد :

حسابی است که حدود پیش بینی هزینه تعهد شده را مشخص میکند .

حساب رمز :

کنترل محاسباتی که دارندگان مجاز لوازم رمزی بمنظور شمارش و کنترل نوبه ای بکار میبرند .

حساب سپرده :

حسابی است که برای استرداد وجوه سپرده و امانی بکار می رود .

حساب کسور احتسابی :

عبارتست از جوهی که در هنگام واگذاری نمونه واگذاری وجه توسط دارائی ارتش شاهنشاهی کسر میگردد .

حساب کسور قطعی :

حسابی است که هنگام دریافت سند هزینه قطعی مورد استفاده قرار میگیرد .

حفاظ :

منطقه پوشیده ای که فقط از لحاظ دید محفوظ است .

حفاظت

حمل و نقل : (تربری)

یعنی حرکت و تغییر مکان پرسنل یا وسائل و تجهیزات از نقطه‌ای به نقطه دیگر و به سه نوع مختلف (زمینی، هوایی و دریائی) بطور کلی تقسیم میشود .

حمله :

به تعریف واژه تک مراجعه شود .

حمله اصلی :

به تعریف واژه تک اصلی مراجعه شود .

حمله فرعی : (حمله پشتیبانی)

به تعریف واژه تک پشتیبانی مراجعه شود .

حمله متقابل :

به تعریف واژه باتک مراجعه شود

حوزه منطاطیسی :

به تعریف واژه میدان آهن ربا مراجعه شود .

حوزه نظام وظیفه :

اداره و محلی است که در آنجا بکار مشمولین خدمت نظام وظیفه عمومی رسیدگی می شود و در تابعیت اداره وظیفه عمومی (ژاندارمری کشور) قرار دارد .

حیف و میل :

تلف کردن - تباه کردن - نیست و نابود نمودن - از بین بردن .

حفاظت :

اقدامات و احتیاط‌هایی است که برای حفظ اسناد و مواد طبقه‌بندی شده از دسترس دشمن و عناصر غیرمجاز انجام میگیرد .

حفاظت انفرادی :

حفاظت انفرادی ، عبارت از عملی است که سرباز جان خود را در برابر جنگ افزارهای دشمن حفظ میکند و این عمل بدو صورت انجام میپذیرد .
الف - اقدامات عامل، مانند تیراندازی به نیروی دشمن
ب - اقدامات غیرعامل، مانند استتار - اختفاء از دید دشمن و پراکندگی و امثالهم .

حق خدمات غیرشخصی :

جوهری است که در مقابل انجام خدمات به اشخاصی غیر از پرسنل سازمانی یگانها و قسمتها ، تعلق میگیرد .

حق وظیفه :

پرسنل نظامی که در عملیات رزمی طوری صدمه ببینند که دیگر قادر به انجام وظیفه و کار نباشند حقوقی بنام حق وظیفه که میزان آن معادل با آخرین حقوق آنان خواهد بود مادام‌العمر از بودجه وزارت - جنگ دریافت میکنند .

فرهنگ واژه‌های نظامی

خ

شاهنشاهی هر وسیله دارای يك عمر قانونی است که به - تصویب مقامات ذیصلاح رسیده است (مانند پوتین سرباز که عمر قانونی آن ۶ ماه است).

خارج از نوبت :

عدم مراعات نوبت تقدم در انجام کارهای فوری

خال :

نقطه سیاه در روی پوست بدن - لکه کوچک یا نقطه سیاه که در روی هر چیزی پیدا شود.

خال سیاه :

این واژه مورد استفاده در هدف جنگ افزارهای کالیبر کوچک مانند تفنگ - پانچ و تیر بارها می باشد و بدین معنی است که در روی کاغذ هدف متناسب با مسافت انتخاب شده برای تیراندازی، دایره ای سیاه

خ

حرف نهم از الفبای فارسی است.

خادم :

خدمتگزار - خدمت کننده - نوکر یا کلفت

خادمه :

خدمتگزار زن (معمولا در بیمارستانها بکار گمارده میشوند و این واژه در بیمارستانها بیشتر متداول است)

خارج :

بیرون .

خارج از رده :

بوسائل، وسائط، تجهیزات و کلیه اقلامی که عمر قانونی آنها طی شده و در اثر کثرت استفاده و استعمال، کهنه و فرسوده شده اند، گفته میشود (در ارتش

خاموشی

تأیید شد بصورت اطلاع در-
میآید و برای فرماندهان بمنظور
اخذ تصمیمات صحیح قابل
بهره برداری می شود .

خبردار :

واژه ایست برای فرمان بدون
حرکت ماندن ، به حالت
صحیح ایستادن و سلام دادن
برای يك فرمانده و یا يك مقام
بلند پایه .

خبرگزار :

کسیکه خبری بدست آورد و
بجائی بفرستد و یا برساند .

خدا :

خالق هستی - پروردگار عالم -
صاحب - مالك .

خدایگان :

پادشاه بزرگ - شاهنشاه .

خدمت احتیاط :

برابرقانون خدمت وظیفه عمومی
مدت خدمت احتیاط شش سال
است و تاریخ شروع و خاتمه
آن برای مشمولان عادی و کمتر
از لیسانس براساس تاریخ
تولد آنان و مشمولان لیسانسیه
ببالا از تاریخ خدمت زیر پرچم
آنان محسوب میشود .

رنگ به قطراستاندارد و تعیین
شده ای رسم میکنند تا نفر
تیرانداز خط نشانه جنگ -
افزار خود را در امتداد زیر آن
قرار دهد و تیراندازی کند تا
میزان مهارت او در تیراندازی
(از نتیجه اصابت بخال سیاه)
تعیین شود .

خاموشی :

ساعت وزمانی که (متناسب با
فصل) برای پایان فعالیت های
روزانه و خوابیدن کلیه پرسنل
درسربازخانه ها تعیین گردیده
است ، که این ساعت را خاموشی
میگویند .

خان :

شیارهایی که در داخل لوله
جنگ افزار به منظور چرخش
گلوله در موقع عبور از لوله ،
و نیز استقرار آن در مسیر خود
تعبیه شده است ، خان گویند .

خان کشی :

عبارتست از ایجاد شیار در
داخل لوله جنگ افزار

خبر :

اطلاعی است پرورش نیافته و
خام که چنانچه بوسیله عناصر
اطلاعاتی بررسی ، پرورش و

خدمه :

عبارتست از کلیه کارمندان و سائط نقلیه (مانند ارا به‌ها و یا تانک‌ها، هواپیماها، کشتی و غیره) که هر کدام در براه انداختن و یا بکار انداختن آن وسیله و وظیفه ویژه‌ای برعهده دارند و نیز واژه خدمه، به کسانی که با جنگ افزارها کار می‌کنند گفته می‌شود.

خدننگ :

چوبی است سخت و محکم که از آن تیر و نیزه و زین اسب می‌ساخته‌اند.

خدیدو :

فرمانده و امیر- لقب فرمانروا- یان سابق مصر بوده است.

خرا بکار :

عنصری است مزدور بیگانه، انتخاب شده از داخل و یا نفوذ داده شده از خارج که برای حفظ منافع و نظرات يك یا چند کشور بیگانه مبادرت به تخریب نقاط و اماکن حساس مینماید.

خرا بکاری :

يك اقدام اطلاعاتی است که بمنظور تخریب اماکن و نقاط

حساس يك شهر یا يك کشور برای تضعیف روحیه مردم و ایجاد هرج و مرج توسط عناصر مزدور و اجیر شده توسط يك یا چند کشور خارجی انجام می‌گردد (ممکن است این عناصر مزدور از کشور خودی انتخاب و برگزیده شوند و یا بداخل کشور نفوذ داده شوند).

خرج اشتعال :

مقدار خرج مهمات است که باعث اشتعال میشود.

خرج اصلی :

به معنی واژه خرج تلاش مراجعه شود.

خرج پرتاب :

خرج پرتاب ماده منفجره ضعیفی است که هنگام سوزش در اطاق خرج، فشار زیادی تولید کرده و سبب پرتاب گلوله می‌گردد. خرج پرتاب در مهمات ثابت داخل پوکه و در مهمات نیمه ثابت و مجزا پر شونده در کیسه های پارچه‌ای قرار گرفته است.

خرج تأخیری :

ماده قابل اشتعالی است که سرعت اشتعال آن کند بوده

خرج تخریبی شکل دار

شانه یا خشاب در آن قرار میگیرد، خزانه تفنگ نام دارد

خستگی :

درماندگی ، کوفتگی ، رنج دیدگی از کار زیاد یاراه پیمائی بسیار.

خشاب :

محفظه ایست فلزی حاوی تعدادی فشنگ معین که در محل مربوطه در قسمت تحتانی جنگ افزار (تفنگ و تیربار دستی) و یا در انواع طپانچه ها در داخل قبضه طپانچه قرار داده میشود . مانند خشاب تفنگ ژ ۳ که دارای ۲۰ تیر فشنگ میباشد .

خط الرأس جغرافیائی :

محل برخورد دو دامنه را در بالا که محل تقسیم آب باران نیز میباشد ، خط الرأس جغرافیائی مینامند .

خط الرأس نظامی :

خط تغییر شیبی است پائین تر از خط الرأس جغرافیائی، روی شیب بطرف دشمن که میتوان از آنجا انتهای دره یا خط القعر را دید .

و جهت بوجود آوردن تأخیر میباشد، این خرج معمولاً از باروت سیاه است .

خرج تخریبی شکل دار :

یک خرج توخالی است که در موقع انفجار ایجاد جهش میکند و در اثر این جهش تخریب انجام میشود .

خرج تلاشی :

این خرج در داخل گلوله قرار گرفته است و سبب متلاشی شدن گلوله و پرتاب آن با طرف میشود .

خرج عامل :

عبارتست از یک بسته منفجره که با یک وسیله آتش مناسب مجهز باشد ممکن است خرج عامل ساده و یا الکتریکی باشد.

خرید آزاد :

معاملات جزئی است که مبلغ آن از ده هزار ریال تجاوز نکند و تابع مقررات مناقصه نمیشود در این معامله مأمور خرید با رعایت صرفه دولت معامله را به کمترین بهای ممکن انجام میدهد .

خزانه تفنگ :

قسمت مابین قنداق و لوله که

خط القعر

خط القعر :

وقتی دو دامنه یکدیگر را در قسمت پائین قطع کنند خط القعر ایجاد میشود، آبهای باران در خط القعر جمع شده و جریان پیدا میکند .

خط بزرگترین شیب :

کوتاهترین فاصله نقطه‌ای از یک میزان منحنی تا میزان منحنی بعدی را خط بزرگترین شیب مینامند .

خط بهب :

این خط بمنظور تأمین نیرو- های خودی وهم آهنگی آتش هواپیماهای خودی و عناصر رزمی زمینی تعیین میشوند و باز شدن آتش هواپیماها در حد کوتاه آن ممنوع است مگر با اجازه وهم آهنگی با فرمانده یگانی که در حد کوتاه این خط عمل میکند .

خط پرتاب :

خطی است فرضی مماس بر مسیر گلوله در لحظه خروج از دهانه لوله .

خط تأخیر :

یکی از اقدامات کنترلی در عملیات تأخیری است. یگانهای تأخیرانداز موظف هستند که

بیشروی دشمن را تا زمان تعیین شده، در جلو این خط نگهداری نموده و متوقف سازند .

خط تطبیق آتش :

خطی است که در عمل الحاق بین یگان زمینی و هواپرد و هم‌چنین در عملیات محاصره مورد استفاده قرار میگیرد هر يك از دو یگانی که این خط بین آنها قرار گرفته میتوانند بدون جلب نظر یگان دیگر در برد کوتاه آن تیراندازی کنند. اما برای تیراندازی به‌آنطرف این خط ، جلب نظر و یا موافقت یگان دیگر الزامی است .

خط تطبیق آتش پشتیبانی :

خطی است که به منظور تطبیق و هم آهنگی آتشیهای معمولی و هسته‌ای تعیین میگردد . این خط توسط فرمانده سپاه تعیین میگردد .

خط تقییر شیب :

نقطه‌ای که در روی آن تندی شیب تغییر مینماید، نقطه تغییر شیب نام دارد و خطی که این نقاط را بهم وصل کند خط تغییر شیب نامیده میشود.

خط توجیه

منطقه پدافندی برای ایجاد هم‌آهنگی در حرکات و آتشها با تعیین منطقه مسئولیت هر یگان .

خط خیز :

خطی است در امتداد عوارض مشخص زمین بطوریکه از زمین و هوا باسانی قابل تشخیص باشد ، فرماندهان از این خط بعنوان راهنمایی برای صدور دستورات یادریافت گزارشات یا نشان دادن يك منطقه و تسهیل در حفظ یا تغییر يك آرایش و بدست آوردن کنترل استفاده مینمایند . بسته به احتیاجات کنترل و با توجه به حرکت یا محل نیروی مربوطه ، این خط ممکنست درهرسمتی کشیده شود .

خط دید الکترونیکی :

خط سیرپیموده شده نیروهای الکترومغناطیس است که در ایونوسفر و تروپوسفرانکسار یا پراکندگی ندارد . خط دید الکترونیکی ممکن است ازخط دید هندسی بلندتر باشد .

خط زنجیر :

نوعی از آرایشات و صورت بندیهای رزمی میباشد و بدین

خط توجیه :

خطی است با گرای معلوم که در روی زمین مشخص شده و از نزدیک آتشباریکه درحال تیراندازی است ، میگردد .

خط حد :

برای ایجاد هم‌آهنگی درحرکت و آتشها بین دو یگان بکار رفته و منطقه مسئولیت هر یگان را مشخص میکند .

خط حد پهلوها :

در جناحین منطقه پدافندی و یا آفندی و یا حرکات به عقب برای ایجادهم‌آهنگی درحرکات ، آتشها و تعیین منطقه مسئولیت هر یگان ، انتخاب میشود .

خط حد پیشروی :

معمولا درتک شبانه درآنطرف هدف خطی تعیین میشود تا حد پیشروی را معلومسازد . این خط در شب باید باسانی شناخته شود (مانندرودخانه ، جاده و غیره) . یگانهای پشتیبانی آتش ، مجازهستند درآنطرف این خط روی دشمن تیراندازی کنند .

خط حد عقب :

خطی است در قسمت عقب

زیرا مختصاتی که بر اساس خط سری تعیین میشود هرگز قابل استفاده برای دشمن نمیتواند قرار گیرد .

خط سمیر کشیده :

خط سیر گلوله ای است که سهم تیر آن حداکثر از ارتفاع قد یک انسان تجاوز نماید . یا بعبارت دیگر گلوله مسیری را بخط مستقیم تا اصابت به هدف طی نماید .

معمولا این نوع خط سیر در جنگ افزارهای کالیبر کوچک و جنگ افزارهای ضد تانک وجود دارد .

خط سیر منحنی :

خط سیر گلوله ای است که سهم تیر زیادی دارد و روی همین خاصیت، این نوع جنگ افزارها قادرند کلیه هدفهایی که در زوایای بیروح و پشت موانع قرار گرفته اند از یک موضع مناسب و پوشیده زیر آتش قرار دهند این نوع خط سیر معمولا در انواع خمپاره - اندازها و توپخانه ها وجود دارد .

خط عزیمت :

خطی است که بمنظور هماهنگی

معنی است که نفرات یک گروه، یک دسته و حتی یک گروهان و یک گردان در یک خط و در کنار هم قرار میگیرند و هنگامی از این صورت بندی استفاده می شود که :

از وضع دشمن آگاهی کامل در دست باشد و حداکثر آتش مورد نیاز در جلو، پیش بینی شده باشد .

- معمولا این صورت بندی بیشتر هنگام هجوم و تصرف هدف انتخاب می شود و یا موقعی که نفرات بخواهند از یک منطقه باز و قابل رویت عناصر دشمن مانند عرض یک جاده و یا یک خط الرأس جغرافیائی عبور نمایند .

خط زمین :

در هندسه ترسیمی ، فصل مشترك صفحات قائم و افقی تصویر را خط زمین نامند .

خط سری :

کاربرد خط سری برای تعیین موقعیت نقاط (بدون توجه بمختصات نقشه ای) برای رعایت جنبه های حفاظتی است تا دشمن از قصد ما مطلع نگردد .

خط کش تیر

خط مبنای کمکی :

خطی است بامسافت معلوم که برای محاسبه طول يك خط پایه بکار میرود .

خط مشی :

راه کارهای معین برای وصول به هدفهای ویژه ای را خط مشی گویند .

خط مشی تخلیه بیماران :

يك تصمیم فرماندهی است که حداکثر مدت زمانی (به تعداد روز) را که میتوان بیمار را برای مداوا در صحنه نگهداشت معین مینماید .

خط منع آتش :

خطی است که تیراندازی در فراسوی آن بلامانع بوده ولی تیراندازی در حد کوتاه این خط مجاز نیست مگر با اطلاع قبلی فرمانده گردان توپخانه کمک مستقیمی که آن را تعیین نموده است و کلیه عوامل تطبیق آتش و یگانهای توپخانه از محل و تغییرات آن باید آگاه باشند .

خط میزان منحنی :

اگر صفحاتی فرضی، موازی سطح افق با فواصل مساوی، عوارض زمین را قطع کند و این

آغاز تك (حمله) عناصر مقدم یگان تك ور تعیین میشود . کمال مطلوب آنست که این خط بوسیله عارضه ای از زمین مشخص گشته و تشخیص آن روی زمین آسان باشد و در جائی انتخاب گردد که از دید و تیر مستقیم دشمن محفوظ و در کنترل نیروی خودی بوده و بر سمت تك عمود باشد .

خط کش تیر :

خط کش مخصوصی است برای محاسبات عناصر تیر بمنظور اجرای آتش بر روی هدف و جزء وسائل مورد نیاز در مرکز هدایت آتش است .

خط کش مختصات :

وسیله ای است که بمنظور اندازه گیری مسافتات و تعیین مختصات نقاط بکار میرود .

خط گسترش احتمالی :

خطی است که در روی زمین قبلا انتخاب شده و یگانهای تك ور ، تحت شرایط دید محدود، قبل از هجوم به هدف در روی این خط گسترش مییابند. از این خط در تك شبانه استفاده میشود .

خط نشانه

تقاطع را روی يك سطح افقی
تصویر کنیم خطوط منحنی
مسدودی را تشکیل میدهند که
بنام خطوط میزان منحنی
خوانده میشوند .

خط نشانه :

قراردادن نوك مگسك در مرکز
شكاف درجه

خط هم‌آهنگی دیده‌بانی :

به منظور ایجاد هم‌آهنگی در
فعالیت‌های دیده‌بانی خط
مشخصی برای تعیین حدود
مسئولیت هر يك از دیده‌بانان
در منطقه مورد نظر انتخاب
میشود، چنین خطی را هم‌آهنگی
دیده‌بانی میگویند .

خلاصه اطلاعاتی :

گزارشی است اطلاعاتی که
دارای فرم مشخص نمی‌باشد،
حاوی نتیجه گیری عوامل
اطلاعاتی ستاد در مورد وضعیت
دشمن می‌باشد که از سوی
رده بالاتر بمنظور آگاهی و بهره
برداری رده‌های پائین‌تر در
يك دوره زمانی مشخص ارسال
میگردد .

خلاصی ترمز :

فاصله‌ایکه اهرم ترمز بتواند

جابجا شود بدون این‌که عمل
ترمز در چرخ‌ها ظاهر شود .

خلاصی فرمان :

مقدار دوریکه غربالك فرمان
میتواند به چپ یا راست
بچرخد بدون اینکه چرخ‌ها
تغییر جهت دهند .

خلیج

پیشرفتگی زیاد آب در خشکی
را خلیج گویند .

خمپاره :

گلوله خمپاره اندازرا خمپاره
گویند .

خمپاره انداز :

جنگ افزارى است که گلوله
آن دارای خط سیر منحنی
بوده و طول لوله آن بین ۱۰
تا ۲۰ برابر کالیبرش باشد
و از سر پر شود .

خمپاره شیمیائی ویا دودانگیز :

خمپاره ای است برنگ
خاکستری دارای مواد شیمیائی
و دودانگیز میباشد مانند
فسفر سفید و کاربرد آن ایجاد
پرده دود به منظور اختفاء
نیروهای خودی و کور کردن
دید دشمن میباشد .

خهپاره محترقه

افزار های انفرادی و سرد
(میباشد)

خودرو :

وسیله چرخدار یا شنی‌داری
که با موتور خودش حرکت
میکند.

خودروی تمام شنی : (تمام زنجیر)

خودروئی است که کلیه نیروی
محرکه آن از موتور به شنی‌ها
(زنجیرها) منتقل شده و موجب
حرکت خودرو در زمینهای
ذوعارضه و ناهموار میگردد.

خودرو زرهی :

خودروئی است چرخدار یا
شنی‌دار که دارای بدنه‌ای
زرهی بوده و با جنگ‌افزار
عمده و یا بدون آن که برای رزم،
برقراری تأمین و یا حمل بار
بکار می‌رود.

خودرو ساده :

خودروئی است که دارای یک
شاسی و موتور معمولی باشد

خودرو کنترل یا هادی :

خودروئی است که در رأس
ستون خودروها حرکت نموده
و سرعت ستون را برای حفظ
آهنگ راه پیمائی کنترل
مینماید .

خهپاره محترقه :

خهپاره‌ای است برنگ‌زیتونی
باماده منفجره‌ای قوی و کاربرد
آن علیه مواضع جنگ‌افزارها،
استحکامات و نفرات مجتمع
دشمن می‌باشد .

خهپاره مشقی :

خهپاره‌ای است برنگ آبی و
محتوی باروت و کاربرد آن
برای تمرین تیراندازی و آموزش
نشانه روی است.

خهپاره نورانی :

خهپاره نورانی حاوی ماده
شیمیائی مخصوصی است که
هنگام اشتعال در هوا نور
فوق‌العاده‌ای ایجاد میکند و
توسط چتری از پارچه ویژه
در بالای منطقه مورد نظر بخش
وسیعی از زمین را در رزم
شبانه روشن و مواضع دشمن
را مشخص می‌سازد و نیز برای
اعلام خبر برابر قرار قبلی از
آن استفاده میشود .

خنثی‌سازی توپخانه پدافند هوایی :

تخریب و کاهش اثر آتش توپخانه
پدافند هوایی بطور مستقیم یا
با وسایل الکترونیکی .

خنجر :

کارد تیز دو دم، (جزء جنگ-)

خودروگاه

خودروگاه :

محل تجمع خودروهائی است که توسط يك مركز کنترل شده و برای استفاده عمومی و یا پارک چندین اداره و یا یگان بکار میروند .

خودرو مرکب :

۱- خودرو نظامی است که از دو یا چند خودرو منفرد متصل بیکدیگر تشکیل شده و مانند يك عنصر واحد حرکت میکند.

۲- خودروئی است که بیش از يك شاسی داشته باشد.

خودرو شنی دار :

خودروئی است که بوسیله شنی (زنجیر) حرکت میکند .

خودروهای حاضر بکار :

تعداد خودروهائی است که تحت تعمیر نبوده و برای اجرای مأموریت های روزانه در دسترس یگان میباشد .

خودروهای ویژه :

خودروهائی هستند که بمنظور کار های ویژه مورد استفاده قرار میگیرند مثل تانکر حمل آب و گاز .

خودکار :

ماشینی که احتیاج بکسی نداشته باشد که آنرا بکار وادارد - و در جنگ افزار بنوعی گویند که بیایپی تیراندازی کند. (مانند انواع تیر بارها) .

خودکافی :

یعنی بی نیازی مطلق از هر جهت به دیگر یگانها و یا سیستم های پشتیبانی به منظور انجام مأموریت محوله، عبارت ساده تر یعنی يك یگان نظامی به آنچه که برای انجام مأموریت نیاز دارد با خود همراه داشته باشد تا در زمان و موقعیت دلخواه بتواند از آنها بنفع انجام مأموریت بهره برداری و یا استفاده نماید.

خودکششی :

جنگ افزارها و وسائلی که از خود دارای نیروی محرکه مثل موتور هستند خود کششی نام دارند .

خوشه :

۱- اثرات آتشباری که در آن گروهی از مواد آتشزا بشکل ستاره هائی در يك زمان میسوزند .

خوشه مین

رزم به منظور نزدیک شدن يك و یا چند نفر به مواضع دشمن و یا بعبارت ساده تر يك سرباز با برخوردن از پناهگاه اولیه حداکثر در مدت پنج ثانیه به سرعت بایستی خود را به پناهگاه بعدی برساند (زیرا در این مدت عناصر دشمن قادر به تیراندازی دقیق نیستند) و این کار بطور متوالی تا نقطه مورد نظر ادامه می یابد. این عمل را خیز به خیز گویند.

خیز متناوب :

حرکت تاکتیکی است که در آن قسمتی از يك یگان روی دشمن اجرای آتش کرده و قسمت دیگر تحت پوشش این آتش بموضع بعدی که جلوتر از موضع اولیه است پیشروی میکند. بعد از استقرار، این قسمت، شروع به اجرای آتش نموده و قسمت اول تحت پوشش آتش قسمت دوم بموضع بعدی پیشروی مینماید و این عمل تا پایان مأموریت ادامه مییابد.

خیز متوالی :

عبارتست از حرکت و تغییر موضع قسمتی از یگان مانوری يك موضع تعیین شده دیگر

۲- مقداری بمب که باهم رها شوند. يك خوشه معمولاً شامل بمبهای افشان یا آتشزا میباشد.

۳- دودستگاه یا تعداد بیشتری موتور که مجموعاً بعنوان يك واحد مولد انرژی بکار میروند.

خوشه مین :

عنصر اصلی میدان مین بوده و شامل يك یا چند مین می باشد که در محوطه نیمدایره ای بشعاع دو قدم مستقر شده و حداقل يك مین و حداکثر پنج مین دارد که از این تعداد فقط يك مین ضد تانک در وسط قرار میگیرد.

خیز :

۱- خیز يك حرکت مجزا است که قاعدتاً از يك موضع پوشیده بيك موضع پوشیده دیگر و در زیر پوشش آتش انجام میپذیرد.

۲- بهر يك از فواصلی که يك یگان در هنگام پیشروی نوبت به نوبت می پیماید، يك خیز گفته میشود.

خیز بخیز :

روشی است مورد استفاده در

خیلی خوب

درحالیکه بقیه عناصر آن یگان روی دشمن اجرای آتش میکنند و همینکه عنصر جلوئی بموضع مورد نظر رسید و آتش خود را روی دشمن روانه کرد بقیه عناصر ، پیشروی نموده و به عنصر اولی ملحق میشوند .

خیلی خوب :

۱- یکی از موارد ششگانه طبقه بندی در ارتش شاهنشاهی (ممتاز - عالی خیلی خوب-خوب- متوسط و بد) است .

۲- این طبقه بندی برای افسرانی مناسب میباشد که با نشان دادن کلیه کیفیات و صفات و توانائی های شخصی و حرفه ای لیاقت و شایستگی قبول مسئولیتها و انجام وظائف بالاتر را بنحو احسن دارا باشند .

۳- (بصورت فرمان دادن) هنگامیکه فرماندهان از رژه یگانها و یا انجام يك کار دسته جمعی رضایت کامل داشته باشند بیگان مورد نظر فرمان میدهند، (خیلی خوب) که پاسخ آن فرمانده (سیاس اگر تیمسار باشد (سیاس تیمسار) و اگر افسر ارشد یا جزء باشد (سیاس سرکار) میباشد .

خیلی مجرمانه :

عنوانی است که باسناد، مطالب و اطلاعاتی داده میشود که افشای آن بمنافع ملی و دفاعی لطمه وارد کند . طبقه بندی اسناد بچهار صورت انجام میپذیرد :

۱- بکلی سری .

۲- سری .

۳- خیلی مجرمانه .

۴- مجرمانه .

فرهنگ واژه‌های نظامی



شاهنشاهی بوده و در رأس آن دادستان ارتش قرار دارد.

دادیار :

شخصی است ذیصلاح که دادستان را در انجام امور قضائی یاری مینماید (معاون دادستان) - وکیل عمومی .

دافع :

۱- دفع کننده - برطرف کننده .
۲- در کاربرد نظامی دستگاهی است که ضربات عقب نشینی جنگ افزار را دفع میکند (مانند دافع توپ) .

دادگاه :

جا و محل دادرسی - محکمه یا محل محاکمه - محضر قاضی .

دادگاه نظامی :

محل دادرسی اموریکه مربوط به پرسنل نظامی نیروهای مسلح شاهنشاهی باشد -

د :

حرف دهم از الفبای فارسی است .

دادرسی :

شخص با صلاحیتی که عمل دادرسی را انجام میدهد .

دادرسی :

رسیدگی بدعاوی و شکایات، قضاوت کردن .

دادستان :

حامی مظلومین ، مدعی عموم ، طرفدار حق و حقیقت ، و نماینده دولت در دادگاه .

دادستان ارتش :

نماینده نیروهای مسلح شاهنشاهی در دادگاه های نظامی .

دادستانی ارتش :

سازمانی است که جزء اداره دادرسی نیرو های مسلح

محل دادرسی اموری که بستگی به امنیت کشور دارد .

داشبرد :

قسمتی است فلزی ، چوبی و یا از فیبر فشرده که در قسمت جلوی راننده در داخل اطاق راننده نصب گردیده و دستگاه های اندازه گیری سرعت ، بنزین ، روغن ، برق ، درجه حرارت آب موتور و همچنین کلیدهای مربوط به چراغهای خودرو، بخاری، کولر و سایر وسائل و دستگاههای مورد نیاز بر روی آن تعبیه و در دسترس راننده قرار میگیرد .

دالان :

۱- راه سرپوشیده .
۲- در کار برد نظامی (در مهندسی) هر فرورفتگی یا معبر حفر شده را که روی و طرفین آن پوشیده باشد دالان گویند .

دالان بی خطر :

دالان هوائی است در داخل منطقه عمل جنگ افزارهای پدافند هوائی و یا هواپیماهای شکاری، که در آن هواپیماهای خودی از تگ شکاریها و آتش

جنگ افزارهای خودی در امان می باشند .

دالان تقرب :

دالان هوائی است نظیر دالان بی خطر در فرودگاهها و در طرفین باند به منظور تشخیص هواپیماهای خودی از دشمن

دالان هوائی :

مسیر مجاز پرواز هواپیماهای تجارتي را در آسمان يك کشور، دالان هوائی گویند، مسیرهای تعیین شده پرواز به تصویب سازمان هواپیمائی کشور رسیده است .

دام :

بند - گیره - تله و بمعنای حیوان اهلی نیز آمده است .

دامپرور :

پرورش دهنده حیوانات اهلی .

دامپروری ارتش :

سازمانی است که حیوانات اهلی ، مانند گاو و گوسفند برای تأمین گوشت مورد نیاز ارتش پرورش میدهد .

دامپزشک :

پزشک و یا دکتر حیوانات .

دامپزشکی ارتش :

سازمانی است که بیماریهای

دانشپایه

یگانهای عمده و یا عمده دار شدن مشاغل ستادی در اینگونه یگانها آماده میسازد افسران نیروی زمینی شاهنشاهی از سروان تا سرهنگ در صورتیکه دوره عالی رسته‌ای را طی کرده باشند میتوانند در آزمایش ورودی این دانشکده شرکت نموده و در صورت موفقیت، دوره یکساله آن را طی کرده و باخذ دانشنامه آن نائل گردند.

دانشگاه پدافند ملی :

عالیترین مرجع فرهنگی نیروهای مسلح شاهنشاهی در رده ملی است افسران فارغ التحصیل دانشکده فرماندهی و ستاد از سرهنگ دوم تا سرهنگ و همچنین کارمندان عالی رتبه دولت شاهنشاهی که حداقل تحصیلات آنان مهندس و یا دکتر باشد منوط باینکه از سوی سازمان دولتی مربوطه انتخاب شوند میتوانند در این دوره شرکت نموده و پس از احراز موفقیت بدریافت دانشنامه آن نائل گردند. (مدت این دوره یکسال تمام میباشد).

دانشیار :

کسی است که در دانشگاهها

دامی ارتش را پیشگیری و در صورت بروز بیماری آنها را درمان میکند.

دانشپایه :

محل و مکان آموختن علم و دانش - محل مناسبی که شاگردان، دانش آموزان و یا دانشجویان در آن گرد هم می آیند تا معلم و یا استاد به آنها درس بدهد. در زبان فارسی بجای این واژه اغلب واژه کلاس نیز بکار برده می شود.

دانشکده افسری :

مؤسسه آموزشهای علمی و نظامی است که تربیت، آموزش و پرورش افسران ارتش شاهنشاهی به آن واگذار گردیده و فارغ التحصیلان این دانشکده با اخذ لیسانس علوم بدرجه ستواندومی مفتخر میگرددند.

دانشکده فرماندهی و ستاد :

عالیترین مرجع فرهنگی نیروی زمینی شاهنشاهی است که در گذشته آنرا دانشگاه جنگ مینامیدند افسران واجد شرائط را برای رهبری و فرماندهی

دپو :

عبارت از يك سازمان آماد
کننده است که آمادهاي مورد
نیاز یگانهای منطقه مربوطه را
درخواست، دریافت، طبقه بندی،
انبار، توزیع، حمل و تحویل
مینماید.

دپوهای مقدم یا نقاط آمادی :

عبارت از مراکز آمادکننده ای
میباشند که در نزدیکی یگانها
مانند اردوگاه، پادگان، تیپ
مستقل، لشکر یا سازمانهای
مشابه تشکیل شده و درامر
دریافت و انبارداری و حمل و
نقل و تحویل اقلام آمادی مورد
نیاز آن یگان، اقدام مینمایند

درج در دستور :

درج در دستور عبارتست از
ثبت و درج وقایع و اتفاقات
مهم ناشی از خدمت در دستور
هر یگان نظامی.

درجه :

۱- واژه مورد استفاده در
نقشه خوانی، اگر محیط
دایره را به ۳۶۰ قسمت
مساوی تقسیم کنیم و آنها
را بمرکز دایره وصل نمائیم
هر يك از زوایای حاصله از

و دانشکده ها و یا مؤسسات
آموزشی همطراز استادان را در
امر آموزش و اجرای برنامه های
مصوبه یاری مینماید.

دانه بندی خاک :

عبارتست از چگونگی قرار
گرفتن دانه های ریز و متوسط
و درشت در خاک.

داوران :

انسانهای مطلع، با تجربه،
کار آزموده، دقیق و بی نظری
هستند که به منظور ارزیابی
از کارائی يك فرد و یا يك
سازمان و یا يك فعالیت انتخاب
میگردند.

دبیر :

نگارنده - نویسنده - منشی
(به معنای اعم) و کسیکه در
دوره دبیرستان تدریس میکند
(به معنای اخص).

دبیرخانه :

جای نوشتن - محل نگارش -
دفتر مرکزی هر اداره و یا
سازمان که زیر نظر مستقیم
آن اداره و یا سازمان قرار
دارد.

درجه انتظار

درشرف ورود :

مقدار آمادی است که انتظار می‌رود برابر روشهای تهیه و درخواست، دریافت گردد، یا اقلامی است که باید از طریق منابع دیگر مانند انتقال از سایر قسمتها و یا وسائل تعمیر شده بدست آید .

درفش :

پرچم ، علم ، علامت ، بیرق ، علمی که پیشاپیش سپاه حرکت بدهند .

درصد رطوبت :

نسبت مقدار آب موجود در خاک یا جسم جامد یا هوا ضرب در عدد صد میباشد .

درگیری : (در توپخانه)

عبارت از مدت زمانی است که جنگ افزار مشغول اجرای آتش روی هدفی میباشد (شامل نشانه روی و تیراندازی) .

درگیری قطعی :

يك يگان هنگامی درگیر قطعی است که با توجه بانجام مأموریت آزادی عمل را از دست داده و دیگر نتواند از منابعی که در دسترس خود دارد برای بدست آوردن آزادی مجدد و نفوذ در وضعیت بهره برداری نماید.

این برخورد شعاعها در مرکز دایره را يك درجه گویند (۱/۳۶۰ محیط دایره) .

۲- معنی دیگر این واژه برای تعیین مقام های افسری است (مثلا درجه سرهنکی یا درجه سرتیپی) .

درجه انتظار :

درجه و میل لوله جنگ افزار را هنگامیکه در سمت انتظار روانه شده باشد، درجه انتظار گویند .

درخواست اولیه :

درخواست آمادهائی است که برای اولین دفعه بیک سازمان که تازه تشکیل شده و یا بیک فرد که تازه بخدمت وارد شده، برای يك عملیات جدید تحویل میگردد .

درخواست مصرفی :

درخواست آمادهائی است که بجای آمادهای مصرف شده یا فرسوده باید تحویل گردد.

در راه :

نفر تیرانداز توپ و یا توپچی قبل از اینکه روی هدف تیراندازی نماید اظهار میدارد (در راه) و پس از چند ثانیه تیراندازی میکند .

درمان اندامها

درمان اندامها :

عبارتست از بهبود بخشی از اندامهای بدن توسط پزشک.

درمان با شتاب :

روش درمان اضطراری و فوری است .

درمان پزشکی :

نگهداری و تیمار بمنظور درمان بیماری و یا رفع آسیب دیدگی .

درمانده : (معلول)

شخصی که توانائی انجام وظیفه و کار را بسبب بیماری یا ناتوانی از دست داده باشد.

درمانگاه :

محلّی است برای درمان و خدمت به بیماران سرپائی ، وظایف درمانگاه عبارتست از: درمان ، آزمایش های پزشکی ، معاینات پزشکی ، معاینات ایمنی بخش ، امور اداری ، پزشکی ، پیش گیری و اقدامات بهداشتی .

درمانگاه باید حداقل ۲۵ تختخواب برای بستری کردن بیماران که منتظر ورود به بیمارستان هستند و یا آنهایی که نیازی به بستری شدن در بیمارستان را دارند و سرپائی

هم نمیتوانند معالجه شوند ، داشته باشد .

درمانگاه عصبی و روانی :

مرکز درمان صحرائی پزشکی و درمانی ارتش است که معمولاً در قسمت جلوی منطقه سرویس ارتش قرار گرفته و بعنوان کانون اصلی دریافت بیماران عصبی و روانی بشمار میرود. آسیب دیدگان لشکر و سپاه و یگانهای رزمی ارتش و تأسیسات آن باین مرکز مراجعه میکنند و معمولاً همه آسیب - دیدگان عصبی و روانی قبل از تخلیه ارتش از این بیمارستان میگذرند .

درمانگاه عمومی :

جایگاهی است برای درمانهای پزشکی و دندانپزشکی افراد نظامی که دسترسی به بیمارستانها و یگانهای نظامی را ندارند . این درمانگاه عمل بستری شدن را انجام نمیدهد و معمولاً در شهرهای بزرگ و یا مناطق نظامی تأسیس میشود .

دریا :

گودی بسیار وسیع و ژرف پر از آب .

دریابان

گریس پمپ با فشار کم ،
واسطه‌ها و اتصالات مربوطه
است که برای روغنکاری تمام
دستگاهها بکار میرود .

دست انداز پل :

دیوارهای توپریامشبکی است
که عرض کلی پل را محدود
و مانع پرتاب شدن نفرات و
گاهی خودروها بداخل رودخانه
میشود .

دستبرد :

تکسی (حمله‌ای) است محدود
بداخل مواضع دشمن که برای
اجرای مأموریت ویژه‌ای وبدون
قصد نگهداری زمین انجام
میگیرد .

دسترسی :

توانائی وبدست آوردن فرصت
برای آگاهی از اطلاعات طبقه-
بندی شده است .

دست فنر : (دسته فنر)

مجموعه‌ایست از تعدادی فنر
تخت که روی یکدیگر قرار گرفته
و با تعدادی بست بهم مربوط
شده باشند .

دستك :

پایه‌های چوبی است که با

دریابان :

درجه‌ایست از درجات نیروی
دریائی که برابر با درجه
سرلشکری میباشد .

دریابد :

بالترین وعالیترین درجه نیروی
دریائی و برابر با درجه
ارتشبدی میباشد .

دریادار :

درجه‌ای است از درجات نیروی
دریائی و برابر بادرجه سرتیپی
میباشد .

دریاسالار :

درجه است از نیروی دریائی و
برابر بادرجه سپهبدی میباشد .

دریل : (Drill) (۱)

دستگاهی است بمنظورسوراخ
کردن اجسام که با استفاده از
مته این عمل را انجام میدهد .

دزمتر : (Dosemetr)

دستگاهی است که مجموع
شدت تشعشع هسته‌ای دریافتی
بوسیله افراد و اجسام را
اندازه گیری میکند .

دست ابزار گریس کاری :

دست ابزار گریس کاری شامل
گریس پمپ با فشار زیاد ،

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

مغز انباری ، محاسبه و کنترل ، نتیجه خروجی).
 ۲- وسائل کمکی شامل کلیه تجهیزات محاسبه الکترو- نیکی دیگر (بجز تجهیزات ارتباطی) که مستقیماً برای پشتیبانی بکار برده شده مانند ماشینهای محاسبه که ماشینهای سوراخ کن را نیز شامل میشود .

دستگاه تیراندازی شبانه ام-ایکس:

(M. X)

دستگاهی است که با سیبلها و مرکز کنترل الکترونیکی که در نتیجه هراصابت تیراندازی آموزش شبانه بههدف دستگاه کنترل مرکزی شماره سیبل مورد اصابت را تعیین و (در نتیجه مشخص میشود که مثلا نفر تیرانداز سیبل ۱۲ چند اصابت بههدف داشته است) مهمترین عملی که این دستگاه در تیراندازی شبانه انجام میدهد تجسم آتش تفنگ یا تیربار دشمن در شب است که بهتناوب وزمانهای کوتاه با روشن شدن روی سیبل آتش جنگ افزارهای دشمن را برای يك لحظه کوتاه مشخص میسازد

فواصل معین برای نصب سیمهای خاردار در زمین قرار میدهند .

دستگاه : Iif/Sif (۱)

دستگاه الکترونیکی است که با استفاده از آن میتوان هواپیما- هائی که وسیله دستگاه های رادار کشف می شوند خودی و دشمن بودن آنها را تعیین نمود.

دستگاه آتش :

دستگاهی است که باعث ضربت زدن به چاشنی میشود (توسط سوزن مربوطه) .

دستگاه انتشار آتزن :

دستگاهی است که نوسانات رادیوئی را که در طبقه آخر فرستنده تولید میشود در هوا منتشر می سازد .

دستگاه پرورش دونه ها : (داده ها)

در ماشین های محاسبه الکترونیکی شامل تجهیزات مشروحه زیر است :

۱- ماشینهای محاسبه الکترو- نیکی مرکب از يك ماشین یا گروهی از ماشینهای متصل بهم (وسائل ورودی،

(۱) واژه متداول در پدافند زمین بهوا

دستگاه تشخیص هواپیماهای خودی

پیش‌بینی میشود و شامل قسمت متحرکی بنام ستون و شکاف درجه‌بده و ستونی که مسافت مختلف روی آن حک شده بنام ستون درجه میباشد.

دستگاه رمز دستی :

وسیله ساده‌ای که با دست کار کرده و فاقد اصول رمز نویسی است و میتواند با استفاده از کلیدهای نقش شده مناسب یک سیستم رمز باحفاظت کم فراهم کند.

دستگاه سرویس :

دستگاهی است که با فشار کامل وسایل را سرویس نموده و میتواند آنرا روی کامیون یا تریلی سوار نمود.

دستگاه کنترل آتش :

شامل کلیه وسائلی است که برای روانه کردن لوله توپ در سمت و ارتفاع بکار میرود.

دستگاه کنترل فشار :

برای تنظیم و میزان نگهداشتن فشار هوا در روی دستگاه نصب میگردد.

دستگاه متعصب :

دستگاهی است که زاویه برد مورد نیاز توپ را بر حسب

دستگاه تشخیص هواپیماهای خودی:

دستگاه الکترونیکی است که با استفاده از آن میتوان هواپیماهای خودی را از یکدیگر و هواپیماهای خودی را از دشمن تشخیص داد.

دستگاه تعلیق :

دستگاهی است که شاسی خودرو را به محورها مربوط کرده و آنرا در حالت تعلیق نگه میدارد.

دستگاه تقویت امواج :

وسیله ایست که امواج صوتی و امواج رادیویی یا هر نوع موج دلخواه دیگری را باندازه مطلوب تقویت میکند.

دستگاه چکاننده :

قسمتی از دستگاه آتش جنگ - افزار است که با کشیدن ماشه آن، پایه آتش و چخماق از هم جدا شده و وسیله سوزن به چاشنی ضربت زده میشود.

دستگاه حرکت دربرد:

دستگاهی است که باعث حرکت لوله جنگ افزار ببالا و پائین میگردد.

دستگاه درجه :

دستگاه درجه معمولا در تفنگ

دستگاه نشانه روی

مسافت و نوع مهماتی که تیر-اندازی میشود، محاسبه میکند.

دستگاه نشانه روی :

دستگاه نشانه روی معمولاً در جنگ افزارهای کالیبر کوچک تعبیه شده و شامل شکاف درجه و مگسک میباشد.

دستگاه‌های عقب نشینی :

به دستگاههایی گفته میشود که بمنظور عقب نشینی جنگ - افزار در تیراندازی و برگشت لوله به محل اولیه بکار میرود.

دستگیره مسلح کننده :

دستگیره‌ای است که بوسیله آن جنگ افزار را مسلح میکنند

دستور :

- ۱- قاعده و قانون، آئین ، روش ، اجازه ، پروانه ، فرمان ، رخصت .
- ۲- در کاربرد نظامی :

الف - تصمیم فرماندهان در رده‌های مختلف بصورت دستور با انواع گوناگون (دستور رزمی - اداری و غیره) برای آگاهی و اجراء به رده‌های پائین تر و عناصر تابعه و مسئول صادر میشود.

ب - هریگان نظامی (از گروهان

به بالا) برای ثبت وقایع و اتفاقات مهم ناشی از خدمت (مانند نقل و انتقالات انتصابات - مرخصی‌ها - تشریفات و تنبیهات - نگهبانی‌ها و غیره) از مدركی استفاده میکنند بنام دستور .

دستور آگهی :

شامل اطلاعات مقدماتی است که یگانهای زیر دست را قادر میسازد خود را برای عملیاتی که بادستور بعدی شروع میشود آماده کنند .

دستورات تغییر حکم کار :

دستورات فنی است که بمنظور تکمیل نمودن وسیله‌ای تهیه و منتشر میشود. دستورات تغییر حکم کار در اثر تجربه کار و مشاهده معایب برای رفع آنها نوشته میشود .

دستورات تغییر فنی :

شامل کلیه اطلاعات و دستورات مورد نیاز در تغییر ساختمان يك قطعه یا وسیله میباشد.

دستورات جزء به جزء :

در يك وضعیت که با سرعت تغییر میکند ممکن است برای انتشار و تقسیم يك دستور

دستورات روغنکاری

دستورات نگهداری صحرائی :

در این دستورات راهنمائیهای لازم در مورد سازمان، وظایف، کاربرد، مقدرات و نحوه آموزش افراد یگانهای تعمیر و نگهداری و مدیریت‌های نگهداری بیان شده است .

دستور اداری :

یک دستور رزمی است که شامل حرکات، آماد، نگهداری، تخلیه پرسنل و سایر جزئیات اداری میشود .

دستورالعملهای تعمیر و نگهداری:

کلیه دستوراتی است که به یگانهای مصرف‌کننده و یگان‌های پشتیبانی و نگهداری صادر میشود و از این دستور - العمل‌ها مثل آئین نامه میتوان استفاده نمود .

دستور راه‌پیمائی :

دستوری است که از طرف - فرمانده صادر شده و حاوی جزئیاتی است که برای حرکت یگانهای زیر امر، در زمان معین از محلی به محلی دیگر .

دستور عملیاتی :

عبارتست از دستورات مفصل و منظمی که بصورت یک فرم

کامل به کلیه یگانهای زیر دست وقت کافی موجود نباشد، یا احتیاج به صدور دستور کامل نباشد، در چنین حالتی است که دستورات جزء بجزء صادر میشود .

دستورات روغنکاری :

نشریه ایست شامل راهنما - نئی های لازم برای انجام روغنکاری کلیه قسمت‌های یک وسیله .

دستورات فنی نگهداری :

کلیه دستوراتی است که طرز نگهداری اقلام را در رده‌های مختلف نگهداری بیان مینماید

دستورات کار رمز نویسی :

این دستورات روشهای مورد استفاده برای کار با سیستم رمزی را معین میکند

دستورات کار مشاوران :

مجموعه دستوراتی است که برای کنترل فنی و هماهنگی فعالیت‌های ارتباطی یک فرماندهی یا یگان منتشر میشود و هر یک از مواد آن معمولاً برای زمان کوتاهی قابل اجرا میباشد .

استاندارد نوشته شده و منظور از تهیه و صدور آن هماهنگ کردن عملیات یگان بمنظور هدایت عملیات و اجرای تصمیم فرماندهی میباشد .

دستور العمل :

به اسنادی گفته میشود که برای هدایت و کنترل یک عملیات در یک رده بالا و برای زمان نسبتاً طولانی صادر میشود .

دسته :

بخشی است از یک گروهان و یک رده بالاتر از گروه ، از سه گروه یا بیشتر و عناصری بنام ارکان دسته تشکیل گردیده است .

دسته پیستون :

وسیله اتصال پیستون به میل لنگ میباشد .

دسته سر :

یک عنصر تأمین است که بنوبه خود بوسیله یگان جلودار ، بجلو اعزام و بوسیله آن نیرو پشتیبانی میشود . در جلو دسته سر ، گروه نوک حرکت میکند .

دشنه :

خنجر ، کارد برنده و نوک تیز که برای رزم تن به تن و دفاع شخصی بکار می رود . (جزء جنگ افزارهای انفرادی و سرد میباشد) .

دعوت کنفرانس تلفنی :

اتصال چند تلفن بیکدیگر در یک لحظه برای کنفرانس یا ابلاغ دستورات به چند شخص در یک زمان میباشد .

دفاع : (پدافند)

به معنی واژه پدافند مراجعه شود .

دفترچه پیام :

۱- سوابق یا پرونده ثبت کلیه پیام هائی که از یک مرکز پیام ، ایستگاه بیسیم و غیره فرستاده میشود .

۲- فرمهای پیامی است که بصورت دفترچه برای نوشتن پیام بکار میرود .

دفتر صورت اسامی :

دفتری است که مشخصات پرسنل کادر ثابت ، وظیفه و غیر نظامیان در آن نوشته شده و وسیله ای است برای کنترل آمار های یک یگان .

دفتر کار

بنزینی که برق ضعیف مدار اولیه را بوسیله پلاتینها قطع و وصل نموده و برق قوی مدار ثانوی را بوسیله چکش برق و درب دلکو بسر شمعها تقسیم میکند .

دنده نهائی :

آخرین قسمت از قطعات انتقال نیرو .

دوب اصغر :

این واژه عربی است (بمعنی تحت اللفظی خرس کوچک) و واژه مورد استفاده در شناخت و تعیین مجموعه ستارگانی است شبیه به مجموعه ستارگان دوب اکبر در یک اندازه کوچکتر از نظر دید، از زمین و مورد استفاده جهات یابی در شب دارد .

دوب اکبر :

این واژه عربی است (بمعنای تحت اللفظی خرس بزرگ) و واژه مورد استفاده در شناخت و تعیین ستاره قطبی است برای تعیین شمال حقیقی در شب و در آموزش رزم انفرادی به منظور جهات یابی صحیح در شب .

دفتر کار :

عبارت از مجموعه برگهای فهرست بندی شده میباشد که کلیه اخباریکه از دستورهای کتبی، شفاهی، پیامها ، دفتر روزنامه ، شورهای ستادی فرماندهی و دیگر افسران بدست می آید در آن وارد و ثبت میشود .

دفتر مرکزی بایگانی تأمین ارتباطات :

(سوابق)

سازمانی است که مسئول ثبت و کنترل مداوم کلیه وسائل رمز قابل شمارش در نیروی زمینی میباشد .

دفتر توزیع و بایگانی تأمین ارتباطات :

سازمانی است مجاز به توزیع و بایگانی وسائل رمز و مسئول کنترل حسابداری وسائل رمز .

دکترین : Doctrin (۱)

عبارت از اصول اساسی است که نیروهای نظامی یا عناصر تابعه ، اقدامات خود را در پشتیبانی از هدفهای ملی بر مبنای این اصول هدایت مینمایند .

دلکو : (۲)

دستگاهی است در موتورهای

(۱) و (۲) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

دوبلکس :

- ۱- به مداری گفته میشود که ارسال دو پیام را بطور همزمان از دوسوی متقابل میسر میسازد .
- ۲- به ساختمانهایی گفته میشود که تأسیسات مورد نیاز آن در دو طبقه سازمان یافته است .

دوتائی : (دوبلت)

آنتن ساده ایست که بزمین متصل نمیشود .

دودانگیز :

نام اختصاری گلوله دودانگیز است که برای کورکردن دید دشمن بکار برده میشود و یا گلوله ای که دود ایجاد نماید .

دوربین :

- ۱- دستگاهی است برای نصب روی جنگ افزارهای ضد تانک با قرار دادن هدف روی خط نشانه صحیح داخل دوربین (از نظر سمت، برد و سرعت برای پیش گیری) تا تیرانداز بتواند دقیقاً هدف را مورد اصابت قرار دهد .

۲- دستگاهی است برای

نصب روی تفنگ برای تیراندازی دقیق توسط تیراندازان ممتاز .

دوربین چشمی :

- ۱- دستگاهی است با قدرت درشت نمائی چندین برابر که برای دیدبانی صحیح و کامل دیدبانان از فعالیت های دشمن و هر گونه حرکتی از عناصر دشمن بکار میرود .
- ۲- ضمناً کاربرد دیگر این دوربین در تنظیم تیراست (با توجه به تقسیمات میلیمی داخل آن) .

دوربین فیلم برداری :

- ۱- دوربینی است که در آن فیلم بطور مداوم حرکت نموده و از جلوی دریچه کانون آن میگذرد و در حالیکه هواپیما بطور افقی پرواز میکند عکسهائی پشت سرهم از مسیر طی شده تهیه میکند .

- ۲- دستگاهی است که با آن فیلم تهیه میشود .

دور زدن :

حرکتی است که بمنظور جلوگیری از کاهش بیمورد

دور زدن آسان

از يك دسته كليد تغيير كه در ليست كليد های رمز منظور شده بقوت خود باقی میماند.

دوره ذخیره :

مرحله ایست از خدمت وظیفه عمومی که بلافاصله پس از دوره احتیاط آغاز میگردد و شامل دو مرحله مجزا میباشند: مرحله یکم بمدت ۸ سال و مرحله دوم به مدت ۹ سال .

دوره عالی رسته ای :

یکی دیگر از دوره های آموزشی طولی می باشد که در مرکز آموزش های رسته ای نیروی زمینی شاهنشاهی بمنظور آشنائی بیشتر افسران با رسته مربوطه وهم چنین آگاهی از آخرین تغییرات تکنیکی در جنگ افزارها و تغییرات تاکتیکی در رهبری و هدایت عده ها در عملیات رزمی معمولا در درجه سروانی و سرگردی برای افسران منتخبی که قبلا دوره مقدماتی را طی کرده اند اجراء میشود .

دوره مقدماتی :

یکی از دوره های آموزشی طولی بوده و در مراکز آموزش های

قدرت رزمی و انحراف از مسیر مأموریت اصلی اجرا میشود . عمل دور زدن با اجتناب از رزم آفندی دشمن یا عبور از مواضع و تأسیسات وی همراه میباشد .

دور زدن آسان : (مهندسی)

وضع محلی است که با استفاده از تمام وسائل یکدسته مهندس بتوان در مدت کمتر از چهار ساعت گذرگاهی فرعی برای دور زدن آن محل تهیه کرد .

دور زدن غیر ممکن : (مهندسی)

وضع محل طوری است که برای دور زدن آن محل با هیچیک از وسائل مهندسی و امکان ایجاد گذرگاه فرعی میسر نیست .

دور زدن مشگل : (مهندسی)

وضع محلی است که برای دور زدن آن یکدسته مهندس با کلیه وسائل سازمانی خود بمنظور قابل عبور کردن مسیر دور زدن به بیش از چهار ساعت کار احتیاج داشته باشد .

دوره استفاده رمز :

مدت زمانی است که استفاده

دهنی :

وسیله ایست که انرژی صوتی را به انرژی الکتریکی تبدیل میکند .

دهنه :

بادخانه وسیله ای است متصل به افسار که در دهان دواب (اسب، قاطر و یا الاغ) قرار میگیرد، بمنظور کنترل حرکت و یا عدم حرکت آنها .

دهلیز :

۱- دالان - راهرو :
۲- منطقه ایست واقع بین دو رشته ارتفاع قابل عبور برای عناصر خودروئی و یا فقط قابل عبور برای عناصر پیاده .

دهلیز طولی :

منطقه ای است از زمین واقع بین دو بلندی و یا دو ارتفاع بطوریکه امتداد دهلیز در جهت معبر وصولی باشد .

دهلیز عرضی :

منطقه ای است از زمین واقع بین دو بلندی و یا دو ارتفاع بطوریکه امتداد دهلیز عمود بر معبر وصولی باشد .

رسته ای نیروی زمینی شاهنشاهی به منظور متخصص نمودن افسران فارغ التحصیل دانشکده افسری و آموزشگاه افسری جزء با نوع رسته ای که انتخاب نموده اند اجراء میشود.

دوزر : (Dozer)

معمولا همان تراکتور است با دستگاهی که تیغه بیل بدان متصل میگردد و برای کندن زمین بکار برده میشود .

دوست یاری :

کمکهای اولیه ای که سربازی به سرباز دیگر میکند .

دوشاخه : (در توبخانه)

تغییر درجه ایست که بازاء آن مرکز اصابت گلوله چهار اشتباه احتمالی در برد تغییر مکان پیدا میکند .

دوشاخه راهنما : (زرهی)

بمنظور اتصال دو دانه شنی (زنجر) و همچنین برای هدایت شنی روی چرخهای هرزه گرد تانک بکار میرود .

دونقطه همدید :

دونقطه را همدید نامند که بتوان از هر يك از آن دونقطه، نقطه دیگری را مشاهده کرد .

دیاگرام

سرکوب به تمام منطقه مسئولیت دیدبانی (ممکن است بطور طبیعی در روی يك عارضه حساس و بلند انتخاب شود و یا از ساختمان يك برج بلند بطور مصنوعی برای زیر نظر داشتن منطقه دیدبانی استفاده شود) .

دیده‌ور : (دیدور)

سربازی است با جنگ افزار انفرادی که بمنظور مراقبت منطقه و جلوگیری از غافلگیر شدن یگان مربوطه در هنگام حرکت، بجلو یا پهلوها و یا عقب اعزام میشود .

دیده بان :

يك فرد نظامی است در عملیات منظم و یا يك فرد شبه نظامی یا غیرنظامی است در عملیات نامنظم که در يك محل مرتفع و متناسب تمام منطقه مسئولیت دیدبانی را زیر نظر دارد .

دیده بان توپخانه :

پرسنل و وسائلی هستند که هدف را پیدا کرده ، موقعیت هدفهای مناسب را به مرکز هدایت آتش گزارش داده ، درخواست ابتدائی تیر را تهیه

دیاگرام :

صفحه ایست که بوسیله انرژی صوتی در ذهنی و انرژی الکتریکی در گوشی مرتعش میگردد (در پزشکی)

دیاگرام حجم عملیات خاکی :

نموداری که مشخص کننده مقدار خاک برداری و خاکریزی باشد و همچنین محل آنرا مشخص نماید .

دیاگرام منعکسه :

نموداری است که انعکاسهای ثابت مناطق را با زوایای مختلف بایستگاه رادار نشان میدهد .

دیدبانی : (بائین)

تحت نظر داشتن يك منطقه را دیدبانی گویند .

دید شبانه :

امکان دیدن را در شب چه با چشم و چه با چشم مسلح (با استفاده از دوربینها و انواع وسائل دید در شب) دید شبانه گویند که دیدن صحیح در شب در رزم انفرادی احتیاج به تمرین و ممارست دارد .

دیدگاه :

منطقه یا محلی است مرتفع و

دیده بان هوایی

وارسال نموده و در صورت لزوم تنظیم تیر مینماید .

دیده بان هوایی :

عنصری است با آموزش ویژه دیده بانی هوایی که قادر است با استفاده از وسائل هوایی مجاز و در حال پرواز در منطقه مورد نظر دیده بانی نماید .

دیده گاه :

به معنی واژه دیدگاه مراجعه شود .

دیرکتیو : Directive (۱)

۱- دستور دهنده - متضمن دستور

۲- در کاربرد نظامی یعنی دستورات و راهنمایی‌های مورد نظر یک فرمانده به- منظور اجرای یک مأموریت، یک وظیفه و یا یک کارستادی.

دیسک :

۱- در علم پزشکی ناراحتی است ناشی از جابجایی مهره‌های ستون فقرات .

۲- صفحه مدوری است از قسمت سیستم کلاچ خودروها که با رها کردن تدریجی فشار پدال کلاچ توسط

راننده، نیروی موتور را به میل‌گاردان منتقل نموده و بوسیله دیفرانسیل بچرخها میرسد .

دیسپلین : Disciplin (۲)

انضباط ، نظم و ترتیب .

دیفرانسیل :

دستگاهی است که نیروی حاصله از موتور را به چرخهای خودرو منتقل میکند .

دینام :

دستگاهی است که انرژی مکانیکی را به انرژی الکتریکی تبدیل مینماید .

دینامو : (دینام) (۳)

ماشینی است که القاء کننده آن (آهن‌ریا) از یک الکترومان تشکیل شده مولد برق است و در حقیقت انرژی مکانیکی را تبدیل به الکتریسته میکند

دینام موتور :

وسیله ایست در خودرو که توسط تسمه پروانه به حرکت درمیآید و برق تولید میکند .

دینامیت : Dynamite (۴)

ماده قابل انفجار تجارتهی است که از ترکیب نیتروگلیسیترین

(۱) و (۲) و (۳) و (۴) واژه های انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

دینیار

دیوار حائل :

دیواره‌ای است که در پای خاکریزهای بلند به منظور نگهداری آنها ساخته می‌شود.

دیون :

۱- این واژه جمع دین و دین به معنی وام است ضمناً بمعنی قرض و وام مدت‌دار نیز آمده است .

۲- در کاربرد نظامی نیز تلویحاً دارای همین معنی است و زمانی این واژه بکار گرفته می‌شود که هزینه‌ای به موقع دریافت ، پرداخت و مصرف نگردد . آنوقت این هزینه جزو دیون قرار خواهد گرفت که استفاده مجدد از آن در ارتش تابع مقررات مالی ویژه‌ای است .

دیپیم :

تاج پادشاهی - افسر گوهر نشان - کلاه مرصع بجواهرات گرانبها و بمعنای تخت سلطنت نیز آمده است .

بامواد دیگر بدست می‌آید و برای انفجار و انهدام نقاط مورد نظر بکار می‌رود .

دینیار : (قاضی عسکر)

دینیار افسری است که مسئول تهذیب اخلاق، امور مذهبی و هدایت و راهنمایی مذهبی پرسنل یک یگان نظامی می‌باشد (اینگونه افسران فارغ التحصیل دانشکده معقول و منقول می‌باشند) .

دیوار بازگشت :

دیواره‌ای است که باعث جلوگیری از ریزش خاکریزهای یک طرف پل میگردد .

دیوار بالی :

دیواره‌ای است که از نشست شدن دامنه جلوگیری میکند.

دیوار پیشانی :

ریشه دیواره‌های جان پناه پلها تا قسمت حمال آنها که خاکریز روی پل را نگهداری میکند دیوار پیشانی گویند .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ذ

انجام داده و یا بموجب قانون تحصیل معافیت یا کفالت نموده‌اند وارد مرحله ذخیره میشوند، که درموقع بسیج‌ملی (درصورت‌نیاز) برای خدمت در یگانهای ارتش احضار می‌شوند .

ذخیره آماده

به پرسنلی از ذخیره گفته می‌شود که با درنظر گرفتن شرایط مندرج دربارہ (احتیاط فعال) و نیازمندیهای ارتش انتخاب می‌گردند و با دیدن آموزشهای لازم درشرایطی نگهداری می‌شوند که بلافاصله پس از احضار به خدمت بتوانند بطور مؤثر وظائفي را که بعهده آنان محول می‌شود دریگانها انجام دهند .

ذخیره عملیاتی :

مقداری از طبقات مختلف‌آماد

ذ :

- ۱- حرف یازدهم از الفبای فارسی است .
- ۲- از حروف ممیزه زبان سامی است .
- ۳- در فارسی قدیم هر جا که حرف دال (د) بعد از یکی از سه حرف (واو - یا - همزه) قرار میگرفت و یا حرف ماقبل آن متحرك بود (ذال) خوانده میشد مانند بوذ (بود) داذ (داد) سپید (سپید) و امثال آن ، ولی اکنون این قاعده رعایت نمی‌شود .

ذخائر :

جمع ذخیره - اندوخته‌ها - نگهداری شده .

ذخیره :

پرسنلی که تعهدات و وظائف خدمت زیر پرچم و احتیاطرا

ذره بین

ذیحسابی وسائل رمز :

رسیدگی نوبه‌ای به دارائی
وسائل رمزی می‌باشد که از
لحاظ تأمینی شامل اقلام ثبت
شده (شماره ثبت دفتر) از
زمان دریافت تا زمان برگشت
و بعضی مواد غیر ثبت شده
است .

ذیربط :

(به توضیح زیر مراجعه شود)
مربوط بودن، ارتباط داشتن -
بستگی داشتن .

ذینفع :

سودمند ، سازمان و یا کسی
که در امری سود داشته باشد
ویاشریک باشد. مثلا یگانهای
ذینفع به یگانهای گفته میشود
که در انجام يك کار و یا
مأموریتی سهیم باشند .

(تدارکات) است که برای يك
دوره عملیات مورد نیاز میباشد.

ذره بین :

آلتی است که اشیاء زیر را
درشت مینماید . و عبارت از
عدسی همگرایی که فاصله
کانونی اش چند سانتیمتر
است .

ذغال :

(از نظر دانش فیزیک)
يك هادی الکتریسته است
(معمولا کربن) که جریان برق
را از آرمیچر میگیرد - کربن ،
چوب نیمه سوخته ایست که
هنوز به خاکستر تبدیل نشده
است .

ذیحساب :

کسیکه مسئولیت نگهداری و
کنترل اعتبار یا بودجه‌ای را
برعهده داشته باشد .

توضیح :

واژه‌های زیربط ، ذینفع و ذیحساب از واژه های زبان سامی است که در زبان فارسی بویژه
نگارشات نظامی زیاد بکار برده میشوند .

فرهنگ واژه‌های نظامی



ر :

دوازدهمین حرف از الفبای فارسی است .

رئوستا :

دستگاهی است که با تغییر دادن مقاومت ، شدت جریان الکتریسته را تغییر میدهد .

رئیس ارتباط :

يك فرد نظامی است که در هم‌آهنگ ساختن و نظارت در امور مخابراتی و وسائل ارتباطی آموزشهای لازم را فراگرفته و امور مخابراتی را هم‌آهنگ مینماید .

رابط :

واسطه بین دو نفر یا دو یگان ، رابط به نفر یا نفراتی گویند که برای حفظ ارتباط بین دو عده که در يك مسیر یا دومی مسیر موازی بایکدیگر حرکت میکنند ، گمارده میشوند .

راحت :

آسایش - آرامش .

راحت‌باش :

حالتی است که سربازان پس از انجام يك کار بدستور فرمانده خود ، استراحت میکنند . یکی از فرامین نظامی در مشق صف جمع .

رابط رزمی :

سیستم حفظ تماس و ارتباط بین یگانها در حین رزم بمنظور برقراری هماهنگی صحیح .

رابطه :

آنچه بین دو کس یا دو امر را موجب پیوستگی و علاقه باشد.

راد : Rad

واحد اندازه‌گیری تشعشعات هسته‌ای جذب شده در بدن بوده و مقدار اشعه‌ایست که ۱۰۰ ارگ از آن در هر گرم محیط مورد تابش جذب شود.

رادار

هوایی ویژه ، کسب اطلاعات درباره وضع هدفها (از جستجوی بطور مستقل یا با همکاری سایر عوامل دفاع هوایی با برد کافی و دقت زیاد) و دادن اطلاعات بدورترین عناصر نیروی زمینی برای درگیری و تصرف هدف در حداکثر برد میباشد .

رادار کنترل نزدیک :

رادار مخصوصی است که برای تعیین موقعیت نزدیک شدن هواپیما روی هدفی که معمولاً تعیین محل آن مشکل بوده و یا از دید خلبان پنهان باشد، بکار برده میشود .

رادار مراقبت رزمی :

رادار نظامی است که کار معمولی آن مراقبت مداوم قسمتی از یک منطقه رزم و عملیات میباشد .

رادار میان برد :

دستگاهی است که حداکثر برد آن برای انعکاس هدفی که یک متر مربع است (معمولاً هدف در مسیر علائم رادار قرار دارد) بیش از ۲۴۰ و کمتر از ۴۸۰ کیلومتر باشد و دید

رادار : Radar

وسیله کشف رادیوئی و مسافت یابی است که مسافت و معمولاً سمت اشیاء را توسط ارسال و برگشت انرژی الکترو مغناطیسی تعیین میکند .

رادار دور برد :

دستگاهی است که حداکثر برد آن برای انعکاس هدفی که سطح آن یک متر مربع است (و معمولاً در مسیر علائم رادار قرار دارد) بیش از ۴۸۰ کیلومتر و کمتر از ۱۳۰۰ کیلومتر باشد و دید مستقیم بین هدف و رادار وجود داشته باشد ، بکار برده میشود .

رادار کشف آتشبار :

نوعی رادار پدافند هوایی است با برد کم که دقت آن بیشتر از رادارهای پدافندی دیگر میباشد .

رادار کشف دفاعی :

نوعی رادار دفاع هوایی نیروی زمینی است که برد آن از رادار کشف آتشبار بیشتر و دقتش کمتر است . وظیفه عادی این رادار تجسس هدفهای بادرنجه اول اهمیت برای یک دفاع

مستقیم بین هدف و رادار وجود داشته باشد ، بکاربرده میشود .

رادیو :

دستگاه فرستنده و دستگاه مخصوص گیرنده امواج پخش صدا و مکالمه و مخاپره که در کاربرد نظامی آنرا بیسیم نیز میگویند .

Radiator : رادیاتور

دستگاهی است در موتور که با ریختن آب و یا روغن در آن، عمل خنک کردن موتور را انجام میدهد .

رادیال لوپ :

در انگشت نگاری از کلمه (رادلوپس) بمعنی زنداعلی گرفته شده است ، باین مناسبت که تمایل خطوط بطرف شستها از زند اعلی شروع میشود .
(زند اعلی یعنی استخوان ساعد) .

رادیان :

عبارتست از طول قوسی از محیط دایره‌ایکه وتر آن برابر شعاع آن دایره باشد .

رادیو تلفنی :

ارتباط تلفنی است بین دو دستگاه گیرنده و فرستنده بیسیم که با استفاده ازگوشی و دهنی برقرار میشود .

رادیو تلگرافی :

ارتباطی است بین دو دستگاه گیرنده و فرستنده بیسیم که با استفاده ازکلیدمرس برقرار میشود .

رادیو رله :

وسیله ایست که توسط آن در آن واحد چند ایستگاه موجود در يك شبکه میتوانند بدون تداخل فرکانس با یکدیگر ارتباط حاصل نمایند .

رادیولتری :

به معنی واژه پرتونگاری مراجعه شود .

راکت : Rocket (۱)

وسیله ایست که با استفاده از مکانیزم نیروی عمل وعکس - العمل بجلو حرکت میکنند .

راوین :

يك دستگاه الکترونیکی است که صوت رادیوئی را درسمت و ارتفاع تعقیب کرده و توسط

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

راه‌نما

رفتن و برگشتن روی يك خط انجام میشود ، که در هر ۱۳ الی ۱۶ کیلومتر ، يك دوراهی به طول طویلترین قطاری که در این منطقه روی خطوط رفت و آمد میکند ، برای سهولت عملیات رفت و برگشت تهیه میشود .

راه پیمائی :

حرکت عده‌ها با وسایل مربوطه بشکل پیاده یا سواره باروشی ثابت و منظم برابر دستور .

راه کار :

عبارتست از يك پیشنهاد برای انجام يك کاریک فرمانده و یا يك فرد که در صورت موافقت ، برابر آن پیشنهاد انجام شود .

راه نمای طرح ریزی :

این راه نمائی برای کمک به ستاد در تهیه برآوردها و متمرکز ساختن توجه آنها به بعضی موضوعات توسط فرمانده ، بیان میشود .

رئیس :

کسیکه در رأس اداره یا سازمانی قرار گرفته باشد بزرگ قوم - سردسته - سرور .

آن وسایل و مسائل الکترونیکی میتوان سمت و سرعت باد ، فشار، درجه حرارت و رطوبت طبقات جو را محاسبه نمود.

راه‌نما :

شخصی است که در طول مسیر راه پیمائی گمارده میشود ، این شخص ستون خودرو را روی محور راه پیمائی یا سمت تعیین شده هدایت میکند .

راديو سوند :

وسیله ایست برای اندازه گیری و ارزیابی درجه حرارت، فشار، رطوبت و بادهای سطحی زمین که بکمک وسایل الکترونیکی تعیین میشود .

راه آهن چند خطه :

راه آهنی است که در آن ، خطوطی برای رفتن و خطوطی برای برگشتن و همچنین خطوطی برای احتیاط در نظر گرفته شده است .

راه آهن دو طرفه :

راه آهنی است شامل دو خط که یکی برای رفتن و دیگری برای برگشتن ساخته شده است .

راه آهن يك طرفه :

راه آهنی است که عملیات

رایگان

رایگان :

بی بها - مفت - مجانی بی عوض .

رخنه :

عبارت از منطقه ایست درخط لجن (لبه جلویی منطقه نبرد) بداخل مواضع پدافندی که پیش بینی میشود در اثر فشار نیروهای دشمن درهم شکسته شود معمولا رخنه پیش بینی شده در طرح پدافندی بمنظور انجام هرگونه واکنش لازم و بموقع درامتداد مهمترین معبر یا معابر وصولی بداخل منطقه پدافندی انتخاب میشود .

رده تازش :

يك یا چند یگان از نیروی تاور که در رزم برای شروع تاور و پیشروی بکار میرود .

رده تازش : (محمول هوایی)

عناصری از يك نیرو که برای تازش اولیه روی منطقه هدف در نظر گرفته شده اند .

رده عقب :

قسمتی از قرارگاه که اصولا با امور اداری ولجستیکی سرو کار دارد .

رده عقب : (محمول هوایی)

عناصری از يك نیرو که در

منطقه هدف در مراحل اولیه نبرد ضروری نمیشوند .

رده متعاقب : (محمول هوایی)

عناصری که پس از رده تازش به منطقه هدف حرکت داده میشوند .

رده نگهداری :

شامل يك سری عملیات نگهداری محدود است که توسط يك طبقه از پرسنل روی وسائل انجام میگردد .

رده ۱ نگهداری :

کلیه اقداماتی که بمنظور نگهداری يك وسیله توسط شخص استفاده کننده از آن وسیله بعمل میآید . (مانند راننده خودرو)

رده ۲ نگهداری :

آن قسمت از وظائف تعمیر و نگهداری است که انجام آن بعهده تعمیرکاران سازمانی است .

رده ۳ نگهداری :

آن قسمت از وظائف تعمیر و نگهداری است که انجام آن بعهده تعمیرکاران یگانهای پشتیبانی مستقیم است (گروهان پشتیبانی مستقیم - گردان نگهداری لشکر) .

رده ۴ نگهداری

سرنیزه و جنگ افزار های
دستی دیگر.

رستخیز :

هنگامه. قیام و بیداری عمومی-
قیامت .

رسته :

انواع تخصص های آموزشی
افسران و درجه داران را در
اجرای وظائف رزمی در ارتش
شاهنشاهی رسته گویند (مانند
رسته پیاده ، رسته زرهی ،
رسته توپخانه و غیره)

رسته های مرکب :

بیش از يك رسته تاکتیکی ارتش
که باهم در يك عملیات بکار
روند، رسته مرکب گویند .

رسد :

بخشی است از دسته که
معمولا از گروه بزرگتر بوده
و دارای فرمانده نیز هست.

رسید اطلاع دهید :

این عبارت برای دریافت رسید
از گیرنده پیام بکار میرود و
باین وسیله فرستنده پیام
اطمینان حاصل میکند که پیام
توسط گیرنده دریافت و فهمیده
شده است

رده ۴ نگهداری :

آن قسمت از وظائف تعمیر و
نگهداری است که انجام آن بعهده
تعمیر کاران یگانهای پشتیبانی
عمومی است (گروهان پشتیبانی
عمومی).

رده ۵ نگهداری :

آن قسمت از وظائف تعمیر و
نگهداری است که انجام آن
بعهده آمادگاههای تعمیراتی
بوده و شامل نوسازی نیز
میگردد .

رزم با آتش :

رزمی است که در آن طرفین
متخاصم بر روی یکدیگر آتش
باز میکنند این رزم معمولا پس
از حرکت برای اخذ تماس و
پیش از تازش انجام میگردد.

رزم تصادمی :

يك عمل آفندی ناگهانی است
که در آن يك نیروی در حال
حرکت و بدون گسترش، به-
دشمن برخورد کرده و درگیر
میشود .

رزم نزدیک :

عبارتست از رزم با دشمن در
فاصله نزدیک و با استفاده از
جنگ افزارهای کالیبر کوچک،

رشادت :

دلآوری - مردانگی، شجاعت،
استقامت .

رطوبت مناسب : (اوپتیمم) **Optimum**

درصد رطوبتی است که در آن
خاك، بیشترین وزن مخصوص
را دارد یا بعبارت دیگر متر اکم تر
است .

رگلاتور : **Regulator**

دستگاهی است که میتواند عمل
تنظیم را انجام دهد .

رگبار :

در کاربرد نظامی تیراندازی
بطور مسلسل و پی در پی .

رله : **Relay**

گرفتن و فرستادن يك پیام را
رله گویند .

رمز :

علائم یا گروهی از علائم اختیاری
است که معرف واحدی از يك
کلمه یا متن يك پیام کشف باشد

رمز زوجی :

سیستم رمزی که در آن علائم
مربوط به قسمت های متن کشف
یا رمز بصورت زوجی باشد .

رمز کردن تصاویر ثابت :

عبارتست از جریان عمل رمز

کردن و کشف کردن تصاویر
ثابت در سیستم فاکسیمیلی .

رمز مکالمات تلفنی :

اقداماتی که مانع افشاء مکالمات
تلفنی گردد .

رنجر : **Ranger**

به معنی واژه تکاور مراجعه شود .

روآیک : (گلنگدن)

دستگاهی است که در جنگ -
افزارهای سبك با عمل رفت و
برگشت باعث مسلح شدن
جنگ افزار میگردد .

روانه کردن :

قرار دادن لوله توپ یا
خمپاره انداز یا هر جنگ افزار
در سمت معین را روانه کردن
گویند .

روانه کردن غیر مستقیم :

هدایت لوله جنگ افزار ب سمت
هدف برای تیراندازی، بطوریکه
هدف از محل استقرار جنگ -
افزار دیده نشود .

روانه کردن مستقیم :

هدایت لوله جنگ افزار ب سمت
هدف برای تیراندازی بطوریکه
هدف از محل استقرار جنگ -
افزار دیده شود .

روز آماد

جنبه‌هایی از عملیات که بدون کاستن از اهمیت آن‌ها روش‌های یکنواخت و مشخص را تعیین و مقرر می‌دارد، این روش همیشه قابل اجرا است مگر اینکه در مورد ویژه‌ای بنحو دیگری دستور صادر شود. و منظور از آن عبارتست از:

- ۱- ساده کردن تهیه و صدور دستور.

- ۲- ساده و تکمیل کردن آموزش یگانها.

- ۳- ایجاد تفاهم و کار دستجمعی بین فرمانده و ستاد و عناصر تابعه.

- ۴- آسان کردن و تسریع عملیات تاکتیکی و اداری و جلوگیری از اشتباه و سوء تفاهم.

روش جاری مؤثر درمان :

درمانی است شامل روش‌های پذیرفته شده پزشکی که برای بهبود نهائی بیمار لازم می‌باشد.

روش خیز قورباغه‌ای کامل :

حرکت گشتیه‌های موتور دژبان جلو ستون و مستقر شدن در نقاط متوالی و حرکت بنقاط بعدی جهت کنترل عبور و مرور.

روز آماد :

مقدار تقریبی آماده‌هایی است که در شرایط عملیاتی برای مصرف نیروئی در يك روز لازم است که بر حسب تن‌اعلام میشود.

روزنامه یگان :

دفتری است با فرم مشخص که برای ثبت کلیه وقایع و رویدادهائی که در یگان و یا رکن، در يك دوره زمانی مشخص، اتفاق می‌افتد، بکار میرود.

رودخانه :

از بهم پیوستن چند جویبار و نهر رودخانه تشکیل میشود.

روسازی :

پوشاندن سطح جاده توسط قشری از سنگریزه مخلوط با قیر.

روش جاری :

عبارتست از دستورات ثابتی برای اجرای کلیه برنامه‌ها و اقداماتی که به طور روزمره در يك یگان یا قسمت انجام میشود.

روش جاری عملیاتی :

مجموعه دستوراتی است درباره

روش خیز قورباغه‌ای ناقص :

انجام کنترل نقطه‌ای در زمانی که ستون از یک نقطه عبور میکند

روش رادیو تلفنی :

روشی است که در ارتباطات رادیو تلفنی بمنظور رعایت تأمین و صرفه‌جوئی در وقت و وسیله بکار میرود .

روش رهبری عده‌ها :

روش و ترتیبی است منطقی و مداوم ، که يك فرمانده از زمان دریافت تا اجرای کامل مأموریت از آن پیروی میکند.

روش صدور :

روش توزیع و تحویل اقلام را روش صدور مینامند .

روش لیم داک :

(واژه متداول در پدافند زمین بهوا)

روشی است مورد استفاده برای فرود هواپیماهاییکه هنگام بازگشت به پایگاه با قطع ارتباط مواجه میگردند .

روش نگهداری :

تقسیم اعمال نگهداری به رده‌های مختلف .

روولور : Revolver

جنگ‌افزاری است کم‌ری که فشنگ‌های آن در استوانه‌ای مشبك در پشت لوله قرار دارد

رهگیری :

(واژه متداول در پدافند زمین به هوا) یعنی شناسائی نزدیک و کسب آمادگی به منظور نابود ساختن هواپیماهای دشمن .

ریتارد : Ritard

تنظیم دلکو بطریقی که جرعه در سر شمعها بعد از مراجعت پیستون از نقطه مرگ بالا صورت گیرد .

ریج :

اختلاف وزن بین مقدار آرد مورد مصرف و نان حاصل را ، ریح نامند .

ریگلاژ ترمز :

عبارتست از تنظیم فاصله بین لنت‌ها و کاسه چرخ برای دقت و تنظیم ترمزها .

رینگ روغنی :

حلقه‌های فتری است که در شیارهای روی پیستون قرار گرفته و از ورود روغن کارتر به محفظه احتراق سیلندر جلوگیری میکند .

رینگ کمپرسی :

حلقه‌های فتری است که در شیارهای روی پیستون قرار میگیرد و جهت محکم نگهداشتن پیستون و سیلندر بکار میرود .

فرهنگ واژه‌های نظامی



ز :

حرف سیزدهم از الفبای فارسی است .

زاویه :

قسمتی از صفحه محدود بین دو نیم خط متقاطع ، گوشه ، کنج .

زاویه انحراف :

زاویه ایست که امتداد عقربه مغناطیسی با امتداد شمال و جنوب جغرافیائی تشکیل میدهد .

زاویه میل :

زاویه ایست که امتداد عقربه مغناطیسی با خط افق تشکیل میدهد .

زاویه برخورد جلو :

زاویه ایست که امتداد خط تماس از پائین ترین قسمت سپر جلو به چرخ جلو با خط افق تشکیل میدهد .

زاویه برد :

زاویه ایست بین سطح افق و محور لوله جنگ افزارهای با تیر منحنی و یا سایر جنگ افزارها .

زاویه بیروح :

منطقه ایست که در برد دید يك تیرانداز و یا دیدبان قرار داشته ولی به سبب عوارض و یا شکل و مشخصات زمین، دیدبانی و اجرای تیرمستقیم روی آن و یا کنترل آن مقدور نباشد .

زاویه ت : (T)

زاویه ایست که از برخورد خط دیدبان هدف ، با خط توپ - هدف ، تشکیل میشود .

زاویه تراز :

زاویه کوچکی است در سطح قائم که از برخورد پایه مسیر

زاویه تیر

باخط مستقیم بین مبدا مسیر و هدف تشکیل میشود .

زاویه تیر :

زاویه قائمی است که در مبدا مسیر بین خط درجه و پایه مسیر تشکیل میگردد . زاویه تیر مجموع جبری زاویه تراز باضافه درجه میباشد .

زاویه درجه :

زاویه قائمی است که در مبدا مسیر بین خط تراز و خط درجه تشکیل میشود .

زاویه رأسی :

- ۱- زاویه ایست افقی درمحل هدف ، بین خط هدف - توپ و خط هدف - دیدگاه .
- ۲- عبارتست از زاویه مقابل به ضلع پیمایش .

زاویه قابل عبور عقب :

زاویه ایست که امتداد خط مماس از پائین ترین نقطه قسمت سپر عقب به چرخ عقب با خط افق تشکیل میدهد .

زاویه یاب :

دستگاهی است مجهز به حبابهای برد و سمت برای طراز کردن جنگ افزار بعد از تعیین سمت و برد لازم جنگ -

افزار که برای اصابت دقیق به هدف درمحل مخصوصی روی خمپاره اندازهها و توپها و هویتزرها نصب میشود .

زاویه یاب فرماندهی :

دستگاهی است که برای اندازه گیری زوایای افقی و عمودی بکار میرود . معمولاً توپ را بوسیله زاویه یاب فرماندهی روانه میکنند .

زخمی سمبک : (سطحی)

شخص آسیب دیده ای است که سلامتی او در خطر نبوده و ناتوانی شدید باو دست نداده باشد .

زخمی سنگین : (عمقی)

شخص آسیب دیده ای است که دارای زخم های عمیق بوده و حیات او درخطر میباشد و ناتوانی همیشگی در دنبال دارد ، مانند از دست دادن بینائی يك چشم یا از دست دادن عضوی از بدن یادگرگونی آن بطور همیشگی .

زره پوش :

خود روئی است با پوششی از زره و مقاوم در برابر اصابت مستقیم یا غیرمستقیم بعضی

زرهی

دیگر درمین و مواد منفجره بسته شود .

زمان تك :

زمانی است که عناصر یگان تك کننده از خط عزیمت عبور مینمایند .

زمان تکمیل :

زمانی است که پس از اجرای يك راه پیمائی و عبور از نقطه رهائی پیش از آغاز هرگونه عملیات برای انجام فعالیتها و وظائف لازم باید در اختیار یگانها گذاشته شود .

زمان تناوب :

زمان لازم برای رفت و برگشت کامل در حرکات ارتعاشی .

زمان تهیه :

زمان صرف شده از لحظه دریافت دستور تا عبور اولین خودرو از نقطه مبداء (نقطه شروع) را زمان تهیه گویند . این زمان برای فعالیت‌هایی مانند ارسال دستورات و جمع‌آوری و اعزام خودروها و با توجه به عمده‌ها در نظر گرفته میشود .

زمان حقیقی :

زمان واقعی است که با توجه

از جنگ افزارها ، معمولا در مأموریت‌های شناسائی و ضد شورش از انواع زره پوش‌ها استفاده میشود .

زرهی :

یکی از رسته‌های رزمی نیروی زمینی است که شامل یگان‌های تانک (ارابه جنگی) و سوار زرهی میباشد .

زمان انفجار :

زمانی است در موتورهای چهار زمانه که در آن هنگام شمع جرقه زده و مخلوط هوا و بنزین محترق میشوند .

زمان بارگیری و بارریزی :

زمان محاسبه شده در يك مسافرت کامل در محوطه بارگیری و بارریزی .

زمان پرواز :

زمانی است معین و مشخص برابر برنامه پیش‌بینی شده بمنظور برخاستن و پرواز هوائی

زمان تأخیری :

زمان مورد نظری است برای انفجار بموقع که باید روی ماسوره زمانی گلوله توپ ، خمپاره و یا انواع ماسوره‌های

زمان حمل سفارش

زمان کامل يك مسافرت :

عبارتست از زمان بارگیری
بعلاوه زمان رفتن و برگشتن
بعلاوه زمان تخلیه .

زمان لازم برای تخلیه جاده :

مجموع زمانی که سر ستون
باید حرکت نماید تا ته ستون
قسمت مشخصی از جاده را
تخلیه کند .

زمان لازم برای خرید

زمانی است که بین سفارش
خرید يك قلم جنس و ورود
آن به آمادگاه در سیستم آمادی
وجود دارد .

زمان مانوری :

عبارتست از زمان غیر واقعی
که بمنظور تطبیق زمان و
وضعیت مانور با طرح و
سناریوی مانور انتخاب میشود
یا بعبارت ساده تر، معمولاً مدت
زمان مانوری از مدت زمان
حقیقی کوتاه تر است و همچنین
آغاز و پایان حوادث پیش بینی
شده در مانور (برابر جدول
حوادث) براساس زمان مانوری
که مغایر زمان حقیقی است و
از سوی هیئت مدیره مانور
اعلام میگردد .

بموقعیت جغرافیائی هر منطقه
وبراساس نصف النهار گر نویچ
وباتوجه به طلوع وغروب آفتاب
در آن منطقه تعیین میشود
(کاربرد این زمان در مانورها
و تمرین ها میباشد) .

زمان حمل و سفارش :

عبارتست از فاصله زمانی که
بین شروع درخواست و دریافت
وسائل موجود است .

زمان خاتمه :

زمانی است که ته ستون
(راه پیمائی) از نقطه رهائی
میگذرد .

زمان رسیدن :

زمانی است که سرستون
(راه پیمائی) یعنی اولین خودرو
ستون بمحل معینی که مورد
نظر است برسد .

زمان عبور :

زمان لازم برای عبور نخستین
و آخرین خودرو يك ستون از
يك نقطه را زمان عبور (گذار
ستون) گویند .

زمان کامل :

کاربرد این واژه در محاسبات
راه پیمائی و حرکت میباشد
و عبارتست از مجموع مسافت
زمانی با اضافه گذار ستون .

زمان نهمتگی بیماری

زنده ماندن در شرایط سخت و دشوار:

عبارتست از زندگی سختی که هر سرباز در مدت گریز از اسارت و یا هنگام دستگیری و اسیر شدن در منطقه دشمن تحمل میکند.

زنده ماندن در شرایط گریز و فرار:

بمعنی واژه زنده ماندن در شرایط سخت و دشوار مراجعه نمود.

زورق:

کشتی کوچک - قایق - کرجی

زه کشی: (در جاده)

عبارتست از احداث آبروهای طولی و عرضی به منظور هدایت آبهای سطحی بخارج از جاده و جلوگیری از ورود آبهای نفوذی بظرفین ساختمان جاده

زیر دریائی:

وسیله نقلیه دریائی است (برای جنگ یا برای فعالیت های پژوهشی تحت آبی) مجهز به وسائل و جنگ افزارهای لازم که در مواقع ضروری میتواند بمنظور انجام مأموریت های ویژه و یا دیده نشدن از سوی دشمن در عمق دلخواه به زیر آب فرورود و در سمت مورد نظر حرکت نماید.

زمان نهمتگی بیماری:

زمانی است میان ورود عوامل بیماری زا و ظهور علائم بیماری.

زمین پست و بلند:

زمینی است که دارای پستی و بلندی های گوناگون باشد.

زمین پوشیده:

زمینی است که از روئیدنیها پوشیده بوده و برای اختفاء و استتار، مناسب باشد.

زمین هموار:

زمینی است که دارای میدان دید وسیع و کافی باشد.

زندانی:

جائی که بزه کار را برندجائی که فرد گناهکار در آنجا باید بماند.

زندانیان جنگی:

سربازان و افراد غیر نظامی دشمن که دستگیر شوند، زندانی جنگی گفته میشود. رفتار با این زندانیان برابر مقرراتی است که کشور شاهنشاهی ایران همراه با اغلب کشورهای جهان در کنفرانس ژنو پذیرفته و با اصول شرافت سربازی هماهنگی دارد.

زیرسازی

زیرسازی :

زیرسازی جاده تشکیل شده است از مواد ومصالح انتخاب شده که در لایه‌هایی بر روی پی جاده قرار دارد و بارهای وارده را به پی جاده منتقل میکند .

زیر سوپاپی :

استوانه‌ایست که روی بادامک سوپاپ قرار دارد .

زیست :

زندگی- حیات- زیستن

زین :

از ریشه زبان پهلوی بمعنی

سلاح و تجهیز، جهاز اسب که بر پشت آن حیوان استوار میکنند و سوار بر آن میشوند

زین افزار :

جنگ افزار (اسلحه) و زین و برگ و تجهیزات جنگی که افراد رسته سوار (در گذشته) باخود همراه داشتند.

زیست سرباز :

زندگی سرباز- محل زیستن سرباز- امور مربوط بزندگی سرباز .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ژ

در گذشته، در زبان فارسی به ژاندارم‌امنیه هم میگفتند. ۲- یک فرد نظامی است مسلح به جنگ افزار سازمانی که در پاسگاه مربوطه وظائف محوله را بمنظور برقراری حفظ امنیت در حوزه استحفاظی ژاندارمری انجام میدهد، افراد ژاندارم به- صورت داوطلب و یا خدمت نظام وظیفه (به مدت ۲ سال) می باشند.

ژاندارمری :

سازمان و اداره‌ایکه مأموریت حفظ و تأمین راه‌ها، پوشش مرزهای کشور، و امنیت در داخل کشور (باستثنای داخل شهرها) را برعهده دارد.

ژاندارمری کشور:

سازمانی است جزء نیروهای مسلح شاهنشاهی بامأموریت

ژ :

حرف چهاردهم از الفبای فارسی است - این حرف در الفبای عربی وجود ندارد و از ویژگی- های زبان فارسی است .

ژاکت :

نیم تنه - نوعی لباس . لباس نیمه رسمی .

ژاله :

شبنم - قطره شبنم که روی برگ گل و یا گیاه بنشینند.

ژاندارم :

۱- در قرون وسطی ، مردان مسلح به جنگ‌افزار سنگین و پهلوانان را ژاندارم میگفتند . اکنون در غالب کشورهای جهان. سربازانی را میگویند که مأمور حفظ امنیت و آرامش در راه‌های خارج از شهرها می باشند.

فعلی ارتش شاهنشاهی است که در ایران ساخته میشود. ژ-۳ مخفف واژه‌های تفنگ و نمونه عددی آن از کشور سازنده اصلی آنست که امتیاز ساخت آن بصنایع نظامی ایران واگذار شده است.

ژلاتین : Gelatine (۲)

دلمه، سریشم، ماده لزج و چسبنده و جسمی که برای چاپهای فوری دستی و نوردهای ماشین چاپ از سریشم ماهی و گلیسیرین و قند و آب و آمونیاک درست میکنند

ژله : Gelee (۳)

خوراکی است که بشکل لرزانه درست کنند

لرزانه میوه، آب میوه منجمد شده با ترکیبی از شکر و مواد دیگر

ژن : Gene (۴)

جزء کوچکی از کروموزوم که وسیله انتقال صفات و خصوصیات موروثی میباشد.

ژنده :

پاره - کهنه - فرسوده .

حفظ و برقراری امنیت در داخل کشور (باستثنای داخل شهرها) ، در حال حاضر وظائف مهم ژاندارمری کشور عبارتست از :

۱- امور مربوط به ضابطین قضائی

۲- امور مربوط به مرزبانی

۳- امور وظیفه عمومی

۴- مبارزه با قاچاق و مواد مخدر .

۵- امور مربوط به پلیس راه

۶- امور مربوط به نیروی پایداری .

ژرف :

گود - عمیق - به معنی دور و دراز و غور و تعمق نیز آمده است

ژرفا :

گودی - عمق - گودی چاه ، یا رودخانه و دریا و مانند آن

ژست : Geste (۱)

وضع رفتار و حرکات شخص، حالت سیما و حرکات بدن بویژه طرز حرکات دست و بازو

ژ-۳ :

نام و عنوان تفنگ یگانهای

ژنده پوش

ژنده پوش :

کهنه پوش - پاره پوش - کسی
که لباس فرسوده و پاره بر
تن داشته باشد .

ژنرال : General (۱)

واژه فرانسوی متداول در
مکالمات روزمره فارسی و به-
معنای تیمسار بطور اعم میباشد
(امیر)

ژنراتور : Generateur (۲)

مولد - موجب - دیگ بخار-
تولید کننده نیرو، تولیدکار.

ژورنال : (۳)

مجله - روزنامه - نشریه یومیه

ژولیدن :

درهم شدن - پیریشان شدن -
آشفته شدن .

ژولیده :

درهم رفته - شوریده - آشفته
و درهم .

ژیان :

تندخو - درنده - خشم آلود -
خشمگین - خشمناک

ژیگلور : (۴)

سوخت پاش - لوله فلزی در
دستگاه کاربراتور که بنزین
از آن عبور نموده و از راه
گلوئی کاربراتور به گازگاه (یا
محفظه سیلندر) میریزد.

فرهنگ واژه‌های نظامی

سی

معمولا برای نیروهای پیاده شونده هجومی، تیم‌های هجومی گردانی یا یگانهای مشابه مورد استفاده قرار میگیرند.

ساخو :

از ریشه ترکی و به معنی پادگان نظامی - محل استقرار یک یگان نظامی است.

سازمان :

۱- هر تشکیلات سازمان یافته‌ای که برای انجام هدف معینی بوجود آمده باشد (به معنای عام).

۲- هر تشکیلاتی که عنوان وزارتخانه نداشته و از چند اداره کل ترکیب یافته باشد (به معنای خاص).

سازمان برنامه :

اداره و تشکیلاتی که برنامه‌های

س :

حرف پانزدهم االفبای فارسی است.

سابوتاژ : Sabotage (۱)

خرابکاری در مراکز مهم و نقاط حساس، اختلال در نظم عمومی، اخلاص و اخلاص‌گری و هر نوع اقدامی که نظم عمومی را برهم بزند.

ساحل :

کرانه یا کنار - محل اتصال خشکی بدریا، دریاچه و یا رودخانه - خلیج و دماغه و شبه‌جزیره را بریدگی‌های ساحل گویند و ساحل بریده و مضرس و عمیق برای پهلو گرفتن کشتی‌ها و ایجاد بندرگاه و یا لنگرگاه مناسب است.

ساحل پیاده شدن :

قسمتی از خط ساحل است که

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

سازمان بسیج و آمادگی ملی

پوشیدن ، رفتار و رعایت
شئونات نظامی در اجتماع
می باشد .

سازمان دفاع غیر نظامی :

سازمانی است متشکل بمنظور
کمک و یاری بمردم در هنگام
بروز بلیات طبیعی (مانند سیل،
زلزله، طوفان وغیره ...) و
بلیات و حوادث غیر طبیعی مانند
آتش سوزی ، خرابیهای ناشی
از جنگ (انفجارات هسته‌ای و
غیر هسته‌ای وغیره ...)

این سازمان علاوه بر کمک
مستقیم به آسیب دیدگان به-
منظور نجات بخشی آنان با
اجرای آموزشهای مطلوب ،
خود کفائی لازم را از نظر
خود یاری کردن در مردم شهرها ،
شهرکها، و روستاها بوجود
می آورد تا در هنگام بروز
حوادث و بلیات با آگاهی کامل
به نجات خود و دیگران پردازند.

سازمان دفاعی :

تشکیلاتی که مأموریت پدافند
از کشور را بر عهده دارد .

سازمان رزمی :

در نیروی زمینی بسازمان
موقتی اطلاق میگردد که برای

عمرانی و اقتصادی کشور را
طرح ریزی و اجراء مینماید .

سازمان بسیج و آمادگی ملی:

سازمانی است در تابعیت
نخست وزیر که مسئولیت
امور بسیج همگانی را (نیروی
انسانی ، اقتصادی، اجتماعی
و روانی) در سطح کشور و در
زمان جنگ بر عهده دارد. این
سازمان در هنگام صلح طرحهای
لازم را تهیه و تمرین مینماید.

سازمان دادن برای رزم :

عبارتست از گروه بندی مناسب
عناصر يك یگان و قرار دادن
آنها زیر امر فرماندهیهای تابعه
و سایر قرارگاههای کنترل
کننده ، بنحوی که بتوانند
مأموریت محوله را انجام دهند،
و یا بطور کلی ترکیب مناسبی
از عناصر مختلفه يك یگان ،
جهت انجام مأموریت محوله .

سازمان دژبان :

سازمانی است متشکل از
پرسنل منتخب (افسر، درجه دار،
سرباز و غیر نظامی) این
سازمان مسئول کنترل پرسنل
نظامی از نظر رعایت کامل
مقررات انضباط ، طرز لباس

سازمان ملل متحد

اجرای عملیات یا مأموریت ویژه‌ای تشکیل میشود .

سازمان ملل متحد :

سازمانی است که بموجب منشور ملل متحد برای حفظ صلح در جهان بوجود آمده و از کلیه کشورهای عضو تشکیل یافته و مرکز آن در آمریکا شهر نیویورک است .

ساز و برگ :

به مجموعه تجهیزات و وسائل که سرباز در رزم بکار می‌برد ساز و برگ گویند .

ساعات :

عبارتست از دریچه مخصوص کارپوراتور برای بیشتر کردن بنزین در مخلوط هوا و بنزین، هنگام روشن کردن موتور در آب و هوای سرد .

ساعت س :

زمان اعلام بیداری (بوسیله شیپور ، سوت و یا رادیو) در سربازخانه راساعت س نامند و بر مبنای این زمان ساعت‌های کار روزانه تعیین و برابر آن عمل می‌شود .

مثلاً اگر ساعت س ساعت ۰۵۳۰ باشد زمان آغاز کار و فعالیت

روزانه (مثل آموزش ، عملیات و مانند آن) ساعت ۲ + س یعنی ساعت ۰۷۳۰ میباشد .

ساعت کار :

تعداد ساعتی است از شبانه روز که خودروها با راننده کار میکنند .

ساخته :

پیش‌آمد - حادثه - رویداد .

سانسور :

کنترل و حذف تمامی و یا قسمت‌هایی از روزنامه‌ها ، نامه‌های خصوصی ، اخبار و فیلم که پخش و نوشتن آنها ممنوع اعلام شده است و یا کنترل و مراقبت نامه‌های مشکوک .

ساواک :

این کلمه از پنج حرف جداگانه تشکیل یافته و مخفف حرف اول عنوان «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» می‌باشد . این سازمان مأموریت ضد جاسوسی و ضد خرابکاری را در سطح کشور برعهده دارد .

سپاس :

تشکر نعمت و نیکی کردن و در کاربرد نظامی وقتی فرماندهان

معامله به بانك یا بحساب
کارفرما می سپارند

سپاه :

بزرگترین قرارگاه و یگان
متشکل نظامی در ارتش
شاهنشاهی است و یک رده از
لشکر بالاتر، از تعدادی لشگرهای
مشابه و یا مختلف و قسمتی
بنام قرارگاه سپاه و دیگر
یگانهای عمده مورد نیاز
پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی
تشکیل گردیده است .

سپاهی :

جوانانی که برای انجام خدمت
مقدس سربازی در سازمان
سپاهیان انقلاب خدمت میکنند
مانند سپاه دانش - سپاه
ترویج و آبادانی و

سیمپید :

این درجه نظامی یک درجه
از سرلشگری بالاتر است و
علامت مشخصه آن (یک تاج و
سه ستاره پنج پر زرد رنگ)
روی سردوشی ها نصب میشود

ستاد :

یک ستاد نظامی قسمت یگانه
و یک پارچه ای است که برای
کمک با اجرای مأموریت فرمانده
سازمان یافته است . ستاد

به افراد زیر دست خود به سبب
انجام کار خوب ، فرمان خیلی
خوب میدهند سربازان پاسخ
میدهند سپاس سرکار (یا
سپاس تیمسار) .

سیمپور :

۱- در کاربرد نظامی در زمان
حال قسمتی از جنگ افزار
است که جهت حفاظت نفرات
تیرانداز ، از تیرهای مستقیم
جنگ افزار کالیبر کوچک دشمن
بکار می رود .

۲- واژه ای متداول در
زمان گذشته که هر سرباز
وسیله ای فلزی و یا پوستهای
ضخیم و کلفت مدور و یا
بصورت چهار گوش با خود حمل
مینمود تا در هنگام ضرورت
بتواند در پناه آن از نيزه ،
تیرها و ضربات گرز و شمشیر
دشمن در امان باشد .

سیمپرده :

مبلغی است که برای تعهد
شرکت برای انجام کار و خدمت
مطلوب در مناقصه و یا مزایده
بصندوق دولت می سپارند و
بعبارت دیگر پولی که به منظور
تضمین درستی و صحت کار یا

ستاد بزرگ ارتشتاران

به منظورهای زیر تشکیل میشود
و عمل میکند :

الف - پاسخ دادن بیدرتگ
به نیازهای فرمانده و یگانهای
تابعه

ب - در جریان وضعیت قرار
دادن فرمانده

پ - کاهش زمان برای کنترل،
یکی کردن وهم آهنگی عملیات

ت - کم کردن اشتباهات احتمالی
ث - رها ساختن فرمانده از
درگیری و نظارت بر جزئیات و
مسائل عادی .

ستاد بزرگ ارتشتاران :

۱- ستاد اعلیحضرت همایون
شاهنشاه آریامهر بزرگ
ارتشتاران

۲- عالیترین ستاد هم آهنگ
کننده (ویا ستاد عمومی)
و هدایت کننده نیروهای
مسلح شاهنشاهی در سطح
ملی است .

ستاد تخصصی :

سازمانی است که فرمانده و
ستاد هم آهنگ کننده (یاستاد
عمومی) را در انجام امور فنی و
تخصصی یاری مینماید مانند
امور مهندسی ، مخابراتی و
مانند آن .

ستاد شخصی :

سازمان و یا فردی است که
فرمانده را در انجام امور
شخصی یا در مورد فعالیت
ویژه که فرمانده شخصاً مایل
بانجام آن می باشد، یاری میکند.

ستاد عمومی :

به معنی واژه ستاد هم آهنگ
کننده مراجعه شود .

ستاد مرکب :

ستادی است متشکل از پرسنل
نظامی دویا چند کشور متحد
که بمنظور اداره و هدایت یک
عملیات نظامی حقیقی یا هدایت
یک تمرین و یا مانور تشکیل
می شود .

ستاد مشترک :

ستادی است متشکل از عناصر
دویا چند نیرو (زمینی- هوایی-
دریائی) از یک کشور که بمنظور
اداره و هدایت یک عملیات
نظامی واقعی یا هدایت یک
تمرین و یا مانور تشکیل میشود

ستاد هم آهنگ کننده : (ستاد عمومی)

فرمانده را در هم آهنگ کردن
طرحها، وظائف و عملیات کلیه
عناصر در اجرای مأموریت
یاری میکند .

ستاره قطبی

ستاره قطبی :

نامی است از يك ستاره مورد استفاده درجهات یابی در شب، این ستاره با درخششی چشمگیرتر از دیگر ستارگان دوب اکبر و درست در امتداد قطب شمال قرار دارد و همیشه سمت شمال حقیقی را مشخص میسازد .

ستون سوم :

پائین ترین درجه افسری است و بیک فرد نظامی اعطاء میگردد که دارای صلاحیت خدمت در ارتش شاهنشاهی باشد و داوطلبانه و یا برای انجام خدمت وظیفه ، خدمت مقدس سربازی را پذیرفته و علامت مشخصه آن (یک پنج ضلعی زرد رنگ) روی سردوشی ها نصب میشود .

ستون دوم :

این درجه نظامی يك درجه از ستون سومی بالاتر است و علامت مشخصه آن (يك ستاره پنج پر زرد رنگ) روی سردوشی ها نصب میشود و بفارغ التحصیلان دانشکده افسری و همطراز با آنان اعطاء میگردد .

ستوانیکم :

این درجه نظامی یکدرجه از ستون دومی بالاتر است علامت مشخصه آن (دو ستاره پنج پر زرد رنگ) روی سردوشی ها نصب میشود .

ستون .

چنانچه نفرات پیاده پشت سرهم و خودروها (از هر نوع) دنبال هم قرار گیرند خطی را تشکیل میدهند بنام ستون ، ممکن است ستون در يك یا دو یا سه خط و یا بیشتر تشکیل شود .

ستون باز :

ستونی است که در آن، فاصله بین خودروها به منظور فراهم شدن تفرقه ، زیادتر میشود، معمولا این نوع ستون در راه پیمائی های روزانه و در راه - پیمائی های شبانه با چراغ نورافکن مورد استفاده قرار میگیرد .

ستون جمع :

ستونی است که در آن، فاصله بین خودروها کم است معمولا این نوع ستون در موقع راه پیمائی در تاریکی با

ستون خودروئی

استفاده از چراغهای جنگی
مورد استفاده قرار میگیرد .

ستون خودروئی :

عبارت از تعدادی خورومیباشد
که اقلا از ده دستگاه کمتر
نبوده و تحت امر يك فرمانده
در روی جاده و بسوی يك
مقصد حرکت کنند .

ستون دو :

دوستون پیاده که دريك سمت
و کنار يك جاده بطور موازی
حرکت مینمایند و در صورت
داشتن خودرو، خودروها روی
جاده در بین دوستون مجاور
حرکت میکنند .

ستون راه پیمائی :

شامل تعدادی سریال و یگان
راه پیمائی است که تحت کنترل
يك فرمانده بمنظور اجرای
يك حرکت در روی يك جاده
راه پیمائی میکند .

ستون نفوذی :

عبارتست از حرکت دادن یگانی
بصورت اجزاء كوچك با استفاده
از مسیرهای متعدد و پوشیده .

ستختی آب :

عبارتست از میزان املاح معدنی،
که در آب محلول یا معلق
هستند .

سد : (از نظر کاربرد نظامی)

به مواعی که جلوی پیشروی
نیروهای رزمنده را میگیرند
سد گفته میشود . از نظر
عمومی بند محکم و استواری
که جلو آب رودخانه برای ذخیره
کردن آب و یا در برابر امواج
دریا بمنظور جلوگیری از نفوذ
آب دریا در خشکی می بندند .

سد آتش :

سد آتش ، آتشی است که به
منظور پر کردن يك منطقه یا
يك فضای باز به منظور تکمیل
آتش آخرین خط آتشهای
حفاظتی در پدافند منطقه ای ،
اجراء میگردد .

سد پارازیت :

بخش پارازیت روی کانالهای
مخابراتی یگان هم جوار بطور
همزمان .

سد پهلوی : (جناحی)

سدی است که پهلوی يك واحد
را می پوشاند . (معمولاً بوسیله
آتش جنگ افزارهای مختلف)

سد عقب :

سدی است که راههای عقب
مربوط به موضع اصلی رزم
را مسدود کند .

سد کردن

روز ادامه دارد سربازخانه را نیز میتوان خانه سرباز نامید.

سرباز وظیفه :

سرباز وظیفه يك فرد ایرانی میباشد که حداقل سن او ۱۸ سال باشد و در نیروهای مسلح شاهنشاهی با لباس سربازی برای طی مدت خدمت زیر پرچم برابر قانون خدمت وظیفه عمومی احضار، و مشغول خدمت گردیده است .

سرباز یکم :

این درجه نظامی بيك سرباز اعطاء میگردد که در طول مدت دو سال خدمت زیر پرچم لیاقت و شایستگی خود را در انجام وظایف محوله نشان داده باشد علامت مشخصه آن (يك نوار زرد رنگ بطول ۲ و عرض يك سانتیمتر) است که روی لبه آستینها دوخته میشود .

سرباسپان :

ارشد پاسبانان هر کلانتری را سرباسپان گویند .

سرجوخه :

این درجه نظامی بيك سرباز اعطاء میگردد که در طول مدت دو سال خدمت زیر پرچم در

سد کردن :

جلوگیری کردن، متوقف کردن، محدود نمودن و ممانعت از هر گونه حرکت دشمن بوسیله آتش بداخل يك منطقه و یا بسمت نیروی خودی را سد کردن گویند .

سرباز :

سرباز کسی است که برای انجام خدمت داوطلبانه در ارتش یا خدمت وظیفه عمومی لباس مقدس سربازی را زیب بپیکر خود ساخته است .

سرباز دژبان :

سربازی است منتخب، ورزیده، با آموزشهای ویژه که قسمتی از مسئولیت‌های سازمان دژبان را در کنترل پرسنل نظامی بر عهده میگیرد .

سربازخانه :

منطقه‌ای است محصور باديوار یا سیم‌های خاردار (فقط بمنظور رعایت جنبه‌های حفاظتی) در این محیط فعالیت‌های روزانه افسران، درجه‌داران، همافران، تک‌وران، هنروران ، سربازان در هر یگان آغاز میشود و تا پایان

سرپل

را آسان نموده و فضای کافی برای مانور و عملیات آینده ایجاد میکند .

سر تیپ :

این درجه نظامی يك درجه از سرهنگی بالاتر است و علامت مشخصه آن يك تاج و يك ستاره پنج پر زرد رنگ است که روی سردوشیها نصب میشود . سر تیپ جزء گروه تیمساران (امراء) محسوب میشود .

سر جنگی :

قسمت فوقانی مرمیها و یا موشکها را سر جنگی گویند ، معمولا ماسورهها در سر جنگی مرمیها و موشکها نصب میشوند تا بهنگام لازم موجب انفجار خرج اصلی (در بالا ، سطح هدف و یا در عمق هدف) گردند .

سر ورشته داری :

یکی از سرویسهای فنی در سازمان فرماندهی لجستیکی میباشد که مسئولیت تمپه ، انبار و توزیع گروهی از اقلام آمادی و انجام پاره ای از خدمات را بر عهده دارد .

انجام وظایف و مشاغل محوله لیاقت و شایستگی کافی از خود نشان داده باشد، علامت مشخصه آن (دونوار زرد رنگ هر يك بعرض يك و طول ۲ سانتیمتر) روی لبه آستینها دوخته میشود و یکدرجه از سر باز یکم بالاتر است .

سرپل :

منطقه ای است از زمین واقع در یکی از دو سوی مانع که دشمن در آن مستقر می باشد. این منطقه از زمین یا بدست نیروهای خودی افتاده و یا بایستی تصرف گردد .

سرپل آبتخاکی :

منطقه مشخصی از ساحل دشمن که اگر تصرف و نگاهداری شود ، پیاده شدن مداوم عده ها و وسائل را امکان پذیر ساخته و فضای کافی برای مانور عملیات بعدی در اختیار خواهد گذاشت .

سرپل هوائی :

منطقه مشخصی است در روی زمین دشمن یا در يك منطقه مورد تهدید که اشغال آن مداومت فرود نیروها و وسائل

سرعت

۲- مسئولیت کارهای اداری
قسمت یا سازمان مربوطه
را بعهده خواهد داشت.

سرلشگر :

این درجه نظامی يك درجه از
سرتیپی بالاتر است و علامت
مشخصه آن (يك تاج و دو ستاره
پنج پر زرد رنگ) روی
سردوشیها نصب میشود.

سرلوحه :

قسمت بالای هر نگارش است
که شامل نشان (مارک - آرم)
یگان، عنوان، مقامهای
فرستنده و گیرنده نگارش،
تاریخ، شماره، پیوست،
ارجحیت اقدام، طبقه بندی،
موضوع، و سابقه امر، میباشد.

سرنیزه :

شیئی است فلزی و با مقاومت
کافی که بصورت نوك تیز و
برنده ساخته شده و در هنگام
پاسداری و نگهبانی، تشریفات
نظامی و رزم تن به تن و رو در
روی در سرتفنگ هر سرباز
نصب میشود. سرنیزه جزء
جنگ افزارهای سرد بشمار
می آید.

سرعت :

میزان حرکت خودرو بطرف
جلو در يك لحظه معین که عقربه
سرعت نمای خودرو در آن
لحظه نشان میدهد.

سرعت ابتدائی :

عبارتست از سرعت گلوله
هنگام خروج از دهانه لوله
برحسب متر در ثانیه.

سرعت متوسط :

میانگین تعداد کیلومتر طی شده
در مدت یکساعت، این عدد
از محاسبه تمام مسافت در مدت
طی شده بدست می آید و
توقفهایی که در دستور راه -
پیمائی درج شده در آن منظور
میکردد.

سرگرد :

این درجه نظامی یک درجه از
سروانی بالاتر است، علامت
مشخصه آن يك ستاره هشت پر
زرد رنگ است که روی
سردوشیها نصب می شود.
سرگرد جزء طبقه افسران
ارشد محسوب میگردد.

سرگروهبان :

۱- ارشد درجه داران هر یگان،
قسمت یا سازمان نظامی

سكان :

دنباله کشتی ، وسیله یا آلتی که برای حرکت دادن کشتی از يك طرف بطرف دیگر در دنباله یا قسمت عقب کشتی تعبیه شده است .

سروان :

این درجه نظامی یکدرجه از ستوان یکمی بالاتر است علامت مشخصه آن (سه ستاره پنج پر زرد رنگ) روی سر - دوشی ها نصب میشود .

سرویس : SERVICE

به گروه معینی از عملیات نگهداری مانند روغن کاری ، سوخت گیری ، بازدیدهای آب ، روغن ، لاستیک ، باطری و غیره گفته میشود .

سرویس اطلاعاتی توپخانه پدافند هوایی :

سازمانی است مجهز و آموزش دیده بمنظور کسب اطلاع از فعالیت های هوایی و آگاه کردن یگان های توپخانه پدافند هوایی از تگ دشمن یا نزدیک شدن هواپیمای خودی .

سرویس پیک نیروهای مسلح :

سرویس پیک مشترک نیروهای زمینی ، هوایی ، دریائی که زیر

نظر ستاد بزرگ ارتشتاران انجام وظیفه کرده و یکی از طرق مخابراتی مطمئن با سرعت زیاد میباشد که برای مخابره یا فرستادن لوازمی که مبادله آن با پیک نظامی نیاز به حفاظت دارد در اختیار میگذارد .

سرویس های فنی :

سرویس های فنی عبارتند از: سررشته داری ، مهندس ، مخابرات ، اردنانس ، بهداری ، دامپزشکی ، ترابری و شیمیائی

سرهمافر سوم :

این درجه نظامی یکدرجه از همافر یکمی بالاتر است علامت مشخصه آن (یک مربع مستطیل مليله زرد رنگ بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتیمتر باضافه يك مربع مليله زرد رنگ بطول و عرض ۲/۵ سانتیمتر) روی سر دوشی ها نصب میشود .

سرهمافر دوم

این درجه نظامی یکدرجه از سرهمافر سومی بالاتر است علامت مشخصه آن (دو مربع مستطیل مليله زرد رنگ هر يك بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتی متر و يك مربع مليله زرد رنگ

سرهمافر یکم

میشود که افشاء غیر مجاز آنها لطمه شدیدی بمنافع ملی وارد آورد .

سریال :

یک عنصر یادسته ای از عناصر که برای سهولت طراحی و تهیه برنامه یا کنترل حرکات شماره گذاری و یا به ترتیب حروف الفباء ردیف میگردند .

سریال راه پیمائی :

شامل عناصری از یک ستون راه پیمائی است که از یک منطقه بمنطقه دیگر با آهنگ یکسان روی یک جاده و تحت امر یک فرمانده حرکت میکنند . سریال راه پیمائی را معمولاً یگانهای گردانی و بالاتر تشکیل میدهند .

سری منفجره های پرتاب :

منفجره هایی هستند که مرمی را از جنگ افزار پرتاب میکنند و شامل چاشنی، خرج پرتاب و آتش زنه میباشند .

سری منفجره های تلاشی :

منفجره هایی هستند که سبب متلاشی شدن گلوله در هدف میشوند .

بطول و عرض ۲/۵ سانتیمتر) روی سردوشی ها نصب میشود

سرهمافر یکم :

این درجه نظامی یکدرجه از سرهمافر دومی بالاتر است، علامت مشخصه آن (سه مربع مستطیل ملیله زرد رنگ هر یک بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتی متر و یک مربع ملیله زرد رنگ بطول و عرض ۲/۵ سانتیمتر) روی سردوشی ها نصب میشود

سرهنگ :

این درجه نظامی یکدرجه از سرهنگ دومی بالاتر است علامت مشخصه آن (سه ستاره هشت پر زرد رنگ) روی سردوشی ها نصب میشود و بالاترین درجه افسر ارشدی میباشد .

سرهنگ دوم :

این درجه نظامی یکدرجه از سرگردی بالاتر است علامت مشخصه آن (دو ستاره هشت پر زرد رنگ) روی سردوشی ها نصب میشود .

سری :

(نام یکی از طبقات پنجگانه حفاظت است) این طبقه بندی باطلاعات و وسائلی داده

سطح آماد

سطح آماد :

مقدار آماد مجازی است که باید برابر دستور به منظور رفع احتیاجات آینده نگهداری شود. این واژه بر حسب روز آماد و یا مقدار ارقام بیان میشود. سطح آماد يك واژه عمومی آمادی است که برای طرحریزی و کنترل عملیات آمادی بکار میرود.

سطح استوا :

محل تقاطع کره زمین با يك سطح فرضی را که از مرکز زمین گذشته و بر خط فرضی محور عالم عمود باشد، سطح استوا نامند.

سطح الکتروولیت :

ارتفاعی که الکتروولیت بایستی در داخل خانه‌های باطری روی صفحات ثابت بماند، سطح الکتروولیت نامند.

سطح انبار :

مقدار آمادی است که برای مداومت آماد یگانهای مربوطه در فاصله زمانی بین دو آماد انبار میشود.

سطح تأمین :

مقدار وسائلی است اضافه بر سطح عملیاتی، که در صورت

وقفه در تجدید آماد و یا تغییرات پیش‌بینی نشده درخواستها، با در دست داشتن آن امکان ادامه پشتیبانی از عملیات وجود داشته باشد.

سطح تأمین آمادی :

مقدار آمادی است که علاوه بر سطح، عملیاتی برای ادامه عملیات در صورت ایجاد اختلال جزئی در امر رسیدن محمولات و یا افزایش غیر مترقبه نیازها لازم است.

سطح عملیاتی :

مقدار آمادی است که برای ادامه عملیات در فاصله بین درخواستها و یا وصول دو محموله متوالی مورد نیاز میباشد.

سطح کلی آماد :

عبارتست از سطح عملیاتی با اضافه سطح تأمینی آمادها (تدارکات).

سطح مدار :

محل تقاطع کره زمین با سطحی فرضی است که از هر نقطه زمین بموازات سطح استوا گذشته باشد.

سطح نصف النهار

سلاح (جنگ افزار) کالیبر کوچک :

جنگ افزارى است که کالیبر آن از ۱۶ میلیمتر کمتر باشد.

سلسله : (زنجیر)

در سیستم رمز نویسى سرى حروف با علائم دیگرى که مربوط به متن بوده و برابر يك قاعده معین پشت سرهم قرار گرفته باشند .

سمت :

- ۱- در تیراندازى ، جهت روانه کردن جنگ افزار .
- ۲- (در توپخانه) عبارتست از زاویه افقى در جهت حرکت عقربه های ساعت از خط تیر به خط دید زاویه- یاب نقطه نشانى که رأس زاویه مزبور در محل زاویه یاب قرار گرفته است .

- ۳- (در نقشه خوانى) بمعنى گرا میباشد .

سمت انتظار :

سمتى است معمولا در مرکز منطقه عمل اصلی که جنگ افزار بعد از هر تیراندازى و در مواقعى که هدفى وجود ندارد در آن سمت روانه میشود .

سطح نصف النهار :

محل تقاطع کره زمین با سطحى فرضى است که از يك نقطه معین روی زمین و خط فرضى محور عالم بگذرد .

سطوح آمادى مهمات :

سطوح آمادى مهمات معمولا با اصطلاح روز آماد برای هر صحنه عملیات ویا فرماندهى- های عالی در رده صحنه بیان میشود .

سکوت رادیوى :

زمانى است که در آنموقع کلیه فرستنده ها و گیرنده ها خاموش هستند .

سکوى آتش :

در توپهای هویتر ۱۵۵ و ۲۰۳ میلیمترى کششى انتهای جک تیر است که با زمین در تماس میباشد .

سکوى پرتاب :

دستگاهى است که موشک بمنظور پرتاب روی آن مستقر میشود .

سگدست :

اهرمى است فلزى از دستگاه فرمان که حرکت را از جعبه فرمان به چرخهای جلو منتقل میکند .

سمت پیشروی

این سمت ممکن است منطبق بر
محتمل ترین سمت تك (حمله)
باشد .

سمت پیشروی :

سمت پیشروی واژه ای است
مورد استفاده برای یگانهای
زرهی و مکانیزه و معمولاً ممکن
است چند سمت پیشروی در
يك محور پیشروی برای حرکت
و انجام مأموریت یگانهای
مزبور وجود داشته باشد .

سمت تك : (سمت حمله)

سمت یا راه ویژه ایست که تك
اصلی یا مرکز ثقل یگان هنگام
تك از آن پیروی مینماید .
یگان محدود و ملزم است که
در آن مسيرتك نموده و معمولاً
مجاز به دور زدن دشمن
نمی باشد (و با يك فلش ساده
از خط عزیمت تا هدف روی
كالك آفندی رسم میشود).

سمت یاب :

دستگاهی است که زاویه سمت
را برای روانه کردن توپ تانك
روی هدف تعیین میکند .

سمت یاب خودکار :

يك وسیله رادیوئی نصب شده
در هواپیما که بطور مداوم

سمت فرستنده ای را که روی
آن تنظیم شده نشان میدهد
(از این وسیله برای كمك در
ناوبری هواپیما استفاده
میشود) .

سمعی و بصری :

اصطلاح کلی مربوط به کاربرد
و استفاده فنی از وسائل الکترو
شیمیائی ، الکترو مکانیکی و
بصری به منظور ثبت یا ایجاد
علائم صوتی و تصاویر بصری
یا ترکیبی از آنها و لوازمی
که استفاده مجدد آنها را امکان
پذیر سازد .

سناریو : (۱)

۱- این واژه در کار بردتأثر
به معنی داستان یاسرگذشت
و یا مطالبی است که طبق
برنامه ، هر يك از بازیکنان
برای بیان موضوع تأثر
بایستی در صحنه سازگو
نمایند .

۲- در کاربرد نظامی واژه ای
است مورد استفاده در تهیه
تمرینات صحرائی (مانورها)
و تمرین پاسگاه فرماندهی
و عبارتست از شرح وقایع

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

سنتر بولت

سنگ سمباده :

قطعه سنگ سختی که برای سایش (سائیدن) بکار میرود.

سنوات خدمت :

سالهای خدمت افسران و درجه داران در ارتش شاهنشاهی

سوار :

کسیکه براسب یا هروسيله ترابری نشسته باشد .

سوار زرهي :

یگانهای هستند با تحرك بسیار، قدرت آتش، ضربت و قابلیت انعطاف و مخابرات کامل. این یگانها بویژه برای اجرای عملیات شناسائی، تأمین، رزمی و یا صرفه جوئی در قوا با استفاده از وسائل ترابری، زمینی و هوایی سازمانی بکار میروند .

سوار هوایی :

سوار هوایی يك یگان نیروی زمینی است که کلیه عناصر آن در هلیکوپترهای سازمانی سوار میشوند. منظور وهدف اصلی عملیات این یگان توسعه مقدمات شناسائی و تأمین یگانهای سوار زرهي است

و حوادث (بطور فرضی و تجسمی) که بایستی مورد استفاده اساسی در تهیه و اجرای تمرین واقع شود و تمرینها و عملیات فرضی طرح ریزی شده براساس آن جریان پیدا میکنند و اجراء میشوند .

سنتر بولت : Centerbolt (۱)

پیچ بلندی است که از سوراخ مرکزی تمام فنرهای شمشی دستگاه تعلیق خودروها میگردد .

سنج :

یکی از ادوات دسته موزیک است- از سازهای ضربی مرکب از دو صفحه مدور که وسط هر دو صفحه محذب است تشکیل شده و نواخت آن بانواخت طبل بزرگ همراه است

سنگر :

موضعی است که در منطقه پدافندی تهیه شده و طوری انتخاب میشود که دارای میدان دید و تیر مناسب، حفاظت و اختفاء بوده و حداکثر قدرت آتش را بر روی راههای پیشروی دشمن داشته باشد.

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

سوپاپ

همچنین برای انجام عملیات آفندی و تأخیری سازمان یافته و بکار میرود .

سوپاپ :

دریچه ایست فلزی در موتور هنگام باز شدن ، اجازه ورود هوا و سوخت و خروج دود را میدهد و بردو نوع میباشد . سوپاپ هوا و سوپاپ دود .

سوپر شارژ :

دستگاهی است که باعث ورود هوای بیشتر به موتور شده در نتیجه احتراق بهتر انجام گرفته و قدرت موتور بیشتر میشود .

سوخته :

وسیله نقلیه بدون چرخ که در مناطق قطبی و پر برف و یخبندان بوسیله سگ یا گوزن کشیده میشود .

سوچی :

واژه متداول از زمان گذشته برای راننده ارابه های اسبی یا درشکه .

سوزن :

در کاربرد نظامی سوزن جسم فلزی باریک تا حدودی نوک تیز است در داخل گلنگدن که در اثر فشار فنر به عقب جمع

شده با کشیدن ماشه به جلو پرتاب گشته و به چاشنی فشنگ ضربت میزند تا احتراق لازم برای پرتاب مرمی یا گلوله از داخل لوله انجام گردد .

سوژه :

هدف ، در کاربرد اطلاعاتی شخص مورد نظر ، علت موضوع مذاکره یا سخنرانی و خطابه .

سوق :

راندن - حرکت دادن - آماده کردن - فراهم کردن .

سوق الجیشی :

کاربرد این واژه در تعیین اهمیت هدف های تاکتیکی و استراتژیکی برای بکار بردن نیروهای نظامی است (این واژه عربی است و معنی تحت اللفظی آن عبارت است از لشگر کشی یا بکار بردن نیروها) .

سوك :

قسمت خارجی محل برخورد دو سطح عمود بر زمین يك دیوار یا دو دیوار متقاطع را سوك نامند .

سولفاته

ایجاد سولفات سرب در روی صفحات یا ریختن آن در ته

سویچ استارتر

سیستم آتش‌گذاری الکتریکی :

شبکه‌ای است که واسطه عامل انفجار در آن ، جرقه الکتریکی یا يك موج الکتریکی میباشد .

سیستم آتش‌گذاری ساده :

(غیر الکتریکی)

عبارتست از يك شبکه آتش‌گذاری که در آن انفجار به‌روش مکانیکی انجام می‌گیرد.

سیستم ارتباط :

مجموع روش‌ها و وسایلی که ارتباط بین چندپست را برقرار مینمایند .

سیستم اطلاعات و مدیریت :

سیستم اطلاعات مدیریت عبارتست از سیستمی که کلیه اطلاعات مورد نیاز فرماندهان و مدیران را بصورت مطلوب و آماده در اختیار می‌گذارد و معمولاً این روش در سیستم‌های کامپیوتری پیوسته و جامع بکار گرفته میشود .

سیستم اعلام خطر و کنترل هوایی :

نوعی سیستم کنترل هوایی است که پرواز هواپیما را کنترل و اعلام میکند .

سیستم پرورش داده‌های خودکار :

سیستمی است که تشکیل میشود از ترکیب و اجتماع ماشین‌هایی که بتواند داده‌ها

خانه های باطری بصورت کریستال یا شوره .

سویچ استارتر :

دستگاهی است که باعث درگیر شدن دنده استارتر با دنده فلایویل میشود .

سهم :

تیر - تیری که باکمان اندازند.

سهم توپ :

قسمتی از قنداق تحتانی است که جهت استقرار و حاضر بجنک کردن توپ بکار میرود.

سهم تیر :

سهم تیر عبارتست از ارتفاع بالاترین خط سیر هرگلوله یا مرمی تا سطح زمین .

سهم مسیر :

اختلاف ارتفاع بین حداکثر ارتفاع مسیر و مبداء مسیر است .

سبیل :

هدف استاندارد شده‌ایست که برای آموزش و تمرین‌های تیراندازی بکار میرود .

سی - بی - آر خاك :

عبارتست از مقاومت خاك مورد نظر نسبت به مقاومت خاك استاندارد کالیفرنیا .

سیستم جایگزینی

را محاسبه و مطابق روشها و نظریات مورد احتیاج عمل نماید

سیستم جایگزینی :

عبارتست از تهیه ، پذیرائی ، طبقه بندی آموزش ، تقسیم و انتصاب افراد جایگزینی .

سیستم رمز :

هرگونه سیستم رمزی که بوسیله یک کلید ، متن کشف قرار دادی و یا علائم بشکل نامفهوم رمز را کشف کند یا بالعکس .

سیستم سد :

یک سری سد و موانع مربوط بهم در عمق یک منطقه را سیستم سد گویند .

سیستم کلی رمز نویسی :

روش کلی کاربرد بعضی از عناصر قابل تغییر برای رمز کردن و کشف کردن پیام .

سیستم کنترل و فرماندهی :

سیستم کامپیوتری طرحریزی شده خاصی است که اطلاعات لازم برای کنترل و فرماندهی را در سطح وسیع و گسترده ای در اختیار رده های تصمیم گیرنده در ارتش قرار میدهد.

سیستم نشانی : (در رمز)

سیستمی که برای نشانی در نظر گرفته شده باشد. بعبارت دیگر سیستمی را که اعتبار یک مخابره ، پیام و یا هویت ایستگاه فرستنده را روشن میسازد سیستم نشانی مینامند. سیستمهای نشانی ممکن است اقسام تجهیزات و وسائل و مدارک را در برداشته باشند.

سیستم نگهداری :

کلیه اقداماتی که برای نگهداری اقلام بکار میرود .

سیکل :

وقتی که موجی از صفر شروع شده و به ماگزیمم برسد و مجدداً بصفر برگشته و از صفر به میانی موم رسیده و باز بصفر برگردد ، شکل حاصل آنرا سیکل گویند .

سیلندر : Cylinder (۱)

محفظه ایست در داخل موتور که چهار عمل اصلی موتور (تنفس ، تراکم ، انفجار ، تخلیه) در آن انجام میگردد .

سیلندر اصلی ترمز :

استوانه ایست که محل ریختن روغن ترمز بوده و ایجاد نیرو

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

سیملندر فرعی ترمز

سیمستم تله :

عبارتست از يك طناب یاسیم متصل به ماسوره و یاسیله انفجار دیگری که سبب عمل آن بشود .

سیمستم تلفن با سیم :

برقراری ارتباط بین دو یا چند نقطه به وسیله سیم را سیستم تلفن با سیم گویند .

سیمنه بند :

وسیله ایست که به سینه وصل شده و موجب نگهداری کابل بین گوشی دهنی کاسک و دستگاه میشود ضمناً دارای يك کلید دو وضعیتی است که برای تأمین تغذیه مدار دهنی بکار میرود .

بمنظور متوقف کردن خودرو می نماید .

سیملندر فرعی ترمز :

استوانه ایست در داخل طبق ترمز که سبب بازشدن کفشک های ترمز از یکدیگر میشود .

سیم خاردار :

جزء اقلام مهندسی است و بمنظور ایجاد حفاظت و تأمین فیزیکی اطراف مواضع پدافندی و یا نقاط حساس و انبارهای مهمات با نصب دستکها و توام با سیستم های تله های انفجاری و جریان برق و یا سیستم آژیر و اعلام خبر و اعلام خطر ، نصب میگردد .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ش

ش :

حرف شانزدهم ازالفبای فارسی است .

شاتون : (Chaton)

وسیله اتصال پیستون به میل لنگ میباشد .

شاخص :

شاخص به معنای مبنای دستگاه اندازه گیری است و در کاربرد نظامی معانی مختلف دارد .

۱- شاخص ثابت در قطب نما.
۲- شاخص طبلک‌های برد و سمت در زاویه یابها .

۳- شاخص تعیین سمت هدف برای تیراندازی جنگ - افزارهای با خط سیر منحنی (که معمولاً فلزی و به صورت نیزه ساخته شده است).

۴- میله‌ای است که در نقشه - برداری بطور قائم بر زمین نصب کنند .

شاسی :

اسکلت آهنی و سائط ترابری موتوری که اطاق و موتور روی آن سوار می‌شود .

شاقول : (شاغول)

ریسمانی است که در انتهای آن وزنه کوچک آهنی آویخته شده و انتهای نخ را برخط قائم نگاه میدارد و برای آزمایش راستی و درستی دیوار بکار میرود .

شاکمی :

شکایت کننده ، شکوه‌دار .

شال :

پارچه پشمی زخیمی که برای تیمار و نظافت دواب بکار میرود پارچه‌ایکه دور کمر و یا گردن می‌پیچند .

شال نمد :

تکه نمدی که از پشم بزبافند و برای تیمار و نظافت دواب بکار رود .

شامگاه

دروغ - خبرهای مشکوک -
خبرهای تأیید نشده .

شبکه :

عبارتست از دو یا چند ایستگاه
رادیوئی . که روی يك فرکانس
معین در تماس باشد . در هر
شبکه ، ایستگاهی بنام ایستگاه
کنترل شبکه وجود دارد که کار
شبکه را کنترل میکند .

شبکه آزاد :

شبکه ارتباطی است که اعضای
هر ایستگاه بدون اجازه
ایستگاه کنترل ، میتوانند با
یکدیگر ارتباط برقرار نموده
و مکالمه کنند .

شبکه اداری :

سیستم ارتباطی بیسیم ، با
سیم و یا ترکیب بیسیم و با
سیم که با آن مخابرات اداری
قرارگاهها و یگانهای مختلف
مبادله میشود .

شبکه ارتباطی :

سازمانی است از ایستگاهها
که بتوانند مستقیماً روی يك
چانل مشترك یا فرکانس
ارتباط برقرار کنند .

شامگاه :

بمنظور پائین آوردن پرچم
برافراشته و برای نیایش و
سپاس بدرگاه خداوند یکتا
(از داشتن چنین میهن عزیز
و پهناوری با شاهنشاهی
دادپرور و با نیات و آرزوهای
بلند برای سرافرازی ایران)،
هنگام هر غروب آفتاب مراسم
با شکوه و مقدسی در سرباز-
خانه ها با شرکت کلیه پرسنل
بنام شامگاه اجرا میشود .

شاهد :

گواه ، کسی که در واقعه ای
حاضر بوده و آنچه را که
گذشته است دیده باشد .

شاه فنر :

اولین و بزرگترین لایه فنر در
دستگاه تعلیق که موجب کاهش
فشار وارده از وزن وسائط
ترابری و محمولات آنها میشود .

شاهنشاه :

پادشاه بزرگ ، شاه شاهان ،
عنوان رسمی پادشاه ایران .

شایان :

شایسته ، سزاوار ، لایق .

شایعه :

خبرهای پخش شده راست یا

شبکه استفاده مشترک

شبکه استفاده مشترک :

يك سيستم از مدارها يا چانلهای تخصصی برای داشتن مسير ارتباطی بين مراکز تلفنی است که بمنظور تهیه سرویس ارتباطی تمام ایستگاهها یا مشترکین مربوطه بر مبنای استفاده مشترک میباشد که آنرا استفاده عمومی هم میگویند.

شبکه اعلام خطر پدافند هوایی :

نوعی سیستم ارتباطی است که تك هوایی دشمن را اعلام میکند .

شبکه اعلام خطر هوایی :

ایستگاههای بیسیم که برای آگاهی از تك هوایی مستقر میشوند .

شبکه بندی قائم الزاویه :

این نوع شبکه بندی در نقشه - جات تاکتیکی وجود دارد و بمنظور تعیین موقعیت نقاط در روی نقشه رسم شده است معمولا شبکه بندی قائم الزاویه در روی نقشه جات تاکتیکی کیلومتری بوده (یعنی در نقشه های $\frac{1}{۲۵۰۰۰}$ اندازه هر شبکه در نقشه معادل يك کیلومتر روی زمین میباشد).

شبکه خودکار اعداد :

شبکه منفرد رقمی برای مبادله ارقام، بدون توجه به کیفیت طرز عمل مبادله .

شبکه رمز :

دو یا چند ایستگاه که سیستم رمزی مشترك دارند .

شبکه صوتی خودکار :

شبکه جهانی منفردی است که کلیه مخابرات مشابه صرفنظر از ماهیت کارهای مورد مبادله در آن انجام میگردد .

شبکه فرماندهی :

شبکه ارتباطی که بمنظور کنترل فرماندهی يك رده فرماندهی را با تمام یا بعضی از رده های تابعه مربوط میکند .

شبکه هدایت شده :

شبکه ایست که در آن هیچ ایستگاهی غیر از ایستگاه راهنمای شبکه نمیتواند با ایستگاههای دیگر تماس بگیرد مگر آنکه قبلا از راهنمای شبکه کسب اجازه نماید .

شبکه هدف :

وسیله ایست که موقعیت نقاط و تصحیحات نسبت به خط دیدبان - هدف را بخط توپ - هدف تبدیل مینماید .

شبیگرد

دشمن ، غافلگیر کردن دشمن
در شب ، تك شبانه توأم با
غافلگیری .

شتاب :

عجله - تند ، سریع - در
مکانیک به تغییرات سرعت در
زمانهای مختلف شتاب گویند .

شجاع :

دلیر - نترس - باجرات .

شجاعت :

دلیری - نترسی ، توانائی
روحی و اخلاقی .

شدت جریان :

مقدار الکتریسته جاری که در
يك واحد زمان از سیمی عبور
میکند .

شرفرضی :

گزارشی است کلی ، جامع و در
عین حال با رعایت اختصار
درباره يك یا چند موضوع مهم
به منظور استحضار و یا تصویب
ذات مبارك شاهانه - به واژه
گزارش شرفرضی مراجعه
شود .

شروع :

ابتدا - آغاز .

شبیگرد :

کسی که شب هنگام مسئولیت
کنترل ، حفاظت و امنیت يك
منطقه را بر عهده دارد و برای
انجام این وظیفه در طول شب
در حال حرکت و گردش است .

شبه ، منشور :

جسمی است که دو قاعده آن دو
چند ضلعی غیر مشخص واقع
در دو صفحه متوازی و وجوه
آن مثلث‌هائی هستند که
رأسشان در یکی از دو قاعده
و قاعده‌شان در قاعده دیگر
جسم باشد .

شبه نظامی :

عناصر شبه نظامی نیروهائی
هستند که از لحاظ سازمان ،
آموزش ، تجهیزات و مأموریت
در سطحی پائین‌تر از نیروهای
نظامی هر کشور قرار داشته و
یا تقریباً مشابه آنها باشند
و یا نیروها و گروههائی هستند
که دارای يك وجه تمایز مشخصی
از نیروهای منظم هر کشور
باشند .

شبیخون :

تاختن ناکهانی در شب بر

شروع کن

شروع کن :

در کاربرد نظامی، يك فرمان نظامی است که يك فرمانده بافرااد زیردست خود برای انجام يك کار دسته جمعی میدهد.

شریک :

همدست - مددکار، همراه ، همکار - انباز .

شریک جرم :

کسیکه در ارتکاب جرم به - مجرم اصلی کمک مؤثر کرده باشد .

شستشوی معکوس :

عبارت از عملی است که صافی را پس از استفاده تا حد مجاز مجدداً پاک و آنرا آماده بکار میکند .

شستی :

دستگاهی است که وسیله قطع و وصل جریان برق میشود.

شمع چرخش :

عبارتست از طول خط عمود به مرکز چرخ جلوهنگام چرخش تا نقطه تقاطع آن خط یا امتداد خط محور چرخهای عقب .

شمع عمل :

مسافتی است که يك خودرو

با مصرف نمودن يك باک پر سوخت میتواند طی نماید .

شمع گوی آتشین :

عبارتست از فاصله مرکز گوی آتشین (انفجار هسته ای) تا محیط آن .

شعله افکن :

يك نوع وسیله ای است بصورت يك جنگ افزار و محتوی ماده سریع الاشتعال با قدرت سوختن فوق العاده که با فشار هوا مخلوط میگردد و علیه مواضع غیر قابل دسترس دشمن بمنظور بآتش کشیدن وسائل و سربازان داخل مواضع سر- پوشیده از آن استفاده میشود.

شغل :

مجموع وظائف و مسئولیتهای مرتبط و مشخصی است که از طرف اداره کل آجودانی ارتش بعنوان کار واحد شناخته شده باشد .

شکاف :

۱- فاصله بین خودروها یا اجزائی از ستون که از عقب يك خودرو یا جزئی از ستون تا جلو خودرو بعدی یا جزء بعدی ستون اندازه گرفته میشود .

شکاف درجه

شماره حساب :

برای دارندگان سیستم رمزی معین شده و فقط از لحاظ مراجعه است و جنبه عملیاتی ندارد.

شماره راه :

عددی است فرد یا زوج که برای راههای مختلف موجود در منطقه مخصوص داده میشود.

شماره طبقه با احتیاط :

شماره ایست که از ضرب شماره طبقه عبور یک راه یا چند راه پلهای غیر استاندارد در ضریب (۱/۲۵) به دست می آید .

شماره طبقه تحت کنترل :

شماره ایست که فقط برای پلهای چندراهه بوسیله ضرب شماره طبقه عادی پل اعم از زوج یا فرد در محل ضعیف ترین راه یک پل چندراهه در ضریب (۱/۵) بدست می آید .

فقط در مورد پلهای ثابت استاندارد تجهیزاتی یا پلهای شناور بکار میرود و از جدول طبقه بندی مشروحه در آئین - نامه فنی مربوطه بدست می آید .

شماره طبقه زوجی پل :

شماره ایست که یک شماره آن

۲- منطقه ایست بین دو یگان که بوسیله آتش جنگ - افزارهای کالیبر کوچک و نفر پوشیده نشده باشد .

۳- در مواضع، قسمتی است که در آن مین گذاری نشده و ضمن عملیات تاکتیکی با صورت بندی جنگی جهت عبور نیروهای خودی بکار می رود که حداقل عرض آن ۱۰۰ متر و حد اکثر آن بستگی با استعداد یگان عبور کننده دارد .

شکاف درجه :

قسمتی از دستگاه نشانه روی در جنگ افزارهای کمری ، تفنگ و تیربارها و بعضی از جنگ افزارهای ضد زره بدون عقب نشینی است که در قسمت عقب و بالای لوله نصب شده تا نشانه گیری و نشانه روی را تسهیل نماید .

شکل پنخش امواج از آنتن :

عبارتست از نوع تشعشع آنتن بکلیه جهات .

شکنجه :

آزار سخت دادن - عذاب دادن - اذیت کردن .

شماره طبقه عادی پل

برای خودروهای چرخدار و شماره دیگر برای خودروهای شنی‌دار است .

شماره طبقه عادی پل :

شماره کاملی است که بالاترین طبقه خودروئی را که مجاز است در تحت شرایط عادی از روی پل عبور نماید معرفی میکند . خودروهای ستون بایستی ۲۰ متر از هم فاصله داشته و ترمز ناگهانی در شرایط فوق ممنوع است .

شماره طبقه مخصوص پل :

شماره ایست که ظرفیت تحمل باری را تحت شرایط خاص عبور تعیین میکند . این شماره طبقه ممکن است شماره طبقه عبور تحت کنترل یا با احتیاط یا خطرناک باشد .

شماره طبقه منفرد پل :

عبارتست از شماره طبقه‌ای که نشان میدهد عبور کلیه خودروها اعم از چرخدار یا شنی‌دار که شماره طبقه آنها مساوی یا کمتر از شماره طبقه پل باشند، مجازند .

شماره عمومی ابزار :

شماره ایست برای تشخیص

اقلام . این شماره از یک - حرف و چند رقم تشکیل شده است .

شماره عمومی : (فنی)

شماره ایست که برای درخواست و شناسائی جنس از آن استفاده میشود و یکی از ارقام آن نماینده سرویسی است که قطعه مربوط بآن است (مانند شماره ۹ که مربوط به اردنانس است) .

شماره عمومی قطعه :

شماره ایست که از یک حرف و یک عدد ۱۰ رقمی تشکیل یافته و مأخذ درخواست اقلام و قطعات میباشد .

شماره فنی :

شماره ایست که برای درخواست کردن و تسهیل کار از آن استفاده میشود .

شماره فنی جدید :

عبارتست از یک عدد ۱۱ رقمی که برای مشخص کردن قطعات یدکی از یکدیگر بکار میرود .

شماره قطعه :

معمولا به عددی گفته میشود که روی قطعات حک شده و از ۷ رقم تشکیل میگردد .

شماره کارخانه :

شماره جنس است که توسط کارخانه سازنده تعیین میشود .

شماره لو :

شماره ایست که معمولاً در مهمات بکار می‌رود و از چند حرف و چند عدد تشکیل شده و برای مشخص کردن اقلامی است که تحت شرایط یکسان ساخته شده و دارای خواص یکسان است .

شمال جغرافیائی :

امتداد شمالی نصف النهار هر نقطه را شمال جغرافیائی آن نقطه می‌نامند ، بعبارت دیگر خط واصل بین هر نقطه و قطب شمال زمین را امتداد شمال جغرافیائی آن نقطه گویند .

شمال شبکه :

امتداد شمالی خطوط شبکه بندی روی نقشه نظامی، نقشه عکسی یا کاغذ شبکه بندی شده است .

شمال مغناطیسی :

در هر نقطه از سطح کره زمین امتداد نوك شمال عقربه مغناطیسی را در صورتی که افقی بوده و در شرایط آزاد باشد شمال مغناطیسی آن نقطه گویند .

شمع کوبیدن :

کوبیدن میله‌هائی در زمینهای سست برای استقرار ساختمان

شمع گرم :

شمعی است که طول عایق آن بلندتر باشد .

شناسائی :

۱- در کاربرد نظامی یکی از اقدامات اطلاعاتی عامل است و به معنی تلاش هدایت شده‌ایست، در زمینه جمع-آوری اخبار از دشمن و منطقه عملیات ، از طریق زمین و هوا .

۲- واژه متداول در پدافند زمین بهوا و یعنی تشخیص هواپیماهای خودی از دشمن با استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی و بصری .

شناسائی از موضع :

بررسی مشروح از زمین بعنوان مبنائی بمنظور انتخاب محل مطلوب برای جنگ افزارها و عده‌ها .

شناسائی با آتش :

یکی از انواع شناسائی است که در آن با اجرای آتش بر روی مواضع مشکوک ، دشمن و ادا

شناسائی بارزم

میشود که یا با حرکت و یا پاسخ با آتش ، محل خود را فاش سازد .

شناسائی با رزم :

يك عمل آفندی است ، عبارت از تکی است که با نیروی نسبتاً قابل ملاحظه‌ای جهت توسعه وضعیت اجراء میگردد .

شناسائی با فرصت پل :

با در درست داشتن فرصت کافی و افراد ورزیده بمنظور تعیین عوامل مورد لزوم برای تعیین طبقه بندی و شناسائی پل انجام میگردد .

شناسائی پل :

عبارت است از تعیین عوامل محدودکننده يك پل که بعنوان قسمتی از راه محسوب میشود . این عوامل محدودکننده عبارتند از عرض معبر ، فضای بالای سر ، ظرفیت تحمل بار ، ظرفیت عبور و مرور ، برآورد مقدار تعمیر یا تقویت لازم و نصب علائم مورد لزوم .

شناسائی جاده :

۱- تلاش هدایت شده ایست بمنظور جمع‌آوری اخبار از جاده ، موانع دشمن در

مسیر جاده و زمین مجاور آن که در حرکت مؤثر خواهد بود .

۲- نوعی شناسائی است

جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد جاده ، که برای ارزیابی مورد استفاده قرار میگیرد ، این اطلاعات بیشتر در اطراف بهره‌برداری فوری از جاده دور میزند تا اینکه نوع نگهداری جاده را مشخص کند . نوع ظرفیت عبور و مرور جاده و ظرفیت تحمل بار کنونی آن و احتمالاً برآورد کار و مصالح در مورد جاده بحد مورد نظر در این شناسائی بررسی میشود .

شناسائی راه :

یکنوع شناسائی ویژه مهندسی است که بر اساس قواعد عمومی شناسائی انجام شده و بسته به نوع مأموریت و یا بمنظور جمع‌آوری اطلاعات کلی راجع به راه و یا جمع‌آوری اطلاعات جزئی و دقیق راجع به آن خواهد بود ، بعضی از نکات مورد بررسی عبارتند از : مختصات فیزیکی راه ، برآورد ظرفیت ،

شناسائی ویژه :

عبارتست از تهیه اطلاعات ویژه بطور دقیق و جزئیاتی از يك موضوع فنی بخصوص که برای برآورد نفر و مصالح و وسایل بکار برده میشود مانند بدست آوردن اطلاعات مهندسی.

شنی : (زنجیر)

این واژه در تانکها بکار میرود و قسمتی است که از قطعات فلزی و یا لاستیکی مستحکم و بهم پیوسته تشکیل شده و موجب انتقال نیروی محرکه از چرخها به تانک میشود و با استفاده از همین خاصیت شننی است که تانکها و خودروهایی شننی دار قادرند در شیبهای تند و زمینهای ناهموار و از بریدگیهای عمیق و متناسب براحتی عبور نمایند و یا در جای خود مانور نمایند، و یا دور بزنند.

شورای امنیت :

یکی از سازمانهای تابعه سازمان ملل متحد است که مسئولیت حفظ امنیت و صلح بین المللی را برعهده دارد و محل آن در آمریکا (نیویورک) است.

برآورد میزان تحمل بار، اطلاعات مورد نیاز راجع به تونل، پل، گدار و سایر تأسیسات عبور و همینطور انواع موانع راه.

شناسائی عمومی مهندس :

تهیه اطلاعات مهندسی است از وضعیت کلی منطقه که در برآورد وضعیت در طرح نهائی و تعیین وظیفه یگانهای کوچک مؤثر است.

شناسائی منطقه :

تلاش هدایت شده ایست بمنظور جمع آوری اخبار مشروح از جادهها، زمین و نیروهای دشمن در يك منطقه مشخص و معین.

شناسائی مهندسی :

عملیات تجسس برای جمع آوری، ثبت و گزارش اطلاعات مربوط به زمین، مصالح و وسایل مهندسی و غیره که در عملیات مهندسی مؤثر باشند.

شناسائی ناحیه :

تلاش هدایت شده ایست بمنظور جمع آوری اخبار مشروح از کلیه جادهها، زمین و نیروهای دشمن در يك ناحیه که بوسیله حدود مشخص میشود.

شورای عالی

شورای عالی :

شورائی که در هیئت دولت
و یا در وزارتخانه‌ها از آن بالاتر
نباشد و در نیروهای مسلح
شاهنشاهی این شورا بنام
شورای فرماندهان معروف
است .

شورای فرماندهان :

به معنی واژه شورای عالی
مراجعه شود .

شورای ملی :

کنکاش همگانی - کنکاش
نمایندگان ملت .

شورش :

عبارتست از طغیان مردم علیه
حکومت قانونی و یا اشغالگر که
هنوز به یک جنگ داخلی تبدیل
نشده است .

شوریدن :

شورش کردن - به غوغا و
هیجان برخاستن .

شهباب :

اخگر - درخشش آتش -
پاره آتش .

شهباب ثاقب :

شعله افروخته اجرام سماوی
یا سنگهای مشتعل آسمانی که

گاهی درحین حرکت درفضا
دیده می‌شوند .

شهادت :

- ۱- گواهی دادن .
- ۲- کشته شدن در راه خدا .
- ۳- کشته شدن درجنگ با
دشمن و درحین عملیات
رزمی .
- ۴- کشته شدن در راه مصالح
ملی و میهنی .

شهبامت :

بی باکی ، دلیری ، توانائی ،
زیرکی ، بزرگی و فرمانروائی .

شهبپر :

- ۱- شاهپر ، شهبال ، پره‌ای
بزرگ پرندگان .
- ۲- قسمتی از بالهای هواپیما
که تغییر خط سیر هواپیما
بتوسط آن انجام می‌شود .

شهبربانی :

سازمانی است که مأموریت
حفظ نظم ، آرامش و امنیت
در شهرها بر عهده دارد .
و یا سازمانی که مأمور پاسبانی
در شهرها است و دستگیری
دزدان ، جنایتکاران و تبهکاران
از وظائف آن می‌باشد .

شهربانی کشور شاهنشاهی

(واحد طول) شیب طولی جاده
(برحسب درصد) مینامند .

شیب عرضی جاده :

اختلاف ارتفاع محور طولی و لبه
داخلی تکیه گاه را در فاصله
افقی بین این دو نقطه در عرض
جاده شیب عرضی جاده
مینامند .

شیب عرضی یکطرفه :

در محل قوسهای افقی جاده
برای خنثی کردن نیروی گریز
از مرکز ، لبه داخلی قوس با
لبه خارجی قوس دارای اختلاف
ارتفاعی است که این اختلاف
ارتفاع در فاصله افقی شیب
عرضی یکطرفه نامیده میشود .

شیب مجاز :

مقدار شیب طولی است که
ظرفیت جاده را برای خودروهایی
تاکنیکی پائین نیآورد ، مقدار
این شیب در جادههای نظامی
معمولا شصت درصد است .

شیب مطلق :

مقدار شیب طولی است که از
آن نبایستی تجاوز کرد و در
جادههای نظامی ۱۰٪ میباشد .

شیب و ضد شیب :

شیب و ضد شیب نسبت به

شهربانی کشور شاهنشاهی :

به معنی واژه شهربانی مراجعه
شود - سازمانی است جزء
نیروهای مسلح شاهنشاهی ،
و از نظر قانون مدنی ایران در
تابعیت وزارت کشور است .

شمیبه :

- ۱- حاضر ، شاهد ، گواه .
- ۲- کشته شده در راه خدا .
- ۳- کشته شده در جنگ با
دشمن و در عملیات رزمی .
- ۴- کشته و یا ترور شده در
راه مصالح ملی و میهنی .

شیب :

زاویه ایست که یک سطح مایل
از زمین با سطح افق تشکیل
میدهد .

شیب تمرکز :

قسمت جلو اطاق خرج دارای
شیب بسیار کمی بوده و جهت
قرار گرفتن گلوله بحالت
مرکزی در داخل لوله میباشد .

شیب تند جاده :

شیبهای بیش از ۶ درصد
جاده را شیب تند گویند .

شیب درصد طولی جاده :

مقدار اختلاف ارتفاع دو نقطه
از جاده را در فاصله ۱۰۰ متر

شیپور

در سربازخانه ها بوسیله شیپور و شیپورچی ابلاغ می شود (منوط به آنکه فرامینی باشد که قبلا به صدای ویژه ای از شیپور تبدیل شده باشند و همگان به آن صداها آشنا باشند).

شیپورچی :

سرباز و یا کسی که با دمیدن در دهنی شیپور صداهای گوناگون از آن بسازد . نقری که جزء دسته موزیک و یا دسته بالابان یگانها بوده و کارش شیپور زدن باشد .

محل دشمن مشخص میشود . دامنه ای از بلندی که سمت بدشمن قرار گرفته شیب و آن طرفی که پشت بلندی واقع شده و از دید زمینی دشمن محفوظ باشد ضد شیب نامیده میشود .

شیپور :

۱- نقر ، سرنا ، سرنای برنجی دهان گشاد و یایکی از سازهای بادی که با دمیدن در آن صدا در می آید .
۲- درکار برد نظامی فرامین صادره از سوی فرمانده

فرهنگ واژه‌های نظامی

ص

ص :

حرف هفدهم از الفبای فارسی است ، این حرف مخصوص زبان عربی است و در واژه‌هایی که اکنون در فارسی با صدا نوشته می‌شود این حرف مانند سین تلفظ می‌شود .

صائب : (بکسر همزه)

درست ، به هدف خورده ، به هدف اصابت کرده ، بی‌خطا ، راست .

صاعقه :

درخشش ، برقی که از بهم خوردن ابرها بوجود آید ، ابرهای الکتریسته دار ، رعد و برق ، آتش‌زا .

صافی :

بدستگاهی گفته میشود که ناخالصی‌های محلول در آب یا هر محلول دیگری را مجزاکند.

صافی هوا :

دستگاهی است که هوا را از وجود گرد و خاک تصفیه میکند.

صافی دیاتومایت :

به نوعی از صافی گفته میشود که بر اصول پیش‌اندود کردن صافی با سیلیس و یادیاتومایت کار میکند .

صافی روغن :

وسیله ایست که کثافت موجود در روغن را بخود میگیرد .

صیقلگاه :

بمنظور برافراشتن پرچم و برای نیایش و سپاس بدرگاه خداوند یکتا از داشتن چنین میهن عزیز و پهناوری ، با شاهنشاهی دادپرور و بانیات و آرزوهای بلند برای سرافرازی ایران با طلیعه طلائی پرتو خورشید مراسم با شکوه و

مقدسی در هر یگاه (صبح زود)
 در سربازخانه‌ها با شرکت کلیه
 پرسنل بنام صبحگاه اجرا
 میشود .

صحنه :

زمین هموار - جای وسیع -
 محل نمایش در تماشاخانه -
 سن ، منطقه وسیع و پهن .

صحنه جنگ :

۱- صحنه جنگ شامل قسمتی
 از خشکی و دریا و هوا است
 که مستقیماً عملیات جنگی در
 آن انجام گرفته و یا ممکن
 است انجام گیرد .

۲- شامل صحنه عملیات و
 ناحیه داخلی است که
 مستقیماً درگیر عملیات
 رزمی و پشتیبانی خدمات
 رزمی است و یا سرزمین
 وسیعی است متشکل از یک
 حدود جغرافیائی که جنگ
 در آن محدوده جریان دارد .

صحنه عملیات :

آن قسمتی از صحنه جنگ
 است که برای انجام عملیات نظامی
 (خواه آفندی خواه پدافندی)
 و پشتیبانی خدمات رزمی مربوط
 به آن عملیات لازم است .

فرمانده کل قوا با عطف توجه
 به نیازمندیها و وضعیت موجود،
 حدود جغرافیائی صحنه عملیات
 را تعیین میکند .

صداخفه کن :

وسیله ایست برای کم کردن و
 یا از بین بردن صدای جنگ -
 افزارهای کالیبر کوچک که در
 مواقع لازم در سرلوله تفنگ و
 یا اسلحه کمتری نصب میشود .

صدا اسنج :

وسیله ایست که برای تعیین
 میزان ارتعاشات صدا و اصوات
 بکار می رود .

صدا کردن :

خواندن ایستگاهی از طریق
 بیسیم را صدا کردن گویند و
 طرز صدا کردن بدین ترتیب
 است که نخست معرف صدا
 شونده را گفته و سپس کلمه
 (اینجا) و آنگاه معرف ایستگاه
 صدا کننده را ذکر میکنیم این
 صدا کردن را صدا کردن کامل
 گویند مثلاً (ارس اینجا بهرام
 بگوشم) .

صدا کردن يك ایستگاه :

گروهی از علائم مخبراتی که
 وسیله يك ایستگاه رادیویی

صرفه جوئی آمادها

صف :

چنانچه نفقات پیاده و خودروها (از هر نوع) در کنارهم قرار گیرند خطی را تشکیل میدهند بنام صف (ممکن است صف دريك و یا دو و یا سه خط و یا بیشتر نیز تشکیل شود).

صفر زمین :

واژه ایست متداول در جنگهای هسته ای و نقطه ای در سطح زمین یا آب که درست در مرکز انفجار و یا گوی آتشین قرار دارد (در انفجارات سطحی) در انفجارات بالای سطح زمین یا آب و زیر سطح زمین یا آب نقطه ای است فرضی در سطح که از امتداد قائم مرکز گوی آتشین بر روی سطح اثر میگذارد.

صلاحیت :

شایستگی انجام يك کار - قابلیت - اهلیت .

صلاحیت خدمت :

شایستگی اطلاعاتی و ملی برای انجام وظائف مهم در یگانهای ارتش (مانند دسترسی باسناد طبقه بندی شده و یا انجام وظائف مهم ملی و غیره)

برای برقراری تماس با ایستگاه دیگر بکار میرود .

صرفه جوئی آمادها :

عبارت از عملیاتی است که بمنظور حفظ وسایل انجام میشود. این عملیات عبارتند از: محافظت، بکار بردن یا بمصرف رساندن صحیح، نگهداری، جلوگیری از حیف و میل و تخلیه بمنظور نگهداری و تعمیر و قابل استفاده کردن وسایل.

صرفه جوئی در قوا :

عبارتست از جلوگیری از کاربرد و مصرف نامتناسب نیروها در صحنه عملیات (ناحیه رزم) بمنظور بکار بردن تمامی نیروها در محل و مکان مناسب و مورد نظر فرمانده .

صعب :

دشوار - سخت - مشکل .

صعب عبور :

راه ناهموار و سخت، گذر سخت، راه مشکل و دشوار .

صلح نامه :

نوشته ایست که مقررات صلح و آشتی در آن نوشته شده و طرفین رعایت مفاد آنرا تعهد کرده باشند .

صلاحیت‌دار :

شایسته ، سزاوار - واجد
شرائط ، درخور

صورت‌بندی (آرایش)

عبارتست از گسترش مناسب
با وضعیت یگانهای پیاده زرهی
و مکانیزه در منطقه عملیات و در
هوا برای هواپیماهای نظامی
و جنگنده‌ها و در دریاها و آبها
برای گشتی‌ها و ناوچه‌ها .

صورت بندی پله :

(پله بر است یا پله بچپ)
گسترش خودروها یا افراد را
در فاصله و مسافت معینی در
عقب یکدیگر (به راست یا به -
چپ) صورت بندی پله گویند.

صورت‌بندی در خط :

گسترش خودروها یا افراد را
در فواصل معین در پهلوها
و در یک خط مستقیم صورت
بندی در خط گویند. این صورت
بندی برای بیرون آمدن از
داخل دود و عبور از خط‌الراسها،
خط عزیزمت و ترك جنگل و
هجوم روی هدف بکار میرود.

صورت‌بندی ستون :

گسترش خودروها یا افراد را
پشت سر هم بفواصل معین

صورت بندی ستون گویند و
معمولاً برای راه پیمائی شبانه،
عبور از گردنه و جنگل و دود
بکار میرود .

صورت‌بندی مثلث :

گسترش خودروها یا افراد
بصورتی که یکی از آنها رأس
مثلث و بقیه دو ساق مثلث را
تشکیل دهند و رأس مثلث
رو بسمت جبهه باشد. این
صورت بندی در مواقعی که
وضعیت دشمن نامعلوم یا
برخورد با دشمن نزدیک
باشد مورد استفاده قرار میگیرد.

صورت‌بندی مثلث عکس :

وقتی که قاعده مثلث صورت بندی
یگانها رو بسمت حرکت و یا
جبهه باشد ، صورت بندی
مثلث عکس نامند

صورت‌بندی دسته سوار زرهی :

این آرایش را دسته سوار
زرهی به صورت زیر اتخاذ
میکند :

گروه دیده‌ور در دو مسیر (هر
جوخه در یک مسیر) در جلو قرار
گرفته و رسد تا نکما در عقب و
در وسط این دو مسیر حرکت
میکنند پشت سر آنها فرمانده
دسته سپس گروه تفنگدار و

صورتجلسه

نفر در باره يك موضوع و
امضاء آنرا صورتجلسه
گویند .

صیقل :

زدودن - جلادان - صاف و
براق کردن - درخشان

صیقلی :

صیقل دار - شفاف - جلادار -
براق .

صورت مجلس :

به معنی واژه صورت جلسه
مراجعه شود .

آخر از همه گروه پشتیبانی
حرکت مینماید. بنحوی که
شکل (۷) درست کند .

صورت جلسه :

- ۱- عبارتست از درج نتیجه
بررسی موضوع یا مطالب
مورد نظر که از توافق وهم-
آهنگی های لازم بین هموندان
در کمیون بدست آمده به-
منظور ارائه پیشنهادات
منطقی برای اتخاذ تصمیم
صحیح مقامات مربوطه.
- ۲- درج گفتگو و مذاکره چند

فرهنگ واژه‌های نظامی

ض

ض :

حرف هجدهم االفبای فارسی است، این حرف مخصوص زبان عربی است و در زبان فارسی آنرا مانند ز (زاء) تلفظ میکنند .

ضارب :

زنده - کوبنده .

ضابط :

ضبط کننده ، بایگان - نگهدارنده - نظم دهنده کارها .

ضابطه :

قاعده - قانون - مبنا .

ضابط دادگستری :

مأمورین نیروهای مسلح شاهنشاهی شامل ژاندارمری شهربانی کشور شاهنشاهی و مأمورین ویژه اطلاعات و ضد اطلاعات و نیروهای سه‌گانه در امور کیفری .

ضامن :

اهرمی است که در دستگاه چکاننده جنگ افزار تعبیه شده تا موقعی که قصد تیراندازی نداریم بوسیله آن از چکاننده شدن بیمورد ماشه جلوگیری شود .

ضایعات :

تلفات - کشته شدگان - از دست رفتگان .

ضایعه :

از دست رفته - تلف شده - کشته شده - گمشده .

ضد آتشبار :

اجرای آتش توسط توپخانه ، علیه توپخانه دشمن را آتش ضد آتشبار گویند .

ضد اطلاعات :

۱- شامل کلیه اقداماتی است که حفاظت مدارك، پرسنل،

ضد اغتشاش

اطلاعاتی یا ایجاد هرگونه مزاحمت رادیویی انجام شود.

ضد براندازی :

آن قسمت از فعالیتهای ضد اطلاعاتی است که صرف از بین بردن اثرات زیان بخش فعالیت های براندازی از طریق کشف، شناسائی، بهره برداری، نفوذ، دلسرد کردن افراد، دستجات و سازمان هائیکه اینگونه فعالیتها را هدایت کرده و یا قادر بانجام آن هستند میگردد.

ضد تانک :

هر نوع جنگ افزار یا مهماتی که علیه خودرو های زره دار بکار رود.

ضد جاسوسی :

قسمتی از فعالیتهای ضد - اطلاعاتی عامل است که هدف آن کشف و خنثی کردن فعالیتهای جاسوسان خارجی است.

ضد خرابکاری :

فعالیت هائی است که برای از بین بردن اثرات فعالیت های خرابکارانه خسار جی از طریق کشف، نفوذ، خنثی کردن،

وسایل و تأسیسات خودی را در برابر فعالیتهای جاسوسی دشمن حفظ میکند.

۲- آنقسمت از فعالیتهای اطلاعاتی است که صرف از بین بردن اثرات فعالیتهای زیان بخش اطلاعاتی بیگانه و دشمن شده و نیز حفاظت اطلاعات در برابر جاسوسی، حفاظت اشراد در برابر براندازی و حفاظت تأسیسات و وسائل در برابر خرابکاری و وسائل در برابر خرابکاری را فراهم نماید.

ضد اغتشاش :

شامل کلیه اقدامات عاملی است که به منظور خنثی نمودن فعالیتهای اغتشاش کنندگان و پراکنده نمودن آنان انجام می شود.

ضد الکترونیکی :

اقدام ضد اطلاعاتی عامل است که بمنظور بی اثر گناردن فعالیت های مخابراتی و الکترونیکی دشمن در فعالیت های مخابراتی و الکترونیکی نیروهای خودی بمنظور جلو گیری از هرگونه بهره برداری

ضد پارازیت

دل سرد کردن افراد، دستجات و سازمان هائیکه اینگونه فعالیتها را هدایت نموده ویا قادر به انجام آن هستند، انجام میگردد .

ضد پارازیت :

اقداماتی است که بمنظور خنثی نمودن فعالیت های مزاحم مخابراتی دشمن بر روی سیستم های ارتباط مخابرات خودی انجام میشود .

ضد خمپاره :

اجرای آتش توسط خمپاره انداز و توپخانه علیه خمپاره انداز دشمن را ضد خمپاره گویند .

ضد شناسائی :

اقدام ضد اطلاعاتی عامل است که به منظور بی اثر گذاردن فعالیت های شناسایی عناصر دشمن از نیروهای خودی انجام میشود .

ضد شورش :

فعالیت و اقدامات نظامی ، شبه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و مردم یاری است که بوسیله یک دولت برای از بین بردن شورشهای براندازی اجراء میشوند .

ضد ضد الکترونیک :

(به واژه اقدامات ضد ضد الکترونیک مراجعه شود) .

ضد عفونی :

عبارتست از بکار بردن مواد شیمیائی برای از بین بردن باکتریها و سایر میکربها . جلوگیری از بیماری .

ضد موازنه :

دستگاهی است که در بستن و بازکردن کولاس کمک میکند .

ضد اجتل (ضرب الاجل)

تعیین کردن وقت محدود برای انجام کاری معین .

ضد اس (ضرب 8)

مقدار تغییر سمت لازم بر حسب میلیم است که بازاء آن گلوله روی خط دیدبانی بمیزان ۱۰۰ متر تغییر برد میدهد .

ضد پراکندگی (بهداری)

بعلت تعدد طبقه بندی بیماران، همواره تعدادی تختخواب خالی است که نمیتواند مورد استفاده قرار گیرد. بنا براین یک ضریب پراکندگی (همیشه بیشتر از یک) در نظر گرفته میشود ، ضریب پراکندگی برای در دسترس بودن تختخواب ثابت

ضریب تجمع

اعشاری بیان شده و به موجب آنها مقدار آمادهای جانشین (تعویض) ، تعیین میشوند .

ضریب سرعت نما :

عبارت از عددیست که به راننده داده میشود تا در سرعت خودرو ضرب نموده و با اندازه حاصل ضرب برحسب متر از خودروی جلو فاصله بگیرد .

ضریب کا : (ضریب k)

عبارتست از مقدار تصحیح برد در ۱۰۰۰ متر (مورد استفاده در تیراندازی توپخانه) .

ضمیمه :

عبارت از جدول ، یادداشت و یا فرم اطلاعاتی است که به پیوست نامه‌ها و یادستورالعملها اضافه میشود و برای گیرندگان فرستاده میشود .

ضوابط :

جمع ضابطه ، قاعده ها .

بیمارستان بیشتر از تعداد واقعی برآورد میشود .

ضریب تجمع :

شماره روزهای راکه يك بیمار با توجه به طول خط مشی تخلیه، تختخواب بیمارستانی را بطور متوسط اشغال مینماید، بیان میکند .

ضریب جاده :

عددی است که از تقسیم حجم کالا بر حسب فوت مکعب به وزن کالا برحسب تن بدست میآید .

ضریب جانشین :

عبارتست از پورسانتاژ (درصد) برآورد شده‌ای از تجهیزات یا قطعات تعمیری مورد استفاده و مورد استعمال است که در طی يك دوره مشخص، احتیاج به تعویض دارند . ضریب جانشین نسبت به مقدار تجهیزات ، برحسب کسور

فرهنگ واژه‌های نظامی



چوب مخصوص بر طبل، کوس
و یا دهل می‌نوازد .

طبق : (بفتح ط و ب)

تخته پهن و گرد چوبی و یا فلزی
که بر روی آن چیزهایی بگذارند

طبق : (بکسر ط) (واژه ربط)

برابر - برحسب - بموجب .

طبق ترمز :

صفحه‌ای است مدور که روی
محورها ثابت شده و محل
نصب قطعات ترمز خودرو
می‌باشد .

طبقه :

اشکوب - درجه، پله، مرتبه .

طبقه بندی :

ترتیب درجه حفاظت اسناد و
مدارك را طبقه بندی گویند
(که بچهار طبقه بکلی سری ،
سری، خیلی محرمانه و محرمانه
تقسیم می‌شوند) .

ط :

حرف نوزدهم از الفبای فارسی
است ، این حرف در واژه‌های
فارسی نیست و در واژه‌هایی
که از زبان سامی وارد زبان
فارسی شده مانند حرف (ت)
تلفظ می‌شود .

طاقت :

توان - قدرت، تحمل - بردباری .

طاقت فرسا :

آنچه که تاب و توان رافرسوده
کند ، تحمل ناپذیر .

طاق نصرت :

آئین بندی ، طاق پیروزی ،
دروازه پیروزی ، چراغانی و
آذین بندی .

طبال :

طبل زن - عنصری از دسته
موزیک و یا دسته بالابان ،
که با حرکت دادن سریع دو

طبقه بند اتربریک

و سرعت خودرو هنگام عبور دارد .

طبل :

کوس، دهل، ناقور (عبارتست از محفظه‌ای دایره‌ای شکل و فلزی که سطح بالا و پائین آن از پوست مخصوصی پوشیده شده است و جزء آلات وادوات موسیقی، دسته موزیک و یا دسته بالابان می‌باشد که با نواختن بر سطح طبل (پوست) توسط طبال صدائی باطنین کوبنده و هیجان انگیز از آن ایجاد می‌شود .

طپانچه :

(تپانچه) جنک افزایشی است ، سبک ، انفرادی و کوچک که معمولاً به کمر بسته میشود . و برای تیراندازی در مسافت‌های خیلی نزدیک بکار برده می‌شود .

طراده :

سطح شناوری است که با وسایل ابتکاری و یا تجهیزاتی ساخته میشود که پس از بارگیری بوسیله نیروئی ، از ساحلی به ساحل دیگر رانده میشود . طراده بمعنای قایق ، ناو ، کشتی کوچک نیز می‌باشد .

طبقه بندی اتربریک :

طبقه بندی خاکها از روی مقدار آبشان .

طبقه بندی پلها :

روش نظامی گروه بندی پلها از روی ظرفیت بار مجاز آنها تحت شرایط عبور عادی از روی پل رابطه بندی پل گویند .

طبقه بندی جاده :

مشخص کردن نوع مسیر ، زهکشی ، پی ، رویه ، طول قطعه جاده مورد شناسائی ، عرض جاده ، معبر جاده در باریکترین محل ، نوع مصالح رویه ، شیب‌های تند و موانع موجود یک جاده را طبقه بندی جاده گویند .

طبقه پل :

شماره ایست که برای پلها تعیین میکنند که معرف ظرفیت عبور دادن بار نظامی بطور مطمئن از روی پل میباشد .

طبقه خودرو :

شماره ایست که معرف اثر هر خودرو هنگام عبور از روی پل میباشد . این اثر بستگی به وزن خودرو با محموله مربوطه طریق تقسیم وزن به محورها

طراز

طراز : (تران)

ابزار تعیین سطح هموار ،
ردیف - راست و صاف .

طرح :

۱- زمینه آماده کردن، پیشنهاد
کردن، موضوعی را در میان
شور و بحث نهادن .
۲- عبارت از پیشنهادی است
که به منظور اجرای تصمیم
فرمانده تهیه می شود. طرح
در واقع آمادگی یگان را در
منطقه مورد نظر نشان میدهد
و تعیین میکند در صورت
بروز حادثه در آن منطقه
واکنش یگان در برابر آن
چه می باشد .

طرح آتش :

این طرح معمولاً ضمیمه طرح
پشتیبانی آتش و در پیوست
دستورهای عملیاتی منتشر
می شود و شامل لیست هدفها،
برنامه زمانی اجرای آتشها
(توپخانه و خمپاره اندازها) ،
اطلاعات حاشیه ای و قسمت های
ترسیمی و سایر اطلاعات لازم
در زمینه پشتیبانی های آتش
از عملیات جاری می باشد .

طرح آتش توپخانه :

طرح بکار بردن جزء به جزء

توپخانه های موجود است که
بمنظور تکمیل طرح پشتیبانی
نیرو با طرحهای دیگر توأم
میشود .

طرح پشتیبانی آتش :

طرحی است که روش بکار بردن
یگانهای توپخانه و سایر
امکانات آتشی را در پشتیبانی
از عملیات رزمی تشریح نموده
و هم آهنگی لازم به منظور
متمرکز ساختن کلیه تلاشهای
آتشی را فراهم و در پیوست
دستور عملیاتی منتشر می شود
و خود دارای ۵ ماده است .

طرح تیر :

عبارتست از يك نقشه عکسی،
کاغذ شبکه بندی شده یا ساده
که موقعیت نسبی آتشبارهای
تیر ، نقاط ایت تیر، هدفها و
جزئیات لازم دیگر جهت تهیه
عناصر تیر ، روی آن نشان
داده شده است .

(دو نوع طرح تیر وجود دارد:
طرح تیر نقشه برداری شده -
طرح تیر دیده بانی شده) .

طرح حرکت هوایی : (هوابرد)

طرحی است برای حرکت هوایی
که شامل دیگرام مسیر پرواز
(تهیه شده بوسیله عناصر

طرح ریزی

طرح عملیاتی :

طرحی است که به منظور ایجاد هم‌آهنگی‌های لازم در اجرای تصمیم فرماندهی به منظور اجرای مأموریت تهیه می‌شود، و به محض آنکه طرح عملیاتی تصویب و بامضاء فرمانده رسید تبدیل به یک دستور عملیاتی میگردد .

طرح مانور :

یک طرح تاکتیکی است که با اجرای صحیح و کامل آن عده‌ها، ساز و برگ و آتش یگان در وضعیت مناسبتری نسبت بدشمن قرار میگیرد .

طرفین :

دوطرف - دو یگان روبروی یکدیگر .

طریقه بدون رسید :

طریقه ارسال یک پیام از ایستگاهی به ایستگاه دیگر که ایستگاههای مقصد (گیرنده) ممکن است پیام را دریافت ولی برای آن رسید ندهند . در این روش ارسال پیام ، ایستگاه صدا شده مسئول دریافت صحیح پیام در ایستگاه خود میباشد .

حمل کننده ، - جدول حرکت هوائی (مستترکاً تهیه میشود) و جدول بارگیری هوائی (تهیه شده بوسیله عناصر نیروی زمینی) میباشد .

طرح ریزی :

عبارت از عملی است به منظور رسیدن به یک پیشنهاد برای اجرای تصمیم فرمانده برای مشخص کردن نوع واکنش پیش بینی شده در صورت بروز حادثه (در طرح ریزی‌ها بایستی ترتیب توالی منطقی رعایت شود) .

طرح ریزی آموزشی :

پیش بینی و اقدامات لازم در زمینه پیشرفت آموزش به منظور رسیدن به هدفهای آموزش و تصمیم و خواست فرمانده در آموزش .

طرح ریزی عملیاتی :

دستور عملیاتی قبل از تصویب و امضاء فرمانده بصورت طرح عملیاتی است و طرح ریزی عملیاتی عبارتست از انجام هم‌آهنگی‌های کلیه ارکان و سایر اقدامات رکن سوم به منظور تهیه طرح عملیاتی .

طلایعه :

جلودار - پیشرو، نفرات مقدم
يك يگان رزمی پیش تاز -
پیش آهنک .

طلیعه :

طلایه - پیشرو - جلودار ،
مقدمه يك يگان رزمی پیشتاز.

طول جغرافیائی :

طول جغرافیائی هر نقطه
عبارتست از زاویه مرکزی
بین سطح نصف النهار آن نقطه
و سطح نصف النهار مبدأ .

طول زمانی :

زمان لازم برای عبور يك ستون
نظامی پیاده و یا موتوری یا
جزئی از آن از يك نقطه معین
می باشد .

طول ستون :

مسافتی است از جاده که
بوسیله يك ستون نظامی پیاده
و یا موتوری در حال حرکت
اشغال شده است .

طیاره :

هوایما ، آسمان نورد ، فضا
پیما .

طیف :

مجموعه رنگهائی است که در
اثر تجزیه نور های مرکب
حاصل می شود .

طیف شمسی :

(طیف خورشیدی)
رنگهائی گوناگون آفتاب که در
جسم بلورین (مانند کریستال)
نمایان می شوند .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ظ

ظ : بدهند ، آوند ، جای چیزهای قابل نقل .

ظرف مدت :

مدت معین برای انجام کاری ، گذر زمان ، طول زمان معین .

ظرفیت :

عبارتست از گنجایش تعداد مسافر (در خودرو ، کشتی ، قایق ویا هواپیما) یا تناژباری (در خودرو های باری) که میتواند يك خودرو حمل نماید و ظرفیت در جراثقال مقدار باری است برحسب تن که میتواند از زمین بلند کرده و جابجا نماید بدون اینکه به خودرو یا جراثقیل خسارتی وارد شود .

ظرفیت الکتریکی :

مقدار بار الکتریکی که میتوان از يك منبع الکتریکی گرفت یا در آن ذخیره کرد .

ظ :

حرف بیستم اذالفبای فارسی است، این حرف در فارسی نیست و مخصوص واژه های عربی است که وارد زبان فارسی شده و مانند (زاء) تلفظ می‌شود .

ظالم :

ستمکار - بیدادگر - ستمگر .

ظالمانه :

ازروی ستم‌وظلم، ستمکارانه، از روی بیدادگری .

ظاهرساز :

کسیکه کاری را بیش از حد و اندازه نشان بدهد - نمایش ده - جلوه‌گر ساز .

ظاهرسازی :

چیزی را وانمود کردن که حقیقت ندارد .

ظرف :

هرچه که در آن چیزی جای

ظرفیت جاده

ظرفیت جاده :

تعداد خودروئی که در يك جهت با سرعت تعیین شده میتواند در مدت يك ساعت از يك نقطه معین عبور کند .

ظفر :

پیروزی - غلبه ، دست یافتن بمراد و هدف ، رسیدن به مقصود .

ظن :

عقیده - گمان .

ظنین :

گماندار - سوء ظن دار - بد گمان .

ظہر : (بفتح ط)

پشت - پس - برابر روی (ظہر سند یا پشت سند) .

ظہر نویسی :

عمل پشت نویسی سند، چک، سفته و مانند آن .

ظہور :

ظاهر شدن - نمایان شدن ، پیدا شدن ، آشکار شدن .

ظہور هدف :

نمایان شدن هدف ، آشکار شدن هدف .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ع

ع :

حرف بیست و یکم از الفبای فارسی است ، این حرف در واژه های فارسی سره نبوده و در واژه های عربی متداول در زبان فارسی مانند همزه (ه) تلفظ می‌شود .

عائق : (عایق) :

آنچه که مانع عبور جریان الکتریسته شود مانند چوب ، یا پلاستیک که جزو عوامل بازدارنده جریان الکتریسته می‌باشند .

عائله :

زن و فرزند - کسانی که مسئولیت زندگی آنان بر عهده شخص باشند - خانواده .

عارض : عارض :

نمایان - پدیدار - رویداد - بیدار شونده .

عارضه :

پیش آمد - برجستگی زمین - تغییر وضعیت زمین .

عارضه حساسی :

منطقه یا محلی از زمین است که تصرف و کنترل آن برای هر یک از طرفین درگیر در رزم (متخاصم) مزیت شایانی در برداشته باشد .

عاری :

خالی - تهی - برهنه - لخت .

عاری از حقیقت :

دروغ - بی‌اساس .

عازم :

مصمم - اداره کننده - قصد کننده - نیت کننده .

عزیمت :

دل برکاری نهادن - قصد کردن - آهنگ کردن - آهنگ رفتن کردن .

عالی :

بلند - بالا - والا - ارجمند - بلندمرتبه - در کاربرد نظامی (درمورد استفاده طبقه بندی افسران) باین معنی است که: افسرانیکه برای این طبقه تشخیص داده میشوند جزء تعداد معدودی از افسران هستند که با نشان دادن کیفیات و سابقه خدمتی ، قابلیت فوق العاده ای برای انجام وظایف و قبول مسئولیت بالاتر و بیشتر را دارند .

عامل ارتباطات :

تسهیلاتی مشتمل بر پرسنل و وسائل لازم برای فراهم کردن ارتباط با هر یک از وسائل مخابراتی و یا ترکیبی از آنها :

عامل اطلاعاتی :

عنصری است با آموزشهای ویژه اطلاعاتی که موظف است اخبار و وقایع جاری را از هر گونه فعالیتهای دشمن و یا عناصر دست نشانده آن جمع آوری و برای بهره - برداریهای لازم به رده بالاتر گزارش نماید .

عامل بیولوژیکی :

موجود زنده ذره بینی که موجب بیماری در انسان و حیوان شده و یا سبب دگرگونی مواد آلی میشود .

عامل شیمیائی :

مواد جامد ، مایع و گازی که در اثر خواص شیمیائی خود موجب اثرات مرگ آور یا آسیب ، روی انسان و نباتات یا وسائل گردند .

عاید :

دستگاهی است که لوله توپ را پس از عقب نشینی حاصله در اثر تیراندازی ، بجای اولیه خود برمیگرداند .

عبارات اضافی رمز : (لانی) :

کلمات یا عباراتی که مربوط بمتن پیام نبوده و هنگام رمز کردن پیام ، عبارات مزبور اضافه شده و موقع کشف حذف میشوند .

عبور :

گذشتن از جانی - راه پیمودن .

عبور از خط :

عملی است که در آن یگانی از میان منطقه یگان دیگری که با دشمن در تماس است تك

عبور با احتیاط

عذر :

بهبانه - بهبانه جوئی - بهبانه گیری .

عذر موجه :

کلام یا عذری که با دلیل و برهان و پسندیده باشد .
دلیلی که مورد تأیید باشد .

عراده :

۱- یکی از آلات و وسائل جنگ ، شبیه منجنیق که در گذشته وزمانهای قدیم برای پرتاب سنگ بطرف دشمن بکار میرفته .

۲- واژه‌ای است برای توپ از نظر گفتن و یا نوشتن زمانی که تعداد مورد نظر است (مانند سه عراده توپ و) .

عرصه :

زمین - فضا - میدان - پهنه .

عرصه تنگ کردن :

آزادی دشمن را سلب کردن - دشمن را از هرجهت محدود کردن و در تنگنا قرار دادن .

عرض جغرافیائی :

عرض جغرافیائی هر نقطه عبارتست از قوسی از نصف - النهار آن نقطه که بین آن نقطه

(حمله) نموده و یا یگانی از میان منطقه یگان دیگر عقب - نشینی میکند .

عبور با احتیاط :

(از روی پل) : عبور خودروهائی را گویند که با سرعتی معادل ۵ کیلومتر در ساعت و با حداکثر ۲۵ درصد بیش از ظرفیت پل از روی پل حرکت نمایند .

عدد ماخ :

عبارتست از نسبت سرعت هر جسم به سرعت صوت .

عده :

۱- جماعت، شماره - تعداد.
۲- در کاربرد نظامی عبارتست از عوامل پرسنلی تابعه يك سازمان از نظر کمیت و یا تعداد .

عدم :

نیستی - نابودی .

عدم صلاحیت :

صالح نبودن برای انجام کاری مخصوص و معین ، شایسته وسزاوار نبودن برای دسترسی با اسناد طبقه بندی شده - شایسته نبودن برای احراز مشاغل مهم و حساس .

عرض عبور يك راهه

و خط استوا واقع باشد .
و عبارت دیگر زاویه ای است
که امتداد قائم هرنقطه با
سطح استوا در مرکز زمین
میسازد (عرض نقاط در نیمکره
شمالی مثبت و در نیمکره
جنوبی منفی است) .

عرض عبور يك راهه :

آنقسمت از جاده که يك ستون
موتوری در يك جهت از روی
آن عبور کند عرض عبور يك
راهه نامیده میشود که حداقل
آن در جاده های نظامی سه
متر است .

عزم :

عبارتست از عکس العمل بار
در حرکت که مساوی است با
وزن بار ضرب در بازوی بار .

عقبدار :

نوعی نیروی تأمینی است که
در عقب نیروی پیشروی کننده
و یا عقب رونده عمل کرده و
این نیرو را در برابر تڪ (حمله)
غافلگیری و یا مزاحمت های
دشمن حفظ میکند .

عقب روی :

نوعی از حرکات بعقب است
که در آن نیروها با دشمن

تماس نداشته و به سوی
عقب حرکت میکنند .

عقب نشیمنی : (روزانه یا شبانه)

نوعی از حرکات بعقب است
که در آن تمام یا قسمتی از
نیروهای درگیر ، با دشمن
قطع تماس کرده و بعقب حرکت
میکند .

عقب نشیمنی بلند :

عبارت از آنست که لوله
جنگ افزار توپخانه هنگام
تیراندازی زیاد بعقب بیاید .

عقب نشیمنی کوتاه :

عبارت از آنست که لوله
جنگ افزار هنگام تیراندازی،
مقدار کمی بعقب بیاید .

عقبه :

قسمتی از يك قرارگاه یگان
بزرگ که اصولاً با اموراداری
و لجستیکی سروکار دارد .
(به رده عقب نیز مراجعه شود) .

عقربه مغناطیسی :

عقربه ایست منطبق بر صفحه
قطب نماهای (لنزیك آمریکائی)
و روی خاصیت آهن ربائی و
مغناطیسی در حالت آزاد در
هر حال سمت به شمال
مغناطیسی (که در نزدیکی

عکسبرداری مداوم از يك محدودده

نوع یگانها و فعالیتهاى نظامی در روی نقشه وضعیت و کالک بکار میروند در انتخاب این علائم بسایستی حتى المقدور شبیه شکل واقعی در طبیعت و مورد قبول همگان باشند و مقیاس نقشه چندان در ترسیم آنها رعایت نمیشود. این علائم به دو دسته تقسیم میشوند:

- ۱- علائم قراردادی نقشه‌ای.
- ۲- علائم قرار دادی نظامی.

علامت ذیحسابی :

ترکیبی از حروف که در عنوان يك پیام برای شناختن عامل، سرویس و یاسازمانی که از لحاظ مالی برای آن پیام ذیحساب و مسئول است بکار برده میشود.

علامت رفع خطر :

علامت قراردادی که برای آگاهی از رفع خطر تك هواپیماها و نیروهای مکانیزه و زیر دریائی‌های دشمن و غیره بکار میرود.

علامت طبقه‌بندی پل ، تونل ، گذار و گذار :

معمولاً دایره یا مربع مستطیلی است که مشخصات و ابعاد

قطب شمال قرار دارد) قرار میگیرد .

عکسبرداری مداوم از يك محدودده :

(باند)

عکسبرداری از يك محدودده (باند) زمین که در آن تصاویر در تمام طول خط پرواز بطور مداوم گرفته میشوند .

عکسهای هوائی :

عبارتند از تصاویر افقی سطح زمین بهمان شکلی که عوارض طبیعی و مصنوعی و اشیاء روی زمین از هوا دیده میشوند.

علائم راه :

علائمی هستند که برای تعیین محل، فاصله یا جهت، شماره راه و دیگر اطلاعات برای کمک به راننده در امتداد جاده‌ها نصب میشوند .

علائم شبیح :

انعکاساتی که روی صفحه رادار ظاهر شده و علت آن را نمیتوان تعیین کرد علائم شبیح مینامند .

علائم قراردادی :

علائمی هستند که برای سهولت تشخیص عوارض طبیعی و مصنوعی در روی نقشه و تعیین

علامت قراردادی هوا بزمین

معینی از پل - تونل - گذار
ویاگذار را روی آن مینویسند.

علامت قراردادی هوا بزمین :

علامتی است که بعنوان يك
وسیله مخابراتی بین يك
هواپیما و نیروهای مستقر در
زمین بکار میرود (هنگامیکه
استفاده از بیسیم هوا به زمین
ممکن نیست) .

علامتگذاری خودروها :

منظور شناخته شدن سریع
طبقه بندی هر خودرو برای
كمك کردن به کنترل عبور و
مرور از روی پلها و دیگر
وسایل میباشد .

عمده قوا :

عمده قوا شامل ثقل قدرت رزمی
يك نیرو بوده و آماده است
که در هر لحظه جهت تك به
نیروهای عمده دشمن و یا
هدف واگذاری ، وارد عمل
گردد .

عمر قانونی :

مدت زمانی را که دولت یا يك
سرویس فنی برای کارکردن
هر نوع وسیله ای تعیین نموده
باشد عمر قانونی گویند .

عمق میدان مین :

عبارتست از فاصله بین لبه
جلونی و عقب میدان مین .

عمل سلاح :

بدوره ای از اعمال فنی در داخل
يك جنگ افزار گفته میشود
که طی آن يك فشنگ دریافت
و تیراندازی شده و جنگ افزار
آماده تیراندازی و یا پذیرش
فشنگ بعدی میگردد .

عملی کلی :

(در مأموریت توپخانه) :
توپخانه با مأموریت عمل کلی،
پشتیبانی آتش را برای کلیه
یگانهای مربوطه فراهم میکند .

عمل کلی تقویت (در مأموریت توپخانه) :

توپخانه با مأموریت عمل کلی
تقویت، ضمن اینکه پشتیبانی
آتش را برای کلیه یگانهای
مربوطه فراهم میکند آتش دیگر
یگانهای توپخانه را نیز تقویت
مینماید .

عملیات :

بطور اعم یعنی ، هرچه که
قابل عمل باشد ، کارهای
انجام پذیر .

عملیات : (نظامی) :

عملیات شامل اقدامات نظامی
و یا اجرای هرگونه مأموریتهای

عملیات آفنی بی

عملیات بدافند داخلی :

اعمالی است که بوسیله یک کشور (ویا بکمک متحدینش) برای برقراری تأمین و بهبود بخشیدن اوضاع محیطی آن کشور انجام میگیرد که این اعمال با اجرای عملیات نظامی، شبه نظامی، انتظامی یا دیگر سازمانهای تأمین مستقیماً علیه شورشیان مسلح، سازمانهای زیرزمینی سیستم پشتیبانی و قدرت خارجی پشتیبانی کننده آنان و یا پناهگاههای آنها صورت میگیرد.

عملیات تأخیری :

نوعی از حرکات بعقب است که در آن نیروی عمل کننده بدون درگیری قطعی، بیشترین تأخیر و تلفات را بدشمنی که در حال پیشروی است وارد می آورد، به عبارت دیگر، کمترین فضا را بابدست آوردن بیشترین زمان با دشمن مبادله میکند.

عملیات توسعه داخلی :

اعمالی است که یک کشور ویا متفقین او برای تقویت حکومت محلی از لحاظ سیاسی،

تاکتیکی، استراتژیکی، خدمات آموزشی یا اداری میباشد.

عملیات آب خاکی : (آفنی بی) :

نوعی از عملیات رزمی آفندی است با تمام پشتیبانی های لازم به منظور دست یابی به یک سر پل در ساحل دور برای توسعه عملیات و تصرف مناطق حیاتی بیشتر. اینگونه عملیات به - طرح ریزی مشروح و پشتیبانی فوق العاده (بوژه از نظر وسائل ترابری آبی) نیاز دارد.

عملیات آفنی بی : (آب خاکی) (۱)

به معنی واژه آب خاکی مراجعه شود.

عملیات بعقب :

عبارتست از حرکت یک یگان بسوی عقب ویا درسمت دور شدن از دشمن.

عملیات پنهانی :

عملیاتی است که طوری طرح و اجراء میشود که چگونگی عملیات مخفی بماند و فرق آن با عملیات زیرزمینی آنست که در آن عملیات، مخفی ماندن هویت اجراء کننده اهمیت بیشتری از پوشیده ماندن خود عملیات دارد.

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی

خاکریزی را عملیات خاکی
مینامند.

عملیات رزمی :

هر نوع نبرد با دشمن ، کلیه
حرکات در میدان رزم ، عزیمت
و بازگشت از مأموریت جنگی
را عملیات رزمی گویند .

عملیات روانی :

شامل جنگهای روانی و سایر
فعالیتها و اقدامات طرحریزی
شده سیاسی ، نظامی ،
اقتصادی ، اجتماعی روانی و
ایده‌ئولوژیکسی (مرامی) است
که بمنظور نفوذ در عقاید ،
احساسات ، رفتار و تمایلات
گروه‌های هدف بیگانه (دوست
و بیطرف) برای نیل به هدفهای
ملی اجراء میگردد .

عملیات روانی استراتژیکی :

عملیاتی است که با استفاده
از آسیب‌پذیریهای سیاسی ،
اقتصادی ، اجتماعی ، روانی و
نظامی علیه قسمت بیشتری
از جمعیت یک کشور بکار
میرود و معمولا برای کاهش
کارآئی سازمانهای کنترل
داخلی کشور هدف و وارد کردن
خدشه به وجهه حکومت و
رهبری آن و از بین بردن میل

اقتصادی ، اجتماعی روانی ،
نظامی و رشد بیشتر ملی در
آن کشور انجام میدهند .

عملیات ثبات بخشی :

نوعی از عملیات پدافند داخلی ،
توسعه داخلی و کمک میباشد
که توسط نیروهای مسلح و
برای حفظ ، برقراری یا ایجاد
محیط امنی اجرا میشود که در
آن محیط ، حکومت مسئول
بتواند بطور مؤثری بانجام
وظایف خود پردازد ، که البته
بدون محیط امن پیشرفت
میسر نخواهد بود .

عملیات حفاظت منطقه عقب :

شامل کلیه عملیاتی است که از
قبل ، در حین ، و یا بعد از حملات
دشمن برای جلوگیری و خنثی
کردن خسارات وارده صورت
میگیرد . حفاظت منطقه عقب
شامل تأمین منطقه عقب
و کنترل خسارت منطقه است .

عملیات حمل هوایی :

حرکت عده‌ها و تجهیزات بوسیله
هواپیما برای اجرای یک
عملیات .

عملیات خاکی :

(در راه سازی)

کلیه عملیات خاکبرداری و

عملیات روانی تاکتیکی

مشابهی که بوسیله سازمان‌های آنچنان‌هدایت و اجراء میشوند که پوشش آنها تضمین شده باشد .

عملیات ش . م . ر :

بکار بردن عوامل شیمیائی ، میکروبی و رادیوآکتیو در عملیات رزمی را عملیات ش . م . ر گویند .

عملیات مردم یاری ارتش :

استفاده از نیروهای نظامی يك کشور برای اجرای پروژه‌هایی که برای کلیه طبقات مردم مفید باشد مانند آموزش و پرورش، کشاورزی، ترابری، مخبرات ، بهداشت و دیگر عواملی که بامرتوسعه اقتصادی و اجتماعی عمومی کمک کرده و ضمناً موجب بهبود روابط مردم و نظامیان شود .

عملیات مرکب :

عملیاتی است که برای انجام يك مأموریت واحد توسط نیروهایی از دو یا چند کشور متحد اجرا میگردد .

عملیات مشترك :

عملیاتی است که بوسیله دو یا چند نیروی يك کشور (زمینی، دریائی، هوائی) اجرا میگردد .

جنگجویی نیروهای نظامی بوده و به علل وضعیت روحی موجب تضعیف قدرت و همبستگی کشور هدف میشود .

عملیات روانی تاکتیکی :

عملیاتی است که علیه نیروهای نظامی و شبه نظامی دشمن برای کاهش کارآئی رزمی آنها و نیز برای جلوگیری از مداخله غیر نظامیان در عملیات تاکتیکی و کاهش تلفات غیر رزمی و تسریع در پشتیبانی نیروهای خودی اجراء میشود . عملیات روانی تاکتیکی از طرحهای تاکتیکی که برای رسیدن به هدف های کوتاه مدت تهیه میشود پشتیبانی میکند .

عملیات روانی تحکیمی :

عملیاتی است که هدف آن مردم مناطق خودی ، یاسرزمین‌های که توسط نیروی نظامی خودی اشغال شده میباشد و برای تسهیل عملیات و بالابردن سطح همکاری مردم غیر نظامی هدایت میشود .

عملیات زیرزمینی :

عبارتست از فعالیتهای اطلاعاتی، ضد اطلاعاتی و سایر فعالیتهای

عملیات مهانعتی

عملیات مهانعتی :

نوعی از عملیات آفندی و یا پدافندی است که بمنظور محروم ساختن دشمن از دستیابی آزادانه به منابع ، مناطق حیاتی و یا عوارض حساس منطقه انجام میشود .

عملیات میکربی :

به آنگونه از عملیات گفته می شود که برای ازپای درآوردن دشمن از عوامل بیولوژیکی (یا میکربی) گوناگون استفاده شود و با وسایل مختلف و حیوانات و موجودات زنده ناقل میکرب، منطقه و یا مناطق مورد نظر را به انواع میکربها آلوده میسازند .

عملیات هوابرد :

عبارتست از حمل و پیاده کردن نیرو های رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی آنان از راه هوا به منطقه هدف برای اجرای مأموریت های تاکتیکی یا استراتژیکی .

عملیات هوارو (متحرک هوایی) :

دراین عملیات نیروهای رزمی و تجهیزاتشان بوسیله هواپیما یا هلیکوپتر تحت کنترل یک

فرمانده زمینی تا حوالی منطقه رزم بحرکت درمی آیند تا در رزم زمینی درگیر شوند .

عناصر اصلی اخبار : (ع . ۱۰۱)

عناصر اصلی اخبار آن دسته از اخبار حساسی هستند که با توجه به وضعیت دشمن و محیط عملیاتی او در زمان معینی مورد نیاز فرمانده بوده و همراه با سایر اخبار و اطلاعات موجود ، فرمانده را در اتخاذ تصمیم منطقی برای رزم ، کمک مینماید .

عناصر باطری :

مجموع صفحات مثبت و منفی و الکترولیت قطبهای مثبت و منفی که داخل جعبه ای بنام باطری قرار دارند .

عناصر تیر :

شامل سمت و زاویه تیر مطلوب ، برای تیراندازی بر روی يك هدف مشخص .

عناصر کلید پیام :

آن قسمت از کلید ویژه که با هر پیامی تغییر میابد .

عناصر نشانی :

يك حرف و عدد یا گروهی از حروف و اعداد یا ترکیبی از

عوامل گردآوری اخبار :

هر فرد، سازمان یا یگانی که به منابع اخبار دسترسی داشته و قادر به گردآوری خبر از این منابع باشد. این عوامل عبارتند از: جاسوسان، آوارگان یگان-های در خط، مفسرین، عکسپا، زندانیان جنگی و دیدبانان که مخفف این عوامل عبارتند از (ج-ا - ی-م-ز-د) یا جای مزد

عوامل محدود کننده :

مجموعه عوامل مادی و معنوی که اجرای يك مأموریت را کند میسازد :

عوامل مؤثر در آموزش :

مجموعه عواملی که در اجرای صحیح آموزش مورد توجه قرار میگیرند، این عوامل عبارتند از: مأموریت ، دشمن ، منطقه عملیات، وسایل کمک آموزشی، استاد، شاگرد و زمان .

عوامل ش. م. ر :

عبارتند از عواملی که در اثر جنگهای شیمیائی ، میکروبی ، رادیوآکتیو، محیط را آلوده میکنند .

عاهده دار شدن :

بعهد گرفتن کار - بدوش گرفتن باری و یا انجام کاری- مسئولیت بردوش گرفتن .

هر دو که برای تعیین اعتبار يك پیام یا موضوع مخایره بکار میرود .

عوارض حساس :

عبارتست از عوارضی از زمین که نگهداری و کنترل آن مزیت قابل ملاحظه ای را برای هر یک از نیروهای طرفین در برداشته باشد .

عوارض زمین :

کلیه پستی و بلندیهای سطح زمین .

عوارض طبیعی :

عوارضی از زمین که انسان در ایجاد آنها دخالتی نداشته است (مانند کوه - دریا ، دریاچه) .

عوارض مصنوعی :

عوارضی از زمین که انسان در ایجاد آنها دخالت داشته است (مانند ساختمان ، راه ، پل - کارخانه) .

عوامل آفتابگیر :

ابزاری از فرآورده های پلاستیکی رنگی ساده است که برای حفاظت چشم از نور زیاد، باد، گرد و غبار، ذرات شن و گاز-های تاولزا بکار میروند .

عوامل روانی در اغتشاشات :

عواملی هستند که سبب شدت آشوب و اغتشاش میگردند .

فرهنگ واژه‌های نظامی

غ

<p>غارت :</p>	<p>غ :</p>
<p>چپاول، یغما، تاراج کردن.</p> <p>غارت زده :</p>	<p>حرف بیست و دوم از الفبای فارسی است .</p>
<p>غارت شده، خانمان بر بادرفته، یغما شده .</p> <p>غارتگر :</p>	<p>غائب : (غایب)</p>
<p>غارت کننده - تاراج کننده ، یغماگر، چپاول‌گر.</p> <p>غافل :</p>	<p>پنهان - ناپیدا - حاضر نبودن - نهستی (واژه نوینی که معمولاً بجای غائب در ارتش شاهنشاهی بکار می‌رود).</p>
<p>بی‌خبر، فراموشکار، کودن ، بی‌بوش .</p> <p>غافلگیر :</p>	<p>غائله :</p>
<p>رویداد و یا عملی است ناگهانی و خارج از حد انتظار - رویداد بدون انتظار .</p> <p>غافلگیر شدن :</p>	<p>شر و فساد، مهلکه، آشوب ، شورش ناامنی، پیش‌آمد یا رویداد بد که ناگهان اتفاق افتد .</p>
<p>شخصی یا یگان نظامی که از فعالیت های اطراف یا منطقه مسئولیت خود در هر زمینه در بی‌خبری کامل قرار داشته و ناگهان از وقوع حادثه ، رویداد</p>	<p>غار :</p> <p>شکاف وسیع و عمیق در کوهستان و یا زمین، در کاربرد نظامی از غار برای مخفی شدن یا مخفی کردن نیروها و یا وسایل در جنگ‌های نامنظم (چریکی) یا پارتیزانی استفاده می‌شود.</p>

غافلگیری

یا شیئی - تاوان - خسارت
ضرر و زیان گرفتن .

غربال :

وسيله‌ای است که با آن آرد -
خاک - ماسه و مانند آنرا
به بیزند .

غربالك فرمان :

قسمت دایره‌ای شکلی از
دستگاه فرمان خودرو که راننده
بوسیله آن خودرو را هدایت
میکند .

غرش :

اسم مصدر از غریدن - فریاد
سهمناك - صدای مهیب مانند
غرش توپخانه و یا بانك جانوران
درنده - خشم - آوای مهیب .

غرقاب کردن :

اشباع کردن ماسه بادی کنار
دریا توسط آب .

غرور :

فریفتن، بیپوده امیدوار کردن،
بچیزی بیپوده و باطل طمع
بستن و به معنی کبر و نخوت و
خودبینی نیز آمده است .

غریو :

فریاد - غوغا - آشوب - بانك
بلند - خروش .

و یا اقدامی باخبر می‌شود که
در آن موقع توانائی روبرو شدن
با وضعیت‌های رویداده راندارد.

غافلگیری :

۱- یکی از اصول رزم (جنگ)
می‌باشد .

۲- وارد ساختن ضربت بدشمن
در زمان ، مکان و حالتی که
آمادگی پذیرش و واکنش لازم
علیه آنرا نداشته باشد و از
هر جهت غافلگیر شده باشد .

غالب :

غلبه کننده ، چیره شونده ،
پیروزمند .

غداره :

(قداره)
پیکان پهن برای شکار -
شمشیر پهن و بزرگ .

غداره بند :

زوردار - توانا و نیرومند -
زورگو (درفر هنگ عامه)

غداره زن :

کسی که غداره را به خود یسا
کسی بزند .

غدغن :

(قدغن)
تاکید - شتاب، منع، جلوگیری

غرامت :

جبران خسارت وارده به شخص

غزوه :

جنگ دینی - جهاد دین -
جنگ با بی دینان و در جمع
غزوات .

غفلت :

بسی خبری ، فراموشی ،
فراموشکاری، اهمال و سستی
در انجام کاری و بی توجهی در
انجام امر .

غضب :

خشم، خشم کردن، خشمگین.

غلظت سنج :

وسیله ای است که با آن میتوان
غلظت مایعات را تعیین کرد .

غنائم جنگی :

آنچه که در جنگ از دشمن
بدست آید و بهره جنگجویان
فاتح و پیروز بشود .

غنیمت :

۱- سود بسیار - فایده .
۲- در کاربرد نظامی عبارتست
از هر نوع مال - شیئی و
یا تجهیزاتی که از دشمن
گرفته می شود .

غنیمت شمردن :

قدردانستن - باسانی از دست
ندادن - تلف نکردن .

غنیمت گرفتن :

در کاربرد نظامی ، هر نوع
امتیاز مادی و معنوی است
که از دشمن گرفته می شود .

غواص :

۱- مرد قورباغه ای .
۲- آب باز، کسی که در دریا
و یا رودخانه های عمیق
برای بیرون آوردن صدف
یا مرجان و یا هر چیز دیگری،
غوص میکند و یا فرو میرود.

غیبت :

۱- ناپدید - پنهان شدن از
نظرها .
۲- در کاربرد نظامی یعنی
غایب بودن - حاضر نشدن
در کار و وظیفه تعیین شده،
حاضر نبودن در خدمت.
۳- پشت سر کسی بدگویی
کردن و یا بزشتی یاد کردن

غیوت :

حمیت داشتن - جوانمردی -
رگ داشتن - توانائی .

غیر قابل قبول :

۱- (بطوراعم) باور نکردنی ،
نپذیرفتنی .
۲- (بطوراخص) در کاربرد
نظامی، در طبقه بندی میزان

غیرمجاز

خارهای ضامن جنگ افزار در
محملهای مربوطه .

غیر مفید : (در طبقه بندی پرسنل)

پرسنلی است که نتواند خود
را با استانداردهای موجود در
نیروهای مسلح شاهنشاهی
از لحاظ خدمتی یا معلومات
نظامی و یا از هر حیث دیگر
منطبق کند و شایستگی و
استعداد و قابلیت لازم را برای
ادامه خدمت نظامی و متناسب
با درجه فعلی از خود نشان
نمیدهد .

چنین فردی ، شخص فاسد و
شروزی نیست و ممکن است
در دیگر خدمات و مشاغل
غیر نظامی از خود شایستگی
نشان داده و فرد مؤثری واقع
شود .

غیور :

با غیرت ، با همت ، غیرتمند ،
متعصب ، با حمیت .

کارآئی یگانها ، سازمانها
و یا افراد به آخرین (یا
پائین ترین) طبقه مقایسه ای
نامیده می شود .

غیرمجاز :

بی پروانه ، ممنوع ، بدون
اجازه .

غیر متحمس :

نادیده - احساس نشده .
نفهمیده .

غیر مؤثری :

نادیده - دیده نشدنی .

غیر مستعمل :

این واژه به تجهیزات و وسائلی
گفته میشود که مدت عمر
قانونی خود را طی نکرده
باشند .

غیر مستقیم :

کج - خمیده - نامرئی - با
واسطه .

غیر مسلح کردن :

قرار دادن وسایل تأمین و

فرهنگ واژه‌های نظامی

ف

مدارك و يا وسائل طبقه‌بندی شده یا اطلاعات موجود در آنها یا آشکار گردیدن اطلاعات مذکور بطوریکه امنیت لازم از اطلاعات طبقه‌بندی شده سلب شود .

فاش کردن :

بروز دادن - علنی و آشکار نمودن ، اسرار و یا اخبار محرمانه‌ای را بکسی بازگفتن .

فاش گفتن :

بی‌پروا مطالب مهم و طبقه‌بندی شده را گفتن - باصراحت و علنی موضوع یا موضوعات را گفتن .

فاصله :

مسافت میان دو نقطه و یا دو محل را فاصله گویند معمولا فاصله در عرض می‌باشد در صورتیکه مسافت در عمق می‌باشد .

ف :

حرف بیست و سوم از الفبای فارسی است .

فائده :

(فایده)

سود - نفع - نتیجه - بهره - بازده - استفاده .

فائق :

پیروز - برتر - عالی - بالا .

فائق آمدن :

پیروزشدن - کامیابی - برتری .

فاتح :

پیروز - غالب گشتن - فائق آمدن .

فتح :

پیروزی - موفقیت در تصرف هدف ، منطقه و یا کشور .

فاش :

آشکار - هویدا - ظاهر .

فاش شدن :

عرضه شدن عین اسناد ،

فاصله زمانی جیره

۲- متداول در زبان انگلیسی
یعنی : عامل ، سازنده ،
حق العمل کار .

فانسقه : (فانوسقه)

وسیله ایست که از چرم یا
برزنت ساخته شده و سرباز
فشننگ مورد نیاز جنگ افزار
انفرادی خود را در داخل آن
قرار داده و با خود حمل مینماید.

فرار :

گریز - دور شدن - گریختن.

فراری :

۱- چنانچه مدت نهستی
(غیبت) پرسنل نظامی
بیش از حد نصاب تعیین
شده در آئین نامه طول
کشیده و پس از زمانیکه
تعیین شده خود را به یگان
مربوطه معرفی نکند نهستی
تبدیل به فرار خواهد شد.
۲- عملی است که یک فرد پس
از دستگیر شدن به منظور
بیرون آمدن از حیطه تسلط
دشمن انجام میدهد .

۳- کسی است که مرتکب
جرمی گردیده و مجرم
شناخته شده و برای فرار

فاصله زمانی جیره :

فاصله ایست بین زمان
درخواست جیره و زمان مصرف
آن .

فاصله ستونی :

فاصله بین دو یگان راه پیمائی
یا دو سریال که بدنبال هم
در روی یک جاده حرکت میکنند.
این فاصله از انتهای ستون
جلوئی تا ابتدای ستون عقبی
بوده و ممکن است با واحد
طول یا واحد زمان محاسبه
شود .

فاصله سر : (در جنگ افزار)

فاصله معین بین انتهای لوله
و پیشانی جنگی (در تیربار
کالیبر ۱۲/۷ ضد هوایی) به
منظور کارآئی مطلوب جنگ -
افزار .

فاکسیمیلی : (مخابراتی) (۱)

سیستم ارتباطی است که
بوسیله آن تصاویر ثابت ارسال
و دریافت می شوند .

فاکتور : Factor (۲)

۱- متداول در زبان فارسی
عبارتست از: صورت حساب
سیاهه کالای مورد معامله.

فرار با توطئه

از مجازات از چنگال قانون
و عدالت میگریزد .

فرار با توطئه :

فراریکه با تبانی بین پیش از
دو نفر زندانی طرحریزی و
اجراء شود .

فرامین آتش : (در تویخانه)

شامل کلیه اطلاعات لازم به
منظور آغاز و ختم آتش میباشد
فرامین ابتدائی آتش شامل
عناصر لازم جهت روانه کردن،
پرکردن و تیراندازی تویخانه
است .

در فرامین بعدی فقط عناصری
اعلام می شود که تغییر کرده
است (باستثنای برد یا درجه
که همیشه تکرار و اعلام
می شود) .

فرامین تیر :

برای اجرای انواع اقدامات
لازم بمنظور آماده شدن به
منظور آمادگی و آماده شدن
قبل از تیراندازی در میدان تیر
دستوراتی از سوی افسر
فرمانده یا مدیر تیر صادر
می شود که بطور کلی این
دستورات شفاهی را فرامین
تیر گویند .

فرجام :

۱- پایان ، آخر کار - عاقبت،
سرانجام .

۲- فرجام (در امور مربوط
بدادرسی) عبارتست از :
حکم دادگاه استیناف
خواستن ، درخواست
رسیدگی مجدد بموضوع ،
اتهام یا جرم از دادگاهی
بالاتر .

فرجام خواستن :

درخواست رسیدگی مجدد در
دادگاهی بالاتر .

فرجام خواه :

کسیکه حکم دادگاه را نپذیرد
و درخواست رسیدگی مجدد
بنماید .

فرستنده :

دستگاهی است که برحسب
قدرتش میتواند امواج رادیویی
را از نقطه ای به نقطه دیگر
بفرستد .

فرستنده و گیرنده داده ها :

(در کامپیوتر)
يك وسیله مخابراتی که
قادر است اعداد و اطلاعات را
با درجه دقت قابل قبولی
ارسال و دریافت نماید مانند

فرمانده :

کسی است که بر عده‌ای فرماندهی کند و مسئولیت کلیه کارهای خوب و بد آنان را برعهده داشته باشد مانند فرمانده‌گروه، دسته، گروهان، گردان و بالاتر .

فرمانروا :

حاکم - صاحب مقام - صاحب امر - با نفوذ - استاندارد و در جمع فرمان روایان نامند.
فرمانده کاروان : (فرمانده ستون)

افسر، افسریار و یاد رجه‌داری است که برابر دستور مقامات بالاتر عهده‌دار فرماندهی کاروان (ستون خودروئی) می‌باشد عنوان فرماندهی او تا مدتی معتبر است که کاروان (ستون خودروئی) متشکل است .

فرمانده کل نیروها : (فرمانده کل قوا)

بزرگ ارتشتاران - درکشور ایران ، بموجب قانون اساسی ، پادشاه ایران عنوان فرماندهی کل نیروهای مسلح شاهنشاهی را برعهده دارند.

فرمان مطاع مبارك شاهانه :

فرمانی که از مقام شامخ سلطنت بمقام ، مقامات و

کارتهای سوراخ شده ، نوار کاغذی سوراخ شده و نوار مغناطیسی .

فرستی :

حضور یافتن ، حضور داشتن و یا حاضر بودن (مخالف نهستی یا غیبت) .

فرش سایش :

الوارهای چوبی و یا صفحات فلزی است که در بالاترین لایه روبنای پل بکاررفته و مستقیماً با چرخ یا شنی خودرو در تماس میباشد .

فرکانس :

تعداد نوسانات را در ثانیه فرکانس گویند .

فرکانس حامل :

فرکانس موج رادیوئی است قبل از اینکه هر نوع موج دیگری بر روی آن سوار شود .

فرکانس رادیوئی :

فرکانسی است که بعلت زیاد بودن تعداد نوسانات آن گوش انسان قادر به شنیدن آن نمیشد .

فرمان :

امر - دستور - حکم از مقام عالی و والا .

فرماندهی آماد و نگهداری

سازمانهای مسئول برای اجراء
ابلاغ می شود .

فرماندهی آماد و نگهداری :

(در صحنه عملیات)

يك سازمان برشی و بر مبنای
وظیفه است که تابع فرماندهی
پشتیبانی نیروی زمینی صحنه
بوده و امور مربوط بآماد و
نگهداری صحنه بغیر از
آمادهای بهداری، باین فرماندهی
محول شده است .

فرماندهی بهداری :

(در صحنه عملیات)
يك فرماندهی بر مبنای وظیفه
از فرماندهیهای تابعه فرماندهی
پشتیبانی نیروی زمینی صحنه
بوده و پشتیبانی بهداری
ناحیه مواصلات را در يك
صحنه عملیات فراهم میکند و
شامل کلیه یگانهای بهداری
در ناحیه مواصلات میباشد .

فرماندهی پدافند هوایی :

سازمان متشکل نظامی است
با کلیه امکانات ، وسائل و
دستگاههای فنی و جنگ افزار
پدافند هوایی مورد نیاز به
منظور تجسس ، شناسائی ،
رهگیری برای انهدام هدفهای
هوایی .

فرماندهی پرسنل :

(در صحنه عملیات)
يك فرماندهی بر مبنای وظیفه
و از فرماندهیهای تابع
فرماندهی پشتیبانی نیروی
زمینی صحنه بوده و پشتیبانی
عمومی پرسنل ، امور اداری،
دارائی، روانی، دینی، پستی،
خدمات ویژه ، بازداشتی ،
آزمایشگاه امور جنائی و
خدمات ثبت و ضبط قبور
صحنه را هدایت و هم آهنگ
میسازد .

فرماندهی پشتیبانی منطقه :

۱- در نیروی زمینی شاهنشاهی
یکی از عناصر عمده فرماندهی
لجستیکی نیروی زمینی
شاهنشاهی میباشد .

۲- در صحنه عملیات تابع
فرماندهی پشتیبانی نیروی
زمینی صحنه بوده و پشتیبانی
مستقیم خدمات رزمی (بجز
مهمات و بهداری) را جهت
عناصر فرماندهی پشتیبانی
نیروی زمینی صحنه، یگانهای
عبور کننده یا مستقر در ناحیه
مواصلات و دیگر نیروها در
ناحیه مواصلات بنا بدستور
فراهم میکند. مأموریت حفاظت

فرماندهی پشتیبانی نیروی زمینی صحنه

و وظایف واگذار نموده ، یگانها را بکار برده ، نیروها را ترکیب نموده و کنترل عملیاتی یا کنترل تاکتیکی را حفظ ویا در صورت نیاز آنرا تفویض نماید .

این اختیار شامل فرماندهی اداری، یامسئولیت لجستیکی نمیگردد .

فرماندهی کامل :

اختیارات نظامی يك افسر مافوق برای صدور دستورات به یگانهای تابعه بنحوی که کلیه جنبه های عملیات نظامی، وامور اداری را شامل گردد .

فرماندهی لجستیکی :

سازمانی است در رده نیروی زمینی بمنظور عهده دار شدن مسئولیتهای لجستیکی- يك سازمان پشتیبانی خدمات رزمی متشکل از يك قرارگاه با جدول سازمان و تجهیزات که بمنظور انجام وظایف مربوطه در داخل ناحیه موصلات یادار قسمتی از آن ایجاد میشود.

(باین قرارگاه برای انجام مأموریت پشتیبانی خدمات رزمی مخصوص بخود تعدادی یگانهای سرویس فنی واداری

منطقه عقب در ناحیه موصلات نیز توسط این فرماندهی انجام میشود .

فرماندهی پشتیبانی نیروی زمینی صحنه :

يك فرماندهی عمده تابع نیروی زمینی صحنه میباشد که پشتیبانی خدمات رزمی را برای نیروی زمینی در صحنه عملیات و بنا بدستور برای دیگر نیروها فراهم میکند .

فرماندهی ترابری :

۱- در نیروی زمینی شاهنشاهی از عناصر عمده تابعه فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی شاهنشاهی بوده و مسئولیت امور حمل و نقل را برعهده دارد .

۲- در صحنه عملیات یکی از قرارگاههای عمده فرماندهی پشتیبانی نیروی زمینی صحنه است .

۳- فرمانده سازمان اداره حمل و نقل

فرماندهی عملیاتی :

اختیاری است که به يك فرماندهی داده میشود تا به- فرماندهان تابعه خود مأموریت

فرماندهی مخصوص

سازمانی است برشی که برای کلیه عناصر (نیروی هوایی) و (نیروی زمینی) در ناحیه مواصلات پشتیبانی عمومی ساختمان و برای نیروی زمینی صحنه پشتیبانی عمومی نقشه برداری را فراهم میکند.

فرماندهای تقویت شده :

فرماندهائی هستند که توسط فشار روغن یا کمپرس تقویت شده‌اند و با آسانی هدایت میشوند .

فرمول طبقه بندی راه :

این فرمول از علائم طبقه بندی راه تشکیل شده است که شامل عرض جاده ، نوع جاده ، زیر سازی آن و ظرفیت تحمل حمل و نقل میباشد .

فرنج :

نیم تنه نظامی - کت نظامی .

فرنج و شلوار :

کت و شلوار نظامی (در برابر کت و شلوار غیر نظامیان) که بر روی آن کمر بند چرمی با حمایل می‌بندند (برای پرسنل نیروی زمینی شاهنشاهی).

فرود :

زیر ، نشیب ، پائین ، شیب گمراه کننده .

مأمور یا منتسب میشوند و همچنین به منظور تأمین منطقه عقب باین قرارگاه یگانهای تاکتیکی لازم هم مأمور میگردند)

فرماندهی مخصوص :

يك فرماندهی با مأموریت کلی و مداوم است که معمولاً از عناصر عمده يك نیرو (ممکن است شامل عناصری از سایر نیروها نیز باشد) تشکیل میگردد .

فرماندهی مشترك :

يك فرماندهی عملیاتی است با مأموریت کلی و مداوم در عملیات استراتژیکی بمقیاس بزرگ که از عناصر عمده دو یا چند نیرو تشکیل شده باشد .

فرماندهی منطقه :

يك فرماندهی است متشکل از عناصر سازمان یافته يك یا چند نیرو تحت امر يك فرمانده که برای انجام مأموریت محوله در يك منطقه خاص جغرافیائی عمل مینماید .

فرماندهی مهندسی : (در صحنه عملیات)

يك فرمانده بر مبنای وظیفه و تابع فرماندهی پشتیبانی نیروی زمینی صحنه بوده و

فرودگاه

جنگی به منظور گمراه ساختن دشمن از قصد و طرح عملیاتی نیروهای خودی و یا بعکس .

فریبنده :

گول زن - فریب دهنده - گمراه کننده .

فشنگ :

مهماتی که کامل باشد و بتوان بلافاصله با جنگ افزار تیر-اندازی کرد. و معمولاً این واژه برای مهمات جنگ افزار کالیبر کوچک بکار میرود. مانند فشنگ تفنگ و طپانچه

فشنگ بیار :

سربازیکه وظیفه اش آوردن فشنگ بیای قبضه جنگ افزار است.

فشنگ ساز :

کسیکه کارش ساختن فشنگ است .

فشنگ کامل توپخانه :

یک فشنگ کامل توپخانه از قسمت‌های لازم جهت پرتاب و انفجار گلوله در زمان مورد نظر تشکیل میشود این قسمت‌ها عبارتند از: چاشنی، خرج پرتاب ، گلوله و ماسوره که بر حسب طرز اتصال این قسمت‌ها

فرودگاه :

جای پائین آمدن - میدان وسیع برای فرود آمدن هواپیماها و هرگونه وسائط هوایی دیگر که دارای باند و آشیانه و دستگامها و وسائل لازم باشد.

فروند :

(بفتح ف و واو)
در کاربرد نظامی سکان کشتی و یا یکدستگاه کشتی یا یک هواپیما را میگویند (مانند چهار فروند هواپیما و یا پنج فروند هلی کوپتر و یا دو فروند کشتی)

فرهنگ :

لغت - کتاب لغت ، خرد - ادب - آموزش و پرورش - زبان علمی

فریب :

مکر، حيله، خدعه، نیرنگ - گول - دغل .

فریب الکترونیکی :

تشعشع عمدی انحراف و جذب بطریقی که منظور از آن گمراه کردن دشمن در تفسیر دریافتهای از وسائل الکترونیکی یا ارائه نشانه‌های غلط در سیستم ارتباط او باشد .

فریب تاکتیکی :

عبارتست از حيله و نیرنگ‌های

فلاک : Flake (۱)

عبارتست از دانه‌های کوچکی که در اثر انعقاد مواد داخل آب تولید میشود .

فلايويل : Flywheel (۲)

چرخ دندانه‌داری است که به منظور حفظ دور میل لنگ و همچنین درگیر شدن با دنده استوارتر جهت روشن شدن موتور و انتقال نیرو به دستگاه کلاچ در انتهای موتور تعبیه شده است .

فن آتش :

بکار بردن روشها و اصول صحیح تیراندازی به منظور اصابت دقیق به هدف رافن آتش گویند .

فن تهیه کالك :

اصول و قراردادهائی است که بایستی در ترسیم علائم یگانها و فعالیتهای نظامی از هر جهت در ترسیم کالكها و نقشه وضعیتها رعایت شود .

فئر برگشت :

فئری است در جنگ افزار که سبب میشود آلات متحرك جنگ افزار که در اثر فشار گاز

بیکی دیگر مهمات توپخانه به ثابت نیمه ثابت، مجزا و پر شونده تقسیم شده اند .

فعال :

بسیار کارکننده - کاری - پرکار .

فعالیت :

۱- (در امور بودجه) .

دومین قسمت يك برنامه و اولین قسمت يك فعالیت اصلی و مشتمل است بر وظائف و اعمال مشابهی که دارای هدف مشترك میباشند

۲- کلیه اقدامات اجرائی .

فعالیت اصلی :

اولین تقسیم يك برنامه بودجه و معرف مجموع اعمال یا وظایف مشابهی که دارای هدف مشترك میباشند .

فعالیت براندازی :

آن دسته از فعالیتهائی است که بوسیله گروهها یا سازمانهاائی بمنظور براندازی حکومت قانونی از طریق اعمال زور و آشوب انجام میگردد .

فلاخن :

قلاب سنگ، یا ابزاریکه با آن سنگ به سمتی پرتاب میشود .

فنر لوله‌ای

هنگ (واژه مورد استفاده در ارتش قدیم)

فیروز :

پیروز-ظفرمند، غالب، کامکار

فیش : (در مخابرات)

۱- وسیله برقراری ارتباط بین دو مشترك (دو مدار تلفنی) در يك مركز تلفنی میباشد .

۲- در روش انبارداری جدید، کارتی که مشخصات قطعه ویا وسایل و تعداد موجود بر روی آن نوشته باشند .

فیلم رزمی :

فیلمی که برای ثبت عملیات رزمی برداشته میشود .

فیوز : Fuse (۲)

مقاومتی که مقدار معینی جریان برق را از خود عبور داده و برای محافظت دستگاه بکار میرود.

باروت یا عمل دیگر به عقب رفته است به جای نخستین خود بر گردد .

فنر لوله‌ای :

فنری است مارپیچی شکل که در سیستم تعلیق بعضی از خودروها (بیشتر در خودروهای سواری) بکار میرود.

فوت : (با) Foot (۱)

واحد طول انگلیسی معادل با $\frac{1}{4}$ یارد یا $\frac{30}{48}$ سانتیمتر است .

فوت ناشی از قیود خدمت :

کسانی که در حین انجام وظیفه یا بسبب خدمت در حوادث کشته شده ویا فوت کنند مرك آنان ناشی از قیود خدمت خواهد بود .

فوج :

يك یگان نظامی با استعداد يك

فرهنگ واژه‌های نظامی

ق

ق :

حرف بیست و چهارم از الفبای فارسی است - این حرف در واژه های فارسی سره وجود ندارد و در واژه های گرفته شده از زبان سامی یا ترکی بکار برده می شود و در بعضی واژه های فارسی نیز بجای کاف بکار رفته است .

قائد :

پیشوا - سردار - فرمانده - رهبر .

قائد اعظم :

پیشوای بزرگ - فرمانده عالی و رهبر بلند پایه و الامقام .

قائم مقام :

جانشین - نایب - کسیکه در جای شخص دیگر قرار گیرد و کارها و وظائف او را انجام دهد .

قابل :

شایسته - سزاوار - پذیرنده - آماده برای پذیرفتن امر یا وظیفه ای .

قابلیت :

شایستگی - پذیرا بودن ، سزاوار بودن - آمادگی لازم برای قبول انجام مأموریتی داشتن .

قابلیت انعطاف : (تابندی)

عبارتست از توانائی رو در رو شدن با وضعیت های گوناگون که پیش بینی نشده است به منظور واکنش بموقع، کافی و لازم بطوریکه بتوان هرپیش آمده، حادثه و اقدام خصمانه را خنثی نمود .

قابلیت حمل :

حداکثر باری که يك خودرو میتواند از نقطه مبداء به نقطه دیگری (مقصد) در مسافت

قاچاق

۲- دستورها ، مقررات و احکامی که از طرف دولت و مجلس شورای ملی برای حفظ انتظامات و اداره کردن امور جامعه وضع شود و جمع آن قوانین می باشد .

قبض :

برگه رسید و یادریافت وسیله، وجه و یا چیزی که بامضاء دریافت کننده رسیده باشد.

قبض انبار :

عبارتست از رسید تحویل جنس یا انجام خدماتی است که برای یکی از انبارها و یا آمادگاه صادر میگردد (دارای فرم مصوبه و مشخصی نیز می باشد) .

قبضه :

۱- يك مشت ، يك مشت از چیزی (به مشت گرفته شده)، مقدار يك كف دست و نیز به معنی دستۀ شمشیر و یا دسته جنگ افزار آمده است .

۲- در شمارش جنگ افزارهای مختلف نیز بکار می رود (مانند ۶۲ قبضه تفنگ و یا ۲۶ قبضه خمپاره انداز).

معین و بدون بنزین گیری مجدد حمل نماید .

قاچاق :

(ماخوذ از زبان ترکی)

۱- از انجام کاری طفره رفتن، کاریکه پنهانی و با تردستی انجام شود، فرار از خدمت.
۲- خرید و فروش و یا حمل کالاهائیکه در انحصار دولت بوده و یا معامله و جابجا نمودن آنها منع شده باشد

قاضی :

حکم کننده ، رواکننده حاجت، حاکم شرع ، دادرس .

قاضی عسگر :

(دین یار)

واژه ای است در گذشته به روحانیون شاغل در ارتش شاهنشاهی گفته میشد که وظیفه ارشاد پرسنل نظامی را در زمینه امور مذهبی و تذهیب اخلاق بر عهده داشتند که بعدها واژه دین یار جایگزین آن گردید.

قانون :

۱- کلیه قواعد اجرائی که توسط قانون گذار يك مقام صاحب اختیار ، یا رسم و عادت يك اجتماع و یا برای سایر گروهها وضع شده باشد .

قدرت

قدرت :

نیرو - توانائی انجام دادن کاری و یا ترك آن - زور و توانائی .

قدرت مؤثر :

(درموتور)

میزان انرژی حاصله از دستگاههای مختلف موتور و یا هر دستگاه مولد نیرو .

قدمت :

کهنه بودن - خیلی پیش ایجاد شدن یا بودن .

قدمت تاریخی :

وسیله و یا ساختمانی که در گذشته‌های دور ساخته شده و یا بوجود آمده باشد .

قدمت خدمت :

سابقه خدمت - طول زمان استخدام پرسنل .

قرائن :

واژه‌ای است مورد استفاده در فعالیت‌های اطلاعاتی و عبارتست از نشانه‌هایی از توانائی‌ها یا نوع عملیات انتخاب شده از سوی دشمن .

قرار :

آرام گرفتن ، جاگرفتن پابرجا شدن در جائی و نیز به معنی رأی و حکمی که درباره مسئله

یا امری صادر شود و یا عهد و پیمان .

قرارداد ژنو : (سال ۱۹۴۹)

قراردادی است که با تأیید و موافقت ۶۴ کشور در شهر ژنو بامضاء رسیده و در این قرارداد برای اسرای جنگی حقوقی پیش‌بینی شده است که هنوز معتبر می‌باشد .

قرار صادر کردن :

صدور رأی و حکم درباره مسئله و یا امری (از سوی مقامات قضائی) .

قرارگاه :

قرارگاه عبارتست از سازمان و تشکیلات يك کادر رهبری برای اداره کردن و هدایت يك یگان نظامی و از عنصر فرماندهی و عنصر ستادی تشکیل گردیده است (مانند قرارگاه تیپ، لشکر و سپاه)

قراسوران : (قره سورن)

مأخوذ از زبان ترکی و به معنی نگهبان راه یا مستحفظ قافله سوار آمده است در گذشته به مأمورین سوار امنیه (ژاندارمری) قراسوران می‌گفتند

قراول

قراول :

این واژه ترکی است و به معنی نگاهبان - نگهبان - دیدبان و یا سربازیکه درجائی برای کشیک و نگهبانی گمارده شود و پیش قراول به سربازانی گفته میشود که از سایر سربازان جلوتر به منطقه دشمن فرستاده میشود .

قراول خانه :

محل و مکان نگاهبانان (نگهبانان) یا عبارت دیگر پاسدارخانه .

قرق :

منع عبور و مرور در زمان و یا در منطقه معینی که حدود آن مشخص شده است، میباشد (معمولا هنگام تیراندازی یا تمرینها و مانورها ، قرق میدان یا منطقه انجام میگردد).

قرقره آمپراژ :

یک کلید آهن ربائی که در آفتامات برای تنظیم جریان تعبیه شده و از سوختن دینام جلوگیری میکند .

قرقره قلاب :

دستگاهی است به منظور کم کردن نیروی مقاوم .

قزاق :

نام قدیمی سرباز روس که کلاه پوست بزرگ و قبای بلند بر تن داشت . و در ایران هم سابقاً سربازانی که لباسهایشان شبیه لباس سربازان روس بود قزاق میگفتند .

قزاق خانه :

این واژه در گذشته به معنی سربازخانه بکار میرفته است (برای آگاهی بیشتر به معنی واژه سربازخانه مراجعه شود).

قزلباش :

قسمتی از سربازان و سپاهیان شاه اسمعیل اول که از طرفداران مذهب شیعه و حامیان سلطنت صفویه تشکیل شده بود و بمناسبت کلاه دوازده ترک سرخ رنگی که بر سر می گذاشتند آنها را قزلباش میگفتند و بتدریج تمامی ارتش صفویه به این اسم نامیده شد.

قسمت :

جزئی از کل و در کاربرد نظامی معمولاً به یک یگان نظامی یا یک قسمت نظامی هم گفته می شود .

قسمت بندی پیام

قسمت بندی پیام :

تقسیم کردن يك پیام طولانی به چند پیام کوتاه تر از نظر تأمین درمخبرات. این قسمتها باید طوری تهیه شوند که از نظر ظاهر نامفهوم جلوه نکنند .

قسط :

يك قسمت از وام که به چند قسمت تقسیم شده باشد . مقدار - میزان - حصه و در جمع اقساط .

قسم : (بکسر ق - س)

به معنی سوگند بکار میرود (معمولا در هنگام ، اعطای سردوشی بعد از انجام چهار ماه خدمت مقدس سربازی ، دانشجویان و یا سربازان ، طی مراسم باشکوهی سوگند یاد میکنند) .

قطب :

در اصطلاح جغرافیا هر يك از طرفین محور کره زمین را قطب شمال و قطب جنوب میگویند و در اصطلاح فیزیک دو انتهای پیل یا باطری الکتریکی ، ملاک و مدار چیزی ، کسی که مدار کارها بوجود او بسته باشد .

قطب جنوب :

سمتی از محور کره زمین که در افق منطقه ، مرئی نیست محور جنوبی کره زمین .

قطب شمال :

طرفی از محور کره زمین که محاذی ستاره قطبی است - محور شمالی کره زمین .

قطب نما :

دستگاهی است مجهز به عقربه مغناطیسی که با آن چهار جهت اصلی و گراهای مغناطیسی سمت های مورد نظر را تعیین میکنند .

قطعات تمهیری :

قطعاتی هستند که ، بسبب خرابی و یا فرسودگی ، نیاز به تعمیر دارند .

قطعات یدکی :

تعداد اقلامی که به منظور اجرای عملیات تعمیراتی بصورت یدکی در انبار نگهداری می شوند .

قطع تماس : (واژه متداول در تاکتیک)

مجموعه اقداماتی است بسبب دور شدن از دشمن ، بطوری که عده های خودی از تیررس آتشهای پیاده و مستقیم دشمن مصون باشند .

قطع کردن

قلعه : (دژ)

حصن، حصار بلند، پناهگاهی که بر فراز بلندیها و ارتفاعات ساخته شود (دژ - دز - جمع آن قلاع)

قلعه بیگی : (دژبان)

واژه متداول در گذشته برای دژبان و سازمان دژبانی .

قلق گیری :

عبارتست از اعمالی است که بمنظور نشانه روی و تیراندازی صحیح در خط نشانه تفنگ توسط نفر تیرانداز انجام و در کارت قلقل گیری آن تفنگ ثبت می شود .

قلمرو :

حوزه فرمانروائی و یا حکومت.

قله :

بلند ترین نقطه کوه را قله گویند .

قمقمه :

ظرف فلزی یا کائوچوئی است بظرفیت يك یا دو لیتر که برای نگهداری آب آشامیدنی در صحرا و عملیات استفاده میشود و جزء تجهیزات انفرادی سرباز بوده و همراه هر نظامی در عملیات حمل می شود.

قطع کردن :

بریدن - جدا کردن - متوقف کردن اجرای يك امر ویژه - ختم کردن

قل آتش :

(در هویترز ۱۵۵ م و ۲۰۳ م) دستگاهی است در توپ ، هویترز که سبب ضربت زدن به چاشنی می شود .

قلل مایعی :

حالتی است که در اثر جمع شدن مایعات به مقدار زیاد در محفظه انفجار بوجود آمده و مانع گردش موتور میشود .

قلاب :

چنگ - آلت فلزی سرکج .

قلاب تفنگ :

حلقه های تفنگ که برای اتصال بند تفنگ تعبیه شده اند .

قلاب کمر :

حلقه فلزی است که برای بستن کمر بند از آن استفاده می شود .

قلع و قمع :

از بیخ برکندن - ریشه کن ساختن - سرکوب کردن - تارومار کردن

قنداق

قنداق : (واژه مأخوذ از ترکی)

قسمتی از عقب و یا ته جنگ - افزار است که بعنوان تکیه‌گاه از آن استفاده میشود. مثلاً در قسمت ته تفنگ که از چوب یا پلاستیک ساخته شده و تکیه - گاه آن میباشد، قنداق نامند.

قنداق تختانی :

به قطعاتی از قنداق توپ گفته میشود که با گردونه سمت حرکت نمیکنند و ثابت است .

قنداق فوقانی :

به قطعاتی از قنداق توپ گفته میشود که با گردونه سمت حرکت میکنند و تمام ملحقات توپ شامل، دستگاه موازنه - لوله - دستگاه نشانه‌روی و درجه روی آن سوار است .

قواره پل :

ابعادی است که مطابق با اندازه‌های بین‌المللی باید جهت عبور وسائط نقلیه در نظر گرفته شود .

قوانین دادرسی ارتش :

مجموعه قوانینی است بمنظور رسیدگی به بزه‌های منتسب

به نظامیان برابر قانون در دادگاه‌های نظامی .

قورخانه :

زرادخانه - کارخانه اسلحه سازی. جائیکه جنگ افزار و مهمات آنرا بسازند .

قورچی :

کارگر زرادخانه - کارگر کارخانه اسلحه سازی .

قوس افقی :

انحنائی است بمنظور اتصال دومیتر افقی متقاطع بنحوی که گردش در آن ملایم و آسان انجام گیرد .

قوس عمودی :

منحنی‌های سهمی شکلی است به منظور اتصال دو خط شیب بنحوی که حرکت خودروهای آن بی‌خطر و مطمئن انجام گیرد.

قیرپاش :

دستگاهی است که برای ذوب قیر و اسفالت کاری جاده‌ها و فرودگاهها بکار میرود .

قیف :

وسیله یا آلت فلزی، شیشه‌ای و یا پلاستیکی دهانه گشاد که

قیف انفجار

قطر دهانه و عمق هر قیف انفجار به قدرت انفجار حاصله از یک ترکش سطحی وابسته است .

قیصر :

لقب سابق پادشاهان روم و در جمع قیصره گویند .

دنباله آن شبیه لوله باریک ساخته شده و مایعات را بکمک آن در ظروف دهانه تنگ میریزند .

قیف انفجار :

حفره‌ای است ایجاد شده در سطح زمین (شبیه قیف) از یک انفجار سطحی و مسلح به ماسوره ضربتی .

فرهنگ واژه‌های نظامی



ك :

حرف بیست و پنجم از الفبای فارسی است .

کائوچو :

ماده کش‌دار شیرمانندی که از تنه درختان یا گیاهان مخصوص دربرزیل و کشورهای جنوب خاوری آسیا بدست می‌آید و مصنوعی آنرا هم می‌سازند و برای ساختن رزین و لاستیک و سایر تراپری بکار می‌رود - در صنایع نظامی نیز مصرف زیاد دارد .

کابل : Cable (۱)

رشته‌ای است فلزی و بصورت الیاف درهم پیچیده که برای انتقال جریان الکتریسته و یا برقراری ارتباط و یا برای کشیدن يك وسیله حمل و نقل از کار افتاده بکار برده می‌شود.

کابل شماره ۲ : (۲)

کابلی است که بمنظور روشن کردن خودرو هائیکه باطری آنها ضعیف است بکار می‌رود.

کابل واسطه :

قطعه سیم یا کابلی که مدارهای يك و یا دو دستگاه را به یکدیگر وصل می‌کند .

کابین : Cabin (۳)

کاربرد این واژه در ارتش شاهنشاهی (ویازبان فارسی) عبارتست از محفظه‌ای که خلبان هواپیما ، هلی‌کوپتر ، ناخدای کشتی و یا راننده تراکتور و جرثقیل (متحرك) در آن برای هدایت وسیله مربوطه می‌نشینند و دستگاهها و سیستم‌های مورد نظر را کنترل مینمایند .

(۱) و (۲) و (۳) واژه‌های بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

کارآئی :

حصول بهدفع سازمان باصرف
کمترین هزینه، نیروی انسانی
و وقت و حداقل عواقب
نامطلوب .

کارابین : Carabin (۳)

تفنگهای لوله کوتاه .

کاراته :

نوعی از حرکات و ضربات
دستها و پاهاست برای دفاع
شخصی (این فن بیشتر در
ژاپن رایج است) و امروزه در
آموزش ورزش سربازان ارتش
شاهنشاهی متداول است .

کارآموز :

فردی است که به سبب کسب
تخصص لازم به منظور احراز
شغل و یا حرفه مورد نظر
تحت آموزش عملی قرار میگیرد .

کارآموزی :

کاریادگرفتن نزد استادکار ،
تمرین و ممارست دریک کار
یا حرفه فنی و تخصصی .

کاربوراتور : Carburator (۴)

دستگاهی است که هوا و بنزین
را به نسبت معین مخلوط و
جهت انفجار در محفظه سیلندرها
آماده میکند .

کاتولوگک : Catalog (۱)

جزوه یا آئین نامه ایست که
مشخصات قطعات یک یا چند
وسیله در آن ذکر میشود .

کابینت : Cabinet (۲)

متداول در زبان فارسی و دارای
معنی واژه کابین با مقیاس کوچکتر
می باشد (مثلا قسمت هائی از
کابین هواپیما ، کشتی که
محفظه دیگر وسائل می باشد
کابینت گویند) ولی در اصل
این واژه انگلیسی است و
دارای معنی واژه کابین می باشد .

کابینه :

هیئت دولت - هیئت وزیران -
دفتر کار - اطاق کار .

کادر :

در کاربرد نظامی بمعنای پرسنل
داوطلب برای خدمت دائم در
نیروهای مسلح شاهنشاهی
(شامل افسران - درجه داران
و کارمندان) .

کادر ثابت :

افسران و درجه دارانی که
خدمت در ارتش را بعنوان شغل
و حرفه دائم خود انتخاب
کرده اند .

کارپرداز

کارپرداز :

واژه قدیمی متداول در ارتش شاهنشاهی برای افسر پرداخت .

کارپردازی :

واژه قدیمی متداول در ارتش شاهنشاهی برای شعبه یا قسمت پرداخت .

کارت اطلاعات فوری :

کارتی است که از بدو ورود به خدمت در ارتش شاهنشاهی تنظیم میشود و در هنگام بروز حادثه و یا درگذشت، برای اطلاع مراتب به خانواده‌ها و ارسال نامه‌های تسلیت و پرداخت پاداش و بیمه، مورد لزوم نیروهای مسلح شاهنشاهی بوده و مورد استفاده قرار میگیرد .

کارت تیر :

نقشه‌ایست که در آن موضع جنگ‌افزارها (مانند توپ و تانک) و مشخصات هدفهای احتمالی ثبت میشود .

کارت ثبت تیر انفرادی :

کارت یا ورقه‌ایست برای ثبت نتایج تیراندازیهای یک نفر نظامی در مسافتات مختلف و

تعداد فشنگ لازم برای میزان تعیین شده برای ارزیابی نتایج تیراندازی او در طول مدت خدمت .

کارتیر :

طشنتک روغن موتور را کارتیر گویند .

کارتیل :

انحصار غیرثابت چندشرکت که برای تثبیت بهای چیزی تشکیل يك شرکت دهند .

کارتین :

جلدی است از مقوای سخت به منظور حفاظت ، طبقه‌بندی و نگهداری اسناد و پرونده‌ها که معمولاً در بسایگانی بکار میرود .

کارخانه :

جای کار دسته جمعی - محل کار اشتراکی و تعاونی‌عده‌ای کارگر .

کارزار :

جنگ - مبارزه - عملیات رزمی - زد و خورد .

کارت شناسائی :

این کارت که دارای عکس صاحب کارت میباشد ، مشخصات و هویت کلی و

کارت قلق گیری

به مشاور مواد غذایی و پخش
فرآوردهای خوراکی کمک
میکند .

کارکرد :

حاصل عمل کارکردن - میزان
کار انجام شده .

کارگزینی :

شعبه یا قسمتی است از رکن
یکم در هر ستاد هم آهنگ -
کننده که مسئولیت امور
پرسنلی در زمینه انتصابات،
انتقال ، بازنشستگی و سایر
موارد لازم را برعهده دارد .

کارمند :

یا کارکنان به کلیه عوامل
انسانی که زیر امر و یا تابعیت
یک فرماندهی و یا سازمان
نظامی کارمیکند ، گفته میشود .

کاروان :

۱- قافله ، تعدادی مسافر که
با هم در یک سمت حرکت
و مسافرت میکنند (متداول
در گذشته) .

۲- در کاربرد نظامی به تعدادی
خودروه که با ستون جمع یا
باز در یک سمت و به منظور
یک مأموریت حرکت میکنند
(بنام کاروان خودروئی یا
ستون موتوری نامیده میشود)

وابستگی او را بیک سازمان
رسمی تعیین و تأیید میکند .

کارت قلق گیری :

نتایج قلق هر تفنگ به منظور
آگاهی نفر استفاده کننده دیگر
از وضع قلق و تیراندازی
تفنگ روی کارتی ثبت میشود
و همیشه کارت قلق گیری باید
همراه تفنگ مربوطه باشد .

کارت مایل نما :

برای نشان دادن محل عوارض
عمده و عوامل طبقه بندی جاده
بکار میرود و با رعایت مقیاس
و مجسم کردن محور جاده در
وسط کارت ، نکات لازمه را
تشریح مینماید .

این کارت در پشت صفحه
گزارش استاندارد شناسائی
جاده چاپ میشود و مکمل
آنست .

کارت مشخصات انفرادی :

کارتی است که در بدو استخدام
برای کلیه پرسنل کادر ثابت
و غیرنظامیان (بجز افراد روز
مزد) در دو نسخه تنظیم
میشود .

کارشناس فرآورده های خوراکی :

فردی است که هنگام بازرسی

کازیه :

جعبه روباز فلزی یا چوبی است که برای قراردادن پرونده یا نامه‌های تحت اقدام در روی میز از آن استفاده میشود .

کاسه چرخ :

جسم گردنده‌ایست که چرخ خودرو بآن وصل میشود و سبب حرکت خودرو میگردد .

کاسه نمده :

وسیله‌ایست که از طریق آب بندی از ریختن روغن جلوگیری میکند .

کاغذ آشکار ساز :

کاغذ ضخیم و سنگینی است برنگ آبی که در اثر تماس با عوامل مایع تاولزا و اعصاب سرخ میشود .

کاغذ شبکه بندی شده :

قطعه کاغذی است، که با خطوط موازی درطول و عرض بافاصله‌های مساوی شبکه بندی شده است چون کاغذ شبکه بندی شده ارتباطی با وضعیت زمین و طبیعت نداشته و اطلاعاتی باید از منابع دیگر تهیه و روی آن وارد شوند .

لذا بهمین دلیل هر مقیاسی را میتوان برای ترسیم روی آن بکار برد .

کالای بدون برنامه :

(اقلام بدون درخواست)

اقلامی است که پیش از آنکه درخواستی از یگانهای شرکت کننده در عملیات دریافت گردد برای آنها فرستاده میشود .

کالری : Calorie (۱)

واحد سنجش گرما و در ترکیبات مواد غذایی نیز به منظور رسیدن به سطح مطلوب کیفیت غذا از نظر میزان کالری لازم نیز بکار میرود .

کالك :

کالك صفحه شفافى است از يك کاغذ مخصوص و برای کشیدن نقشه‌های عملیاتی از آن استفاده میشود .

کالك مسير :

صفحه شفافى است از کاغذ ویژه که با توجه به علائم قراردادی ترسیمی نظامی ، مسیر راه پیمائی از نقطه مبدا تا نقطه رهائی با توجه به کلیه اقدامات کنترلی دیگر مانند

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

کالك وضعيت

اطلاعات داده شده را بپذیرد و درمخزن اطلاعات خود ذخیره نموده و عملیات ریاضی مطلوب را روی آنها انجام و نتیجه را برابر برنامه تعیین شده ارائه نماید .

کامیون :

معمولا به خودروهای ارتشی با ظرفیت ۲۱ تن ظرفیت به بالا کامیون میگویند .

کانالیزه کردن : Canalize (۳)

محدود کردن عملیات بیک منطقه باریک بوسیله موانع طبیعی یا مصنوعی یا توسط آتش و بمباران - جداسازی عده و یا ستونهای دشمن از یکدیگر .

کبوتر پیک :

(یکی از عوامل مخابراتی درگذشته) کبوتری که نامه ، پیام ، نشانه از یگانی به یگان دیگر ببرد .

کپسول :

۱- مخزنی است برای نگهداری انواع گازها و یا گازهای مایع (گازهای مورد استفاده سوختن و یا گازهای مایع

تعیین نقاط حساس و نقاط بازرسی توقفگاهها ، راحت - باشها و سایر اطلاعات لازم ترسیم و تنظیم گردیده و همراه با دستور راه پیمائی به منظور تکمیل این دستور از سوی ستاد اقدام کننده منتشر میشود .

کالك وضعيت :

ترسیم وضع گسترش نیروهای خودی و یادشمن روی صفحه کاغذشفافی همراه بادستورات و یا گزارشات رزمی یا اداری و یا گزارشهای نوبه ای به منظور آگاهی رده های زیر دست و یا بالادست .

کالیبر : Caliber (۱)

قطر داخلی یا فاصله بین دو برجستگی روبروی لوله هر جنگ افزار را کالیبر گویند .

کالیبره کردن :

تنظیم وسیله مخابراتی را روی فرکانس یا چانل ، کالیبره کردن گویند .

کامپیوتر : Computer (۲)

ماشین محاسبه الکترونیکی است که میتواند به سرعت

(۱) و (۲) و (۳) واژه های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

کپسول آتش نشانی

یا مخلوط های مخصوص
آتش نشانی).
۲- پوسته نازک و قابل حلی
است و محتوی انواع داروها
برای بیماران .

کپسول آتش نشانی :

کپسولی است محتوی مواد
ضد آتش که با فشار هوا
مخلوط گشته و هنگام استفاده
و با فشار دادن تکمه و یاهر
وسیله که برای این کار تعبیه
شده مواد ضد آتش با فشار
سطح آتش را میپوشاند و
ارتباط آتش را با اکسیژن
هوا قطع میسازد .

کتاب رمز :

کتاب یا مدرکی است که در
سیستم رمز نویسی مورد
استفاده قرار میگیرد. و شامل
لیستی از حروف ، علائم
قراردادی، لغات و اصطلاحات
است .

کتاب کد : Code (۱)

کتاب یا نشریه ای که بعنوان
کد از آن استفاده میشود. این
کتاب بطور سیستماتیک تهیه
شده و حاوی لغاتی است با

معانی اختیاری (حروف ،
سیلابها ، لغات ، عبارات و
جملات) که هر کدام دارای يك
یا چند گروه علائم معادل متن
کشف پیام میباشند .

کچ بیل میکانیکی :

دستگاهی است برای کارهای
گودبرداری ، درجائی که محل
گودبرداری از سطح زمین
مجاور پائین تر باشد .

کد : Code

هر سیستم ارتباطی که در آن
گروهی از علائم اختیاری معرف
قسمتهای کوتاه یا طولانی در
يك پیام کشف میباشند. کدها
ممکن است از لحاظ اختصار
یا تأمین بکار روند .

کد اختصاری :

کدی است که منظور از آن تنها
اختصار میباشد نه اختفای
مندرجات آن . این کد جنبه
تأمینی نداشته و منحصرأ
برای مختصر کردن جملات ،
عبارات یا گروهی از جملات
بدون طبقه بندی که مورد
استعمال زیاد دارند بکار میرود.
این لغات (کدها) ممکن است

(۱) واژه انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

کد ارتباط هوا بزمین

بعنوان نام مستعار فرماندهان و یا یگانها و یا محل استقرار یگانها از نظر تأمین بکار میروند .

کد عنوان دار :

نوعی کد در رمز نویسی که در آن عبارت را بر مبنای کلی یا ایده اصلی که در تمام عبارت وجود دارد با عناوین جداگانه بنویسند .

کد فرعی :

کدی است که پرسنل ارتش شاهنشاهی مدتی در آن کد انجام وظیفه نموده و از لحاظ میزان مهارت و بهره خدمتی نسبت به کد اصلی پرسنل در درجه دوم قرار دارد .

کد مالی :

سری علائم قرار دادی یا شماره هائی است که بر روی کلیه اسناد مالی از قبیل برگ و اگذاری اعتبار اسناد هزینه، اسناد تعهد و مشابه آنها ثبت میشود .

کد هماهنگی :

کدی است که مربوط به مختصات یک نقشه یا چارت بوده و با حروف یا اعداد نشان

برای مدت نامعلومی دارای قوه اجرایی باشند در این حالت برای اینکه جنبه تأمینی پیدا کنند بایستی با استفاده از وسائل رمز بصورت رمز درآیند .

کد ارتباط هوا بزمین :

یکدسته علامات که بجای تعدادی از کلمات، عبارات و جملات برای ارتباط بین نیروهای هوایی و زمینی استفاده میشود این علامات را با بیسیم، چراغ مخاברה ، یک باند پارچه ای که پرده ارتباطی زمین به هوا است است میتوان مخاברה کرد .

کد اصلی :

کدی است که در آن، پرسنل ارتش شاهنشاهی در اثر آموزش یا از طریق تجارب عملی دارای تخصص و مهارت لازم گردیده است .

کد پرده مخاברה :

علائم قرار دادی که برای ارتباط بصری بین یگانهای زمینی با هواپیماهای خودی طرح شده است .

کد عملیاتی :

حروف یا کلماتی هستند که

کرانه :

ساحل - کنار .

کرانه نزدیک :

کرانه‌ای از رودخانه که در طرف نیروی خودی قرار داشته باشد .

کریبی :

پیچهای بزرگی هستند که به منظور استقرار فنرهای خودرو بکار میروند .

کروکی :

عبارتست از ترسیم سریع نقشه یا موقعیت يك نقطه یا منطقه در روی يك صفحه کاغذ بمنظور توجیه و یا راهنمایی دیگران (بدون رعایت مقیاس)

کره آسمانی :

يك کره فرضی با شعاع بینهایت و متحدالمرکز با زمین که بفرض تمام اجسام آسمانی بجز زمین در آن وجود داشته باشند .

کستور : Caster

تمایل دوچرخ جلو خودرو بسمت عقب .

کسر طبقه بندی جاده :

کسری است که مشخصات عناصر خوب و متوسط و بد

داده میشود (این کد غیر از اعداد و علائمی است که روی نقشه چاپ شده است) .

گراویل : (در موتور) Cramweel

دنده ایست در دیفرانسیل که با دنده پینیون درگیر میشود .

گراویل و پینیون :

Cramweel. Pinion

دنده هائی هستند که نیرو را ضمن تقویت کردن به اندازه ۹۰ درجه تغییر جهت داده و از میل گاردان به پلوس ها منتقل مینمایند .

کرانمند : (محدود)

واژه‌ای است که بجای کلمه محدود در نگارشات نظامی بکار گرفته میشود .

کرانه دور :

کرانه‌ای از رودخانه که در طرف دشمن واقع شده باشد .

کرانه راست یا چپ :

کرانه راست یا چپ نسبت به جریان آب تعیین میشود، باین ترتیب که اگر در امتداد جریان آب بایستیم ، سمت دست راست رودخانه را کرانه راست و سمت چپ را کرانه چپ گویند .

كسوت

شده است ، این لنت هنگام
بکار بردن ترمز با کاسه چرخ
تماس گرفته و سبب ایستادن
خودرو میشوند .

كلاج : Clutch

دستگاهی است که بین موتور
و جعبه دنده قرار گرفته و سبب
قطع و وصل نیرو از موتور به
جعبه دنده میشود .

كلاه خود :

كلاه آهنی - كلاه فلزی که در
جنگ بر سر میگذارند .

كلاهك :

در گلوله‌های توپخانه روی گلوله
قرار گرفته و برای کم کردن
مقاومت هوا است .

كلمه رمز :

عبارتست از يك واژه قراردادی
که دارای معنایی غیر از معنی
اصلی باشد .

كمان :

چوبی است خمیده که دو سر
آن بوسیله رشته‌ای از زه
محکم بهم متصل گردیده که در
زمان قدیم و قبل از کشف باروت
از آن برای پرتاب تیر (پیکان)
بسوی حیوانات، دشمن و هر
هدف دیگری استفاده میشده .

جاده بوسیله علائم قراردادی
در صورت و مخرج آن نوشته
میشود .

كسوت :

جامه - لباس - پوشش تن .

كسوت سربازی :

جامه سربازی ، لباس سربازی
یونیفرم نظامی .

كششی :

جنگ افزارها و وسائلی که فاقد
هرگونه نیروی محرکه برای
جابجا شدن هستند کششی
نامیده میشوند .

كشف رمز :

تبدیل يك متن رمز بکشف
است ، این عمل شامل طریقه
تجزیه و تحلیل رمز میباشد .

كشيك :

نگهبانی ، پاس ، پاسداری .

كفایت حجمی :

در ماشینهای درون سوز و
انفجاری مقدار مخلوط سوخت
راکه عملاً وارد سیلندر میشود
كفایت حجمی گویند .

كفشك ترمز :

قطعه فلز منحنی شکلی است
که داخل کاسه ترمز قرار گرفته
ولنت ترمز بر روی آن میخکوب

کماندو :

کماندو نفری است با مقاومت جسمانی عالی ، ورزیده ، با داشتن آموزشهای لازم و مشکل ، آشنا با زندگی در شرایط سخت و آماده برای انجام هرگونه مأموریت دشوار.

کمانه کردن :

در کار برد نظامی هنگامیکه گلوله تفنگ یا دیگر جنگ - افزارها به هدف و یا جسمی سخت در اطراف هدف برخورد کند بطوریکه با شتاب زیاد از سمت مورد نظر خارج گردد و بسوئی دیگر حرکت آن ادامه یابد گویند گلوله کمانه کرد.

کمپرسور :

فشار آورنده - آلت فشار - منگنه - آلت متراکم کردن بخار - چکش یا مته که با برق کار کند .

کمپرسور هوا :

وسیله ایست که هوای فشرده تهیه میکند .

کمترین نیاز پزشکی :

حداقل نیاز پزشکی که برای يك سازمان نظامی منظور شده است .

کهربند :

تسمه یا نواری که به کمر می بندند .

کهربند برزنتی :

نوار پهن برزنتی است که بکمر بسته میشود و دارای سوراخهای منگنه شده بوده و برای حمل جنگ افزار انفرادی (مانند طپانچه ، سر نیزه ، قمقمه) و یا سایر تجهیزات و وسائل انفرادی از آن استفاده میشود.

کهربند گلوله :

نواری فلزی در دورگلوله است که معمولاً مسی بوده و در اثر فشار گاز و بر جستگی خان لوله بریده شده و شیاردار میشود و سبب گردش گلوله در داخل لوله گردیده و به برد آن کمک میکند .

کمک :

یاری ، مدد ، همراهی .

کمک تیرانداز :

نفری که در تیراندازی های آموزشی یا رزمی نفر تیرانداز اصلی را کمک و یاری میکند .

کمک خلبان :

نفری که خلبان هواپیما و یا هلی کوپتر را در هدایت هواپیما

کمک راننده

کمیت برداری :

کمیتی است که دارای چهار مشخصه (امتداد ، جهت ، نقطه اثر و مقدار میباشد).

کمسیون : (گرد هم آئی) (۱)

به منظور بحث ، گفتگو ، بررسی و اخذ نتیجه درباره يك يا چند موضوع مهم، بنا بدستور مقامی بالاتر عناصر ذیصلاح ، مطلع و انتخاب شده زمانی که گرد يك ميز به گفتگو بنشینند و پس از مشاوره به يك راه حل منطقی برسند .

کمین :

عبارتست از حمله یا تكت توام با غافلگیری ، بدشمنی که در حال حرکت بوده و یا بطور موقت متوقف شده است . هدف کمین دستگیری یا انهدام نیروی دشمن میباشد .

کمینگاه :

محل یا نقطه ای که برای بدام انداختن عنصر یا عناصری در کمین بانظار میمانند. معمولاً کمینگاه در محل مناسبی انتخاب می شود که تا رسیدن به آن نقطه کوچکترین اثری

یا هلی کوپتر کمک و یاری میکند .

کمک راننده :

نفری که راننده يك وسیله نقلیه را در انجام وظائف رانندگی کمک و یاری میکند .

کمک مستقیم : (در توپخانه)

توپخانه با مأموریت کمک مستقیم ، پشتیبانی نزدیک و مداوم آتش را برای یگان پشتیبانی شونده (مانور کننده) فراهم نموده ضمناً آتش خود را با عوامل یگان پشتیبانی شونده تطبیق داده و هم آهنگ میسازد :

کمکهای اولیه :

کمکهای فوری که مأمورین بهداری به بیماران و آسیب دیدگان و زخمیان میکنند .

کمکهای اولیه خودیاری :

کمکهای اولیه که سرباز در هنگام ضرورت در مورد خودش بکار می بندد .

کمیت :

اندازه ، مقدار چیزی که سنجیده یا شمرده شود در فارسی چندی هم گفته شده .

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

کنترل آتش

یا جلوگیری از دسترسی عناصر شورشى بآن منابع انجام میدهد زیرا در صورت دسترسى دشمن به آنها نیل به هدفهای او را علیه دولت قانونی تسهیل میکند .

کنترل خسارت منطقه :

اقداماتی است که قبل ، در حین و بعد از سوانح و حوادث و یا تـك دشمن بمنظور بحداقل رساندن خسارات وارده و فعال نمودن یگانهای آسیب دیده بعمل میآید .

کنترل سازمانی :

کنترلی است که هنگام عبور یگانی از جاده توسط فرمانده یگان اجرا میشود تا مقررات عبور و مرور در جاده حفظ شود .

کنترل عملیاتی :

اختیاری است که به يك فرمانده داده میشود تا نیرو های تابعه اش را بنحوی هدایت کند که مأموریتها یا وظائف معینی که معمولاً به عمل، زمان و محل محدود میشوند انجام پذیرد ، و همچنین یگانهای تابعه اش را بکار برده، و کنترل

از عناصر کمین کننده دیده نشود (مانند گذرگاه اجباری بین دو رشته ارتفاع و یا در پیچ یا شیب تند يك مسیر یا راه) .

کنترل آتش :

مجموعه اقداماتی است که آتش را هدایت میکند .

کنترل آماد :

تعیین نیازمندیها و ایجاد موازنه بین نیازمندی و موجودی و اقدام برای رساندن سطح موجودی به سطح نیازمندی .

کنترل انبار :

روشی است که اطلاعات مربوط به مقدار ، محل و وضع آمادها و تجهیزات در شرف ورود ، موجودی یا بدهکاری را از روی سوابق و گزارشات در اختیار میگنارد .

(عملیات کنترل انبار در انجام مدیریت عملیات آمادی مؤثر بوده و عمل توزیع را با کمترین مقدار آماد و تجهیزات در سیستم توزیع میسر میسازد) .

کنترل جمعیت و منابع :

اقداماتی است که دولت برای کنترل جمعیت و منابع مادی

کنترل منطقه‌ای

کنترل یکطرفه :

موقعی که جاده بعللی (از قبیل در دست ساختمان بودن یا ریزش یا موقعیت محلی یا محدود بودن عرض یا سایر عوامل) گنجایش عبور بیش از یک خودرو در یک زمان را نداشته باشد، عبور و کنترل یکطرفه انجام میشود.

کنترلر :

یکی از ارکان ستاد عمومی است که بعنوان مشاور مالی و بهبود مدیریت بفرمانده در انجام مأموریت کمک میکند و امور مربوط به واگذاری اعتبارات، تأمین منابع مالی، بهبود مدیریت و تعیین روشهای حسابداری را بعهده دارد.

کند :

کسی یا چیزی به آرامی حرکت کند - تیغی که لبه یا دم آن تیزی کافی را برای بریدن نداشته باشد.

کنسرو :

قوطی فلزی فاقد هوا و خلاء مطلق محتوی مواد غذایی مورد نظر که میتوان مواد غذایی را برای مدت طولانی و معینی بطور

تاکتیکی آن یگانها را حفظ و یا تفویض نماید. کنترل عملیاتی شامل اختیار کاربرد جداگانه اجزاء یگانهای تابعه را در بر ندارد. و همچنین شامل کنترل اداری و لجستیکی نمیشد.

کنترل منطقه‌ای :

کنترلی است که توسط پرسنل مسئول عبور و مرور در یک منطقه انجام میشود.

کنترل موجودی :

شامل کنترل انبار، کنترل آمواد و دیگر اعمال لازم برای مدیریت مؤثر مایتریل میشود. اعمال کنترل موجودی شامل محاسبه نیازمندیها، دستور تهیه، مدیریت، توزیع، دستور نوسازی و دستور درمورد ارقام فرسوده نیز میگردد.

کنترل نقشه برداری :

- ۱- یک نقطه یا یک سری نقاط یا مختصات فرضی یا - حقیقی که بمنظور شروع نقشه برداری بکار میرود.
- ۲- نقاط و سمتهای معلوم که از عملیات نقشه برداری بدست میآید.

سالم در آن نگاهداشت و در مواقع لازم مانند هنگام رزم و عملیات برای تغذیه پرسنل از آن استفاده نمود .

کنفرانس :

سخنرانی در انجمن و یا در جمع عده‌ای ، نطق و خطابه . (این اصطلاح مجازاً بجای سخنرانی بکار برده میشود) .

کنگره :

انجمن یا اجتماع نمایندگان سازمانهای مختلف برای امری مهم (مانند کنگره پزشکی - تاریخ نظامی ، مدیریت و مانند آن) .

کوه :

برآمدگیهایی که از تپه‌های اطرافش (در حدود ۶۰۰ متر) بلندتر باشد .

کوه نورد :

کوه پیما - مرد کوه .

کوئل : Coil

عمل تبدیل ولتاژ را انجام میدهد و دارای دو نوع سیم - پیچی است (برق چند ولت باطری خودرو را تبدیل بچند هزار ولت میکند) .

کوتاه :

موقعیکه ترکش (ترکشها) بین نقطه تنظیم و دیدبان عمل نماید کوتاه مشاهده میشود و دیدبان با اعمال تصحیحات لازم بهمدف میرساند .

کوتوال :

(متداول در گذشته) دژبان - قلعه بیگی - نگهبان شهر - شهربان .

کوپن :

برگ جیره بندی - حواله بنزین - حواله مواد سوختنی خودروها (مانند کوپن نفت یا بنزین) .

کودتا :

توطئه و قیام مسلحانه و ناگهانی عده‌ای از سپاهیان یک کشور برای برانداختن حکومت و یا تغییر دادن رژیم حاکم .

کور :

۱- کسی که فاقد قدرت بینائی است و چیزی را نمیتواند ببیند .

۲- در کاربرد نظامی بهمین معنی آمده است و وقتی خلبان هواپیما یا هلی کوپتر در تاریکی مطلق شب برای کسب تجربه یا

کیان :

جمع کی به معنی پادشاه بزرگ و نام سلسله‌ای از پادشاهان ایران بعد از پیشدادیان (بنا بر روایت شاهنامه فردوسی)

کیسه انفرادی :

کیسه ایست معمولاً برزنتی که برای نگهداری لباس و وسایل شخصی سرباز بکار میرود.

کیسه تخلیه آسیب دیدگان :

کیسه‌ای مانند کیسه خواب است که هوا وارد آن نمیشود و برای گرم نگاهداشتن آسیب دیده تا رسیدن بجای گرم در هنگام تخلیه بکار میرود .

کیسه خواب :

نوعی رختخواب سبک است که به صورت کیسه تهیه شده و نظامیان در عملیات صحرائی و یا هنگام رزم برای خوابیدن از آن استفاده مینمایند .

کیفر :

سزای جزاء، مکافات .

کیفرخواست :

ادعای مجرم علیه مجرم یا مجرمین .

کیفیت :

چگونگی، چونی، صفت و حالت

انجام مأموریت پرواز میکنند و برای هدایت هواپیما از دستگامها و وسائل الکترونیک استفاده میکنند (پرواز در این شرائط راکه دید وجود ندارد میگویند پرواز کور).

کوله :

باری که روی دوش حمل کنند.

کوله پشتی :

وسائل مورد لزوم زندگی یک سرباز (حد اقل) درساکي برزنتی و جا سازی شده جای داده می شود که همراه سرباز (پرسنل نظامی از هر طبقه و درجه) در مأموریت های رزمی، مانورها و تمرین ها روی دوش و پشت حمل میشود. (این ساك کوله پشتی نامیده میشود)

کولاس :

دستگاهی است که ته لوله توپ را می بندد و دستگاه چکاننده و ضربت در آن قرار دارد.

کوپال :

واژه‌ای بمعنی گرز .

کولاک :

طوفان ، طوفان همراه با برف و مه .

کیلو

وچگونگی چیزی، کیفیات جمع آن است.

کیلو : Kilo (۱)

پیشوندی است که در سلسله متری، دلالت بر هزار برابر يك واحد میکند .

کیلوتن بمب : Kiloton Bomb (۲)

يك سلاح هسته‌ای که قدرت انفجار آن معادل قدرت انفجاری هزارتن T.N.T (تری‌نیترو-تولون) است (تقریباً معادل ۱۰۲۱ کالری گرما).

کیلوسیکل : Kilocycle (۳)

برابر هزارسیکل در ثانیه است.

کیلوگرم : Kilogram (۴)

واحد جرم است و نمونه بین‌المللی آن که آلیاژی است از پلاتین و ایریدیم در کنفرانس

عمومی وزن‌ها و مقادیر در سال ۱۸۸۹ در پاریس انتخاب شد و در موزه سور Ceure از آن نگاهداری میشود. جرم این نمونه ۲۷ میلی‌گرم بیشتر از جرم يك دسیمتر مکعب آب به‌حالت ماکزیمم چگالی است.

کیلومتر : Kilometer (۵)

واحد اندازه‌گیری فاصله یا مسافت است که معادل یکهزار متر میباشد .

کیوسک : (۶)

اطاقك کوچکی است که معمولاً از چوب یا فلز در مدخل درب ورودی هر سربازخانه ساخته می‌شود تا مأمورین ضمن کنترل ورود و خروج بمراجعین کمک نمایند (مانند کیوسک دژبان)

فرهنگ واژه‌های نظامی

گ

گ :

حرف بیست و ششم االفبای فارسی است این حرف مخصوص زبان فارسی است و در زبان عربی وجود ندارد.

گارد : Gard (۱)

پاسبانی، نگهبانی، پاسداری - قراول - عده‌ای از افراد نظامی که مأمور محافظت و نگهبانی محلی باشند .

گارد احترام :

بيك يگان نظامی (درحدوديك گروهان) که مراسم احترامات رسمی را در موقع ورود پادشاهان - رؤسای جمهوری - بزرگان و یا فرماندهان عالی مقام نظامی بجا می‌آورند گفته میشود ، این یگان همیشه با یکدسته موزیک همراه میباشد

که هنگام احترام دسته موزیک ابتدا سرود ملی کشور میهمان و سپس سرود ملی کشور میزبان را مینوازد .

گارد تخریبات :

نیروی محلی مستقر در يك منطقه بمنظور حصول اطمینان از اینکه هدف پیش از موقعیکه برای تخریب آن دستور داده شده به تصرف دشمن در نیاید و تخریب با موفقیت صورت گیرد، گارد تخریبات - نامیده میشود .

گارد مسلح :

به گروه سربازان مسلحی گفته میشود که مأموریت حفاظت و تأمین عناصر ، وسائل و یا مهمات را در طول حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر و یا در محلی برعهده داشته باشند.

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

گازی :

وسیله ترابری با دوچرخ یا چهار چرخ که بیشتر با اسب یا قاطر آنرا میکشند و در ارتش قدیم ایران جزء وسائط ترابری اصلی بشمار میرفته است .

گالن : Galon (۱)

پیمانه مخصوص مایعات - مقیاس کیل در انگلستان و آمریکا که تقریباً معادل ۴/۵ لیتر است .

گالوانومتر : Galvanometer (۲)

برای اندازه گیری شدت جریان در مدار های الکتریکی بکار برده میشود .

گام :

در کاربرد نظامی يك دور کامل گردش خان را در داخل لوله جنگ افزار گام گویند .

گاز : Gaze (۳)

بخار ، ماده ای که از ماده دیگر در حالت تبخیر جدا شود و در هوا پراکنده گردد و دارای شکل و فرم مخصوص نباشد و یا هر ماده ای که در حال بخار باشد .

گاز اشک آور :

گازی است که موجب تحریک اعصاب چشم و تورم پلك ها گردیده و باشک ریزی شدید منجر میشود و معمولاً در ضد اغتشاشات برای متفرق ساختن اغتشاش کنندگان بکار میرود .

گاز اعصاب :

این گاز در عملیات شیمیائی بکار برده می شود، و موجب تحریک مرکز کنترل و سیستم اعصاب میگردد ، شخص آسیب دیده از تنفس این گاز دچار رعشه و عدم کنترل اعضاء و بدن میگردد و قدرت هرگونه فعالیت از او سلب می شود این گاز از گازهای خطرناک بوده و در صورتیکه بموقع اقدامات درمانی لازم برای شخص آسیب دیده انجام نگردد مرگ او حتمی است .

گاز انبر :

يك نوع ابزاری است که در چیدن مفتول ها و میخ و مانند آن بکار می رود .

گاز تاولزا :

این گاز در عملیات شیمیائی بکار برده می شود ، و موجب

(۱) و (۲) و (۳) واژه های بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

گاز تهوع آور

گاز سهمی :

گازی جنگی است که از راه تنفس یا از راه پوست جذب بدن شده و روی اعصاب و دستگاه تنفس و سایر اعضا بدن اثر میگذارد . :

گازهای آسیب رساننده :

گازهای جنگی مرگ آور هستند که معمولاً در میدانهای رزم بکار برده میشوند .

گاو صندوق :

صندوق بزرگ فولادی است که قفل آن با رمز بوده و برای نگهداری اسناد طبقه بندی شده بکار میرود .

گتر : Guetre (۱)

روپوش کفش که از پارچه ضخیم دوخته میشود ، و یا تیکه ای از پارچه که مانند ساق پوتین میدوزند و آنرا روی کفش و بالای مچ پا میبندند . گتر پوتین سربازان گارد احترام معمولاً برنگ سفید میباشد .

گچ آشکار ساز :

گچ لوله ای شکلی است که با مواد مخصوص طوری ترکیب شده که هنگام تماس آن با

تحریک دستگاه تنفسی و وارد ساختن جراحات حاد در سیستم تنفسی و ریه ها میگردد و در صورتیکه عامل شیمیائی تاولزا بصورت مایع پخش شود به محض تماس با پوست بدن موجب تحریک پوست گشته و تاولهای متعددی در سطح پوست بدن ایجاد میکند . در صورتیکه اقدامات درمانی لازم برای شخص آسیب دیده انجام نگردد مرگ او حتمی است .

گاز تهوع آور :

این گاز در عملیات شیمیائی بکار برده میشود، ایجاد حالت تهوع در شخص آسیب دیده مینماید و این حالت برای شخص آسیب دیده غیر قابل تحمل بوده و اگر بموقع اقدامات درمانی لازم انجام نگیرد شخص آسیب دیده میمیرد .

گاز دار :

آنچه که گاز از خود متصاعد میکند مانند نفت، ذغال و مواد الکلی .

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

عوامل شیمیائی تاول‌زا که بصورت مایع یا گاز بکاربرده شده‌اند، تغییر رنگ می‌دهد و نوع عوامل شیمیائی منتشر شده را مشخص می‌سازد.

گذار :

ناحیه کم عمقی از آب جاری (رودخانه و نهر) یا ساکن که برای عبور پیاده و موتوری مناسب باشد.

گذار :

موقعیکه ترکش (ترکشها) آنطرف نقطه تنظیم، عمل نماید گذار مشاهده می‌شود.

گذار ستون :

مدت زمان لازمی است که مورد نیاز گذشتن ابتدا و انتهای یک ستون راه پیمائی (پیاده یا موتوری) از هر نقطه یا نقطه رهائی می‌باشد.

گذرگاه :

عارضه‌ایست که حرکت‌عده‌ها را کانالیزه (تقسیم) میکند، مانند یک گردنه در کوهستان یا یک شکاف در میدان مین.

گذرنامه :

یا پاسپورت عبارتست از

دفترچه حاوی اجازه خروج از کشور که بطور رسمی از سوی مقامات ذیصلاح اداره گذرنامه امضاء و صادر می‌شود و انواع آن عبارتند از: گذرنامه عادی، دانشجویی، خدمت و سیاسی.

گرا : (آزیموت)

زاویه افقی بین یک امتداد و یکی از سه شمال درجهت حرکت عقربه‌های ساعت، شروع از شمال. چون سه نوع شمال وجود دارد بنابراین سه نوع گرا موجود است: گرای جغرافیائی، گرای مغناطیسی و گرای شبکه.

گراد : Grade (۱)

اگر محیط دایره را به ۴۰۰ قسمت مساوی تقسیم کرده و آنها را به مرکز دایره وصل کنیم هر یک از زوایای حاصله در مرکز دایره را یک گراد نامند ($\frac{1}{400}$ محیط دایره).

گرافیک : Graphique (۲)

ترسیم، نمودار، ارائه دادن چیزی بوسیله نوشته یا خطوط افقی و عمودی.

گرافیک راه پیمائی

در جهت حرکت عقربه های ساعت باشد .

گرای وارونه : (یا گرای معکوس)

گرای وارونه هر امتداد عبارتست از گرای آن امتداد به اضافه یا منهای ۱۸۰ درجه یا ۳۲۰۰ میلیم .

گردان : (جمع کرد و بمعنی پهلوان)

بخشی است از یک تیپ و یک رده بالاتر از گروهان ، از تعدادی گروهانهای مشابه و یا مختلف و قسمتی بنام قرارگاه گردان و دیگر عناصر مورد نیاز پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تشکیل گردیده است . (معمولا یک گردان دارای چهار گروهان میباشد) .

گردان ماه :

یک واحد اندازه گیری است که برای بیان مقدرات ساختمانی یک گردان مهندسی ساختمان بکار میرود .

گرداننده نهائی :

انتقال دهنده نیرو از جعبه دنده به چرخهای خورشیدی تانک است .

گرافیک راه پیمائی :

نمودار مسافت بزمان است که برای کنترل حرکت تهیه و استفاده میگردد ولی توزیع و منتشر نمیگردد .

گراور : Gravure (۱)

عکس یا نقشه ای که بادستگاه مخصوص شبیه دستگاه عکاسی در روی فلزی مخصوص عکسبرداری می شود تا بتوان آن را روی کاغذ چاپ نمود .

نرای جغرافیائی :

زاویه بین شمال جغرافیائی و یک امتداد معین در جهت حرکت عقربه های ساعت که مبداء آن شمال جغرافیائی باشد .

نرای شبکه :

زاویه ایست بین شمال شبکه و یک امتداد معین که مبداء آن شمال شبکه و جهت آن در جهت حرکت عقربه های ساعت میباشد .

نرای مغناطیسی :

زاویه افقی بین شمال مغناطیسی و یک امتداد معین که مبداء آن شمال مغناطیسی و جهت آن

(۱) واژه بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

گردش کار

گردش کار :

يك گزارش رسمی است که سازمانها ، افسران ستاد و یا مسئولین زیردست با توجه به سابقه ، محتویات پرونده و موضوع اقدام تهیه کرده و برای آگاهی از جریان کار و کمک بفرمانده در اخذتصمیم بفرمانده تقدیم میکنند .

گردنه :

ازبهم رسیدن دو پشته و دو دره ایجاد میشود -

گردهم آئی : (کمیسیون)

واژه نوین و متداول بجای کمیسیون، بمعنی واژه کمیسیون برای آگاهی بیشتر مراجعه شود .

گوز :

نوعی از آلات جنگ که در قدیم بکار میرفته و از چوب و آهن ساخته میشده و سر آن بیضی شکل یا گلوله مانند بوده و آن را بر سر دشمن فرود میآوردند به این وسیله کوبال نیز گفته میشد .

گرفتار :

اسیر ، دربند ، دستگیرشده .

گرمسیر :

جا و منطقه گرم (که معمولا

در نزدیکی خط استوا در کره زمین قرار دارد) .

گرمسیری :

به معنی واژه گرمسیر مراجعه شود .

گروگان :

گرفتن شخص و یا فرد مهم و بلند پایه ای از سوی دشمن یا نیروهای خودی به منظور در گرو داشتن فرد با ارزشی برای رسیدن به مقاصد و نظرات خود در زمان معین ، یامبادله آن شخص با شخص و یا چیز با ارزشی دیگر .

گروه آتش گذاری تخریبات :

گروهی که در نزدیک يك نقطه تخریب بوده و از لحاظ فنی مسئول تخریب میباشد .

گروهان :

بخشی است از يك گردان و يك رده بالاتر از دسته ، از تعدادی دسته های مشابه و یا مختلف و قسمتی بنام ارکان گروهان و دیگر عناصر مورد نیاز تشکیل گردیده است (گروهان معمولا در حدود ۱۷۰ نفر و شامل ۴ دسته میباشد).

گروهان پیشگیری پزشکی

گروه :

بخشی است از یکدسته و يك رده بالاتر از تیم (جوخه) ، حداکثر از ۹ نفر (بنام فرمانده گروه و دو تیم مشابه الف و ب) تشکیل شده است .

گروه پشتیبانی :

يك گروه خمپاره انداز است که جزء سازمان دسته سوار زرهی بوده و پشتیبانی آتش غیرمستقیم را فراهم میکند .

گروه پیشرو :

گروهی از نمایندگان یگانها ، که به منظور شناسائی و ترتیب دادن نحوه اشغال و یا استقرار عمده قوا از یگان های اصلی خود جدا شده و قبلا به منطقه مورد نظر اعزام میشوند .

گروه تاریخ و زمان : (در نگارشات نظامی)

عددی است شش رقمی که هر دو رقم آن بترتیب از چپ بر است روز ، ساعت و دقیقه را نشان میدهد .

گروه توپخانه :

شامل ارکان و آتشبار ارکان و یگانهای منتسب است و چون دارای کالیبرهای مختلف است قابلیت انعطاف بیشتری دارد.

گروهان پیشگیری پزشکی :

یگانی است برای فراهم آوردن ، بررسی ، برآورد و زیر فرمان آوردن شرایط پزشکی در رزم و دیگر عواملی که در بهداشت و روحیه عدهها در منطقه ارتش و ارتباطات مؤثر است و بدین منظور سازمان داده شده است .

گروه بانسوم :

این درجه نظامی بافرادی اعطاء میگردد که دارای صلاحیت خدمت در ارتش شاهنشاهی باشند (کادر و یا وظیفه) علامت مشخصه آن (يك نوار زرد رنگ بشکل ۸) روی هر دو آستین دوخته میشود .

گروه بان دوم :

این درجه نظامی یکدرجه از گروهبان سومی بالاتر است ، علامت مشخصه آن (دو نوار زرد رنگ بشکل ۸) روی آستینها دوخته میشود .

گروهبان یکم :

این درجه نظامی يك درجه از گروهبان دوم بالاتر است ، علامت مشخصه آن (سه نوار زرد رنگ بشکل ۸) روی آستینها دوخته میشود .

گروه جراحی

يك گروه توپخانه از ۲ تا ۶ گردان توپخانه را میتواند اداره کند .

گروه جراحی :

ازدستهای ازجراحان متخصص تشکیل یافته که برای افزایش قدرت جراحی بیک بیمارستان مأمور میشوند .

گروه درهم پزشگان :

یکدسته سه نفری از پزشگان که بیماران و آسیب دیدگان و زندانیان جنگی را معاینه میکنند. یکی از این سه پزشک از طرف کشوری که زندانی را در اختیار دارد و دو پزشک دیگر از يك کشور بیطرف انتخاب میشوند .

گروه موقت رزمی :

عبارتست از :

۱- گروه بندی موقت یگانهای با استعداد گردان تحت امر يك فرمانده که بمنظور انجام عملیات یا مأموریت ویژه ای تشکیل میشود .

۲- سازمان دادن نیمه موقت یگانها تحت امر يك فرمانده بمنظور انجام يك وظیفه مشخص و مداوم .

۳- عنصری است از يك ناوگان که بوسیله يك ناوگان مأمور اجرای مأموریت ، یا رده بالاتر بمنظور انجام وظیفه یا وظائف مخصوص تعیین میگردد .

۴- ترکیبی است متناسب از رسته های گوناگون با استعداد يك گردان برای انجام يك مأموریت ویژه و یا تصرف يك هدف که تحت کنترل عملیاتی يك فرمانده قرار میگیرند .

گروه رزمی مشترك :

نیروئی است که از عناصر مأمور یا منتسب دو نیرو یا بیشتر بوسیله فرمانده يك فرماندهی متحد، مخصوص یا يك گروه رزمی مشترك تشکیل شده باشد

گروه ساحلی :

عبارتست از يك سازمان رزمی نیروی پیاده شونده که بمنظور تسهیل در پیاده شدن و حرکت عده ها و تجهیزات و تدارکات و تخلیه مجروحین و زندانیان جنگی بخارج از سر پل و همچنین برای تسهیل ورود کشتیها به سواحل، نجات کشتیها و قایقها انجام وظیفه

گروه فرماندهی گردان

حیطه تسلط و منطقه دشمن
بتواند فرار کند و به نیروهای
خودی به پیوندد .

گزارش :

نوشته ایست که از رده پائین
(زیر دست) تنظیم شده و به-
رده بالا (بالا دست) تقدیم
میشود .

گزارش اطلاعاتی :

گزارش اطلاعاتی دارای فرم
مشخصی نیست و بمنظور
آگاهی رده های بالادست، زیر-
دست، مجاور از فعالیتها و
امکانات دشمن تهیه و ارسال
میگردد. (اقدام اطلاعاتی است)

گزارش شرفرضی :

گزارشی است که دارای فرم
ویژه بوده و برای تقدیم به -
پیشگاه مبارك اعلیحضرت
همایون شاهنشاه آریامهر
بزرگ ارتشتاران تنظیم میگردد

گزارش شناسائی راه :

شامل يك کروکی ساده راه با
علائم قراردادی مواضع که روی
آن برده شده است و همواره
بایک گزارش جاده و گزارشهای
شناسائی مربوط به پل، تونل،
گذرگاه و گذار همراه خواهد

مینمایند این گروه از عوامل هر
دو نیروی پیاده شونده و دریائی
تشکیل میگردد .

گروه فرماندهی گردان :

شامل افراد و وسائلی است
که فرماندهی برای اجرای
شناسائی، طرحریزی و صدور
دستورات و اشغال موضع با آنها
نیاز دارد .

گروه کد : Code

گروهی از حروف یا اعداد یا
ترکیبی از هر دو در يك سیستم
کد که معرف عنصری از متن
کشف می باشد .

گروه گردانی توپخانه :

وقتی که گروه و یا دیگر قرار-
گاههای تاکتیکی مناسب موجود
نباشد يك گردان توپخانه به-
گردان دیگر منتسب شده و
تشکیل يك گروه گردانی را
میدهد .

گریز :

فرار ، گریختن از برابر کسی
یا چیزی .

گریز و فرار :

در کاربرد نظامی فنی است که
هر نظامی اسیر و یا محصور
با آشنایی با آن بایستی از قلمرو،

گزارش فوری :

بود و ممکنست نقشه‌های محلی
و یا عکسهائی از قسمتهای لازم
بان ضمیمه گردد .

گزارش فوری :

رویدادهای مهم از فعالیتهای
دشمن و یا هر حادثه و واقعه
دیگر که بوقوع می‌پیوندند و
آگاهی سریع و فوری فرمانده
بالادست از آنها به منظور بهره
برداری جنبه و اهمیت حیاتی
داشته باشد تحت گزارش فوری
تهیه و ارسال می‌گردد (این
گزارش دارای فرم مشخصی
نیست) .

گزارش میدان مین :

هرگونه پیام یا مخابره (معمولا
شفاهی) مربوط به فعالیتهای
مین‌گذاری اعم از خودی یا دشمن .

گزارش نوبه‌ای :

گزارشی است که برابر دستور
یا روش ثابت کار، توسط
عناصر زیردست در مواقع
معین تهیه و فرستاده میشود .

گزارش وضعیت :

گزارشی است از آخرین
رویدادها و وقایع منطقه عملیات
در زمانهای تعیین شده و یا در
مواقع اضطراری که آگاهی از

آن جنبه حیاتی دارد به منظور
درجریان قرار گرفتن و اتخاذ
تصمیمات و واکنش‌های منطقی
که به‌رده‌های بالاتر گزارش
میگردد .

گژن‌بین :

محور اتصال شاتون به پیستون
در موتور .

گسترش :

در کاربرد نظامی پراکندگی
نیروها را به منظور اشغال
مواضع پدافندی و اتخاذ
صورتبندی در عملیات آفندی
را گسترش نامند .

گسیل : (بضم گاف)

روانه داشتن - روانه کردن -
اعزام داشتن (گسیل نیرو
بمعنای اعزام نیرو)

گشتی :

۱- گروه مسلحی است از
یگان که برای انجام مأموریت -
های شناسائی، رزمی یا
هر دو برگزیده و اعزام
میشود (اندازه و تعداد این
گروه بستگی به نوع مأموریت
دارد) .

۲- پاسبان یا نگهبانی که باید
در مسافت معینی گردش و
یا نگهبانی کند .

عمل کردن خرجها

عمل کردن خرجها :

اگر مواد منفجره آتش‌گذاری شده بعد از عمل عامل انفجار (چاشنی ساده ، چاشنی الکتریکی ، فتیله انفجاری) یا در نتیجه ضعف عامل انفجار منفجر نشود خرج گل کرده است .

گلگیر :

پوششی است فلزی روی چرخ اتومبیل ، موتورسیکلت ، دوچرخه و امثال آن.

گلنگدن : (روآیک)

شیئی است فلزی درتفنگ و تیربارها که با حرکت رفت و آمد، فشنگ را به داخل خزانه لوله جنگ‌افزار میبرد و پوکه را از خزانه لوله خارج میسازد و نیز موجب مسلح کردن جنگ‌افزار میشود .

گلوگاه :

گردنه - شکاف میان دوکوه .

گلوله :

قسمتی از سرفشنگ است که در روی پوکه قرار گرفته و از طریق لوله جنگ‌افزار بر روی هدف پرتاب میشود .

گلوله افشان :

نوعی گلوله ته پران است که با پخش ساچمه درشت علیه نفرات بکار میرود .
(این نوع گلوله به توپخانه اختصاص دارد) .

گلوله دودانگیز :

گلوله‌ایست ، محتوی مواد شیمیائی ، که پس از اصابت به هدف یا زمین ، منفجرشده و ماده شیمیائی آن تولید دود زیادی میکند ، بطوریکه دیدبانی از پشت آن پرده دود، مشکل میشود .

گلوله رسام :

گلوله‌ایست که در داخل آن مواد آتش‌زا وجود دارد ، این مواد پس از خروج گلوله از دهانه لوله شروع به سوختن نموده و مسیر گلوله را درهوا، از محل تیراندازی تا هدف نشان میدهد .

گلوله‌گذار :

نفری است که مهمات موردنظر را در داخل لوله توپ قرار میدهد .

گلوله منفجره :

گلوله‌ایست که دارای خرج

بوده و در هر نقطه‌ای که بزمین
و یا سطح سختی بخورد ،
منفجر می‌گردد .

گماردن :

کسی را به کاری منصوب کردن
و یا شخص را در انجام وظیفه‌ای
تعیین کردن و گماشتن .

گماشته :

۱- عنوان سربازی است که
ضمن خدمت سربازی در
انجام امور زندگی به
افسرانی که میتوانند از
گماشته استفاده کنند کم
میکند .

۲- مأمور - فرستاده -
پیشخدمت نظامی .

گنجایش :

ظرفیت، اندازه و میزان پذیرش
چیز یا تعدادی انسان .

گنجایش اصلی تخت‌های بیمارستان:

تعداد تختخواب بیماران که در
جدول سازمانی مشخص شده
است ، و نیز این اصطلاح برای
مشخص کردن ظرفیت مراکز
درمان پزشکی متحرك بكار
می‌رود .

گواهی نامه :

شهادت نامه ، ورقه‌ای که در
پایان دوره تحصیلی به محصلین
در صورت موفقیت داده می‌شود .

گودال :

چاله - جای گود .

گوشزد :

یادآوری کردن ، تذکر دادن .

گونیا :

تخته یا پلاستیک نازک سه گوش
که یکی از گوشه‌های آن قائمه
(یا ۹۰ درجه است) این وسیله
یکی از آلات هندسی است .

گوی آتشین :

واژه‌ای است مورد استفاده
در جنگ‌های هسته‌ای، در لحظه
هر انفجار خرج اتمی درخشش
کروی شکل خیره کننده‌ای
ایجاد می‌گردد که آنرا گوی
آتشین گویند .

گهواره :

دستگاهی است که قطعات
عقب‌رونده جنگ افزار روی آن
مستقر می‌باشد .

گیج روغن :

میله اندازه‌گیری روغن می‌باشد .

گیربکس

ذینفع اصلی به سبب ارتباطی که جریان کار بطور مستقیم یا غیر مستقیم به آنها دارندیک نسخه از آن نگارش برای آنها فرستاده میشود (چه از لحاظ آگاهی و چه از لحاظ اقدام).

گیرودار :

آشوب ، هنگامه ، مشغله ، گرفتاری .

گیره :

به معنی واژه اشپیل رجوع شود .

گیربکس : Gear - Box (۱)

جعبه دنده . دستگاه انتقال نیرو از موتور به چرخها .

گیرپاژ :

وقتی که پیستون در اثر حرارت انبساط پیدا کند و به بدنه سیلندر بچسبد گیرپاژ انجام شده است .

گیرندگان :

هنگام فرستادن نامه ها و دستورالعملها ، به یگانها و مقامهاییکه علاوه بر مقام

فرهنگ واژه‌های نظامی

ل

۲- در کاربرد نظامی به وسایل از کار افتاده و یا منهدم شده مانند هواپیما ، تانک ، خودرو و غیره در صورتیکه از کار افتاده و متلاشی شده باشند ، گویند .

لاشه هواپیما :

به هواپیماهایی گفته میشود که بعلل نقص فنی و یا اصابت جنگ افزارهای پدافند هوایی سرنگون و متلاشی شده باشند.

لاشه تانک :

به تانک و یا خودروی زرهی گفته میشود که در اثر اصابت گلوله‌های موشک‌ها و یا جنگ-افزارهای ضد زره از کار بازمانده و یا متلاشی شده باشد .

لاشه خودرو :

به معنی واژه لاشه تانک مراجعه شود .

ل :

حرف بیست و هفتم از الفبای فارسی و نیز یکی از الفبای عربی است .

لابالی :

واژه عربی متداول در زبان فارسی و بمعنی بی‌باک، بی‌پروا و بی‌قید- بی‌بندوبار- بی‌توجه و بی‌تفاوت در انجام وظائف آمده است .

لابراتوار : Laboratoire (۱)

به معنی آزمایشگاه و یا محل مخصوص آزمایش‌های علمی که با کلیه وسایل مورد نیاز آزمایشگاهی مجهز میباشد آمده است .

لاشه :

۱- جسد حیوان مرده ، مردار و نیز به معنی غارت نیز آمده است .

(۱) واژه فرانسوی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

لایق

ساعت‌های خدمت‌هنگام شرکت در عملیات رزمی، تمرینات صحرائی، آموزش در صحرا و زمان تیراندازی در میدان‌های تیر می‌پوشند.

لباس محافظ نفوذ ناپذیر :

لباسی است که شخص را در مقابل گازها و ترشحات عوامل شیمیایی مایع تاول‌زا و اعصاب حفظ میکند و در داخل این لباس حرارت و رطوبت لازم ایجاد میشود.

لبه جلو منطقه نبرد : (لجن)

درمواقع پدافندی، بجلوترین حد منطقه‌ای که در آن نیروهای رزمی برای هم‌آهنگی پشتیبانی آتش و مانور یگانها استقرار می‌یابند لبه جلو منطقه نبرد گفته میشود.

لجستیک :

شامل کلیه فعالیت‌هایی است که مربوط به امورآمد ترابری، تعمیر و نگهداری، تخلیه، بستری کردن، خدمات ساختمان و امور کارگری میگردد.

لایق :

سزاوار - شایسته - درخور - فراخور - با عرضه .

لایحه : (لایحه)

طرح قانونی که ازطرف دولت برای تصویب تقدیم مجلس شورایملی و سنا میشود - نوشته - نامه مفصل .

لباس :

جامه - پوشاك - تن‌پوش و جمع آن البسه میباشد .

لباس رسمی نظامی :

شامل لباسی است که افسران ارتش شاهنشاهی در اعیاد رسمی، مراسم ویژه و فرخنده سالروز میلاد مسعود اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران برای شرکت در آن مراسم بر تن می‌پوشانند .

لباس فصل :

لباسی است که نظامیان در مواقع خدمت در داخل سربازخانه یا محل کار خود می‌پوشند (تابستانی یا زمستانی و برابر فصل)

لباس کار :

لباسی است که نظامیان در

لژیون : Legion (۱)

یکی از تقسیمات ارتش روم که باختلاف زمان از سه تا شش هزار نفر تشکیل میشدند و هر يك از افراد آنرا لژیونر میگفتند .

لژیون خدمتگذاران بشر :

بنا به ابتکار، افکار و همت بلند اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران سپاهی در سطح جهانی بمنظور یاری و کمک کردن به مردم نیازمند جهان بنام لژیون خدمتگذاران بشر در ایران تشکیل گردیده و سازمان ملل متحد آنرا تأیید کرده است .

لشگر :

بخشی است از يك سپاه و يك رده بالاتر از تیپ، از تعدادی تیپهای مشابه و یا مختلف و قسمتی بنام قرارگاه لشگر و دیگر یگانهای مورد نیاز پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تشکیل گردیده است . معمولاً هر لشگر دارای سه تیپ رزمی و تعدادی یگانهای پشتیبانی کننده میباشد

لشگری :

منسوب به لشگر، سرباز ، سپاهی و یا وسائلی منسوب به لشگر مانند توپخانه لشگری (لشگریان جمع).

لشکرگاه :

جای لشگر یا منطقه عملیات لشگر در ناحیه رزم .

لغو :

سخن بیهوده - باطل - خطا.

لغو دستور :

سرباز زدن از اجرای دستور مافوق و یا فرمانده مربوطه (چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ) .

لف :

عبارتست از جدول ، یادداشت و یا فرم اطلاعاتی است که به ضمیمه نامه‌ها و یا دستور - العملها اضافه میشود .

لقی فرمان :

حرکات عمودی میل فرمان اصلی در محل خود .

لنت ترمز :

قطعه فیبر فشرده ایست که سطح کفشکها را میپوشاند . هنگام گرفتن ترمز این فیبر

(۱) واژه بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

لندروور

صفحه‌ای از کاغذ که اسامی عوامل پاسداری و نگهبانی روی آن نوشته و ثبت شده است .

لوزی :

فرمی است از انواع صورت-بندیهای یگانهای پیاده ، که در این حالت عده‌های در حرکت بصورت لوزی حرکت میکنند و زمانی است که اطلاعات ناقص از دشمن و زمین در اختیار باشد و حداکثر آتش در تمام جهات ممکن مورد نظر باشد .

لوله :

در کاربرد نظامی قسمتی از جنگ افزار را که موجب پرتاب گلوله در سمت مورد نظر میگردد لوله میگویند (مانند لوله تفنگ-لوله خمپاره انداز - لوله توپ و یا لوله هویترز) .

لوله جوفی :

معمولا در جنگ افزارهایی که تیراندازی آموزشی آنها با مهمات حقیقی متضمن صرف هزینه زیادی میشود در مرکز لوله اصلی یا هم محور بالوله اصلی لوله دیگری با کالیبر کوچکتر

با کاسه چرخ تماس حاصل کرده و سبب متوقف شدن خودرو میشود .

لندروور : Landrover (۱)

خودروئی است با قدرت و کلیه کیفیات لازم از نظر عبور در زمین های سخت و ذوعارضه

لنگر :

بارانداز- تکیه‌گاه کشتی .
تکیه‌گاه .

لنگر انداختن :

ماندن - تکیه دادن - میخکوب شدن کشتی .

لنگرگاه :

ناحیه ایست از آب که کشتی در موقع لنگر انداختن اشغال میکند .

لوٹ :

به معنی آرایش و آلودگی آمده است .

لوحه :

هرچه پهن باشد اعم از سنگ یا چوب یا فلز یا قطعه فلز یا استخوان پهن که بر آن بنویسند .

لوحه پاسداری :

در کاربرد نظامی ، عبارت از

(۱) واژه بیکانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

لیدر : Leader (۳)

فرمانده ، پیشوا ، سردسته ، رهبر ، رئیس حزب .

لیزر : Laser (۴)

ناشی از مخفف واژه‌های زیر است
Light Amplification by
Stimulated Emission of
Radiations .

یعنی تقویت نور بوسیله تحریک انتشار اشعه .

لیسانس : Licence (۵)

پروانه - جواز - اجازه نامه - دانشنامه درجه علمی قبل از درجه دکتری .

لیسانس نظامی :

دانشنامه تحصیلی نظامی که بفارغ‌التحصیلان دوره عالی رسته‌ای اعطاء میشود ، میگویند .

لیم داک : (۶)

واژه متداول در پدافند زمین بهوا - در این مورد به معنی واژه (روش لیم داک) مراجعه شود .

مثلا لوله کالیبر ۵۰ (یا ۱۲/۷) تعبیه می‌شود تا در هنگام تیراندازی آموزشی یا تنظیم تیر بجای گلوله یا مهمات اصلی از گلوله کالیبر ۵۰ استفاده گردد . (استفاده از لوله جوفی در جنگ افزارها موجب صرفه جوئی در مصرف مهمات حقیقی آن جنگ افزارها میشود مانند تفنگ ۱۰۶ م بدون عقب نشینی) .

لیتر : Litre (۱)

واحد حجم مایعات است . یک لیتر برابر است با حجم هزار گرم آب مقطر در ۴ درجه صد بخشی (سانتی‌گراد) با فشار ۷۶ سانتی متر جیوه .

لید : (۲)

عبارتست از خطوط مقطع افقی و فاصله میان آنها در دوربین - های هم محور جنگ افزارها بمنظور پیشگیری و تیراندازی روی هدفهای متحرک .

(۱) و (۲) و (۳) و (۴) و (۵) و (۶) واژه‌های بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

فرهنگ واژه‌های نظامی



مادون :

زیر دست - پائین‌تر (برابر مافوق) - درجه پائین و یا رتبه کمتر . بطور کلی هر افسر و یا درجه‌دار پائین دست نسبت به بالادست را مادون گویند .

مارش : Marche (۲)

این واژه فرانسوی و متداول در ارتش شاهنشاهی و زبان فارسی و به معنی : رژه ، گام ، رفتار ، جای پا ، راه رفتن منظم سربازان و سرود راه .

و آنچه که بیشتر از بکار بردن واژه مارش در زبان فارسی مورد نظر است آهنگی می‌باشد که هنگام حرکت یا رژه سربازان توسط پرسنل موزیک نواخته می‌شود .

۱ :

حرف بیست و هشتم از الفبای فارسی است .

ابه‌التفاوت :

تفاضل و یا تفاوت دو رقم و یا دو چیز قابل شمارش .

ماتریل : Materiel (۱)

کلیه اقلام مورد نیاز برای تجهیزات ، نگهداری ، عملیات و پشتیبانی از فعالیت‌های نظامی بدون تعیین کار برد آنها به منظورهای اداری و یا رزمی .

ماجرا :

بیش آمد - حادثه - واقعه - جنگ و جدال .

ماجراجو :

حادثه‌جو - آشوب طلب - شورش خواه - جنگجو .

(۱) و (۲) واژه‌های بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

مارشال : Marchale (۱)

عالیترین درجه نظامی ، عنوان و یا مقامی است که بامراء (تیمساران) ارشد در برخی از کشورهای اروپای باختری اعطاء میگردد و دارای فرمان ویژه میباشد .

مارك : Marque (۲)

علامت و نشانه - علامت ویژه ای که نشانه کارخانه سازنده جنگ افزار و یا تجهیزات می باشد و بطور چاپ و یا حک شده در روی وسیله مورد نظر وجود دارد .

مارکسیسم :

مکتب طرفداران کارل مارکس از موجدین مرام و یا مکتب اشتراکی .

ماده آب بندی کننده چاشنی :

ماده ایست که در برابر رطوبت غیر قابل نفوذ بوده و برای جلوگیری از نفوذ رطوبت بین درز چاشنی و فتیله ها یا خرجها بکار میرود .

ماده منفجره :

مخلوط و یا ترکیبی است شیمیائی که در اثر تحریک

خارجی مانند ضربه ، اصطکاک ، جرقه ، شعله و یا موج انفجار در زمان کوتاهی تجزیه شده و تمام یا قسمتی از آن تبدیل به گاز میگردد .

در این واکنش مقدار زیادی حرارت ، نور و موج انفجار (انرژی) همراه با فشار رها میشود که موجبات انهدام و خرابی نقاط و مناطق مورد نظر را فراهم میسازد . مواد منفجره بدو نوع نظامی و تجارتي نیز تقسیم میشوند .

مازاد :

فزونی ، زیاده بر احتیاج ، آنچه که از میزان نیازمندی زیادتر باشد .

ماستر سویچ : Master Switch (۳)

کلید اصلی سیستم الکتریکی خودرو .

ماسك : Mask (۴)

در کار برد نظامی وسیله ای است برای حفاظت صورت و دستگاه تنفس در برابر عوامل شیمیائی و میکروبی .

ماسك ضد گاز :

ماسکی است که برای محافظت

ماسك ضد گاز چشمی

تا به محض اصابت به هدف در اثر ضربه وارده منفجر گردد .

ماسوره فشاری :

نوعی از انواع ماسوره هاست که معمولاً در انواع مین ها و تله های انفجاری بکار برده میشود تا در اثر فشار متناسب بانوع مین و یا تله های انفجاری منفجر گردد .

ماسوره کششی :

نوعی از انواع، ماسوره هاست که معمولاً در مین ها و تله های انفجاری بکار برده میشود تا در اثر يك نیروی حاصله از کشیدن (متناسب با نوع و یا تله انفجاری) منفجر گردد .

ماسوره مجاورتی :

ماسوره ایست که دارای دستگاه فرستنده و گیرنده بوده و نزدیکی را احساس میکند .

ماشین :

۱- دستگاهی است که کارش تبدیل انرژی باشد، مثلاً انرژی شیمیائی را به انرژی حرارتی و سپس به انرژی مکانیکی تبدیل مینماید .

صورت و دستگاه تنفسی انسان از عوامل ش . م . ر . ، گازهای جنگی و عوامل سمی شیمیائی بکار میرود .

ماسك ضد گاز چشمی :

ماسکی است که چهره پوش دارد و دارای دیافراگمی است که برای رساندن هوا بچشم، بکار میرود .

ماسوره :

دستگاهی است که باعث انفجار گلوله مین و یا تله انفجاری در زمان و مکان معین ومورد نظر میشود .

(ماسوره ها بر حسب نوع عمل آنها به زمانی ، ضربتی ، فشاری ، کششی ومجاورتی تقسیم میشوند) .

ماسوره زمانی :

وسیله ایست که با آن میتوان گلوله را در هر نقطه از مسیرش منفجر کرد .

ماسوره ضربتی :

نوعی از انواع ماسوره هاست که معمولاً در قسمت سر گلوله های خمپاره انداز ، توپخانه ، هویتزر و یا جنگک- افزارهای ضدتانك نصب میشود

ماشین حساب (کامپیوتر)
ساخته شده است .

ماشین رمز :

يك دستگاه مکانیکی و یا
الکتریکی است که برای رمز
کردن و کشف کردن پیام و
نوشتجات بکار میرود .

مافوق :

هرافسر و یادرجه دار بالادست
نسبت بزیردست را مافوق
گویند .

ماکت : Maquette (۲)

نمونه یا مدل کوچکی از خانه
و عمارت که به منظور ارائه
قبل از آغاز ساختمان اصلی
از مقوا ، چوب و یا پلاستیک
ساخته می شود .

ماکزیمم : Maximum (۳)

بالاترین اندازه و مقدار -
حداکثر - بیشترین مقدار
ممکن .

ماگنت : Magnet (۴)

دستگاهی است که برق را
تبدیل و تقویت و تقسیم
می کند .

مأمور :

۱- سربازی که باو امر شود

۲- دستگاهی که با نیروی
برق یا بخار یا گاز یافت
حرکت میکند و محرك
چرخهای دیگر است .

ماشه :

قسمتی است از دستگاه آتش
جنگ افزارهای کالیبر کوچک
و تفنگهای بدون عقب نشینی
و توپخانه و هویتزر که با
کشیدن آن بعقب (بطور مستقیم
و یا غیر مستقیم) سرپایه آتش
از جلو مانع سوزن کنار میرود
و موجب میشود سوزن داخل
گلنگدن یا کولاس با فشار
فتر سوزن که جمع شده با
شدت بجلو پرتاب و موجب
ضربت به چاشنی و احتراق
خرج پرتاب و پرتاب مرمی از
داخل لوله جنگ افزار گردد .

ماشین انفجار : (مانیتو) (۱)

ماشین تولید کننده کوچک
الکتریکی است (ژنراتور) که
از آن برای منفجر کردن چاشنی
برقی استفاده میشود .

ماشین پانچ کارت : (در ماشینهای حساب)

دستگاهی است که برای ایجاد
سوراخ در کارتهای مخصوص

مأمور کمکهای اولیه

۳- مأموریت عبارتست از محول کردن وظیفه‌ای موقت به فردی غیر از وظیفه اصلی یا عادی وی که در پست سازمانی خود دارد.

مأموریت استنتاجی :

مأموریتی است که در مدارك و دستورالعملهای دریافت شده از رده بالا ، انجام آن بطور صریح ذکر نشده ولی فرمانده با تجزیه و تحلیل مأموریت و بررسی اوضاع و احوال نتیجه میگیرد که برای انجام مأموریت تصریحی ، انجام کارهای دیگری نیز ضروری است ، انجام اینگونه کارها را مأموریت استنتاجی گویند. (نتیجه گیری شده).

مأموریت تصریحی :

مأموریتی است که در مدارك و دستورالعملهای دریافت شده از رده بالا انجام آن صراحتاً ذکر شده باشد. (تصریح شده).

مأموریت‌های تاکتیکی توپخانه :

عبارتست از فراهم کردن آتش پشتیبانی مداوم و بموقع برای فرمانده و یا تخریب و خنثی

کار و یا وظیفه‌ای را انجام دهد .

۲- فرمان بر .

۳- اصطلاحی است در مورد واگذاری يك يگان و یا يك سازمان و یا يك نفر زیر امر و یا تابعیت موقت فرمانده بالاتر یا هم‌تراز ، بمنظور بهره‌برداری از امکانات موجود برای تسهیل مأموریت يگان مأمور گیرنده .

مأمور کمکهای اولیه :

افرادی که برای خدمت پزشکی يك گروهان یا يك آتشبار یا يگان مشابه اختصاص یافته و مأمور کمکهای اولیه به آسیب دیدگان می‌باشند .

مأموریت :

۱- ارجاع کار و خدمتی که به يك نفر سر باز و یا يك يگان واگذار می‌شود .

۲- ماده دوم از دستورات عملیاتی نیز مأموریت می‌باشد که در این ماده وظیفه و کاریکه بعهده يگان صادرکننده دستور (ازسوی رده بالاتر) واگذار شده بطورکلی نوشته میشود .

مانور :

- ۱- حرکتی است که طی آن نیروها و آتشها در وضعیت امتیاز بخش و برتری نسبت بدشمن قرار میگیرند.
- ۲- به تمرینات رزمی زمینی ، دریائی و هوائی و یا روی نقشه نیز مانور گفته میشود .

مانور احتاطه ای :

مانوری است که در آن تک اصلی با گذشتن از بالای سر ، پهلو یا پهلوها ، بمنظور تصرف حساسترین هدف واقع در داخل یا عقب آرایش پدافندی مقدم دشمن انجام میشود .

مانور جبهه ای :

عبارتست از عملیاتی که در تمام طول جبهه به دشمن فشار آورده شود .

مانور دورانی :

مانوری است که بمنظور اجتناب از مناطق عمده پدافندی دشمن و تصرف هدفی عمیق در عقب مواضع دشمن انجام میگردد بطوریکه دشمن مجبور به ترك مواضع خود شود یا قسمت عمده ای از نیروی خود را بسمت دیگر منحرف کند .

کردن هدفهایی که اجرای مأموریت را بخطر میاندازند. انواع مأموریت های تاکتیکی توپخانه عبارتند از :

- ۱- کمک مستقیم .
- ۲- تقویت :
- ۳- عمل کلی :
- ۴- عمل کلی تقویت .

مام وطن : (مام مبین)

به معنی مادر وطن آمده است.

ماندالین : (۱)

یکی از اجزاء سیستم تعلیق است که در خودرو قرار گرفته و به چرخهای عقب قابلیت انعطاف لازم را میدهد .

مانژ : Manège (۲)

محل مخصوص برای تعلیم و تربیت اسب - محل سربوشیده ای برای تفریح و اسب سواری .

مانع :

- ۱- در کاربرد نظامی هرگونه عارضه طبیعی یا مصنوعی که انجام حرکات نظامی را کند ، متوقف ، کانالیزه یا منحرف کند ، مانع گویند .
- ۲- سد - جلوگیر - بازدارنده .

(۱) و (۲) واژه های بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

مانور رخنه‌ای

بطور منظم و درمسیر تعیین شده و بدور زمین می‌چرخد .

ماهواره ارتباطی :

(ماهواره مخابراتی) ماهواره‌ای است که علائم مخابراتی را دریافت و مجدداً بین ایستگاه‌ها رله میکند . و عمل مخابره انجام میشود .

ماهواره ارتباطی عامل :

ماهواره‌ای است که علائم مخابراتی بین ایستگاه‌ها را دریافت کرده و پس از تقویت آنها را دوباره پخش میکند .

ماهواره مخابراتی :

به معنی واژه ماهواره ارتباطی مراجعه شود .

مایحتاج :

آنچه که مورد احتیاج است . وسایل مورد نیاز .

مایل : Mile (۲)

مسافتی است معادل ۱۶۰۹ متر که در بیشتر کشور های انگلیسی زبان بکار برده می‌شود .

مؤاخذه :

ملامت ، بازخواست ، خرده - گیری . ایراد گرفتن .

مانور رخنه‌ای :

مانوری است که بمنظور عبور از مناطق پدافندی عمده دشمن و درهم شکستن پیوستگی پدافند او اجراء میگردد .

مانیتو : (۱)

به معنی واژه ماشین انفجار مراجعه شود .

ماوراء :

پشت سر ، آنچه درپس و پشت چیزی قرار دارد .

ماهر :

استادکار - ورزیده درکار - استاد درفن خود - زبردست .

ماهنامه : (مهبانه)

نشریه‌ایکه ماهی یکبار منتشر می‌شود .

ماهنامه ارتش :

مجله‌ایکه حاوی آخرین اطلاعات و رویدادهای نظامی و ارتش شاهنشاهی و تعدادی مقاله‌های گوناگون بوده و هر ماه منتشر میشود .

ماهواره :

وسیله‌ای است که با پرتاب موشک بفضا درمدار زمین قرار میگردد و بصورت ماه کوچکی

(۱) و (۲) واژه‌های بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

مؤثر :

اثر کننده - اثر گذار .

مؤكد :

محكم ، استوار ، با تأكيد .

مبارزه :

با يكديگر به نبرد پرداختن -
ازميان صف خارج شدن براي
جنگ كردن .

مبداء :

نقطه ايکه فواصل نقاط ديگر
را از آن اندازه ميگيرند (مانند
مبداء راه پيمائي) و يا آغاز -
نقطه شروع - اصل - سبب
(مبادي جمع) .

مبداء آتش : (مبنای آتش)

عناصری که پشتیبانی آتش
عناصرمانوری را فراهم میکنند.

منارکه :

ترك كردن - واكداشتن - دست
از يكديگر برداشتن .

منارکه جنگ :

دست از ادامه جنگ برداشتن .

متجاوز :

۱- تجاوزکننده - کسی که از
حدواندازه و مرز خود تجاوز
نماید .

۲- بدشمن یا نیروئی گفته

میشود که بسرزمین کشوری
دست درازی و یا تجاوز
کرده باشد .

متحد : (در کاربرد نظامی)

به هم پیوسته - یکی شده -
کسی یا چیزی که با دیگری پیوسته
و یکی شده باشند .

متحدائشکل :

هم شکل و همسان شدن .

متحرك :

جنبنده - دارای حرکت .

متخاصم :

کسی که با دیگری دشمنی و یا
جنگ بکند . باهم دشمن - باهم
در جنگ - دشمنی ورزنده -
جنگ طلب .

متخصص :

کسیکه در کاری بخصوص به
حد مهارت و بصیرت رسیده
باشد .

متحارب :

جنگ طلب - جنگنده - با هم
در جنگ (مانند دو دولت
متحارب) .

متر : Meter (۱)

واحد اندازه گیری طول است
و تقریباً برابر يك چهل ملیونیم
نصف النهار زمین میباشد .

متد : Methode (۱)

دستور، قاعده، روش، رویه ،
اسلوب - طریقه در مطالب
علمی .

متداول :

فراگیرنده چیزی از یکدیگر به
نوبت - آنچه که معمول و
مرسوم باشد - چیزی که
دست بدست بگردد .

متساوی البعد :

اختلاف ارتفاع دو میزان منحنی
متوالی را روی نقشه، متساوی-
البعد گویند . متساوی البعد
در تمام آن نقشه یکسان است .

متشبیث :

تشبیث کننده - کسی که چنگ
در چیزی بزند و به آن درآویزد-
و یا کسی که برای رسیدن به
مقصود و هدف خود بهر کس
متوسل می شود و بهر کاری
تن در میدهد .

متصدی رمز :

شخصی است که وظیفه کشف
و رمز نمودن ، حفاظت پیامها
و انهدام رمزهای کشف شده
را بعهده دارد .

متظاهر :

تظاهر کننده - ظاهر نما - بیش
از اندازه جلوه دادن .

متقارب :

خطوطی را که از یک نقطه
میگذرند ، خطوط متقارب
گویند .

متمرد :

سرکش - نافرمان - یاغی -
کسی که از اجرای دستور
مافوق خود سر باز زند .

متن :

مطلب اصلی نگارش است .

متن رمز :

متنی است که با استفاده از
علائم رمز بوجود آمده و بظاهر
نامفهوم است .

متن کشف :

متنی است که بصورت رمز
تهیه نشده و برای خواننده
قابل فهم است .

متواری :

پنهان شده، پنهان ، پوشیده
فراری ، دربدر .

متهاجم :

هجوم کننده ، حمله ور .

(۱) واژه بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

مته سنگ سوراخ کن

مته سنگ سوراخ کن :

این مته از نوع دورانی بوده و برای کارهای سخت ساخته شده است. این مته دارای متعلقاتی است مانند مته‌های فولادی ۲ فوتی و ۴ فوتی و ۶ فوتی.

مته م : (بضم م و فتح ت و کسر ه) کسی که مورد تهمت قرار گرفته است - کسی که کار بدی به او نسبت داده شده است - بدنام شده - گناهکار.

مته م : (بضم م - و فتح ت و کسر ه) تهمت زننده - بدنام کننده - نسبت دهنده گناه و یا کاربرد به کسی.

مثلث :

فرمی است از انواع صورت - بندیهای پیاده که در این حالت راس مثلث بطرف سمت پیشروی است و معمولاً هنگامی بکار میرود که اطلاعات کافی از دشمن و زمین در دست نباشد.

مثلث بندی :

روشی از نقشه برداری است که بوسیله حل مثلث‌های موجود در یک طرح مثلث بندی موقعیت

عوارض مختلف زمین را تعیین میکنند. پایه هر یک از این مثلث‌ها از نظر موقعیت باید با دقت در روی زمین تعیین و طول آن معلوم شود. برای تعیین موقعیت نقاط جدید باید پایه‌های جدید در نظر گرفته شوند.

مثلث عکس :

فرمی است از انواع صورت - بندیهای پیاده که در این حالت قاعده مثلث بطرف سمت پیشروی است و معمولاً هنگامی بکار میرود که ضمن در دست نبودن اطلاعات کافی از دشمن و زمین آتش مناسبی در سمت حرکت و پیشروی موجود باشد.

مجهیز :

تجهیز شده ، آماده ، مهیا ، آماده شده .

مجاوبه :

جنگ - نبرد - جنگ کردن - با هم جنگیدن .

محصوره :

حالتی از احاطه است که در آن نیروئی از چند سمت مورد تگ و درگیری قرار گیرد . در تنگنا گرفتن - دورادور گرفتن .

مخترقه شدید

محلول نمونه :

برای انجام بعضی از آزمایشهای آب لازم است که ابتدا محلولی جهت تغییر رنگ یا خاصیت آب تهیه گردد این محلول را محلول نمونه گویند .

محمول هوائی :

به کلیه افراد - وسائل - وسائط و تجهیزات که وسیله هوایماهای حمل و نقل از نقطه دیگر حمل میشوند ، محمول هوائی گویند .

محمول :

خطی که در روی آن حرکات و ارتباطات یگانهای نظامی انجام گیرد - خطی که از دوران شکل مستوی حول آن، جسم دوار بوجود آید .

محور اصلی :

۱- خط فرضی مستقیمی است که از مرکز کانون آئینه‌های کروی وعدسی‌ها میگذرد .

۲- سمت اصلی و کلی راه - پیمائی یگانهای نظامی که بسوی مقصد و یا هدفی درحال حرکت باشند .

مخترقه شدید : (م - ش)

نوعی گلوله است که برای انهدام نفرات ، خودروهای چرخدار و روشنی‌دار، استحکامات صحرائی و سنگرهای دشمن بکار میرود .

مختتمل ترین سمت تک :

سمتی است در داخل منطقه عمل اصلی ، که احتمال تک دشمن از آن سمت از سایر سمتها بیشتر باشد .

محرمانه :

طبقه‌بندی محرمانه باطلاعات و مدارکی داده میشود که انتشار آنها بین عموم آزاد نبوده و بدرجه حفاظتی کمتر از آنچه که برای اطلاعات خیلی محرمانه تعیین شده است احتیاج دارد (طبقات چهارگانه حفاظت عبارتند از : بکلی سری - سری - خیلی محرمانه - محرمانه) .

محل پیاده شدن :

منطقه معینی است در داخل منطقه فرود ، جایی که هلیکوپترها میتوانند فرود آیند و بارگیری یا تخلیه بار نمایند .

محور اصلی آمادهها

محور اصلی آمادهها :

(محور اصلی تدارکات)
سمت کلی حرکت وسائیل یا وسائیل ترابری که اقلام آمادی مورد نیاز یگانهار از آمادگاههای اصلی برای تحویل به یگانهای در خط حمل مینمایند . (معمولا به این محور ، محور یا خط مات نیز گفته میشود).

محور پیشروی :

سمت کلی حرکت یگان پیشروی کننده را نشان میدهد و معمولا برای یگان های زرهی و مکانیزه انتخاب میشود و ممکن است شامل چند سمت پیشروی باشد .

محور دور بین :

خط فرضی است که مرکز عدسی چشمی را بطور عمودی بسطح تصویر وصل کند .

محور زمین :

خطی است فرضی که از مرکز زمین و قطبین آن گذشته و زمین بدور آن میچرخد .

محور زمانها :

خطی است بطور افقی (محور X) که زمانهای لازم از آغاز حرکت ستون روی آن با توجه

به ساعت راه پیمائی ترسیم می گردد (در گرافیک راه پیمائی)

محور مسافتها :

خطی است بطور عمودی (محور Y) که مسافت لازم بر اساس کیلومتر روی آن مشخص گردیده است (در گرافیک راه پیمائی) .

محور یابی :

هم محور کردن (موازی کردن) محور دید زاویه یاب با محور لوله .

محیط :

احاطه کننده - دایره - دیوار - حصار - طول خط منکسر یا منحنی که شکلی را محدود میکند .

محیط واسطه :

مقدار فضائی است که نور بتواند از آن عبور کند .

مخابرات :

جمع مخابراته و عبارتست از مبادله پیام از نقطه ای به نقطه ای دیگر با استفاده از کلیه وسائیل ارتباطی .

مخابرات الکترونیک :

عبارتست از مبادله اطلاعات و دستورات از هر گونه (مانند

مخابره

که عبارتست از طول و عرض جغرافیائی هر نقطه (که بر اساس شبکه بندی جغرافیائی یا مختصات جغرافیائی نقشه‌جات تعیین می‌شود) و یا (طول و عرض قائم الزاویه نقاط که بر اساس شبکه بندی قائم - الزاویه نقشه‌جات یا مختصات قائم الزاویه تعیین میشود).
۲- بکار گرفتن این واژه به- استثنای مورد بالا مختصات عددی يك جنگ افزار ، خودرو، بی سیم، تانک و یا هواپیما را تعیین میکند (مانند وزن يك وسیله و یا برد يك جنگ افزار و یا بی سیم)

مختصات جغرافیائی :

معمولا شبکه بندی در نقشه‌جات مقیاس کوچک بر اساس مدارات و نصف النهاراتی است که هر نقطه را در روی زمین دربر- میگیرد و موقعیت هر نقطه در اینگونه نقشه‌جات با توجه به- نزدیک ترین نصف النهار و مدار تعیین میشود و اعداد بدست آمده تعیین کننده طول و عرض جغرافیائی (یا مختصات جغرافیائی) آن نقطه میباشند.

پیام - نقشه - عکس و غیره...
بوسیله وسائل الکترونیکی و الکتریکی .

مخابره :

ابلاغ و یا فرستادن پیام و یا هر مطلبی بوسیله وسائل مخابراتی - خبر دادن یا گرفتن.

مخابره کور :

مخابره‌ای است که بدون انتظار دریافت رسید یا جواب انجام گیرد .

مخازن :

(جمع مخزن)، انبارها - خزانه‌ها

مخازن مهمات :

جائیکه انواع مهمات گوناگون در آن انبار شده و حفاظت مخصوص از آن بعمل می‌آید.

مخاصم :

باخصومت - طرف نزاع - با دشمنی - جنگجو .

مخاصمه :

دشمنی کردن - بیکار کردن - نزاع کردن - با هم دشمن بودن - جدال و ستیزه کردن .

مختصات :

این واژه دارای دو معنی است.
۱- مختصات نقاط روی زمین

مختصات شبکه

مختصات شبکه :

اعداد و حروف يك سيستم مختصات است که موقعیت يك نقطه را در روی نقشه شبکه بندی شده یا عکس یا طرح تیر نشان میدهد .

مختصات قائم الزاویه : (مختصات شبکه)

طول و عرض موقعیت هر نقطه در نقشه جات تاکتیکی با مختصات قائم الزاویه تعیین میشوند :

مختصات قطبی :

برای تعیین موقعیت نقاط علاوه بر مختصات جغرافیایی و قائم الزاویه طریق دیگری نیز بنام مختصات قطبی وجود دارد و این مختصات عبارتست از يك زاویه معلوم از سمت مبنا و يك مسافت معلوم از نقطه مبنا .

مختصات نقشه‌ای :

در اصطلاح نقشه‌خوانی این واژه، ویژه تعیین موقعیت نقاط از نظر طول و عرض جغرافیایی و یا طول و عرض قائم الزاویه است .

مخروط :

جسمی که قاعده‌اش بشکل

منحنی و سطح خارجی (بدنش) نیز يك سطح منحنی باشد و به يك نقطه که رأس نامیده می‌شود منتهی شود .

مخروط آتش :

مسیر گلوله‌های يك جنگ - افزار با تیر مستقیم با سطح منطقه زده شده (مضروب) شکلی درست میکند که به مخروط آتش موسوم است .

مخروط مقاوم :

بریدگی اول لوله‌هاست که جهت بریدن کمربند مسی گلوله بکار میرود .

مدار :

۱- يك راه الکترونیکی بین دو یا چند نقطه که بتواند تعدادی چانل ارتباطی در اختیار بگذارد .

۲- اتصال چند رشته سیم برای عبور جریان الکتریکی .

۳- جای دوران و گردش - مسیر گردش .

مدارات :

مدارات سطوحی هستند فرضی که هر يك از نقطه‌ای معین از سطح زمین گذشته و با سطح استوا موازی هستند

مدار اختصاصی

يك روز ياسه وعده غذا باشد.
مدار جیره ممکن است با هر
وعده غذائی شروع شود. (از
يك ناهار تا ناهار دیگر) .

مدار سری :

مداری که در آن فقط يك راه
برای عبور جریان موجود است.

مدار ذاتوم :

يك مدار اضافی که از دومدار
موجود تلفنی یا تلگرافی با
استفاده از کوئیل بدست
میآید .

مدار موازی :

مداری که در آن بیش از يك
راه برای عبور جریان موجود
است .

مدار يك سو : (مدار یکطرفه)

مداری که فقط از يك طرف
پیامی را ارسال دارد .

مدارک با نشانی :

مدارکی که دارای مهر و امضاء
بوده و رسمیت و صحت آن
مورد گواهی باشد . اگر این
مدارک از دشمن گرفته شده
باشد چون امکان فریب وجود
دارد هر چند که نشانی هم
داشته باشد باید صحت آن با
اخبار دیگری تأیید شود .

فصل مشترك این سطوح را
با سطح خارجی زمین (که يك
خط ساده) میباشند مدارات
گویند و از هر نقطه از روی
زمین يك خط مداری میگذرد
(مدارات برای اندازه گیری
عرض جغرافیائی مورد استفاده
میباشند) .

مدار اختصاصی :

يك مدار مخابراتی که در آن
تعدادی راه مخابراتی (چانل)
برای استفاده يك یا چند
استفاده کننده بطور انفرادی
یا مشترك تشخیص داده شده
باشد .

مدار بندی :

چندین مدار که چگونگی ارتباط
بین سیستم های مختلف
مخابراتی یا در داخل يك
سیستم را تعیین میکند .

مدار تصویب شده :

وسائل مخابراتی الکتریکی که
از طرف يك فرماندهی یگان یا
نماینده او برای ارسال اطلاعات
نظامی طبقه بندی شده (سری
و محرمانه) تعیین و تصویب
شده باشد .

مدار جیره :

مدتی است که شامل تقسیم

مدارك مورد مراجعه :

تیراندازی آموزشی در میدان
تیر زیر نظر و با مسئولیت او
اجراء میشود .

مدیریت :

روش تعیین چگونگی رسیدن
به هدفها برای انجام
مسئولیت هاست و شامل
طرحریزی، هدایت، هم‌آهنگی،
کنترل و ارزیابی نحوه استفاده
از پرسنل، اعتبارات، وسائل
و تأسیسات برای اجرای وظایف
میباشد .

مدیریت در فرماندهی نهفته
است ولی دارای قدرت و
مسئولیت وسیعی مانند
فرماندهی نیست .

مراحل آموزش :

مراحلی که به ترتیب در اجرای
يك آموزش بكار میروند .
این مراحل عبارتند از: تهیه،
ارائه، عمل، آزمایش و بحث
و انتقاد . که بنام مراحل
پنجگانه معروف میباشند .

مراحل شناسائی :

اعمالی است که بطور منظم در
يك مأموریت شناسائی باید
انجام شود تا مأموریت

مدارك مورد مراجعه :

مدارکی است که برای اخذ
معلومات بیشتر درباره يك
موضوع ویژه، آنها را بررسی
میکنند .

مدل : Model (۱)

نمونه یا الگو (مانند نمونه
يك خودرو که بمقیاس معینی
کوچک شده باشد) .

مدولاسیون : Modulation (۲)

سوار شدن هر موج بر موج
حامل را مدولاسیون نامند .

مدولاسیون دامنه :

تغییرات حاصله در دامنه
امواج رادیوئی به وسیله
فرکانس صوتی رامدولاسیون
دامنه گویند .

مدولاسیون فرکانس :

تغییرات حاصله در فرکانس
موج حامل بوسیله فرکانس
صوتی را مدولاسیون فرکانس
گویند .

مدیر :

اداره کننده، گرداننده، کسی
که کاری را اداره کند .

مدیر تیر :

افسری است که کلیه اقدامات

(۱) و (۲) واژه های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

مراسم

نیایش بدرگاه ایزد متعال
(بمنظور دعا وشکرگذاری از
موهبت‌های الهی که به کشور
شاهنشاهی ایران ارزانی
داشته است) .

مراکز پزشکی متحرك :

مراکز درمانی است که توانائی
جابجا شدن دارند . مراکز
درمانی کشتی از این نوع
بشمار میروند .

مراقب :

- ۱- چشم دارنده - مراقبت
کننده - نگهبان .
- ۲- در کاربرد نظامی مراقبت
کننده زندانیان بویژه در
هنگام حرکت از محلی به
مکان دیگر .

مراقبت :

نگهبانی کردن ، زیر نظر قرار
دادن ، دیدبانی ، نگهبانی ،
پائیدن .

مربی :

در کاربرد نظامی کسی که
دیگران را تحت آموزش داشته
ومطالب لازم را برابر برنامه به
آن ها آموزش می‌دهد .
تربیت کننده - تعلیم‌دهنده .

شناسائی بطور صحیح اجراء
کردد .

مراسم :

آئین یا روش ، عرف و عادت
انجام يك برنامه رسمی نظامی
(اعم از انجام و برگزاری جشنها ،
صبحگاه ، شامگاه و یاتشییع
جنازه شهدا و یا هر برنامه
یادبود یا یادآوری خدمات
فوق‌العاده بزرگان درگذشته و
یا هر نوع دیگر از این قبیل)
را مراسم گویند .

مراسم سان و رژه :

آماده شدن پرسنل یگانهای
نظامی با تجهیزات و ساز و
برگ سازمانی برای بازدید
فرماندهان ورژه رفتن در برابر
آنان .

مراسم سان و رژه عمومی :

به معنی واژه مراسم سان و
رژه مراجعه شود (با اختلاف
اینکه در این مراسم کلیه
پرسنل یگانهای يك پادگان
باید در این مراسم شرکت
نمایند) .

مراسم نیایش :

گردهم آئی و یا تجمع پرسنل
نظامی و غیرنظامی برای

مرد قورباغه‌ای :

در کاربرد نظامی کسی که تخصص غواصی داشته و بشیوه انجام مأموریت های رزمی دریائی علیه کشتیها ، قایقها و زیر دریائی‌ها و یا بنادر دشمن آگاهی کامل داشته و به تجهیزات ویژه متناسب با نوع مأموریتی که به او داده‌اند مجهز باشد (جمع آن مردان قورباغه‌ای) .

مرحله :

- ۱- جایی که مسافران در آن کوچ کنند، فرودآمد نگاه ، منزل .
- ۲- مسافتی که مسافر در یک روز طی کند .
- ۳- در کاربرد نظامی، مسافت و یا مدت زمانی است برای انجام یک کار یا مأموریت .

مرحله بندی عملیات :

هنگامیکه عملیات را از ابتدا تا انتها نتوان پیش‌بینی کرد، آنرا به چند قسمت جزء تقسیم میکنند و برای اجرای هر قسمت یک طرح ریزی جداگانه‌ای انجام میشود و بعد از اجرای قسمت یکم برای

قسمت دوم مجدداً طرح جداگانه‌ای تهیه و اجرا مینمایند و اینکار تا پایان عملیات ادامه مییابد، این عمل را مرحله بندی عملیات گویند .

مرحله تازش :

- ۱- در عملیات زمینی ، مدت زمانی از يك تك است که از هنگام پیشروی نیروهای تازشی از مواضع تازشی خود شروع شده و به زمانی ختم میشود که هدف تصرف گردیده و تحکیم شده باشد .
- ۲- در عملیات هوایرد ، با اعزام نیروهای تازشی به منطقه هدف شروع شده و زمانی پایان مییابد که تمام هدفهای تازشی تصرف شده باشند .

مرحله تراکم :

مرحله ایست که پیستون در داخل سیلندر ، مخلوط بنزین و هوا را در نقطه احتراق متراکم میکند .

مرحله تنفس :

زمانی است که در اثر پائین رفتن پیستون در داخل سیلندر و ایجاد حالت مکش سوخت

مردم یاری

امر آموزش تخصصی رسته
مخابرات در نیروی زمینی
شاهنشاهی است افسرانی که
دوره آموزش مقدماتی مخابرات
را به پایان رسانیده‌اند می -
توانند در این دوره شرکت
نمایند و پس از احراز موفقیت
بدریافت دانش‌نامه آن نائل
گردند .

مرکز آموزش مهندس :

عالی‌ترین مرجع فرهنگی در امر
آموزش تخصصی رسته
مهندسی در نیروی زمینی
شاهنشاهی است افسرانی که
دوره آموزش مقدماتی مهندسی
را به پایان رسانیده‌اند می‌توانند
در این دوره شرکت نمایند و
پس از احراز موفقیت بدریافت
دانش‌نامه آن نائل گردند .

مرکز آموزش‌های پشتیبانی :

(۱) عالی‌ترین مرجع فرهنگی
در امر آموزش تخصصی
رسته‌های پشتیبانی خدمات
رزمی در نیروی زمینی
شاهنشاهی است .

(۲) در این مرکز علاوه بر مرکز
اردانانس دانشکده آموزش

از سوپاپ گاز وارد سیلندر
می‌شود .

مردم یاری :

(عملیات مردم یاری - امور غیر نظامیان)
به معنی واژه امور غیر نظامیان
یا عملیات مردم یاری مراجعه
شود .

مرز و بوم :

مرکب از مرز به معنی سرحد
مملکت و بوم بمعنی جا و
ماوی و شهر و سرزمین .

مرس : Morse (۱)

علائم قراردادی است مرکب
از تعدادی خط و نقطه ، که
بوسیله کلید مرس از طریق
بی‌سیم ارسال و یا دریافت
میشود .

مرکز ارتباط :

یک عامل ارتباط است که
مسئول دریافت ، ارسال و
توزیع پیامها میباشد .

مرکز اطلاعات نقشه برداری :

مجلسی است که در آن عناصر
نقشه برداری جمع‌آوری و
بایگانی شده و در دسترس
یگانهای زیر دست قرار میگیرند .

مرکز آموزش مخابرات والکترونیک :

عالی‌ترین مرجع فرهنگی در

(۱) واژه بیگانه متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

مرکز پیاده

های پشتیبانی (ترابری ،
سررشته‌داری ، و آجودانی)
وجود دارد .

مرکز پیاده :

عالی‌ترین مرجع فرهنگی در امر
آموزش تخصصی رشته پیاده در
نیروی زمینی شاهنشاهی است
افسرانی که دوره آموزش
مقدماتی پیاده را به پایان
رسانیده‌اند میتوانند در این
دوره شرکت نمایند و پس از
اجراز موفقیت بدریافت
دانشنامه آن نائل گردند .

مرکز پیام :

عامل مخابراتی که مسئول
پذیرش ، آماد کردن برای
مخابره ، دریافت و ارسال
پیامها میباشد .

مرکز تطبیق پشتیبانی آتش :

محل است که در آنجا تعدادی
از نمایندگان ارکان ستاد
هم‌آهنگ کننده و تخصصی که
در عملیات تاکتیکی و پشتیبانی
تاکتیکی (پشتیبانی رزمی)
جاری مسئولیت دارند حضور
یافته‌اند. این نمایندگان در مورد
جنبه‌های پشتیبانی آتش با
تهیه اخبار از عملیات تاکتیکی

و پشتیبانی رزمی موجود برای
اخذ تصمیم منطقی پیشنهاد -
های لازم به فرمانده تقدیم
مینمایند و در مورد صدور
دستورات اجرایی بفرمانده
کمک میکند .

مرکز تلفن :

دستگاهی است که ارتباطات
تلفنی بین چندین دستگاه
مشترک را برقرار میکند .

مرکز توپخانه و موشکها :

عالی‌ترین مرجع فرهنگی در امر
آموزش تخصصی رشته توپخانه
در نیروی زمینی شاهنشاهی
است افسرانی که دوره
مقدماتی توپخانه را به پایان
رسانیده‌اند میتوانند در این
دوره شرکت نمایند و پس از
اجراز موفقیت بدریافت دانشنامه
آن نائل گردند .

مرکز زرهی :

عالی‌ترین مرجع فرهنگی در
امر آموزش تخصصی رشته
زرهی در نیروی زمینی
شاهنشاهی است افسرانی
که دوره آموزش مقدماتی زرهی
را به پایان رسانیده‌اند میتوانند
در این دوره شرکت نمایند و

مرکز کنترل فنی ارتباطات

مرکز کنترل هوائی تاکتیکی :

عبارتست از :

۱- مرکز کنترل هوائی خط
مقدم جبهه .

۲- عبارت از مرکزی است که
در داخل يك هواپیمای ویژه
تشکیل میگردد که بتوان
عملیات مشابه مرکز تاکتیکی
زمین را در هوا و از آن
مرکز کنترل نمود .

مرکز مخابرات فرماندهی :

این مرکز مسئول تأمین
نیازمندیهای ارتباطی برای يك
قرارگاه فرماندهی بوده و
یگانهای را که در دسترس
باشند پشتیبانی میکند .

مرکز مخابرات منطقه ای :

مرکز مخابراتیکه در منطقه
مسئولیت خود ، برای کلیه
یگانهاییکه فاقد مرکز مخابرات
فرماندهی میباشد تسهیلات
ارتباطی را برقرار میسازد .

مرکز مدیریت نگهداری :

این مرکز اطلاعات مربوط به
وضعیت نگهداری و ماتریل را
جمع آوری ، تجزیه و تحلیل
نموده و مدیریت لازم را در
مورد وظایف مختلف نگهداری
اعمال میکند .

برستی و نظارت میکند و از
بهره برداری صحیح از مقدرات
ترابری موجود اطمینان حاصل
مینماید .

مرکز کنترل فنی ارتباطات :

يك کارگاه مخابراتی که دارای
صفحات اتصال کلیدها و ژاکها
برای اتصال شبکه ها و وسایل
به منظور در اختیار گرفتن
مدارات مورد نیاز میباشد .
این مرکز مسئول نگهداری
مدارات تله تایپ ، بیسیم ، با
سیم و محاسبات الکترونیکی
بوده و بعضی وسایل اندازه
گیری و آزمایش را که برای
کنترل کیفی مدارات لازم است
در اختیار دارد .

مرکز کنترل و گزارش (C. R. C.) :

(واژه متداول در پدافند زمین هوا)

سازمانی از پدافند هوائی که
تابع مرکز عملیات منطقه ای
است. این سازمان ، اطلاعات
مربوط به مراقبت هوائی را
برای مرکز عملیات منطقه ای
تهیه کرده و ممکن است که
هواپیماهای شکاری را برای
انجام مأموریت های ردگیری
کنترل و هدایت کند .

مرکز میانراه

و بسبب خدمت نباشد، مانند درگذشت بیماران .

مروضات :

اسناد و وسائلی هستند که پیامهای ساده را قبل از ارسال بوسیله اعداد و حروف بصورت غیرمفهوم درمی آورند. گیرنده پیام پس از وصول ، با کلید مربوطه رمز دریافتی را تبدیل به کشف مینماید .

مرمی :

قسمتی از سرگلوله که مخروطی شکل است .

مروحه :

سطوح تیر دو یا چندتوپ ، هویتزر و یا خمپاره انداز را مروحه گویند و انواع آن عبارتند از، مروحه باز، مروحه جمع ، مروحه موازی و مروحه مخصوص .

مزایده :

اقدامات لازم برای فروش جنس با حداکثر قیمت ممکنه بطور کتبی .

مسئولیت مستقیم :

کلیه افراد نظامی نسبت بحفظ ارقام واگذار شده بدون واسطه مسئولیت داشته و در کم و

مرکز میانراه :

وسیله ایست که مدارات را بطور نیمه ثابت بمنظور کامل نمودن مسیر ارتباطی مورد لزوم یا بهبود کیفیت آنها بهم ربط میدهد . معمولاً قسمتی از مرکز کنترل فنی است و با مرکز تلفن که مدارات موقت را بنا به خواسته مشترکین دایر میکند فرق دارد .

مرکز هدایت آتش : (م . ه . آ)

عنصری از قرارگاه توپخانه است که از تعدادی پرسنل متخصص تشکیل شده و بوسیله آن فرمانده توپخانه میتواند آتشها را هدایت یا کنترل کند .

مرگ دور از جنگ :

مرگ و میرهائی که غیر از مرگ در هنگام رزم و یا در اثر زخمهای ناشی از جنگ در بیرون از میدان رزم باشد ، مرگی که در هنگام اسارت بعقل غیر جنگی باشد ، نیز مرگ دور از جنگ است .

مرگ نادانی :

مرگی است که در اثر بیماری روی داده و در راه انجام وظیفه

در روی جاده که برحسب
کیلومتر تعیین میشود .

مسافت زمانی :

زمان لازم برای عبور سر یک
ستون یا یک خودرو منفرد که
از یک نقطه با سرعت معین
در ساعت حرکت کرده و به
نقطه بعدی میرسد .

مسافت سنج :

ابزاری که مقدار پیمودن راه
را می‌سنجد و معین میکند -
راه سنج - راه پیمان .

مسافت یاب :

وسیله‌ایست برای پیدا کردن
مسافتهای دقیق هدفهای ثابت
و متحرک .

مسافت یاب نوری توپخانه :

دستگاهی است الکترونیکی
که در موقعیت مناسب نسبت
به مواضع توپخانه و خمپاره -
اندازه‌های دشمن مستقر میگردد
تا با نور حاصله از دهانه
جنگ‌افزار دشمن سمت ،
مسافت و در نتیجه محل دقیق
مواضع توپخانه و خمپاره -
اندازه‌های دشمن را تعیین
میکند .

کاست آن باید شخصاً از عهده
برآیند . مسئولیت مستقیم را
میتوان بدو شکل تقسیم کرد .
۱- مسئولیت نظارتی .
۲- مسئولیت فردی یا
شخصی .

مساحی :

حاصل عمل مساحت‌یابی -
زمین پیمائی کردن - اندازه
گیری نمودن .

مساحی افقی :

اندازه‌گیری مسافت بین دو
نقطه بوسیله افقی نگهداشتن
نوار مساحی .

مساحی نقشه برداری :

بکار بردن نوار مساحی برای
اندازه‌گیری مسافتهای افقی
بین دو نقطه .

مسافت :

طول و درازای راه - فاصله
دوری - فاصله میان دو نقطه .

مسافت تخلیه جاده :

مجموع مسافتی که باید سر
ستون طی کند تا ته ستون
قسمتی از جاده را تخلیه کند .

مسافت جاده :

فاصله بین نقطه‌ای تا نقطه دیگر

مسافرت در روز

دوسوم حقوق بازنشستگی آنها بطور متساوی به عنوان مستمری به وراث قانونی آنها پرداخت میشود .

مسلح :

سربازی که با جنگ افزار آماده اجرای مأموریتی شده باشد .

مسلح کردن :

۱- کاربرد این واژه در کلیه جنگ افزارهائی است که دارای کولاس یا گلنگدن هستند (یعنی آنکه در اثر جمع شدن فنر سوزن ، سوزن در وضعیت ضربت زدن به چاشنی قرار میگیرد در این حالت است که جنگ افزار مسلح میشود) و با کشیدن ماشه پایه آتش از جلوی مانع سوزن کنار میرود و سوزن با شدت فنر سوزن به جلو پرتاب و به چاشنی ضربت میزند .

۲- این واژه نیز در مسلح کردن ماسوره های انواع نله های انفجاری و مین ها نیز بکار میرود و آن زمانی است که با برداشتن سیم ضامن و یا هر مانع دیگر ماسوره (دراثر فشار یا

مسافرت در روز :

عبارتست از تعداد مسافرت رفت و برگشت يك روز يگان و يا يك وسیله ترابری در يك روز .

مستخدم پیمانی :

(کارمند پیمانی) کسی است که بموجب قرارداد موقت برای مدت معین و کار مشخص استخدام میشود .

مستطیل پراکندگی :

در پراکندگی تیر معمولاً نقاط اصابت بین چهار اشتباه احتمالی (یا چهار نقطه) در برد و سمت قرار میگیرند و از اتصال این چهار نقطه بهم مستطیلی بوجود میآید بنام مستطیل پراکندگی .

مستعمل :

دسته ای از اموال که تقریباً ۲۰٪ عمر قانونی خود را کار کرده باشند و در فرمهای سررشته داری معمولاً با حرف (م) مشخص میشوند .

مستقیم :

راست ، راسته ، معتدل ، پا برجا .

مستمری :

پس از فوت پرسنل بازنشسته

قطع فشار یا کشش) در حالت عمل کردن و انفجار قرار میگیرد .

مسلسل : (تیربار)

به معنی واژه تیربار مراجعه شود (مسلسل یا تیربار به سه نوع : سبك - سنگین - و ضد هوائی تقسیم میشود).

مسیر :

جای سیر - خط سیر - جای عبور و گذشتن .

مسیر راه پیمائی :

فاصله بین نقاط مبدا و مقصد که افراد، چهارپایان و خودروها بطور موزون تحت قاعده ویژه طی مینمایند .

مسیر گلوله :

خط منحنی فرضی که مرکز ثقل گلوله هنگام حرکت از دهانه لوله جنگ افزار تا نقطه اصابت طی میکند .

مشاور مواد غذائی :

افسریست مأمور بیک یگان یا یک سازمان که درباره برنامه ریزی و استفاده از فرآورده های خوراکی برؤسا و فرماندهان کمک مینماید .

مشاهدات : (در دیدبانی)

ملاحظه و مراقبت دیدبان برای تشخیص محل اصابت گلوله نسبت به هدف بمنظور دادن فرمان تصحیح تیر با اعلام یکی از کلمات : بلند ، کوتاه ، ناپیدا ، مشکوک یا بهدف .

مشترکین :

تعداد تلفنهایی هستند که بمرکز تلفن وصل شده اند و هر کدام اختصاص به یک سازمان و یا یک مقام دارد .

مشخصات :

بکار گرفتن این واژه ویژه گیهای مهم یک جنگ افزار ، خودرو ، بیسیم ، تانک ، هواپیما و یا هر وسیله دیگر را تعیین مینماید (مانند مشخصات خمپاره انداز ۸۱ م که عبارتند از (سر پر بودن ، بدون خان و با تیر منحنی) .

مشخصات رادیویی :

مقدورات و مشخصات فنی یک دستگاه مخابراتی، مانند قدرت خروجی فرستنده ، برد فرستنده ، حساسیت گیرنده و نوع کار ، که بوسیله این مشخصات یک دستگاه از سایر دستگاهها متمایز میگردد .

مشخصات قطعه

معبر دسترسی :

سطحی است که در دوسر پل
بمنظور از بین بردن اختلاف
ارتفاع پل و ساحل ایجاد
میشود .

معبر نفوذ :

راهپائی که توسط یگان مأمور
نفوذ مورداستفاده واقع میشود
و همچنین برای هم آهنگی آنها
و حرکت در زمان نفوذ بکار
میرود .

معبر وصولی :

۱- معبريست که بیک عارضه
حساس زمین ، یا یک هدف
واقع در منطقه عملیات
منتهی شده و برای حرکت
نیروئی با استعداد و
خصوصیات معین دارای
فضای مناسبی باشد .

۲- راهی است زمینی، دریائی
و یا هوائی که بیک عارضه
حساس یا هدف منتهی شده
و متناسب برای حرکت
نیروئی با مشخصات معین
باشد .

معبر است :

این اصطلاح در کاربرد نظامی
به معنای امضاء یا مهری که

مشخصات قطعه :

کلیه اطلاعات مورد نیاز در
شناسائی یک قطعه رامشخصات
گویند .

مشکوک :

(در دیدبانی توپخانه)
فرمانیست که یک دیدبان در
مورد محل اصابت گلوله ای که
از نظر برد نسبت به هدف
مشخص نیست صادر مینماید .

مشمول :

فراگرفته شده ، دربرگرفته
شده ، احاطه شده در کاربرد
نظامی به پرسنلی گفته میشود
که مشمول خدمت وظیفه
عمومی می شوند .

معبر :

گذرگاه - محل عبور - راه
باریکی که از یک منطقه
خطرناک و یا جنگل و غیره
برای عناصری با استعداد
مشخص ایجاد میشود .

معبر بی خطر :

(در میدان مین)
راهی است بی خطر برای عبور
خودروها ، اراپه ها و افراد در
داخل میدان مین که معمولا
علامتگذاری شده است . اگر
دوطرفه باشد بعرض ۱۵ متر
و اگر یکطرفه باشد بعرض ۷/۵
متر خواهد بود .

معرف

گواهی بر صحت و رسمیت
يك مدرک نظامی دارد .

معرف :

ترکیبی از حروف ، اعداد و یا
کلمات قابل تلفظی که هویت
طرفین دو یا چند ایستگاه
ارتباطی را مشخص کرده و
اصولا برای برقراری و حفظ
ارتباط بکار میرود .

معرف بصری :

معرفی که اصولا برای مخابره
علائم بصری در نظر گرفته
شده است .

معرف بیسیم : (آدرس)

گروهی از حروف یا اعداد یا
ترکیبی از حروف و اعداد
است که هویت يك ایستگاه
بیسیم را معین میکند .

معرف بین المللی :

معرفی که بر طبق مقررات
اتحادیه بین المللی ارتباطات
دور برای تعیین هویت يك
ایستگاه بیسیم اختصاص داده
میشود .

معرف رادیویی :

گروهی از حروف یا اعداد یا
ترکیبی از حروف و اعداد که
معرف يك ایستگاه رادیویی
است .

معرف شبکته :

معرفی است برای شناسائی
کلی يك شبکته .

معرف صوتی :

معرفی که اصولا برای ارتباط
صوتی در نظر گرفته شده
باشد .

معرف مشترک :

معرفی که برای بیش از دو سازمان
(فرماندهی، مقام، یگان) تعیین
میشود. معرف مشترک برای هر
يك از قسمتهای بالا شامل
فرمانده و کلیه فرماندهیهای
تابعه او خواهد بود .

معلول :

۱- بیمار - ناخوش - علیل .
۲- در کاربرد نظامی به پرسنلی
گفته می شود که عضو و یا
اعضائی از بدن او در راه
خدمت از بین رفته و یا
ناقص شده باشد، که برای
این ضایعه مزایائی بوی
تعلق میگیرد .

مغناطیس :

آهن ربا ، يك نوع سنگ آهن
که در کانهای مخصوص بشکل
سنگ سیاه یافت میشود و
خاصیت جذب آهن را بخود دارد .

مفروضات

جاسازی شده است، مانند
مقر تفنگ .

مقهور :

شکست خورده - مغلوب شده -
طرف خشم واقع شده .

مقیاس :

واژه مورد استفاده در نقشه
خوانی است و در پائین هر نقشه
وجود دارد .

عبارتست از نسبت فاصله دو
نقطه در روی نقشه بفاصله
افقی همان دو نقطه در روی
زمین .

مقیاس سه نوع است (مقیاس
کسری - مقیاس خطی - مقیاس
عددی) .

مقیاس خطی :

خطی است مدرج بر حسب
مایل - کیلومتر و یا متر و یارد
که معمولا در قسمت پائین
نقشه جات رسم شده است و
بدون توجه بدقت لازم، تبدیل
سریع فاصله دو نقطه روی
نقشه بفاصله همان دو نقطه
در طبیعت از مشخصات ویژه
این نوع مقیاس میباشد .

مقیاس عددی :

این نوع مقیاس بشکل يك
جمله ساده بیان میشود (مانند

مفروضات :

بندار و گمانی است که فرمانده
بر مبنای واقعیاتی که در آینده
ممکنست وجود داشته باشد
در نظر میگیرد تا بتواند
برآوردهای خود را انجام و
تصمیمات منطقی اخذ و طرح -
ریزی نماید .

مقاطعه :

از هم بریدن - جدا کردن -
کاری را با مزد و زمان معین
قطع کردن - پیمان کاری کردن .

مقاطعه کار :

کسی که کار و حرفه اش
پیمانکاری است - پیمانکار .

مقام :

رتبه - پایه - درجه - پایگاه
منزلت - جایگاه .

مقاومت :

ایستادگی کردن - تا پای جان
ایستادن - استقامت و پایداری
کردن .

مقر :

محل قرارداد و وسایلی مانند
جنگ افزار، قطعه ، ابزار و
غیره بطوریکه آن محل فقط
برای قرارداد شینی مخصوص

مقیاس کسری

۱/۳ اینچ در نقشه برابر يك مايل
روی زمین) و معمولاً نقشه‌جات
انگلیسی دارای این نوع مقیاس
هستند .

مقیاس کسری :

این نوع مقیاس معمولاً در
قسمت پائین نقشه‌جات بصورت
يك کسر ساده یا مرکب نوشته
میشود ، صورت کسر نماینده
اندازه روی نقشه و مخرج کسر
نماینده همان اندازه در طبیعت
است (مانند $\frac{1}{۳۵۰۰۰}$) .

مکانیزم فرمان :

عمل دستگاه فرمان از غربالک
تا بعد از جعبه فرمان .

مکانیزه : Mecaniser (۱)

ماشینی کردن - مکانیکی کردن .

مکانیسین : Mecanicien (۲)

متخصص در مکانیک -
متخصص در ساختن ماشین آلات .

مکش : (بفتح م و کسر ک)

عملی که مایع یا گازی را از
منبع یا محفظه‌ای مکیده و به
منبع و یا بسمت دیگر هدایت کند .

مگاسیکل : (امواج رادیویی)

يك میلیون سیکل در ثانیه را
مگاسیکل گویند .

مگسک : (بفتح م . ک . س)

قسمتی از دستگاه نشانه‌روی
در جنگ افزارهای کسری ،
تفنگ و تیربارها و بعضی از
جنگ افزارهای ضد زره و بدون
عقب نشینی است که در قسمت
جلو و بالای لوله نصب شده تا
نشانه‌گیری و نشانه روی را
تسهیل نماید .

ملحقه :

مدارکی هستند که به لف الصاق
میشوند . مدارکی که به يك نامه
و یا دستورالعمل ضمیمه
میشوند .

ممتاز : (در طبقه بندی نمودن افسران)

این توصیف مربوط به افسری
است که نحوه انجام وظیفه او
کاملاً بالاتر از سایر افسرانی
که در طبقه عالی قرار دارند
باشند طبقات پنجگانه عبارتند
از : ممتاز - عالی - خیلی
خوب - خوب - قابل قبول .

همیزی :

یعنی رسیدگی به اسناد و مدارک
مالی از جهت انطباق با مقررات
موضوعه و مصوبه .

منابع آب در طبیعت :

به‌منحازنی گفته میشود که

(۱) و (۲) واژه‌های بیگانه متداول در ارتش شاهنشاهی

منبع اطلاعات

متناسب :

وضع افسر و کارمندی است که مشمول یکی از موارد زیر باشد:

۱- بطور موقت به مشاغل مخصوصی گمارده شود که در سازمان نیروهای مسلح شاهنشاهی برای آن مشاغل محل بخصوصی پیش‌بینی نشده باشد .

۲- در یکی از مدارس داخل یا خارج کشور مشغول تحصیل باشد .

۳- بسبب حذف یا انحلال محل سازمانی بدون شغل شود .

۴- افسران و کارمندی که معالجه بیماری آنها بیش از چهار ماه ادامه پیدا کند .

۵- افسران و کارمندان اسیر شده، در تمام مدتی که در اسارت بوده‌اند .

۶- بنا بر تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران مأمور خدمت در دیگر وزارتخانه‌ها یا بنگاههای ملی یا دولتی شوند .

منحنی پروکتور :

نشان دهنده رابطه وزن

میتوان از آنها برای تهیه و تدارک آب تصفیه شده استفاده کرد مانند دریا ، دریاچه ، رودخانه‌ها و چاهها و مخازن آب.

منبع اطلاعات :

به پرسنل، مدارک، وسائل و تجهیزات ازی دشمن گفته میشود که میتواند اطلاعات لازم را در اختیار عوامل اطلاعاتی بمنظور هرگونه بهره‌برداری اطلاعاتی قرار دهد (و در جمع منابع اطلاعاتی گفته میشود)

مناطق ممنوعه توپخانه پدافند هوایی:

منطقه‌ای از فضا که پرواز هواپیماهای خودی تحت کلیه شرایط ممنوع است .

مناقصه :

انجام اقدامات لازم برای خرید جنس یا انجام کاری با نازل - ترین قیمت ممکنه .

منتظر خدمت :

وضع افسر و کارمندی است که به سبب خطا یا قصور مکرر بموجب حکم دادگاه و یا دستورات فرماندهان بطور موقت از کار برکنار میشود و از حقوق و مزایای کمتری برخوردار میشود .

منطقه آتش

مخصوص خاک با درصد رطوبت آن است .

منطقه آتش :

به منطقه ای گفته میشود که يك يا چند جنگ افزار بوسیله آتش آنرا بطور مؤثر از موضع ویژه ای بپوشانند .

منطقه آسمین پذیر :

هدف زمینی که قطر آن از ۴۰۰ متر کمتر باشد .

منطقه احتیاط :

در عملیات پدافندی منطقه احتیاط از حد عقب منطقه پدافندی جلو (حد عقب یگانهای درخط شروع و تا حد عقب یگان بالانتر از یگانهای درخط ادامه دارد .

منطقه اشغال نشده :

ناپیوستگی بین يك رشته آرایشهای تاکتیکی که میتوان آنرا با آتش جنگ افزار های کالیبر کوچک پوشاند .

منطقه انتظار :

سمتی است معمولاً در مرکز منطقه عمل اصلی که جنگ - افزارهای پدافند هوایی بعد از هر درگیری و درمواقعی که هدفی وجود ندارد به منظور

هرگونه آمادگی قبلی بایستی در آن سمت روانه باشند .

منطقه پدافندی جلو :

منطقه ای است که یگانی برای پدافند و یا اجرای عملیات تأخیری کنترل شده در آنجا قرار گرفته است و مثلاً در رده لشکر منطقه پدافند جلو منطقه ای است بین لجمن وحد عقب تیپهای در خط .

منطقه پدافند هوایی :

يك منطقه مشخص از نظر جغرافیائی که بایستی پدافند هوایی در آن طرحریزی و تهیه شود .

منطقه پرش :

(منطقه پرتاب) منطقه ایست در سرزمین خودی یا دشمن که به منظور عملیات هواپرد و تصرف سر پل و عمل الحاق برای يك یگان متشکل هوا برد (گروهان - گردان - تیپ و یا لشکر) متناسب با رده و اندازه یگان هواپرد با توجه به طول و عرض استاندارد برابر با آئین نامه رزمی یگانهای هواپرد انتخاب میشوند .

منطقه پیاده شدن :

(آبخاکی) قسمتی از منطقه هدف که

منطقه پیاده شدن

منطقه عقب :

منطقه‌ای است در قسمت عقب منطقه پدافندی با وسعت کافی برای فراهم ساختن تسهیلات کلیه پشتیبانی‌های رزمی و خدمات رزمی برای یگانهای در خط .

منطقه عقب تیپ :

منطقه‌ای است بین حد عقب گردانهای جلو و حد عقب تیپ.

منطقه عقب سپاه :

منطقه‌ای است بین حد عقب لشکرهای جلو و حد عقب سپاه .

منطقه عقب لشکر :

منطقه‌ای است بین حد عقب تیپ‌های جلو و حد عقب لشکر.

منطقه عمل :

آن قسمت از صحنه عملیات مورد لزوم برای عملیات نظامی، خواه آفندی خواه پدافندی که برای انجام مأموریت‌های مربوطه تعیین میشود (معمولا حدود آن با ترسیم خطوط حد در روی نقشه‌جات و کالک‌های عملیاتی متناسب با استعداد هریگان تعیین میشود) .

عملیات پیاده شدن گروه رزمی مشترك آبخاکی در آن اجراء میشود .

منطقه پیاده شدن : (هواپرد)

يك منطقه کلی است برای پیاده شدن نیروها و وسائل که هم بوسیله پرتاب باچتر از هوا و هم بوسیله فرود آمدن مورد استفاده قرار میگیرد .

منطقه تأمینی :

در عملیات پدافندی، منطقه تأمینی عبارتست از لبه جلویی منطقه نبرد (لجمن) تاجائی در جلو که عناصر تأمینی آن یگان کمارده شده‌اند .

منطقه تجمع :

منطقه‌ایست که در آن يك یگان بمنظور آماده کردن خود برای عملیات آینده جمع میشود . این منطقه حتی المقدور بایستی از دیدبانی زمینی ، هوایی و آتش توپخانه متوسط دشمن محفوظ باشد .

منطقه زده شده : (مضروب)

منطقه‌ایست که مورد اصابت گلوله‌های توپخانه ، تیربار یا جنگ افزارهای خود کار دیگر قرار میگیرد .

منطقه عمل اصلی :

منطقه ایست که در تهیه طرح
پدافند بمنظور تقسیم آتش
بنحوی مؤثر و مقرون بصرفه
برای جنگ افزار معینی
اختصاص داده میشود و حداکثر

حق تقدم پدافند باین منطقه
داده شده و آتش هر جنگ افزار
باید بجز در موارد استثنائی
زیر همیشه در داخل این منطقه
قرار گیرد .

۱- در صورتی که فرمان دیگری
توسط فرماندهی صادر شده
باشد .

۲- در صورتیکه جنگ افزار
در حال درگیری یا ردگیری
هدفی باشد .

منطقه عمل فرعی :

منطقه اطراف یک جنگ افزار
بجز منطقه اصلی و مناطق
ممنوعه ، منطقه عمل فرعی
جنگ افزار نامیده میشود .

منطقه عملیات :

به معنی واژه منطقه عمل مراجعه
شود .

منطقه عملیات اطلاعاتی :

(منطقه مورد علاقه)

واژه ای است مورد استفاده در
فعالیت های اطلاعاتی ، منطقه

اطلاعاتی هر فرمانده بعلت نیاز
مبرم باطلاعات جانبی او بزرگتر
از منطقه عملیاتی اش بوده و
منطقه مورد علاقه نیز گفته
میشود .

منطقه فرود :

محل مشخصی است در داخل
منطقه هدف که برای فرود
هواپیماها بکار میرود .

منطقه مسؤلیت :

منطقه ای است مشخص با
حدود تعیین شده برای یک
یگان که مسؤلیت حفاظت و یا
تأمین آن منطقه را بآن یگان
واگذار مینمایند .

منطقه ممنوعه : Blind

(واژه متداول در پدافند زمین بهوا)

منطقه ای است که جنگ افزارهای
پدافند هوائی در آن سمت و
منطقه نباید تیراندازی نمایند .

منطقه منع آتش :

منطقه ای است با محدوده معین
و مشخص بطوریکه اجرای هر
گونه آتشی از سوی نیروهای
خودی در آن منع گردیده باشد .

منطقه مواضع گردان :

بمنطقه ای گفته میشود که گردان
توپخانه در آن منطقه برای

منطقه مورد پدافند توپخانه پدافند هوایی

منعکس کننده‌ها : (در رادار)

عبارتند از میله یا صفحه‌ای که در پشت آنتن قرار گرفته و ضمن افزایش انرژی آنتن و خاصیت توجیبهی آن از اثر نامطلوب انعکاسات مزاحم جلوگیری میکند .

منفجر کننده : (خرج واسطه)

چون شعله موج حاصله از انفجار چاشنی نمیتواند خرج تلاشی را منفجر کند بهمین جهت بوسیله خرج دیگری قدرت این خرج توسعه داده میشود، این خرج را منفجر کننده یا خرج واسطه گویند .

منفجره :

هرگونه مخلوط یا ماده شیمیائی که بمحض مواجهه با شعله یا ضربت یا موج انفجار از حالت جامد یا مایع به حالت گاز تغییر شکل دهد . این عمل تولید حرارت نموده و گازهای آزاد شده را منبسط کرده و فشار فوق العاده‌ای با طول موج زیاد تولید میکند (رجوع شود به ماده منفجره) .

منفجره شاماید :

ماده منفجره ایست که در اثر مواد محرکه در یک زمان بسیار

پشتیبانی از یگان پشتیبانی شونده مستقر میگردد .

منطقه مورد پدافند توپخانه پدافند هوایی :

منطقه ممنوعه برای پرواز هواپیماهای خودی جز در موارد مشخص .

منطقه مورد علاقه :

(منطقه عملیات اطلاعاتی)

به معنی واژه منطقه عملیات اطلاعاتی مراجعه شود .

منطقه نفوذ :

واژه‌ای است مورد استفاده در فعالیت‌های اطلاعاتی و آن منطقه‌ای است که فرمانده قادر است با مانور نیروهای زمینی و اجرای آتشهای پشتیبانی زیر امر خود در آن منطقه مستقیماً در جریان نبرد مداخله نماید .

منطقه هدف :

یک منطقه جغرافیائی مشخصی است که میبایستی هدفهای واقع در آن توسط نیروهای نظامی تصرف شده و یا بآنها دسترسی یابند .

کوتاه منفجر و تبدیل به گاز شده و در نتیجه ایجاد انرژی زیاد کند .

مواد منفجره :

شامل کلیه خرجهای گوگردی شکل و خمیری شکل است (مانند T. N. T) که برای انفجار و تخریب از آنها در مأموریت های نظامی استفاده میشود (خرجهای گوگردی شکل برای تخریبات زمینی و خرجهای خمیری شکل برای تخریبات زیرآبی مورد استفاده دارد) .

منفجره ملایم یا محترقه :

ماده منفجره ایست ملایم که در اثر شعله شروع به سوزش کرده و از نظر زمانی درمقایسه باماده منفجره شدید در یک زمان طولانی تری میسوزد .

منگنه :

دستگاهی است که با استفاده از خاصیت انتقال فشار هیدرولیکی یا خاصیت اهرمها نیروی کمی را تبدیل به نیروی فشار خیلی زیادی نموده و سبب سوراخ کردن یا فشردن یا پرچ کردن و غیره میشود.

مواد رمزی :

تمام مواد ، شامل مدارك ، وسائل، تجهیزات و دستگاههای لازم برای رمز کردن و کشف کردن .

مواد رمزی ثبت شده :

وسائل رمزی که دارای شماره ثبت در موقع دریافت، انتقال و انهدام بوده و هرسه ماه شمارش میشود .

مواد طبقه بندی شده :

هرگونه سند ، جسم ساخته شده و یا ماده ای که حاوی و گویای مطالب و اطلاعات ویژه ای باشد که آگاهی از آن منحصر به مقامات مشخصی باشد .

مواد منعقد کننده :

مواد شیمیائی مخصوصی که خاصیت قلیائی و اسیدی داشته و هنگام حل شدن در آب با مواد قلیائی و اسیدی آب تشکیل رسوب میدهند .

موازنه : (درتوب)

دستگاهی است که وزن نامتعادل لوله را تحمل میکند .

مواضع سد کننده :

مواضعی هستند که بمنظور کانالیزه کردن یا سد کردن

موانع بالای سر جاده

برق که بمنظور شارژ کردن باطری ، تولید برق میکند .

موج انفجار :

موجی است که در ابتدا با سرعتی معادل چند برابر سرعت صوت حرکت نموده و در تمام جهات گسترش مییابد. و از انفجار مواد منفجره نظامی و یا تجارسی و یا فعل و انفعالات هسته‌ای (اتمی) بوجود میآید.

موج حامل :

امواج رادیوئی غیر مدوله که امواج صوتی یا تصویری را حمل کند .

موشك :

مجموعه ایست قابل پرتاب که خرج پرتاب و گلوله با هم حرکت میکنند و شامل موتور و سر جنگی میباشد .

موشك انداز :

وسیله‌ای که برای پرتاب موشك بکار میرود .

موشك بالستیکی :

موشکی است با برد زیاد که در ابتدای خطسیر وسیله يك مکانیزم ازپیش تنظیم شده هدایت می‌شود، ولی در مرحله

پیشروی دشمن با توجه به عوارض حساس منطقه در پدافند طرح ریزی و تهیه میشوند . این مواضع ممکنست در عمق و در پهلوها تعیین و بطور فیزیکی اشغال و یا اشغال آنها منوط به صدور دستورات بعدی باشد .

موانع بالای سر جاده :

پلها ، سیمها ، ساختمانهای طاقدار و مانند این موانع که ارتفاع آنها کمتر از $4/25$ متر باشد .

موانع راه :

عبارتست از جاده‌های باریک یکطرفه، پلهای یکطرفه، پلهای با تحمل بار محدود ، درختان آویخته در ارتفاع کم، تونلهای کوتاه یا با ارتفاع کم ، محدودیتهای تسهیلات عبور از رودخانه و گلوگاهها .

موتور : Motor (۱)

دستگاهی است که یکی از انواع انرژی را به انرژی مکانیکی تبدیل میکند .

موتور شارژ :

موتوری است مجهز به مولد

موشك زمين به زمين

نزدیک شدن به هدف بطور آزاد عمل میکند (سقوط آزاد و بدون کنترل) .

موشك زمين به زمين :

انواع موشكهایی است که از یک مبداء یا سکوی پرتاب زمینی علیه هدفهای ثابت و یا متحرك زمینی پرتاب میشود .

موشك زیر آب بزمن :

انواع موشكهایی است که از زیر دریائی ها و یا سکوهای زیر آبی بسوی هدفهای زمینی (و مستقر در سواحل) پرتاب می شوند .

موشك زمين به هوا :

انواع موشكهایی است که از یک مبداء یا سکوی پرتاب زمینی علیه هدفهای هوایی پرتاب میشوند .

موشك ضد موشك :

موشکی است که به منظور انهدام موشكهای دشمن (قبل از اصابت به هدف) پرتاب میشود .

موشك هوا بزمن :

انواع موشكهایی است که از هواپیماهای جنگنده و یا شکاری و یا هر وسیله هوایی دیگر

مانند انواع هلی کوپترها و یا هواپیماهای بمباران علیه هدفهای ثابت یا متحرك زمینی پرتاب میشوند .

موشك هوا بزیر آب :

موشكهایی هستند که از هر وسیله هوایی علیه هدفهای زیر آبی پرتاب میشوند .

موشك هوا به هوا :

انواع موشكهایی است که از هواپیماها و یا هلی کوپترها ، هنگام پرواز علیه يك هدف هوایی دیگر در حال پرواز پرتاب میشوند .

موضع :

محل یگان یا جنگ افزار را که از آنجا بدشمن تیراندازی میشود . این محل برای جنگ افزارهای سنگین موضع تیر نامیده میشود .

موضع اصلی :

موضعی است که از آنجا اجرای مأموریت اصلی بنحو مطلوب امکان پذیر باشد .

موضع تك :

آخرین موضع پوشیده و مخفی نزدیک خط عزیمت است که یگان در آنجا برای تك (حمله)

مواضع پدافندی

مهارت :

یعنی رسیدن به حدشایستگی در هر کار و وظیفه‌ای (مانند مهارت در تیراندازی ، رانندگی و غیره) .

مهمات :

واژه‌ای است کلی و عمومی و متداول برای کلیه گلوله‌ها ، خمپاره‌ها ، موشکها ، مین‌ها و انواع مواد منفجره مورد استفاده در ارتش .

مهمات با خرج ثابت :

يك مجموعه كامل فشنگ را كويند كه خرج آن قابل تغيير نميباشد .

مهمات با خرج مجزا :

گلوله يا فشنگي كه اجزاء آن قابل جدا شدن است .

مهمات ناقب :

مهماتي است كه بعلت وجود انرژی سینتیک زیاد و یا مواد شیمیائی مخصوص قابلیت نفوذ در زره را دارد .

مهمات جنگ افزار سبك :

مهماتي هستند كه كالبر آنها از ۱۵/۲۴ ميليمتر يا ۰/۶ اينچ كمتر باشد .

گسترش یافته و آخرین هم‌آهنگی را انجام میدهد .

موضع پدافندی :

قطعه زمینی که دارای سنگرهای بوده و این سنگرها متقابلاً یکدیگر را حمایت میکنند . عبارت دیگر زمینی است که دارای محل‌های مستحکم تاکتیکی بوده و بوسیله عده‌های خودی اشغال شده باشد .

موضع فرعی :

موضعی است که قبلاً پیش بینی شده تا چنانچه انجام مأموریت يك سرباز ، جنگ افزار یا یگان از موضع اصلی یا یدکی غیر ممکن گردد از آن استفاده شود و یا عبارت دیگر با استفاده از آن بنحوی مطلوبتری بتوان مأموریت محوله را در غیر از سمت اصلی انجام داد .

موضع یدکی :

موضعی است که در صورت کشف یا از بین رفتن موضع اصلی بتوان مأموریت اصلی را از آنجا انجام داد .

مولد دستی :

وسیله ایست که با دست میچرخد و تولید برق میکند .

مهمات مجزا

مهمات مجزا :

در این مهمات گلوله و پوکه از هم جدا هستند .

میانگین اشتباه :

میانگین مقدار جبری اشتباهات .

میانگین زاویه :

میانگین مقادیر يك زاویه که با تکرار قرائت ، اندازه گرفته شده است .

میانگین کشنده پرتو :

مقدار اشعه ایست که از راه پوست به بدن وارد شده و ۵۰ درصد موجودات زنده را میکشد . گاهی از انواع این اشعه با حروف ابتدائی آنها یاد میشود . (مانند اشعه بتا) .

میانگین کشنده گاز :

مقدار گازی است که ۵۰ درصد موجودات زنده را میکشد .

میشکوب :

میشکوب و پرچ کن بادی دارای پیستون ضربه ای بلند و چکش پرچ کن و متعلقاتی است که جهت نگهداشتن سر میخها و کوبیدن آنها بکار میرود .

میدان آتش :

منطقه ایست که يك جنگ افزار

یا مجموعه ای از جنگ افزارها آنرا از يك موضع داده شده ، بطور مؤثر با آتش میپوشانند .

میدان آهن ربائی :

میدانی را گویند که در آن آهنربا عقربه مغناطیسی را منحرف میکند .

میدان برداشت پیام :

زمین بازی است که در آن يك هواپیمای در حال پرواز میتواند بزمین نزدیک شده و پیامهای مورد نظر را بهوا بلند کند .

میدان تیر :

منطقه ای است با وسعت کافی (در طول و عرض) ، قرق شده و متناسب با حداکثر برد انواع جنگ افزارها برای اجرای تیراندازی های آموزشی .

میدان شامگاه :

قطعه زمین مسطحی است که سر بازان پیش از غروب آفتاب بمنظور نیایش و پائین آوردن پرچم در آن جمع میشوند و مراسم نیایش را بجای می آورند .

میدان صبحگاه :

(به معنی واژه میدان شامگاه مراجعه شود) و با اختلاف

میدان مین

میزان پذیرش :

واژه آمادی است که تعیین میکند از هر هزار نفر استعداد صحیحه عملیات روزانه چند نفر در بیمارستان پذیرفته میشوند.

میزان مجاز :

مقدار معینی از اقلام آمادی است که باید در اختیار یگان باشد .

میزان مصرف :

مقدار متوسط يك قلم آمادی که در طی يك دوره مشخص بمصرف میرسد و این اصطلاح برای اقلامی که مصرف مرتب دارند بکار میرود . مانند تعداد کلوله برای يك جنگ افزار و یا مقدار مصرف هزار نفر در يك ماه .

میکا : Mica (۱)

يك عایق الکتریسته بسیار خوب که در کمیتاتور دینام نیز بکار میرود .

میکروب : Microbe (۲)

جانداران ذره بینی که دیدن آنها با چشم غیر مسلح ممکن نمیشد .

آنکه سر بازان در پگاه در آن جمع میشوند .

میدان مین :

منطقه ایست از زمین که در آن مین گذاری شده و ممکن است از يك یا چند نوار و تعداد مینهای منفرد و پراکنده اعم از ضد تانک و ضد نفر تشکیل شده باشد .

میزان آماد مورد نیاز :

مقدار مهماتی است که برای انواع جنگ افزارها و برحسب تعداد گلوله برای هر جنگ افزار در هر روز تعیین میشود . این مقدار باندازه ایست که برای مداومت عملیات يك نیروی معین بدون ایجاد محدودیت لازم است .

میزان آماد های موجود :

مقدار مهماتی است که برای جنگ افزار تیراندازی میشود و برحسب تعداد گلوله برای هر جنگ افزار در هر روز و در مواردی برحسب وزن و یا مقیاسهای دیگر تعیین میشود و مقدار آن باندازه ایست که بتوان مداومت عملیات را حفظ کرد .

(۱) و (۲) واژه های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

میکروفیلم

میکروفیلم : Microfilm (۱)

فیلمی است از نظر کمیت و حجم بسیار کوچک و از نقطه نظر جایجائی آسان ، اینگونه فیلمها برای نگهداری اسناد آمار و مدارك مورد استفاده قرار گرفته و حجم بایگانیها را به مقیاس فوق العاده زیاد ، کم مینماید - و در نتیجه حفاظت و نگهداری و مراجعه به اسناد را خیلی سهل و آسان میسازد.

میکرون : Micron (۲)

واحد طول و برابر يك میلیونیم متر و یا ده هزارم انگستروم است .

میل فرمان اصلی :

میله ایست که غربالک را به جعبه دنده فرمان وصل میکند .

میله فرمان بلند :

میله ایست که موازی محور خودرو قرار گرفته و به چرخ جلو سمت راست مربوط است .

میله ارتجاع :

میله ایست در مرکز فنر ارتجاع برای دفع ضربات ناشی از پرتاب گلوله (معمولاً در تیر بارها وجود دارد) .

میله زیر سوپاپ :

میله بلندی است که در موتورهای سوپاپ دار درسریلند وجود داشته يك سر آن داخل زیر سوپاپی و سردیگر آن زیر اهرم سوپاپها یا چکشها قرار دارد .

میلیم :

زاویه مرکزی روبروی قوسی که $\frac{1}{6400}$ محیط دایره باشد یا زاویه رویت يك جسم يك متری در فاصله هزار متری .

میلی متر : Millimeter (۳)

واحد طول و برابر يك هزارم متر است .

مین :

يك ماده منفجره یا شیمیائی بسته بندی شده است که با مکانیزم آتش همراه بوده و در محل عبور دشمن پنهان میکنند .

مین برداری :

اقداماتی است که با وسائل فنی پرسنل متخصص برای یافتن و غیر مسلح کردن مینهای کاشته شده نیروهای خود یا مینهای کاشته شده از سوی دشمن به منظور ایجاد يك معبر بی خطر انجام میشود .

مین جمع کن

مکانیزم آتش همراه بوده و با فشار وزن يك انسان منفجر میشود (در محل عبور اجباری نفرات پیاده در زیر خاک و یا خاشاک پنهان میکنند) این انفجار حتی ممکن است با کشش پای يك انسان توسط سیمی که به ماسوره کششی وصل شده انجام شود .

مین فعال :

مینی است که دارای ماسوره ثانوی بوده و با حرکت دادن ، مین عمل میکند .

مین گذاری :

به منظور کانالیزه نمودن ، و بدام کشیدن و وارد ساختن حداکثر تلفات به نیروهای دشمن و همچنین برقراری تأمین نیروهای خودی منطقه مورد نظر مین گذاری می شود مین گذاری شامل کلیه اقداماتی است که برای کاشتن مین ها در زمین انجام میشود این عمل ممکن است توسط نفرات متخصص و یا خودروهای مین گذار بطور اتوماتیک و با سرعت انجام گردد .

مین یاب :

دستگاهی است با دسته بلند

مین جمع کن : (ماین دوزر)

بمنظور انهدام سریع مین های کاشته شده در يك منطقه مین گذاری، وسیله غلطک مانندی وجود دارد که با دو بازوی بلند در جلوی خودروئی با پوشش زرهی و یا تانک بسته می شود تا با ضربات کوبنده که به منطقه مین گذاری شده در حرکت وارد میسازد با انفجار مین ها معبری را به طول و عرض مورد نظر بی خطر ساخته و راه را برای عبور پرسنل و خودروها باز کنند .

مین ضد تانک :

پوسته ای است فلزی یا پلاستیکی محتوی مواد منفجره یا شیمیائی که با مکانیزم آتش همراه بوده و با فشار وزن يك خودرو یا نفربر و یا تانک منفجر میشود (در محل عبور اجباری و سائل سنگین در زیر خاک یا جاده پنهان میکنند) .

مین ضد نفر :

پوسته ای است فلزی یا پلاستیکی محتوی يك ماده منفجره یا شیمیائی که با

و صفحه پهن در قسمت
جلوئی آن ، که با حرکت دادن
روی مناطق مشکوک وجود
مین ومحل دقیق مین را با
صدای ویژه مشخص میسازد
این دستگاه توسط متخصصین
مین جمع کن در منطقه مین
گذاری بکار میرود .

می‌نی‌موم : Minimum (۱)

حداقل ، کمترین مقدار ممکن ،
کوچکترین درجه .

میهن :

وطن ، زاد وبوم ، خانمان ،

سرزمین آبا واجدادی، خانه
امید که برای هر شخص وطن
پرستی مهم‌ترین، گرامی‌ترین
و پرارزش‌ترین چیز در زندگی
اوست و باید هنگام ضرورت
برای کوتاه کردن دست دشمنان
جان خود را فدای استقلال و
تمامیت آن سازد .

میهن پرست :

کسیکه مرز وبوم وطن خود را
زیاد دوست دارد و برای
نگهداری ، استقلال، ترقی و
آبادی آن از هیچگونه فداکاری
و جانبازی دریغ نکند .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ن

<p>نابود کردن : از بین بردن - از میان برداشتن نیست کردن .</p> <p>ناپایدار : کم دوام - کوتاه عمر - موقتی - زودگذر - تباه شدنی .</p> <p>ناپدید : ناپیدا - پنهان - گم شده - نادیدنی - نامرئی .</p> <p>ناپیدا : (در توپخانه) وضعیت گلوله ایست که محل اصابت آن دیده نشود که در اینصورت فرمان مجدد اجرای آتش صادر میگردد. نامرئی - پنهان و پوشیده .</p> <p>نانوانی همیشگی يك عضو : اختلال عمل همیشگی يك عضو .</p> <p>ناحیه داخلی : انقسمت از سرزمین ملی است</p>	<p>ن : حرف بیست و نهم از الفبای فارسی است و علامت نفی میباشد (مانند نشاید - نگویم، نخواهد، نداند و...) .</p> <p>نا : علامت نفی و بصورت پیشاوند واژه‌ها می‌آید مانند نادرست، ناآزموده، نادان، نامهربان.</p> <p>ناآزموده : بی تجربه - آموزش نیافته - بی آزمایش .</p> <p>نا آشنا : بیگانه - غیر خودی - غریب .</p> <p>ناامن : بی امنیت - بدون تأمین - غیر مطمئن - خطرناک .</p> <p>نآثره : شعله - فروزش - شعله آتش .</p>
---	---

ناحیه رزم

که جزء صحنه عملیات و رزم نباشد .

ناحیه رزم :

شامل آن قسمت از صحنه عملیات است که برای هدایت عملیات رزمی و تأسیسات پشتیبانی خدمات رزمی فوری، ضروری است .

ناحیه مواصلات :

آنقسمت از صحنه عملیات است که در ناحیه عقب رزم قرار دارد و یا ناحیه ایست که از حد عقب ناحیه رزم (حد عقب ارتش) شروع و بطرف عقب صحنه عملیات امتداد مییابد ناحیه مواصلات شامل سر - زمینهای لازم برای عملیات و پدافند از تأسیسات و عوامل پشتیبانی خدمات رزمی میگردد.

ناخدا :

این واژه در اصل ناو خدا بوده و به معنی صاحب، فرمانده کشتی و یا کشتی بان آمده است و اکنون عنوانی از درجات نیروی دریائی مانند ناخدا یکم (که درجه ای است در نیروی دریائی معادل سرهنگ در نیروی زمینی) .

ناخدا دوم :

درجه ای است در نیروی دریائی شاهنشاهی برابر با درجه سرهنگ دومی در دیگر نیروهای مسلح شاهنشاهی .

ناخدا سوم :

درجه ای است در نیروی دریائی شاهنشاهی برابر با درجه سرگردی در دیگر نیروهای مسلح شاهنشاهی .

ناخدا یکم :

درجه ای است در نیروی دریائی شاهنشاهی برابر با درجه سرهنگی در دیگر نیروهای مسلح شاهنشاهی .

نارسائی :

۱- هرگونه اشتباه در ارسال، دریافت، رمز کردن یا کشف کردن يك پیام که منجر به نادرستی یا کشف نشدن تمام یا قسمتی از پیام میشود .

۲- هرگونه کوتاهی، قصور، نقص در انجام وظیفه و یا هرگونه کمبود در وجود آوردن يك سازمان یا یگان نظامی را نیز نارسائی گویند .

ناونچک :

نوعی مهمات است با اندازه

ناظر

هدف یا هدفهای مورد نظر هدایت مینماید. ضمناً این افسر در امور مربوط به مقدرات و محدودیت های نیروی هوائی مشاور فرمانده یگانهای مانورکننده می باشد.

نافرمان :

سرکش ، متمرّد ، یاغی - خودسر .

ناقل فرمان :

از بازوی هزارخار تاچرخهای يك خودرو را ناقل فرمان یا اهرمهای فرمان گویند .

نامه :

موضوعهائی که بصورت نوشته بین دو مقام یا دو سازمان فرستاده شود .

نامه رسمی :

شامل نامه هائی است که در مورد مطالب اداری و خدمتی بوده و بعنوان يك مقام رسمی نوشته میشود .

نامه سفارشی :

اصطلاحی است برای نامه هائی که ثبت و شماره گذاری شده و دارای تضمین و سفارش میباشد .

نازنج که با ماسوره مجهزشده وبا دست یا تفنگ پرتاب میشود و پس از رها شدن ضامن آن، عمل مینماید و منفجر می شود .

ناظر :

به افسر یا درجه داری گفته می شود که از سوی مقامات ذیصلاح بر اجرای صحیح يك طرح، برنامه تمرین ، مانور عملیات حقیقی نظارت مینماید (مانند ناظر مقدم هوائی).

ناظر توپخانه پدافند هوائی :

افسر توپخانه پدافند هوائی است که در مرکز کنترل منطقه ای مأمور تهیه اطلاعات برای فرمانده پدافند هوائی ارتش در مورد فعالیت های مربوط بان منطقه میباشد .

ناظر مقدم هوائی :

افسری است از نیروی هوائی که به منظور کنترل آتش هواپیماهای شکاری خودی در معیت عناصر مقدم یگانهای مانوری در عملیات رزمی (عملیات تاکتیکی) شرکت میکند و با ارتباطی که با خلبانان هواپیما های شکاری دارد آنها را بسوی

نامه نیمه رسمی

نامه نیمه رسمی :

همانند نامه‌های رسمی است با این تفاوت که بین مقامات هم‌تراز یا از مقام بالا به زیر دست‌صادر می‌شود و نویسنده بمنظور تسریع کار درسرلوحه یا هنگام امضاء کلماتی دوستانه اضافه میکند .

ناو :

کشتی - کشتی جنگی .

ناوبان

افسر نیروی دریایی همانند ستوان در نیروی زمینی (مانند ناوبان یکم برابر ستوانیکم) .

ناوبر :

تعیین کننده سمت حرکت و هدایت کننده کشتی و یا هواپیما .

ناوبری دریائی :

عبارتست از فن هدایت کشتی و یا هر وسیله دریائی از نقطه‌ای به نقطه دیگر با توجه به محاسبات لازم و انتخاب سمت و مسافت مورد نظر .

ناوبری هوائی :

عبارتست از فن هدایت هواپیما از نقطه‌ای به نقطه دیگر با توجه

به محاسبات لازم و انتخاب سمت و مسافت مورد نظر .

ناو بیمارستان :

یک کشتی غیر رزمی است که برحسب قرار داد ژنو به ابزارهای بیمارستانی مجهز شده و برای ارتش بکار میرود و در آن میتوان بیماران را مانند یک بیمارستان درمان و یا تخلیه کرد .

ناو بیمارستان تخلیه :

در این کشتی هنگام حمل بیماران پرستارانی هم هستند که درمانهای پزشکی را انجام داده و سپس آنها را تخلیه میکنند .

ناوچه :

ناو کوچک ، کشتی کوچک جنگی .

ناوخدا : (ناخدا)

فرمانده کشتی (به معنی واژه ناخدا مراجعه شود) .

ناوشکن :

کشتی جنگی تندرو که کشتی-های اژدرافکن دشمن را تعقیب میکند و خود نیز دارای دستگاه اژدر انداز میباشد و علیه

ناوگان

غذاخوری ، جائی که پرسنل هر یگان و سازمان غذای نیمروز خود را در آنجا صرف نمایند.

نایب :

نام درجه ای است از طبقه افسران جزء متداول در گذشته ارتش شاهنشاهی و برابر با درجه ستوان میباشد مانند نایب دوم برابر با ستواندوم و نایب اول برابر با ستوانیکم.

نایب سرهنگ :

سرهنگ دوم (واژه متداول در گذشته).

نبرد :

جنگ - رزم - زدو خورد - عملیات رزمی .

نبش :

پهلو - گوشه - کنار - لبه (نبش دیوار) - سوك .

نچ عور :

نخی است با قدرت مقاومت کم (مقاوم در برابر حداکثر ۴۰ کیلوگرم فشار) که موجب ارتباط چتر اصلی به بند پیوند میشود و بعد از آنکه با پریدن چتر باز از داخل هواپیما چتر اصلی توسط بند پیوند کاملاً از داخل کیسه چتر بیرون

ناوهای دشمن بکار برده میشود .

ناوگان :

گروهی از کشتی های جنگی .

ناوگان بیمارستانی :

ناوگانی است که بیماران در آن بستری و معالجه میشوند .

ناو گروه :

شامل يك گروه ، یا تعدادی از کشتی های جنگی که دارای مأموریت مشترك باشند .

ناو هواپیما بر :

کشتی جنگی بزرگی است که روی عرشه آن تعدادی هواپیما - های جنگنده یا شکاری و یا انواع دیگری از هواپیما و یا هلی کوپتر برای انجام عملیات نظامی استراتژیکی حمل گردیده و از آنجا به پرواز درمی آیند .

ناوی :

(سرباز عادی نیروی دریایی) عنصری است که در نیروی دریایی خدمت مینماید مانند سرباز در نیروی زمینی .

ناهار :

غذای ظهر - خوراك نیمروز (برابر با شام) .

ناهارخوری :

جای خوردن ناهار ، اطاق

نسبت پذیرائی

کشیده شد به نخ عمر میرسد و چون نخ عمر بیش از ۴۰ کیلوگرم مقاومت ندارد سنگینی وزن چتر باز موجب میشود که این نخ به موقع قطع گشته و چتر باز از هواپیما جدا و بند پیوند همراه با کیسه چتر در هواپیما باقی بمانند .

نسبت پذیرائی :

تعداد بیمارانی که مستقیماً در زمان معینی بمراکز درمانی مراجعه میکنند نسبت به توانائی آن مراکز در همان زمان . معمولاً نسبت تعداد مراجعین به هزار ، در سال برآورد میشود .

نسبت درماندگی :

تعداد افرادی که بعللی مانند بیماری ، آزار و آسیب دیدگی جنگی از کار باز میمانند به نسبت نیروهای تحت فرماندهی ، نسبت درماندگی ممکن است در مورد همه بیماران از کار بازمانده یا در مورد بیماری معینی سنجیده شود . این نسبت همچنین میتواند برای منطقه معینی از فرماندهی یا برای تمام ارتش در نظر گرفته شود .

نسبت مرگ و میر :

نسبت درگذشتگان بتعداد جمعیت و یا آمار یک یگان نظامی میباشد .

نشان :

علامتی است با شکل های گوناگون که از طلا - نقره - برنز و یا ترکیبی از آنها ساخته میشود و بر سینه میزنند و معمولاً دارای سه درجه میباشد (مانند نشان لیاقت - افتخار - دانش و امثال آن) .

نشان جنگی :

نشانی است که به انگیزه رشادت ، شجاعت ، از خود گذشتگی - فداکاری در رزم و عملیات به افراد اعطاء میگردد و تابع مقررات ویژه ای است (مانند نشان سپه) .

نشان شایستگی پزشکی :

نشانی است که پس از خدمت شایسته پزشکی در هنگام مأموریت در یک یگان رزمی در جنگهای زمینی با افراد پزشک و یا مأمورین خدمات درمانی داده میشود .

نشانه :

نشان - نشانی - آماج -

نشانه پیام

نشانی شبکه :

نشانی که در يك شبکه برای تشخیص هویت چندین ایستگاه بکار میرود .

نشریه اداری :

نشریه ایست جهت تعیین روش اداری .

نشست :

کمیسیون - گرد هم آئی - جلسه - شورا .

نشیب :

دامنه ارتفاع از پائین بطرف رأس ارتفاع (مخالف فراز) .

نصف النهار :

- ۱- نیم روز ، هنگام ظهر .
- ۲- نصف النهارات سطوحی فرضی هستند که هر يك از نقطه ای معین از زمین گذشته و محور زمین را در برمیگیرند فصل مشترك این سطوح را با سطح خارجی زمین که خطوط ساده ای میباشند نصف - النهارات گویند . نصف - النهارات برای اندازه گیری طول جغرافیائی بکارمیروند (جمع نصف النهارات) .

هدف - چیزی که درجائی قرار بدهند برای تیراندازی و یا تمرین آموزش نشانه روی .

نشانه پیام :

گروهی از حروف یا اعداد که معمولاً در آغاز يك پیام بطور رمز گنجانیده میشود و نشان دهنده ترتیب تغییرات کلید اتصال در پیام و یا مخابره باشد .

نشانه روی :

قرار دادن صحیح امتداد خط نشانه از چشم تیرانداز به زیر هدف یا خال سیاه (ترسیم شده روی سیل) .

نشانه گیری :

گرفتن خط نشانه (یعنی قرار دادن نوک مگسک در مرکز شکاف درجه) بطور صحیح از چشم تیرانداز .

نشانی :

علامت - علامتی که میان دونفر تعیین شده باشد - علامتی که با آن شخص یا چیزی را بشناسند - نام و نشان - هویت اشخاص - آدرس منزل ، سازمان ، یگان و مانند آن .

نصف النهار گرینویچ

نصف النهار گرینویچ :

نصف النهاری است که شهر گرینویچ در انگلستان را در برمیگیرد و مبداء اندازه گیری طول جغرافیائی کلیه نقاط و در نتیجه مبداء تعیین زمان و ساعت، تمام نقاط در روی کره زمین است (طول جغرافیائی تمام نقاط روی زمین با توجه به مبداء گرینویچ ۱۸۰ درجه شرقی و یا ۱۸۰ درجه غربی است).

نظامی :

این واژه به کسی گفته میشود که خدمت در ارتش را پذیرفته و لباس متحدالشکل ارتش را برتن کرده است. (ریشه این واژه نظم و به معنی آراسته و آراستن آمده است).

نظریه دهنده دوم :

رئیس بلاواسطه دائم یا موقت نظریه دهنده اول در تنظیم تعرفه های پرسنلی را نظریه دهنده دوم نامند.

نظریه دهنده یکم :

رئیس بلاواسطه دائم یا موقت نظریه گیرنده است. (مورد استعمال در تنظیم تعرفه پرسنلی میباشد).

نظریه گیرنده :

افسر یا درجه داری است که تعرفه پرسنلی برای او تنظیم میشود.

نفر :

عبارتست از هر کسی که در ارتش کار میکند و واحد شمارش و تعیین تعداد انسان نیز می باشد (مانند ۵۸ نفر سرباز).

نفر زرهی :

یک خودرو چرخدار یا شنی دار با بدنه زرهی است که برای حمل نفرات بکسار می رود و میتواند در خشکی و در آب عمل کند. (بعبارت دیگر از آب هم عبور میکند).

نفر گیاهمتر :

حاصل ضرب تعداد نفرات در تعداد کیلومتر.

نفوذ :

۱- نفوذ در میدان مین یعنی، پاک کردن میدان مین و ایجاد یک یا چند معبر یا گذرگاه در میدان مین.

۲- حرکت بداخل یا از داخل مناطق اشغالی خودی یا دشمن را نفوذ میگویند. نفوذ معمولاً با گروه های

نفوذ از راه پوست

کننده در زمان شروع تک از آنها عبور میکند .

نقاله :

وسیله‌ای است طلقی بشکل نیم‌دایره یا دایره کامل با زمینه بندی درجه ، گراد یا میلیم که برای اندازه‌گیری زوایا بکار می‌رود (مورد استفاده آن بیشتر در ناوبری و نقشه‌خوانی برای تعیین سمت مطلوب و یا در تیراندازی توپخانه در مرکز هدایت آتش است) .

نقش توپخانه در درگیریهای هسته‌ای :

وظیفه اصلی توپخانه در جنگ هسته‌ای بدست آوردن هرچه سریعتر برتری آتش نسبت به توپخانه هسته‌ای دشمن در منطقه تحت نفوذ فرمانده یگان پشتیبانی شونده است .

نقشه :

تصویر افقی قسمتی از عوارض سطح زمین بر روی یک صفحه کاغذ بترتیبی که اندازه‌های تصویری به نسبت معینی کوچکتر رسم شده باشند .

نقشه برداری توپخانه :

تعیین موقعیت نقاط در یک

کوچک یا بصورت انفرادی با فواصل زیاد و نامنظم اجراء میشود .

۳- رخنه کردن - فرورفتن - پیشروی کردن .

نفوذ از راه پوست :

نفوذ مواد و عوامل ش . م . ر . از راه پوست به بدن انسان .

نفوذ تاکتیکی :

عبارتست از تمرکز دادن نیروی قابل ملاحظه‌ای در زمان و مکان معین با نفوذ از وسط مواضع دشمن بمنظور بکار بردن نیروی قوی در پشت جبهه دشمن .

نقاط اتکاء :

نقاط اتکاء عوارض و ارتفاعات سرکوب و مسلطی در منطقه پدافندی هستند که میتوان از ارزش تاکتیکی آن عوارض بنفع انجام مأموریت پدافندی بهره برداری کرد .

نقاط عزیمت :

نقاطی که در عملیات شبانه بکار برده میشوند این نقاط در روی خط عزیمت (خط تماس) قرار دارند ویگان تک -

نقشه وضعیت :

نقشه‌ایکه وضعیت تاکتیکی یا اداری يك يگان در زمان معینی روی آن رسم شده باشد .

نقص عضو :

منظور از نقص عضو آنست که عضوی از اعضاء کارمندی ناقص شده ولی قابلیت کلی کار از او سلب نشده باشد .

نقطه آماد : (نقطه تدارکات)

يك اصطلاح کلی است برای هر نقطه‌ای که آماده‌ها در آنجا دریافت و موقتاً انبار و توزیع میشوند .

نقطه آماد آب :

محلّی است مشخص در قسمت عقب منطقه عملیات که آب در آن نقطه بین یگانها توزیع میگردد .

نقطه بازرسی :

نقطه مشخصی در روی زمین میباشد که یگانها در عملیات از آن برای کنترل حرکات ، ارسال گزارش و دریافت دستورات بعنوان نقطه کمکی برای تعیین موقعیت و تنظیم آتش ، مورد استفاده قرار میدهند .

شبکه‌بندی عمومی جهت توجیه دستگاهها ، روانه کردن آتشبارها و تهیه طرحهای تیر .

نقشه عکسی :

عبارتست از يك عکس هوایی یا موزائیک که روی آن خطوط شبکه ، اطلاعات حاشیه‌ای و نقاط عکسبرداری اضافه شده باشد و دربررسی‌های اطلاعاتی و عملیاتی مورد استفاده قرار میگیرد .

نقشه مقیاس بزرگ :

نقشه‌ای است بامقیاس $\frac{1}{75000}$ و بزرگتر از آن (به اینگونه نقشه‌جات نقشه‌های تاکتیکی نیز گویند) .

نقشه مقیاس کوچک :

نقشه‌ای است بامقیاس $\frac{1}{60000}$ و کوچکتر از آن (باینگونه نقشه‌جات ، نقشه‌های استراتژیکی نیز گویند) .

نقشه مقیاس متوسط :

نقشه‌ای است که مقیاس آن بین $\frac{1}{75000}$ و $\frac{1}{60000}$ باشد (باینگونه نقشه‌جات نقشه‌های تاکتیکی - استراتژیکی نیز گویند) .

نقطه برداشت

نقطه تماس :

نقطه‌ای مشخص در روی زمین است که در عملیات زمینی فرماندهان یا نمایندگان دو یا چند یگان عملاً در آن نقطه با یکدیگر تماس میگیرند .

نقطه حساس :

هر نقطه‌ای در امتداد جاده که ممکن است در آنجا دگرگونی در وضع حرکت ایجاد نماید.

نقطه رهائی :

نقطه‌ای در روی زمین است که عناصر يك یگان از آنجا از کنترل رده بالاتر خارج شده و در اختیار فرمانده مربوطه قرار میگیرند .

نقطه سوار شدن :

محللی است که افراد يك یگان برای تغییر مکان سوار بر کامیونها میشوند .

نقطه شروع :

۱- نقطه‌ای که بوسیله چشم یا رادار کاملاً مشخص بوده و از آنجا بمب به هدف رها میشود .

۲- يك نقطه نزدیک منطقه فرود که سریال ها آخرین تصحیحات رادرجریان عبور

نقطه برداشت :

نقطه‌ای در مسیر دید يك رادار محاسبات آن از طریق محاسبه یا دیدبانی رادار بدست آمده باشد .

نقطه برگشت :

نقطه‌ایست که باسانی روی زمین قابل تشخیص بوده و برای توجیه مورد استفاده قرار میگیرد .

نقطه پیاده شدن :

محللی است که خودروها برای پیاده کردن بار یا وسائل میایستند .

نقطه تعویض تخت روان :

جائی است که يك دسته تخت روان بر ، آسیب دیده را به دسته دیگری تحویل داده و برای حمل آسیب‌دیده بعدی بجای خود برمیگردند. از این نقطه میتوان آسیب‌دیده را با وسیله بهتری حمل نمود .

نقطه تقسیم آماد طبقه ۳ لشکر :

نقطه‌ای است که در منطقه عقب‌لشگریانه تیپها تأسیس و در آنجا گالنه‌های خالی با گالنه‌های پر مواد سوخت موتور تعویض میشوند .

نقطه مبدا

کنترل نقشه برداری بکار
میرود .

نقطه مرگ بالا :

آخرین حد بالا رفتن بیستون
در داخل سیلندر خودرو را
نقطه مرگ بالا نامند .

نقطه نشانی :

نقطه ایست کاملاً مشخص که
برای روانه کردن توبها در
درسمت بکارمیرود، بطورکلی
نقطه نشانی بردونوع است :
نقطه نشانی دور - نقطه نشانی
نزدیک .

نقطه وعده گاه :

نقطه ایست که یگانها در آنجا
برای يك مأموریت ویژه (گشتی،
نفوذ، دستبرد) جمع شده و از
این نقطه مأموریت خود را
بصورت هم آهنگ انجام
میدهند .

نقطه هم آهنگی :

نقطه ایست مشخص در روی
زمین و نقشه که مخصوصاً در
عملیات پدافندی و حرکات به
عقب مورد استفاده یگانها
قرارمیگیرد. این نقطه بین
یگانهای مجاور و یابین آرایشات
مجاور تعیین میگردد و منظور

از بالای مناطق فرود بعمل
میآورند و نیز نقطه کنترلی
در نزدیکی منطقه فرود که
پروازهای انفرادی هر
هلیکوپتر بسوی نقاط فرود
هدایت میشود (هوابرد) .
۳- نقطه ای که راه پیمائی از
آنجا شروع میشود .

نقطه مبدا :

۱- هر نقطه مشخصی که يك
ستون یا عنصری پس
از رسیدن اجزایش در آنجا
زیر کنترل فرمانده حرکات
قرار میگیرد .

۲- اولین نقطه ای که در آنجا يك
هدف متحرک در پلاتینگ
برد صفحه و جدول برد
قرار داده میشود .

نقطه کنترل :

نقطه ایست مشخص در طول
مسیر حرکت که در آن محل،
دستورات و اطلاعات لازم به-
منظور تسهیل و تنظیم تدارکات
یا عبور و مرور داده میشود و
یا گزارشات گرفته میشود .

نقطه کنترل نقشه برداری :

ایستگاه نقشه برداری است
که بمنظور هم آهنگ کردن

نگارشهای نظامی

جنگ افزار - وسایل و وسایط
را کار رده ۵ گویند .

نگهداری پیشگیری :

يك روش مداوم یا متناوب
بازبینی و سرویس وسائل
بمنظور جلوگیری از معایب یا
بمنظور پی بردن بمعایب و
نواقص جدید پیش از اینکه
سبب ایجاد خسارت مالی و
اتلاف وقت زیادتری بشود.

نگهداری سازمانی :

اعمالی که توسط یگان استفاده
کننده بر روی خودرو انجام
میگیرد و شامل رده های ۱ و ۲
میباشد .

نگهداری صحت رانی :

یکی از طبقات نگهداری است
که بمنظور پشتیبانی مستقیم
پیش بینی شده است و شامل
رده های ۳ و ۴ میباشد .

نگهداری نوسازی :

رجوع شود به نگهداری
آمادگاہی .

نماینده میجاز :

فردی نظامی است که از طرف
يك یگان و یا مقامات مسئول
جهت دریافت آمادها از
سرویسهای فنی دیگر انتخاب
میشود .

از آن کنترل و هم آهنگی بین
یگانها میباشد .

نگارشهای نظامی :

نگارشهایی هستند که بارعایت
مقررات نگارشهای نظامی بین
سازمانهای نظامی در جریان
میباشند .

نگهبان :

پاسبان ، مراقب ، نگهدارنده ،
نگهبان هم میگویند .

نگهبانی :

نگهداری ، پاسداری ، پاسبانی
از يك محل ، يك چیز و یا يك
شخص (در گذشته واژه کشیک
بکار برده میشد) .

نگهبان صحت رانی :

سربازی مسلح که بمنظور
پائیدن يك منطقه و جلوگیری
از غافلگیر شدن ، بمأموریت
نگهبانی گمارده میشود .

نگهداری :

هرگونه عملی که بمنظور قابل
استفاده نگهداشتن و یا تعمیر
وسائل انجام میگیرد .

نگهداری آمادگاہی :

انجام کارهای نوسازی و یا رده
۵ را نگهداری آمادگاہی گویند .
(اصولا کارهای نوسازی -

نمودار

نمودار :

خطوطی که از کم و زیاد شدن و بالا و پائین رفتن کمیت (تعداد و مقدار) چیزی را تعیین میکند و عبارت دیگر گرافیک یا جدولی که میزان پیشرفت کار یا فعالیتی را نشان میدهد .

نمودار راه پیمائی : (گرافیک راه پیمائی)

نموداری است که بر اساس زمان و مسافت تهیه شده و برای تسهیل طرح و نظارت حرکت و همچنین کنترل و تهیه جداول مورد استفاده قرار میگیرد .

نمودار یا نمای انتشار آنتن :

شکلی که معرف شدت انتشار امواج ارسالی آنتن در هر سو از فضا باشد .

نمونه :

مانند - مقدار کمی از مقدار کلی چیزی که ارائه شود .

نمونه های نگهداری :

نمونه هایی هستند که برای یکنواخت کردن سیستم نگهداری در ارتش مورد استفاده قرار میگیرند .

نواخت تیر :

تعداد تیرهایی که در یک دقیقه تیراندازی میشود .

نوار فشنگ :

در تیربارها معمولا از نوار فشنگ فلزی و یا برزنتی استفاده میشود . نوار فشنگ محل استقرار و نگهداری تعداد زیادی فشنگ است تا در هنگام تیراندازی تیربار با نواخت کند یا تند بطور منظم فشنگها وارد جان لوله شوند .

نور افکن :

وسیله ای است برای برقراری تأمین در شب (بطور ثابت و یا متحرک) که با آن میتوان مناطق تاریک را روشن کرد و یاروشن نگهداشت .

نور روشن :

روشن کردن منطقه هدف با نور افکن .

نور زیر قرمز :

اشعه ایست نامرئی با طول موج کوتاهتر از نور قرمز که برای هدف یابی در شب بکار میرود .

نوسازی :

حاضر بکار کردن وسایل تعمیری بطوریکه مشابه وضع اولیه بشود .

نوع جاده

نوع جاده :

بامشخص کردن میزان مداومت و پذیرش عبور و مرور در جاده نوع آن تعیین می شود مثلا يك جاده خوب جاده ایست که در همه فصول و همه نوع آب و هوا قابل عبور و مرور باشد.

نوشت افزار :

وسایل نوشتن شامل کاغذ - قلم - مرکب - مداد - دفتر و مانند آن .

نویسنده پست ارتش :

درجه داری که برای انجام امور مالی پستی و بعضی وظایف پستی در يك سازمان پستی ویژه تعیین شده باشد .

نهر :

جوی - جای آب روان که از رودخانه کوچکتر باشد .

نهبستی : (غایب)

حاضر نشدن پرسنل در موقع خدمت و یا هنگام احضار در یگانهای مربوطه بدون داشتن عذر موجه را نهبستی گویند .

نیازمندی آمادی :

یعنی تعیین مقدار دقیق آماد و تجهیزات مورد نیاز برای دوره و یا در يك تاریخ معین .

نیازمندیهای ذخیره ای :

مقدار اقلامی هستند که بیش از احتیاجات فوری بوده و برای تقاضاهای احتمالی نگهداری میشوند مانند ذخیره جنگی و یا اقلامی که برای تجویز یگانهای تازه تشکیل یافته نگهداری میشوند .

نیازمندیهای مصرف و جانشین :

اصطلاحی است که برای حفظ و رساندن تجهیزات اولیه به - مقدار مجاز و یا تجدیدآمادهای مصرف شده، مستهلک شده، گم شده و یا از بین رفته بکار میرود .

نیرنگ :

عملی است که برای فریب دادن دشمن بکار میرود مانند فرود آوردن چتربازان مصنوعی در منطقه ای از دشمن - عمل گول زدن .

نیرنگ و فرار :

عملیاتی است که پرسنل خودی و سایر افراد برگزیده را قادر میسازد تا از منطقه زیر نفوذ یا اشغالی دشمن خارج شده و بمناطق تحت کنترل خودی بروند .

نیرو

نیرو :

۱- عاملی است که جسم در حال حرکت را ساکن و جسم ساکن را ب حرکت درمی آورد و آنرا بوسیله بردار نمایش میدهند .

۲- تعدادی از عده ها، کشتی ها، هواپیماها و یا ترکیبی از آنها .

نیروی پایداری :

نیروئی است شبه نظامی و متشکل از مردم بومی و محلی هر منطقه که بمنظور پدافند (دفاع) از خانه و دهکده در سطح کشور (از روستاها تا شهرها) سازمان یافته است (این سازمان در تابعیت ژاندارمری کشور شاهنشاهی قرار دارد) .

نیروی دریائی :

قسمتی از نیروهای مسلح يك کشور که شامل کشتی های جنگی ، زیر دریائی و ناو هواپیما بر با پرسنل مربوطه باشد .

نیروی زمینی :

قسمتی از نیروهای مسلح يك کشور که شامل سپاه ها- لشکر

و تیپ های گوناگون بوده و عملیات زمینی را انجام میدهند

نیروهای سه گانه :

شامل نیروهای زمینی، هوائی و دریائی شاهنشاهی میباشد. که جزء سازمان نیروهای مسلح شاهنشاهی بشمار میروند .

نیروی ملل متحد :

(نیروهای صلح سازمان ملل متحد) شامل نیروئی که کشورهای متحد در اختیار سازمان ملل متحد برای اجرای عملیات ویژه ، تأمین مناطق، رعایت مقررات آتش بس، برقراری صلح و یا احتمالاً سرکوبی متجاوز قرار میدهند .

نیروی هوائی :

قسمتی از نیروهای مسلح يك کشور که شامل هواپیماهای جنگنده ، شکاری ، بمباران حمل و نقل، شناسائی، بعضی از انواع هلی کوپترها و موشکها و پرسنل مربوطه باشند.

نیروهای تقویتی :

واژه ای است مورد استفاده در فعالیت های اطلاعاتی و عبارتند از یگانهای دشمن که با نیروی خودی و همچنین خارج از منطقه خودی درگیر نبوده و میتوان

نیروهای جنگهای نامنظم

آموزش و مأموریت به آنها شباهت داشته باشند و یا در سطح پائین تری از آنها باشند.

نیروهای محافظ یا حامیان :

افرادی هستند از کشورهای بیطرف که برای میانجیگری و رسیدگی باختلاف بین اسیران و دشمن از طرف سازمان ملل متحد تعیین میشوند .

نیروهای مسلح شاهنشاهی :

عبارتند از مجموعه نیروی زمینی ، هوایی ، دریائی ، شهربانی و ژاندارمری کشور شاهنشاهی ایران .

نیروهای نامنظم :

این نیروها دارای قدرت اجرایی جنگهای نامنظم بوده و از نیروهای ویژه نیروی زمینی ، دریائی ، هوایی و تفنگداران دریائی تشکیل میشوند .

نیروی احتیاط :

رجوع شود به احتیاط .

نیروی پدافند منطقه جلو :

نیروئی گسترش یافته در منطقه پدافند جلو است که بمنظور متوقف کردن، جلوگیری کردن از ورود ، مقاومت کردن

انتظار داشت که این یگانها در زمان و مکان معین در انجام مأموریت نیروی خودی تأثیر داشته باشند .

نیروهای جنگهای نامنظم :

نیروهائی که توانائی انجام جنگهای نامنظم را داشته و مرکب از نیروهای ویژه نیروی زمینی و یگانهای مشابهی از نیروی هوایی، دریائی و تفنگداران دریائی که برای انجام اینگونه عملیات برگزیده شده اند ، میباشد .

نیروهای درگیر :

واژه ایست مورد استفاده در فعالیتهای اطلاعاتی و به نیروهائی از یگانهای دشمن گفته میشود که در مقابل نیروهای خودی گسترش دارند و انتظار نمیرود که مناطق اشغالی آنها برای مقابله با راه کاریکه توسط فرمانده نیروی خودی انتخاب میشود تغییر کند .

نیروهای شبه نظامی :

نیروها یا گروههائی که از نیروهای منظم هر کشور متمایز بوده ولی از لحاظ سازمان ، ساز و برگ ،

نیروی پوشش

در برابر دشمن و بیرون راندن او بکار میرود .

نیروی پوشش :

اساساً يك نیروی تأمینی است که در يك جبهه بسیار وسیع در جلو ، پهلو یا عقب نیروئی که تأمین آن مورد نظر است عمل میکند .

نیروی پیاده شونده :

نیروی رزمی سازمان یافته ایست که بمنظور اجرای عملیات تازشی آبخاکی تعیین شده است .

نیروی پیشرو :

يك سازمان موقتی است که بوسیله عناصر تابعه گروه رزمی مشترك آبخاکی سازمان داده شده و قبل از عمده قوا بمنطقه هدف وارد میشود .

نیروی تأمینی :

این نیرو بمنظور اعلام خطر نزدیک شدن دشمن ، فریب دادن ، بتأخیر انداختن و برهم زدن سازمان و از بین بردن عناصر او در حدود مقدرات خود در جلوی منطقه پدافندی مقدم بکار میرود .

نیروی تثبیت کننده :

نیروئی است که در پدافند متحرك با اجرای عملیات پدافندی و تأخیری و تك بهدفعهای محدود برای متوقف کردن ، بتأخیر انداختن ، کند کردن حرکت دشمن ، برهم زدن سازمان ، کانالیزه کردن و مجبور کردن او به جمع شدن جهت ایجاد يك هدف مناسب برای پاتك ، بکار میرود .

نیروی ضربتی (Strac Force) :

نیروئی است با توانائی تحرك فوق العاده از نظر وسائل ترابری هوائی و با برخورداری از قدرت جسمانی عالی و آموزش های ویژه از نظر پرسنل ، و دارا بودن ساز و برگ و تجهیزات مدرن ، کافی و قدرت آتش ویژه برای درگیری و مقابله با هر تهدید نظامی که جنبه حیاتی و فوری داشته باشد .

نیروی نامنظم :

افراد یا دستجات مسلحی هستند که عضو نیروهای منظم پلیس و دیگر نیروهای منظم نبوده ولی ممکن است شامل سازمان جوانان یا

نیروی مانور کننده

نیروهای ویژه هوابرد :

عده‌هایی هستند چتر باز ، با سطح آموزش عالی و آشنا با زندگی در شرایط سخت که کلیه عملیات نامنظم رادریشت خطوط دشمن هدایت ورهبری میکنند .

نیروی هوابرد :

یگانی است رزمی که بوسیله هواپیما تغییر مکان یافته و اساساً بوسیله چتر در منطقه مورد نظر فرود آمده و از آنجا مانند یگانهای پیاده بسمت هدف تازش مینماید .

نیروی یگانه :

نیروئی که عناصر متشکله آن فقط از یگانهای یکی از نیروهای سه‌گانه تشکیل شده باشد .

نیورخ :

تصویر قائم عوارض زمین به نسبت کوچکتر روی يك صفحه کاغذ .

نیروز :

ظهر - ساعت دوازده روز - هنگام گذشتن خورشید از خط نیروز (یا نصف‌النهار هر نقطه) بسوی باختر .

نیوترونها :

ذراتی هستند که طی انفجار جنگ‌افزار هسته‌ای بوجود می‌آیند ، این ذرات از نظر الکتریکی خنثی بوده و قسمت مهمی از تشعشعات اولیه هسته‌ای را تشکیل میدهند .

سازمانهای سیاسی کمکی و یا اعضاء نیمه وقت نیروی پایداری باشند .

نیروی مانور کننده :

به عنصری از يك یگان رزمی میگویند که بسوی يك هدف با ارزش و مؤثر در منطقه دشمن با آتش و حرکت پیش میرود

نیروی متجاوز :

۱- نیروی کشوری که بمنظور اجرای عملیات نظامی خصمانه ، وارد سرزمین کشور دیگری شده باشد .
۲- نیروی فرضی که در عملیات و مانور های آموزشی نظامی نقش متجاوز را ایفاء مینماید .

نیروی محرکه :

(در راه آهن)
بانواع لکوموتیوهای باری و مانوری اطلاق میگردد .

نیروی مرکب :

نیروی نظامی متشکل از عناصر دو یا چند ملت که با هم اتحاد و پیمان نظامی داشته باشند . (مانند نیروهای سازمان پیمان مرکزی یا سنتو) .

نیروی مشترک :

به نیروئی اطلاق میشود که از عناصر عمده دو نیرو یا بیشتر از نیروهای زمینی ، هوائی و دریائی تشکیل شده باشد و تحت فرماندهی کامل یا عملیاتی يك فرمانده قرار گیرد .

فرهنگ واژه‌های نظامی

و

در آن کشور خدمت مینماید و نقش اصلی او بیشتر حفظ رابطه با نیروی دریائی کشور مقیم و انجام امور مربوط بآن نیرو می‌باشد.

وابسته زمینی :

افسری است منتخب، از نیروی زمینی، که به يك کشور بیگانه و دوست اعزام میگردد و جزء اعضاء رسمی سفارت کشور خویش در آن کشور خدمت مینماید و نقش اصلی او بیشتر حفظ رابطه با نیروی زمینی کشور مقیم و انجام امور مربوط بآن نیرو می‌باشد.

وابسته نظامی :

افسری است منتخب، که به نمایندگی از سوی کشور متبوعه، به يك کشور بیگانه و دوست اعزام میگردد و جزء اعضاء رسمی سفارت کشور

و :

حرف سی‌ام از الفبای فارسی است، و او بصورت حرف عطف و ربط بکار میرود مانند سفید و سیاه - سرد و گرم - بزرگ و کوچک - کتاب و دفتر .

وابسته :

بسته شده ، پیوسته، مربوط، منسوب، آنچه که مربوط و متعلق به چیز دیگر باشد، کسی که با شخص و یا سازمان دیگر بستگی و ارتباط دارد (جمع) آن وابستگان .

وابستگی :

علاقه، ارتباط ، پیوستگی - پیوند .

وابسته دریائی :

افسری است منتخب، از نیروی دریائی، که به يك کشور بیگانه و دوست اعزام میگردد و جزء اعضاء رسمی سفارت کشور خویش

وابسته هوائی

واژه :

لغت - کلمه - لفظ .

واژگون :

برگشته - سرنگون - وارونه .

واشر :

صفحه‌ای است که بین دو جسم سخت برای استحکام بیشتر بکار میرود .

واکسیل : (۲)

یک‌رشته قیطان بافته شده می‌باشد، که به‌ریک از دو سر این رشته، قطعه‌ای فلزی از نوع برنج و برنگ زرد یا برنز دوخته‌شده و روی دوش راست لباس نظامی می‌بندند، واکسیل اگر روی شانه راست بسته شده باشد. علامت آجودانی فرماندهان و مقامات عالیه نظامی می‌باشد و اگر روی شانه چپ باشد علامت همیزه یگان می‌باشد مانند واکسیل گارد شاهنشاهی و یا دانشکده افسری .

واکش :

عکس‌العمل - اثر برابر .

خویش ، در آنکشور خدمت مینماید .

وابسته هوائی :

افسری است منتخب، از نیروی هوائی، که به یک کشور بیگانه و دوست اعزام میگردد و جزء اعضای رسمی کشور خویش در آن کشور خدمت مینماید و نقش اصلی او بیشتر حفظ رابطه با نیروی هوائی کشور مقیم و انجام امور مربوط به آن نیرو می‌باشد .

وات : Vat (۱)

واحد توان الکتریکی (حاصل - ضرب ولت در آمپر)، ۷۳۶ وات برابر است با یک اسب بخار .

واحد :

یگانه ، بی‌همتا، یگان (بمعنی واژه یگان مراجعه شود) .

واریز حساب :

برگشت کلیه اسناد هزینه شده توسط افسران پرداخت و یا عامل، به اداراتی‌های مربوطه را واریز حساب یا تسویه حساب گویند .

(۱) واژه انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

(۲) ریشه این واژه رومی است

والا :

بالا - بلند پایه - بلند مرتبه
بزرگ جاه .

والاحضرت :

عنوان خاندان پادشاهی -
فرزند، برادر و خواهر پادشاه .

والاحضرت همایون ولایتعهد :

عنوان رسمی ولیعهد ایران .

وانفوذ :

(بازگشت عده نفوذ کننده به
یگان متبوعه).

خارج کردن نفرات یایگانهای
را از سرزمینهای تحت کنترل
دشمن بکمک (فریب، اختفاء،
پوشش و غافلگیری) و انفوذ
نامند .

وانمود : (وانمودن)

به معنی باز نمودن، نشان دادن،
دوباره نشان دادن آمده است.

وحدت :

یگانگی - یکی بودن بی همتا -
تنهایی (برابرو ضد کثرت).

وحدت فرماندهی :

یکی از اصول جنگ بوده ، و
به معنی یکی بودن و یگانگی
فرماندهی است و عبارت دیگر
یعنی یگانگی در امر فرماندهی،
درجهت انجام مأموریتها تا

کلیه فعالیتها توسط يك نفر
(فرمانده) هم آهنگ گردیده و
تلاشها در يك سمت و بمنظور
رسیدن به هدف متمرکز گردند.

وزارت جنگ :

وزارتخانه ای که عهده دار امور
مربوط به نیروهای مسلح
شاهنشاهی از قبیل قوانین و
بودجه می باشد .

وزن اولیه هواپیما :

وزن هواپیما پس از خروج از
کارخانه بدون احتساب وزن
خدمه و بنزین و بار.

وزن خالص خودرو :

وزن خودرو بدون وزن نفر ،
بارمبنا ، تجهیزات و سوخت.

وزن خودرو :

وزن کلیه وسائل مربوطه
بانضمام بنزین و آب بدون
وزن راننده و مسافر و بار.

وزن کلی خودرو :

وزن خودرو با اضافه وزن
راننده ، مسافر و بار .

وزن کلی خودرو مرکب :

وزن کل خودرو با اضافه وزن
یدک و سوخت (باک پر) و بار
مجازی که خودرو و یدک کش

وزیر فنر

وسائل دید شیرو مستقیم :

دستگاههایی که به کمک آنها بدون دیدن هدف و یادراختیار داشتن عناصر سمت و برد میتوان تیراندازی کرد .

وسائل دید مستقیم :

دستگاههایی که مستقیماً جنکافزار را روی هدف روانه میکنند .

وسائل رمز :

دستگاههایی که متن کشف پیام و یا نامه را به رمز و بالعکس تبدیل میکنند. اصطلاح وسایل رمز معمولاً برای دستگاههای دستی و اصطلاح ماشین رمز برای دستگاههایی است که احتیاج به منبع تغذیه الکتریکی خارجی دارند ، بکار میرود .

وسائل فریبنده :

تقلید از اشیاء حقیقی برای فریب دشمن ، مانند تانک، توپ و هواپیماهای فریبنده .

وسائل کمک آموزشی :

کلیه وسائل فیزیکی که در امر پیشرفت بیان آموزش و تکمیل وسائل سمعی میتوانند مؤثر باشند جزو وسائل کمک آموزشی به حساب می آیند .

مربوط به آن میتواند حمل نماید .

وزیر فنر :

دومین لایه یکدست فنر که بلافاصله بعد از شاه فنر قرار گرفته و آنرا کمک میکند .

وسائل ارتباطی :

عوامل یا وسائلی هستند که در برقراری ارتباط مورد استفاده قرار میگیرند .

وسائل تأمین ارتباط :

کلیه وسائل رمزی شامل اسناد ابزار، تجهیزات یادستگاههایی که مربوط به تأمین ارتباطات میشوند .

وسائل دید شبانه :

کلیه وسائلی که دید در شب را برای کلیه خدمه جنکافزارها، تانکها ، خودروها تا حد لازم تسهیل و نیز میتواند از مسافتات لازم حرکت وعدههای گشتی دشمن را زیر نظر و کنترل پستهای استراق سمع در شب قرار دهد (معمولاً اینگونه دستگاهها از خاصیت اشعه مادون قرمز برای دیدن در شب بهره میگیرند.)

وسائل کمکی تأمین ارتباط

وسائل کمکی تأمین ارتباط :

ملزوماتی است که بمنظور کمک به حصول تأمین بیشتر مورد استفاده قرار میگیرند این ملزومات غیر از تجهیزات و وسائلی است که ذاتاً برای ارتباط بکار میروند .

وسائل کمکی وسائل رمز :

۱- ابزارهایی که بویژه برای تسهیل و قابل اعتماد بودن عملیات مؤثر وسائل رمز در نظر گرفته شده اند ولی این ابزارها به تنهایی کار هیچیک از وسائل رمز را انجام نمیدهند .

۲- ابزاری که مخصوص تبدیل اخبار بصورت مناسب برای جریان انداختن وسائل رمز در نظر گرفته شده اند .

وسائل مازاد :

اقلامی هستند که خارج از رده مصرف میباشند و یا تعمیر آنها مقرون بصرفه نیست .

وسائل ناقله روی خط :

(راه آهن) به وسائلی اطلاق می شود که روی چرخ قرار دارند (بجز لوکوموتیوها) مانند واگنها.

وسیلۀ صوتی :

عبارتست از وسیله ای است که بوسیله صدا یا صوت آن

ارتباط برقرار میشود، مانند سوت، شیپور، بلندگو و غیره.

وضعیت :

۱- موقعیت - حالت - جریان امور .

۲- عنوان ماده یکم از پنج ماده دستورها و طرح های عملیاتی است که در این ماده وضعیتی عمومی (نیروهای خودی و دشمن در بندهای مربوطه نوشته می شود) .

۳- برای تهیه طرح های عملیات ویژه و تمرینات لازم ، در مراکز فرهنگی و آموزش ، روابط بین کشورها را بر مبنای چهار وضعیت زیر ، فرض مینمایند و اصطلاح این چهار وضعیت در غالب کشورهای جهان ، پذیرفته شده است .

وضعیت سفید ، وضعیت آبی ، وضعیت زرد و وضعیت قرمز .

وضعیت سفید :

حالتی است که روابط بین دو کشور از هر جهت (سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، روانی ، فرهنگی ، نظامی ، و مانند آن) خوب بوده و هیچگونه اختلال در روابط بین دو کشور وجود ندارد .

وضعیت آبی

وطن پرست : (میهن پرست)

کسیکه وطن خود را طوری دوست دارد که مانند مقدسات، آنرا بپرستد .

وظیفه :

- ۱- بفردی گفته میشود که خدمت سربازی دوساله خود را در نیروهای مسلح شاهنشاهی انجام میدهد .
- ۲- کاری که بهر نفر انجام آن واگذار می شود (جمع آن وظائف) .

وظیفه عمومی :

نام اداره ای است که بامور مشمولین خدمت نظام وظیفه عمومی رسیدگی میکند و در تابعیت ژاندارمری کشور شاهنشاهی قرار دارد .

وکیل مدافع :

شخصی است مطلع و آگاه به قوانین مصوبه دادرسی که با مطالعه دقیق سوابق امر و بهره برداری از کلیه امکانات قانونی و سایر دلایل به نفع متهم در محضر رئیس ، اعضاء دادگاه و دادستان از شخص متهم دفاع مینماید .

وضعیت آبی :

حالتی است که روابط دوستی بین دو کشور بسردی گرائیده و علیه یکدیگر دست به تحریکاتی (غیر آشکار) میزنند .

وضعیت زرد :

حالتی است که روابط بین دو کشور تیره شده و هر دو علیه یکدیگر به تبلیغات و تحریکات آشکار و شدید دست میزنند . ولی بقطع روابط سیاسی نمیرسد .

وضعیت قرمز :

حالتی است که روابط بین دو کشور کاملاً تیره و بحرانی شده و نیروهای هر دو کشور بحال آماده باش درآمده و انتظار هر گونه تهدید و تجاوز مرزی وجود دارد. در این وضعیت سفراء احضار ولی دفتر نمایندگی سیاسی و دیگر نمایندگی های غیر سیاسی (اقتصادی، فرهنگی، مطبوعاتی و مانند آن) هنوز در دو کشور دائر میباشند و چنانچه بر شدت آن افزوده شود ، حالت جنگ پیش می آید .

وطن :

میهن - زادگاه - مرز و بوم .

ولت

ولت : Volt (۱)

واحد اختلاف سطح الکتریکی است .

ولت‌متر : Voltmeter (۲)

دستگاهی است که بوسیله آن میتوان اختلاف فشار الکتریکی (ولتاژ) را اندازه گرفت .

ولیمپد :

جانشین پادشاه - شاه‌آینده .

ویبراتور : Vibrator (۳)

وسیله‌ای است که میتواند به کمک ترانسفورماتور ولتاژ مستقیم کم را به ولتاژ متناوب یا مستقیم زیاد مورد نیاز (ویبراتور های معمولی یا سنکرون) تبدیل کند .

وینچ : Vinch (۴)

دستگاهی است که از جعبه

دنده خودرو نیرو گرفته و برای کشیدن خودروی دیگر یا کمک به خود خودرو و با استفاده اصول قرقره‌ها و کابل بکار می‌رود .

ویتامین : Vitamine (۵)

ماده‌ای که در اغلب خوراکی‌ها و میوه‌ها وجود دارد و برای تقویت اعضاء بدن و تأمین تعادل اعمال حیاتی بسیار ضروری و مؤثر است .

ویزا Visa (۶)

صدور اجازه ورود یا عبور به دارنده گذرنامه معتبر بکشور مورد تقاضا که این اجازه ممکن است طولانی و یا کوتاه مدت باشد .

فرهنگ واژه‌های نظامی



ه :

حرف سی و یکم از الفبای فارسی است. این حرف معمولاً در اول کلمه بصورت دو چشم نوشته میشود و آنرا (ه) دو چشم گویند و در آخر کلمه جدا و بصورت دایره نویسند و آنرا (ه) گرد گویند .

هادی :

۱- جسمی است که جریان الکتریسته به آسانی از آن میتواند عبور کند و بعبارت دیگر در برابر عبور جریان الکتریسته مقاومت بسیار کمی از خود نشان دهد .
۲- هدایت کننده - رهنا

هاورکرافت: Hower Craft (۱)

یک وسیله سبک و سریع ترابری آبی است که میتواند در دریا و زمین‌های هموار

ساحلی حرکت نماید (بدین - ترتیب که هنگام حرکت با استفاده از خاصیت نیروی عکس‌العمل سطح تحتانی آن با سطح آب تماس می‌شود و بهمین علت قادر است در حالت تماس با سطح آب به سرعت حرکت و مانور نماید ، بدیهی است موجهای شدید آب دریا تأثیر چندانی در حرکت این وسیله ندارد علاوه بر این هاورکرافت میتواند در زمین-های هموار ساحلی با برخورداری از همین خاصیت و همین حالت در سطح زمین بهر سمت و هر منطقه حرکت نموده و مانور نماید .

هجوم :

۱- مرحله نهائی يك تك که همراه با رزم نزدیک صورت میگیرد .

(۱) واژه انگلیسی متداول در ارتش شاهنشاهی و زبان فارسی

هدف :

۱- آنچه که تصرف یا در دست داشتن آن در طرح ریزی يك عملیات برای فرمانده نقش اساسی دارد .

۲- در عملیات هوابرد منطقه پیش بینی شده عملیات بوده و سریل هوائی را نیز در بر دارد .

۳- نشانه مشخصی مانند سیبل و یا هر وسیله دیگر برای تیراندازی با جنگ افزارهای مختلف .

هدف انبار :

حداکثر مقدار ماتریل مجازی است که برای مداومت عملیات باید در دست باشد - هدف انبار از جمع سطح عملیاتی و سطح تأمین بدست میآید .

هدف خطی :

هدفی است که دارای عرض (جبهه) زیاد و عمق کمی باشد.

هدف درخواست :

مقدار ماتریل مجازی است که باید موجود یا در شرف ورود باشد تا مداومت عملیات جاری حفظ گردد .
هدف درخواست مجموع هدف

۲- در عملیات آبخاکی مرحله عبور اولین موج تك کننده برای تصرف هدفهای اولیه را از خط عزیمت گویند .
۳- اجرای يك تك شدید و سازمان یافته علیه هدف محلی مانند تك علیه يك موضع توپخانه یا آشیانه تیربار را نیز هجوم نامند.

هدایت :

۱- راه نمائی ، ارائه طریق ، نشان دادن راه صحیح و درست .

۲- رهبری کردن - راهنمائی کردن - نشان دادن راه درست - بردن یگان به سمت هدف مورد نظر .

هدایت آتش :

فنی است که بوسیله آن آتش مؤثر و دقیق روی هدف انتخابی اجراء میگردد .

هدایت آتش تاکتیکی :

عبارتست از اعمال فرماندهی تاکتیکی به يك یا چند یگان برای تعیین موقعیت هدفها، مشخص کردن یگانهای اجراء کننده آتش و تخصیص مهمات برای انجام هر مأموریت .

هدف کش

هراس : (بکسر ه)

ترس - بیم - هول - وحشت
(داشتن).

هراسان :

درحال ترس و بیم - درحال
وحشت و ترسیدن .

هرج و مرج :

درهم و برهم ، بهم ریختگی ،
متداول در فرهنگ عامه به
معنی ناامنی .

هرم : (بکسر ه و فتح ر)

جسمی که قاعده‌اش چندضلعی
باشد و وجوه جانبی آن مثلثهائی
باشند که همه بیک رأس
مشترک (که رأس هرم نامیده
میشود) منتهی شوند - جسم
مخروطی شکل .

هرم سازمانی :

رعایت تناسب درجات در
تشکیل يك سازمان و یا يك
یگان ، (بطوریکه در رأس هرم
فرمانده یا رئیس قرار دارد و
در قاعده آن پرسنل اجرائی،
و باید از رأس تا قاعده هرم،
به نسبت متعادلی از درجات
متفاوت برای کنترل ، رهبری
و هدایت سازمان بایگان گمارده
شود) .

انبار و مقدار آمادی است که
زمان سفارش و حمل را شامل
میگردد .

هدف کش :

شامل هر وسیله نقلیه زمینی
و یا هوائی است که هدفی را
برای تیراندازی‌های آموزشی
(زمینی و یا هوائی) بدنبال
خود بکشد .

هدف منطقه‌ای :

شامل يك محل عمومی یا
منطقه‌ای است که روی آن آتش
اجراء میشود مانند موضع
پدافندی و منطقه تجمع .

هدف نقطه‌ای :

هدفی است که منطقه نسبتاً
کوچکی را در برداشته و یا
برای انهدام آن يك آتش
مستقیم در رزم کافی باشد .

هدفهای ستونی :

هدفهائی که دارای عمق بیشتر
و عرض کمتر باشند .

هدفهای ناگهانی :

هدفهائی هستند که پس از
شروع عملیات برای اولین بار
دیده می‌شوند .

هزینه :

خرج - مقابل دخل .

هسته مرکزی :

قسمت اساسی تشکیل دهنده
هر سازمان، اداره و یا یگان .

هفت تیر :

طیانچه کوچکی که درخشاب
آن تعداد هفت تیر جای میگیرد.

هلی برد :

یعنی محمول با هلی کوپتر یا با
بیان واضح تر ترابری (یا حمل)
نیروهائی با استعداد معین با
تمامی پرسنل ، تجهیزات ،
وسائل و جنگ افزار مورد نیاز
(متناسب با نوع مأموریت) از
نقطه ای به نقطه دیگر توسط
هلی کوپتر .

هلی برن : Heliborne (۱)

واژه آمریکائی است (به معنی
واژه هلی برد مراجعه شود).

هلی کوپتر : Helicopter (۲)

نوعی از وسائل ترابری هوائی
است که توسط عکس العمل
جریان هوا بوسیله ملخهای
گردان که حول یک محور قائم
میگردند ایجاد می شود ، با
این ترتیب در هوا میماند و یا

حرکت میکند (هنگام فراز و
فرود میتواند بطور قائم یا
عمودی حرکت نماید) .

هما :

۱- مرغ افسانه ای و موهوم
که میگویند سایه آن بر سر
هر کسی بیفتد به سعادت و
کامرانی خواهد رسید .

۲- این واژه نام شرکت
هوایمائی ملی ایران بوده
و هر یک از ترکیبات واژه
هما به ترتیب اولین حرف
از کلمات سه گانه (هوایمائی
ملی - ایران) میباشد .

همافر :

درجه ای است نظامی که در
روش نوین و استخدام پرسنل
کادر برای ارتش شاهنشاهی
به داوطلبین داده می شود، که
با دارا بودن تخصصهای ویژه
مایل به انجام خدمت در ارتش
شاهنشاهی می باشند .

(این درجه حد فاصل درجات
افسری و درجه داری است) .

همافر سوم :

این درجه نظامی با افراد داوطلب
خدمت در نیروهای مسلح

(۱) و (۲) واژه های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

همافر دوم

فرخنده که معمولاً به پادشاه و ولایت عهد نسبت داده می‌شود .

هم‌پیمان :

هم عهد - هم قرار - هم قول - هم سوگند - متحد .

هم‌جوار ، هم‌جوار :

همسایه - نزدیک - پهلو به پهلو (یگانهای هم‌جوار یگان‌نهایی هستند که در عملیات نظامی در کنار هم در انجام مأموریت رده بالاتر سهمی برعهده دارند، منطقه مسئولیت هر یگان با خطوط حد در پهلوها و عقب مشخص و تعیین می‌شود) .

هم‌خرج :

شریک در هزینه و مصرف ، هم‌خوراک (مانند سربازان هم‌خرج) .

هم‌دوش :

با هم - برابر - هم پایه - همدرجه - هم‌سان .

هم‌رزم : (هم‌نبرد)

به معنی هم‌جنگ یا کسی که در کنار دیگری در جنگ علیه دشمن شرکت نموده‌اند جمع هم‌رزمان .

شاهنشاهی که صلاحیت آنها مورد تأیید است پس از کسب تخصصهای لازم اعطاء میگردد. علامت مشخصه آن (یک مربع مستطیل ملیله زرد رنگ بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتیمتر) روی سردوشی‌ها نصب میشود .

همافر دوم :

این درجه نظامی یکدرجه از همافرسومی بالاتر است ، علامت مشخصه آن (دو مربع مستطیل ملیله زرد رنگ هر یک بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتیمتر) روی سردوشی‌ها نصب میشود .

همافر یکم :

این درجه نظامی یکدرجه از همافر دومی بالاتر است ، علامت مشخصه آن (سه مربع مستطیل ملیله زرد رنگ هر یک بعرض ۱/۵ و طول ۴ سانتیمتر) روی سردوشی‌ها نصب میشود .

هماهنگی :

یک نواخت - موافق - یکصدا - دریافت موافقت دیگری .

همایون :

خجسته ، فرخ ، مبارک ،

همکاری رسته‌ای

همکاری رسته‌ای :

در منطقه عملیات به منظور اجرای مأموریت (آفندی - پدافندی و سایر انواع عملیات رزمی) کلیه رسته‌های مختلف نیاز به همکاری یکدیگر و یا متقابل دارند این گونه همکاریها را همکاری رسته‌ای گویند .

هموند :

عضو و یا شرکت کننده فردی در اجرای يك كار دسته جمعی و جمع آن را هموندان (اعضاء) مینامند .

هندل :

وسیله‌ای است که برای روشن کردن موتور خودرو بکار میرود و با دست چرخانیده میشود .

هنر :

پیشه ، صنعت ، فن ، کار - نمایان و برجسته .

هنر آموز :

شاگرد هنرستان یا دبیرستان صنعتی و یا کسی که در حال فراگرفتن هنر و یا فنی است .

هنرور (۱) :

درجه‌ای است که در روش

نویسنده درجه داری به پرسنل فنی ن ز ش اعطاء میگردد این درجه بدانش آموزشی اعطاء میشود که دوره تحصیلی خود را در دبیرستان صنعتی ن.ز.ش. و یا در آموزشگاه هنروری با موفقیت طی کرده باشند . هنروران در صورت احراز موفقیت در مشاغل ارجاعی به ترتیب بدرجات مشروحه زیر ترفیع مییابند .

هنرور پایه مهارت ۱

هنرور ۳ پایه مهارت ۲ و ۳

هنرور ۲ پایه مهارت ۳ و ۴

هنرور ۱ پایه مهارت ۴ و ۵

سرهنرور ۳ پایه مهارت ۵

سرهنرور ۲ پایه مهارت ۵

سرهنرور ۱ پایه مهارت ۵ و بالاتر

توضیح :

۱- دانش آموزان آموزشگاه

گروهبانی که با گواهی نامه

پایان دوره ابتدائی استخدام

گردیده‌اند پس از طی دوره

آموزشگاه بدرجه تك وری

یا هنروری مفتخر میگرددند .

۲- دانش آموزان آموزشگاه

نوجوانان پس از طی

(۱) این درجه از درجات نویسی است که برای کادر درجه‌داری نیروی زمینی شاهنشاهی انتخاب و پیشنهاد گردیده . ولی هنوز به تصویب نهائی نرسیده است .

هنگامه برپا کردن :

شورش کردن - آشوب و غوغا کردن .

هوابرد :

به پرسنل، وسائل، تجهیزات و ساز و برگ گشته میشود که از راه هوا حمل و در منطقه مورد نظر برای انجام مأموریت های تاکتیکی و یا استراتژیکی پرتاب شوند .

هواپیما :

طیاره - یکی از وسائل ترابری که در آسمان (هوا) پرواز درمی آید .

هواپیمائی :

آنچه منسوب به هواپیما باشد - فن حرکت دادن، هدایت کردن و راندن هواپیما در آسمان .

هواپیمای بال ثابت :

واژه ای است که برای وسائط نقلیه هوائی بکار میرود و شامل کلیه انواع هواپیماها میگردد (هلی کوپترها مستثنی میباشند) .

هواپیمای بال متحرک :

واژه ایست که برای وسائط نقلیه هوائی بکار میرود و شامل کلیه انواع هلی کوپتر میگردد (هواپیماها مستثنی میباشند)

دوره آموزشگاه جهت دوره تخصصی به مراکز فرهنگی ن ز ش اعزام و پس از موفقیت در آزمایشات مربوطه و انجام کارآموزی در یگان جمعا بمدت شش ماه به درجه تکاور سومی مفتخر میگرددند .

۳- استفاده از دارندگان گواهی نامه دوره ابتدائی درآینده بصورت سرباز بیمانی انجام خواهد شد .

هنگک :

۱- یکی از تقسیمات سازمانی یگانهای ارتش شاهنشاهی در گذشته که مرکب از سه گردان بوده است .

۲- زور، قدرت، وقار، فراست، هوش، قصد، اراده و آهنگک .

۳- بکار بردن این واژه در حال حاضر نیز در بعضی از یگانهای فرهنگی و آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی و یا دیگر نیروهای مسلح شاهنشاهی متداول است .

هنگامه :

آشوب و غوغا - جار و جنجال - هیاهو .

هوایمای بدون خلبان

هوایمای بدون خلبان :

(به معنی واژه هوایمای هدف
مراجعه شود) .

هوایمای بدون موتور : (هواسر)

هوایمائی است شبیه ومانند
دیگر هوایماها با اختلاف
جزئی در ساختمان ظاهر و فاقد
بودن موتور .

این هوایما توسط يك وسیله
موتور دار و بكمك يك كابل
نازك از روی زمین بیرواز
در می آید و در ارتفاع مناسب
از آن وسیله (موتوردار) جدا
می شود و با بهره گیری از
نوسانات هوا و باد میتواند
در هر سمت پرواز و در هر
ارتفاعی به بالا و پائین برود،
توسط يك نفر خلبان مانند
دیگر هوایماهای موتور دار
در منطقه ای محدود هدایت
می شود و خود قادر است در
باند یا محل تعیین شده به
زمین به نشیند . پرواز با
این هوایما يك نوع سرگرمی
و ورزش بحساب می آید .
به این هوایما هواسر نیز
میگویند .

هوایمای بهاران :

هوایمائی است با قدرت

پرواز دور و سقف پرواز بلند
و مجهز به کلیه وسائل ،
دستگاه ها و سیستم حمل و
پرتاب دقیق بمب بر روی
هدفهای تعیین شده تاکتیکی
و یا استراتژیکی زمینی و یا
دریائی .

هوایمای حمل و نقل :

هوایمائی است با قدرت پرواز
دور و سقف پرواز بلند و مجهز
به کلیه وسائل ایمنی و
دستگاههای مورد نیاز برای
حمل هرگونه وسیله یا تجهیزات
(از هر نوع مانند خودرو ،
تانك ، توپ و امثال آن) و
هم چنین حمل پرسنل و
چتربازان از نقطه ای به نقطه
دیگر .

هوایمای سمپاش :

هوایمای سبکی است برای
پروازهای محدود از نظر بعد
مسافت و ارتفاع پرواز مجهز
به کلیه وسائل و تجهیزات
سمپاشی برای مبارزه با
آفت های نباتی در کشاورزی .

هوایمای سوخت رسان :

هوایمائی است با قدرت پرواز
دور و سقف پرواز بلند و

هواپیمای شکاری

نیروها و تأسیسات دشمن را بصورت عکس هوایی و یافیلیم در اختیار یگانهای خودی قرار دهد .

هواپیمای مسافربری :

هواپیمائی است با قدرت پرواز دور و سقف پرواز بلند، مجهز به کلیه وسائل پذیرائی ، آسایش و دستگاههای مورد نیاز برای حمل مسافر از نقطه ای به نقطه دیگر .

هواپیمای هدف : (خلبان بدون خلبان)

هواپیمائی است بدون خلبان که با امواج الکترونیک از زمین هدایت می شوند تا در زمان معین نفرات تیرانداز جنگ - افزارهای پدافند هوایی (در تیراندازیهای آموزشی) بتوانند آنها را مورد اصابت قرار داده و مهارت و تجربه خود را در سرتگون ساختن هواپیما - های متجاوز افزایش دهند .

ضمناً این نوع هواپیماها در صورتیکه مجهز بدستگاه عکسبرداری و فیلم برداری باشند میتوان از آنها به عنوان يك هواپیمای بدون خلبان برای شناسائی و عکسبرداری در

مجهز به کلیه وسائل ایمنی و دستگاه های سوخت رسانی به هواپیماهای شکاری یا جنگنده های در حال پرواز .

هواپیمای شکاری : (جنگنده)

نوعی از هواپیماست مجهز به کلیه وسائل ایمنی و جنگ - افزار، با قدرت آتش کافی ، این نوع هواپیما قادر است به سرعت پرواز و مانور نماید و کلیه وسائل هوایی دشمن را در آسمان منطقه ردیابی و منهدم سازد . ضمناً علیه هدفهای زمینی و دریائی با قدرت آتشی که دارد به سرعت و دقت وارد عمل گردیده و هم چنین قادر است در کوتاه ترین زمان از دامنه دید و تیر جنگ افزارهای پدافند هوایی دشمن خارج گردد .

هواپیمای شناسائی :

نوعی از هواپیماست با قدرت پرواز دور و سقف پرواز بسیار بلند ، مجهز به دوربین های قوی و دقیق عکسبرداری و فیلم برداری که قادر است از ارتفاع بالا روی سرزمین و تأسیسات دشمن پرواز نموده و آخرین تقییزات و وضعیت

هواپیمای هدف‌گش

اینگونه هواپیماها متناسب برای پروازهای طولانی (مثلاً از يك قاره به قاره دیگر) نیست .

هواخواهان : (بارتیزانها)

عناصری هستند در منطقه خودی یا دشمن که در جهت خواسته‌های ملی ، فعالیت‌های غیر آشکار را علیه نیروها و عوامل دشمن اجراء و به عناصر جنگ‌های نامنظم و نیروهای ویژه در پشت‌خطوط دشمن کمک مینمایند و زمین‌ها را برای فعالیت نیروهای مورد علاقه از هر جهت فراهم می‌سازند (در زمان گذشته هنگام جنگ جهانی یکم و دوم به آنها ستون پنجم نیز میگفتند).

هوادریا :

سازمان هواپیمایی نیروی دریایی شاهنشاهی را با رعایت اختصار (هوا دریا) گویند (شامل هواپیماهای بال ثابت و بال متحرک و هلی‌کوپترها از انواع مختلف ، مانند هوانیروز در نیروی زمینی شاهنشاهی) .

منطقه استقرار دشمن به منظور بدست آوردن اطلاعات لازم استفاده نمود .

هواپیمای هدف‌گش :

هواپیمایی است که يك هدف هوایی را برای تمرین تیراندازی خدمه جنگ‌افزارهای پدافند هوایی در فاصله تعیین شده بدنبال خود میکشد .

هواپیمای استراتژیکی :

هواپیماهایی هستند که در پشتیبانی از عملیات نظامی استراتژیکی بکار میروند (عملیاتی در برد بلند و خارج از حدود و موقعیت جغرافیایی يك کشور) معمولاً هواپیماهای بمباران و یا هواپیماهای شکاری بمباران از این قبیل میباشند.

هواپیماهای تاکتیکی :

هواپیماهایی هستند که در پشتیبانی از عملیات نظامی تاکتیکی بکار میروند (عملیاتی در برد کوتاه و در حدود مرزها و محدوده جغرافیایی يك کشور) معمولاً هواپیماهای شکاری یا جنگنده‌ها از انواع هواپیماهای تاکتیکی میباشند زیرا میزان ذخیره سوخت

هواسر

هوانورد: (خلبان - هدایت‌کننده هواپیما) کسی که تخصص راندن هواپیما، هلی‌کوپتر و یا هر وسیله ترابری هوائی را داشته باشد - خلبان .

هوانیروز:

سازمان هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی را با رعایت اختصار (هوانیروز) گویند (شامل هواپیماهای بال ثابت و بال متحرك و هلی‌کوپترها از انواع مختلف) .

هورا: Hurra (۲)

هلهله شادی - با فریاد و از صمیم قلب ابراز شادی کردن.

هولناك:

پربیم و ترس ، خطرناك ، چیزی که با دیدن آن بیم و هراس در انسان پدید آید .

هویت:

حقیقت شیئی یا شخص - مشخصات و نشان ذاتی و هستی هر انسان یا شیئی - نام و نشان و وابستگی يك نفر به سازمان مربوطه .

هویتزر:

جنگك افزاری است که خصوصیات توپ و خمپاره - انداز را توأمآ دارد و طول لوله

هواسر: (گلايدر) Glider (۱)

(به معنی واژه هواپیمای بدون موتور مراجعه شود) .

هواسنج:

دستگاه تعیین فشار هوا .

هواشناسی:

شناخت اوضاع جوی، یا علم سنجش میزان فشار هوا و تشخیص حالات جوی که در طرح ریزیهای تاکتیکی، بررسی منطقه عملیات، عملیات هواپرد (پرش چتربازان)، تیراندازی - های توپخانه ، هویتزر ، موشکها ، عملیات ش.م.ر. و بالاخره پرواز انواع هواپیماها نقش بسیار حساس و مهمی را در عملیات نظامی دارد .

هواگیری:

عملی است که در نتیجه آن ، هوای داخل سوخت خودروهای دیزل خارج میشود .

هواگیری ترمز:

عمل خارج کردن هوای موجود در داخل لوله‌های ترمز و سیلندرهای مربوطه راهواگیری گویند .

(۱) و (۲) واژه‌های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

هیأت ارتباط مرکب

هیدروترایی : Hydrotherapie (۲)

معالجه با آب تنی یا بخار آب.

هیدرولیک : Hydraulique (۳)

۱- علم بررسی مختصات آب

از حیث جریان و استفاده

از آن از طریق زه کشی و

سد بندی .

۲- سیستمی است در بعضی

از انواع خودروها از قبیل

سیستم هیدرولیک فرمان و

ترمز .

آن بین ۲۰ تا ۳۰ برابر
کالیبرش می باشد . هویترز
مرمی ها را با سرعت اولیه
متوسط و سهم تیر بلند و
کوتاه پرتاب میکند .

هیأت ارتباط مرکب :

هیأتی که ستاد فرماندهی

مرکب را از لحاظ مخابراتی

پشتیبانی میکند .

هیدروالکتریک : (۱)

Hydro-Electrique

صنعت تولید الکتریسته از

نیروی آب (مانند سدها) .

فرهنگ واژه‌های نظامی

ی

سائیدگی زیاد میل لنگ با کمک عمل روغنکاری جلوگیری شود.

یادداشت :

هر علامت و نشانی که برای یادآوری بنویسند - ورق کاغذ یا دفترچه‌ای که مطلبی در آن بنویسند تا فراموش نشود.

یارد . Yard (۲)

واحد طول در انگلستان و سایر کشورهای انگلیسی‌زبان، معادل ۹۱/۴۴ سانتیمتر. (یا ۰/۹۱۴۴ متر).

یاغی :

این کلمه مغولی است و متداول در زبان فارسی به معنی سرکش ، نافرمان ، متمرّد ، گردنکش .

ی :

حرف سی و دوم و یا آخرین حرف از الفبای فارسی میباشد.

یاتاقان : (یاتاغان) Yatagan (۱)

حلقه فلزی در موتورها که میله‌ای در داخل آن حرکت میکند، ابزار فلزی یا لاستیکی یا چرمی ساچمه‌دار یا میله‌ای که از سائیده شدن بازوی چرخ خودرو جلوگیری میکند .

یاتاقان ثابت :

محلّی است ، در داخل بدنه موتور که میل لنگ بوسیله آن در جای خود قرار گرفته است .

یاتاقان متحرک :

صفحات فلزی است که در محل اتصال دسته شاتون و میله لنگ قرار گرفته تا از

(۱) و (۲) واژه‌های انگلیسی متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی

یانداول

یانداول :

مأخوذ از زبان ترکی و متداول در ارتش قدیم و به معنای پهلو دار است (برابر با چانداول به معنای پهلو دار چپ) .

یاور :

۱- در کاربرد نظامی درجه ای است از درجه افسران ارشد برابر با درجه سرگردی که در ارتش قدیم متداول بوده است .
۲- یاری دهنده - مددکار - کمک دهنده .

یتیم چاوادار :

در ارتش قدیم مالداران غیر - نظامی که در آغاز اردو کشی یا عملیات نظامی در اختیار یگانهای نظامی قرار میگرفتند. مشخصاتشان در دستور قسمتی درج و از جیره و مزایا (غیر از لباس نظامی) مانند سایر افراد نظامی استفاده مینمودند و در پایان عملیات مرخص میشدند . کسیکه از خود چهارپائی ندارد - شاگرد کاروان

یدک :

وسیله ای که توسط خودرو

دیگر (یدک کش) کشیده میشود و در جلو و عقب دارای چرخ بوده و دارای وسیله اتصال بر حسب وضع یدک کش میباشد .

یدک کش :

این واژه به کلیه وسائط زمینی ، دریائی که خود دارای نیروی محرکه موتوری باشند گفته می شود ، منوط به اینکه وسیله دیگری را که فاقد حرکت ناشی از نیروی موتور باشد بدنبال خود بکشد (وسائط هوائی را شامل نمی شود باستثنای هلی کوپترهایی که قادرند وسائط و جنگ افزارهایی را جابجا کنند) .

یدکی :

هر وسیله و یا موضعی غیر از وسائل و یا مواضع اصلی که با استفاده از آن بتوان مأموریت محوله را انجام داد. - بدل - عوض (مانند قطعه یدکی یا موضع یدکی) .

یواق :

وسیله ای برای جنگ مانند شمشیر ، سپر ، تیروکمان ، تفنگ و امثال آنها - و نیز به

يساول

معنی زین و برگ اسب و نوعی نوار که از مفتولهای نازک فلزی طلائی رنگ می‌بافند و برای تزئین لباسهای رسمی پرسنل ارتش شاهنشاهی (برابر آئین‌نامه لباس) بکار می‌برند (حاضر یراق : یعنی مرد سلاح پوشیده و آماده برای جنگ) .

یگان احتیاط :

یگان احتیاط یگانی است که برابر جدول سازمان و توزیع از پرسنل احتیاط فعال برای انجام مأموریت‌هایی مانند یگانهای زیرپرچم تشکیل میگردد .

یگان بیمارستانی :

یگان کامل و مستقلى است که به تنهایی توانائی انجام کار را دارد. يك يا سه يگان همانند از این یگان بیمارستانی میتوانند يك بیمارستان صحرائی تشکیل دهند .

یگان پست نظامی :

سازمانی که برابر جدول سازمان و تجهیزات برای بکار انداختن يك پست نظامی معین شده باشد .

یگان خدمات پزشکی متحرك :

یگان متحرکی است از خدمات

معنی زین و برگ اسب و نوعی نوار که از مفتولهای نازک فلزی طلائی رنگ می‌بافند و برای تزئین لباسهای رسمی پرسنل ارتش شاهنشاهی (برابر آئین‌نامه لباس) بکار می‌برند (حاضر یراق : یعنی مرد سلاح پوشیده و آماده برای جنگ) .

يساول :

متداول در گذشته و قدیم و به معنی جلودار - قراول و نگهبانی که سابقاً چماق نقره بدست میگرفت و درب کاخ شاهان می‌ایستاد و یا درموکب پادشاه در حرکت بود .

یغلاو - یغلاوی : (یقلاری)

ظرف غذا خوری انفرادی سربازان که با قمقمه به کمر سرباز بسته میشود .

یغماگر :

چپاول‌گر - خرابکار - غارتگر تاراج‌بر - چپوگر .

یگان : (واحد نظامی)

۱- یگانه - بی‌همتا
۱- واژه نوینی است که بجای واژه واحد که در گذشته در ارتش شاهنشاهی متداول

یگان راه پیمائی

پزشکی نظامی که مرکب از دسته‌های حرفه‌ای بوده و دارای عناصر خدماتی لازم باشد.

یگان راه پیمائی :

قسمتی از یک سریال راه پیمائی است که با دستور و یا علامت یک فرمانده حرکت یا توقف مینماید. در راه پیمائیهای موتورری معمولاً استعداد یگان راه پیمائی باندازه یک گروهان (آتشبار) و دسته است.

یگان مجاور :

یگانی است که در مجاور و یا کنار یگان دیگر در عملیات آفندی، پدافندی و یا راه - پیمائی ها قرار دارد. (معمولاً در کالکهای عملیاتی هویت و استعداد یگانهای مجاور هر یگان مشخص و معین می‌شود تا هر یگان بداند. در مجاورت چه یگان دیگری برای اجرای مأموریت رده بالاتر قرار دارد).

یگانهای پشتیبانی کننده: (نگهداری) رده‌های ۳ و ۴ و ۵ میباشد که رده‌های پائین‌تر از خود را پشتیبانی میکنند.

یگانهای مصروف کننده :

منظور رده ۱ و ۲ نگهداری

است که وسائل و قطعات بمنظور استفاده در اختیار آنها گذاشته میشود.

یگان هوابرد :

یگانهای زمینی که سازمان، تجهیزات و آموزش آنها اساساً برای اجرای تازش از راه هوا ترتیب یافته است.

یگان پیاده هوابرد :

عبارتست از یک یگان پیاده که پرسنل آن دارای آموزش و تخصص چتر بازی هستند و کلیه وسایل و جنگ افزار و تجهیزات آنها از راه هوا حمل و در منطقه مورد نظر برای اجرای یک مأموریت تاکتیکی و یا استراتژیکی پرتاب میشوند. یا بعبارت دیگر یگان پیاده هوابرد از نظر وسائل حمل و نقل تا رسیدن بمنطقه عملیات متکی به هواپیماهای حمل و نقل نظامی است.

یشیچه : (ماخوذ از زبان ترکی)

واژه متداول در زمان میرزا تقی خان امیرکبیر (صدر اعظم ناصرالدین شاه) بدین معنی که هر بخش یا دهستان از کشور ایران به نسبت جمعیتی که داشته‌اند بایستی تعدادی

یورت

شاهنشاهی و به معنی نوعی از حرکت و راه رفتن اسب است که سوار را تکان بدهد.

یووش :

مأخوذ از زبان ترکی و به معنی هجوم ، تاخت و تاز آمده است.

یوزباشی :

واژه متداول در ارتش ایران در پیش از تشکیل ارتش نوین ، به معنی فرمانده صد نفر سرباز که درجه اش برابر با درجه سروان فعلی ارتش شاهنشاهی ایران بوده است.

یونسکو : Unesco (۱)

مؤسسه فرهنگی بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد .

یونیسف : Unicef (۲)

مؤسسه ای است وابسته به سازمان ملل متحد که هدفش کمک به بهداشت کودکان و مادران و آماده ساختن کودکان و جوانان برای کارهای سودمند است .

یونیفورم : Uniform (۳)

متحدالشکل و یکنواخت - لباس متحدالشکل - متحد - الشکل کردن - متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی به معنی لباس متحدالشکل پرسنل نظامی نیروهای مسلح شاهنشاهی .

داوطلب از بین خود انتخاب و آنها را بنام سرباز بحکومت مرکزی یا حکومت محلی تحویل دهند ، چنین سربازانی را سربازان ینیچه مینامیدند . کلیه هزینه ینیچه ها در سربازخانه و در طول مدت سربازی بعهده حکومت وقت و مخارج خانواده آنان بعهده اهالی محل یا بخشی که آنها را معرفی مینموده بوده است.

یورت :

مأخوذ از زبان ترکی و متداول در زبان فارسی و به معنی : منزل ، خانه ، اطاق ، مسکن آمده است .

یورتچی :

مأخوذ از زبان ترکی و متداول در زبان فارسی و ارتش شاهنشاهی و به معنی نفر و یا نفراتی که قبل از رسیدن عده یا نیروی اصلی به مقصد اعزامی شوند تا ترتیب استقرار صحیح یگانهای تابعه را بدهند و مقدمات امر را از هر جهت برای رسیدن عده اصلی فراهم سازند .

یورتمه :

مأخوذ از زبان ترکی و متداول در زبان فارسی و ارتش



متمم واژه‌های نظامی

(از قلم افتاده)

واژه‌های متمم نظامی

آ

آئین سوگند :

مراسمی است رسمی که نظامیان قبل از گرفتن سر-دوشی و ترفیع یا دریافت گواهینامه مربوطه، طی مراسم ویژه‌ای در برابر قرآن مجید و در پیشگاه مبارك اعلی حضرت و همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران (یادرمقابل تمثال مبارك) و پرچم ملی سوگند یاد میکنند که بمقررات و اصولیکه لازمه آن شغل میباشد تا پایان عمر وفادار باشند .

آئین نیایش :

گردهم آئی و یا تجمع پرسنل نظامی و غیرنظامی برای نیایش بدرگاه ایزد متعال بمنظور دعا و شکرگزاری از موهبت‌های الهی که به کشور شاهنشاهی ایران ارزانی داشته است .

آتشبار تیر :

۱- گردان توپخانه از دو عنصر ارکان و آتشبار تیر تشکیل میشود . آتشبار تیر جنگ افزارهای توپخانه را در اختیار دارد و اجرای آتش با این عنصر میباشد

آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

ذات مبارک شاهانه به سمت آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران انتخاب و سرافراز میگردد. این افتخار بزرگترین اجر و پاداش خدمتی است که بیک افسر در طول مدت خدمت در ارتش شاهنشاهی اعطاء میگردد و علامت مشخصه آن واکسیل زرد رنگی است که روی دوش و سینه سمت راست لباس نظامی آویخته میشود.

آمادگی اضطراری :

آمادگی اضطراری شامل کلیه اقداماتی است که دولت میتواند برای مقابله مؤثر با رویدادهائی که امنیت ملی و یا رفاه عموم ملت را به مخاطره می اندازد از پیش بعمل آورد.

رویدادها از سوانح مصیبت بار ملی - تحریم اقتصادی، تهدید خرابکاری تا جنگ هسته ای میباشد. طرح های آمادگی اضطراری به سبب ماهیت امر، ارتباط نزدیک با طرح های عملیات نظامی دارد.

آماده باش :

حالتی است از آمادگی کامل

و آتشبار ارکان مقدمات و پشتیبانیهای اداری و عملیاتی آتشبارهای تیرا فراهم مینماید.

۲- یگان آتش از توپخانه میباشد که در توپخانه زمینی با بستن عناصر تیر به جنگ افزارهای توپخانه یگانهای مانوری را با آتش پشتیبانی مینماید و در یگان پدافند هوایی با بستن عناصر تیر به جنگ افزارهای توپخانه از نفوذ هواپیماهای دشمن بمنطقه خودی جلوگیری و آنرا منهدم میسازد.

آجودان مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران :

افسری است معمولا از طبقات افسران ارشد و امراء با سوابق و پیشینه خدمتی ممتاز که لیاقت، شایستگی، فداکاری و جانبازی خود را در راه خدمت به مقدسات ملی (شاه و میهن) بدفعات باثبات رسانیده باشد. و بنا به پیشنهاد فرماندهان بلند پایه ارتش شاهنشاهی و تصویب

طرح‌های عملیاتی و پیاده کردن این طرح‌ها علیه دشمن ناگزیر از تبعیت آنها می‌باشد این اصول عبارتند از اصل: هدف، صرفه جوئی در قوا، تمرکز، وحدت فرماندهی، تأمین، غافلگیری، سادگی، تعرض، مانور، تفرقه و پراکندگی.

اعلام خطر:

هرگونه صدا (مانند سیرن، زنگ ممتد و یا شیپور) و هر گونه علائم قراردادی (مانند روشن کردن موشکها در هوا به رنگهای مختلف) که تهدید و یا خطری را به آگاهی همگان برساند.

اعلام خطر تك هوائی دشمن:

به محض اعلام خطر و یا خبر از نزدیک شدن هواپیماهای دشمن در عملیات نظامی و یا حین حرکت، آهنگ مخصوصی توسط شیپورچی (امر فرمانده) زده میشود که کلیه پرسنل موظف به پراکندگی و استفاده از زمین و جانپناه (برای پدافند عامل و یا غیرعامل هوائی) به منظور به حداقل رسانیدن تلفات ناشی از تك هوائی دشمن هستند.

برای مقابله با هر رویداد، سوانح طبیعی و یا تهدیدات نظامی به منظور اقدامات تأمینی لازم که در این حالت یا وضعیت کلیه پرسنل یگانهای نظامی در هر منطقه و یا سراسر کشور با معرفی سریع خود به یگان مربوطه و با دریافت ساز و برگ و تجهیزات لازم آماده اجرای هر نوع مأموریت برابر طرح‌های تهیه شده میگردند.

الف

اسلحه: (جمع سلاح)

به معنی اعم، انواع جنگ - افزارها، کلیه آلات و ادوات جنگی.

اصول جنگ:

اصولی است انتخاب شده از تجارب جنگی جنگ‌آوران و سرداران نظامی باستناد تاریخ نظامی که با بکار بردن این اصول پیروزی در جنگها را از آن خود ساخته‌اند. معمولاً این اصول تغییر ناپذیرند و هر فرمانده نظامی در صورتیکه پیروزی در جنگ و عملیات نظامی را طالب باشد در

ب

بازداشت :

پرسنل نظامی در صورتیکه مرتکب خلافهای کوچک انضباطی شوند و یا در اجرای دستورات سستی و مسامحه نمایند بنا به تشخیص و امر فرماندهان مربوطه در محل کار خود یا در محیط سربازخانه برای مدت معینی (برابر اختیارات مصوبه و واگذاری در آئین نامه) بازداشت میشوند و حق خروج از سربازخانه را ندارند .

بررسی ستادی :

عبارت از يك نامه ستادی رسمی است که شامل تجزیه و تحلیل موجزی بوده و در نتیجه راه حلی برای يك مسئله ویژه پیشنهاد مینماید بررسی ستادی و برآورد وضعیت هر دو دارای يك نقش میباشند ، با این تفاوت که برآورد وضعیت در عملیات رزمی بکار میرود و بررسی ستادی در حل مسائل ستادی مورد استفاده قرار میگیرد . برای تهیه بررسی ستادی

در شهرها و سربازخانهها معمولا خطر تك هوائی دشمن توسط زنگهای بسیار قوی و یا سیرن به آگاهی همگان میرسد تا با توجه به طرحهای تمرین شده اقدامات عامل و یا غیر عامل لازم را برای مقابله با تك هوائی دشمن انجام دهند .

اعلام رفع خطر تك هوائی دشمن :

در صورتیکه خطر تك هواپیماهای دشمن منتفع گردد با شیپور مراتب به پرسنل اعلام میگردد، تا هر نفر با درخواستن از محل اختفا و جانپناه به مأموریت خود ادامه دهد .

امور غیر نظامیان :

به معنی واژه عملیات مردم - یاری مراجعه شود .

امیرتومان :

واژه متداول در زمان گذشته برای فرمانده تومان (سازمانی مشابه تیپ و یا لشگرهای امروزی) .

انحراف سمتی :

عبارتست از فاصله سمتی مرکز ترکش تا خط دیده بان هدف که بر حسب میلیم اندازه گیری می شود .

همیشه از فرم زیر استفاده میشود . ماده يك مسئله - ماده دو فرضها - ماده سه، حقایق مؤثر در مسئله - ماده چهار، بحث - ماده پنج، نتیجه یانایج - ماده شش، پیشنهاد.

پ

پاسدار تشریفاتی :

سربازان منتخب و ورزیده ای هستند ملبس به لباس مخصوص و رسمی (برابر آئین نامه لباس) و مجهز به تفنگ و سایر تجهیزات لازم به منظور ادای احترامات نظامی برای تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، علیاحضرت شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد ایران و یا مقامات بلند پایه از دیگر کشورهای جهان که بطور رسمی وارد کشور شده و یا خارج میشوند .

پرواز کور :

پرواز هواپیماها و یا هلیکوپترها را در تاریکی شب و هوای نامساعد ابری و مه آلود پرواز

کور گویند بدین معنی که خلبان قادر نیست فضا و محیط اطراف خود را ببیند و در چنین حالتی بایستی از دستگاههای رادار و وسایل مخصوص برای درخواستن ، پرواز در سمت معین بمنظور انجام مأموریت ، مراجعت به منطقه پایگاه مربوطه و فرود روی باند استفاده نماید (معمولا هنگام جنگ باند فرودگاهها و پایگاهها در خاموشی کامل هستند و خلبانان بایستی به فنون و روشهای پرواز کور آگاهی داشته تا بتوانند در باند تعیین شده یا نقطه مشخصی از منطقه پایگاه فرود آیند و در صورت ضرورت مجدداً به پرواز در آیند .

ت

تومان :

واژه متداول در گذشته (در زمان میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه) برابر سازمانی مشابه تیپ و یا لشگرهای سبك امروزی . هر تومان به تفاوت از چهار

تفنگداران دریائی

چاشنی غیرالکتریکی :

چاشنی مخصوصی است که با آتش زدن فتیله باروتی پس از يك زمان معین (متناسب با طول انتخاب شده فتیله باروتی) منفجر گشته و موجب انفجار خرج تخریبی اصلی میگردد .

ح

حکومت نظامی :

حالتی است از حکومت قانونی، برای کنترل و اداره امور کشور و مردم، هنگام بحران و یا زمانی که دولت پیش بینی مینماید شورش و یا توطئه ای علیه رژیم و سیستم حکومت در شرف تکوین است . در چنین وضعی در يك شهر، يك استان و یا سراسر کشور حکومت نظامی اعلام میشود و کلیه مردم ملزم به رعایت مقررات حکومت نظامی از هر نظر هستند و کسانی که از اجرای مقررات مزبور سرپیچی کنند دستگیر و برابر مقررات و قوانین موضوعه در دادگاههای نظامی محاکمه و مجازات میشوند .

تا یازده فوج (هنگ) را تحت کنترل داشته است هر تومان دارای يك فرمانده سرتیپ (یا امیرتومان) و يك پرچم مخصوص و مربوط بخود بوده است .

تفنگداران دریائی :

سربازانی هستند با دارا بودن آموزش و تجهیزات ویژه و تابع نیروی دریائی به منظور اجرای عملیات در ساحل و یا تصرف سرپل تا پیاده شدن عمده سربازان و تجهیزات و وسایل دیگر رسته ها در جنگ (از قبیل پیاده، زرهی، توپخانه و مانند آنها) .

چ

چاشنی الکتریکی :

چاشنی مخصوصی است که با اتصال يك مدار الکتریکی (توسط ماشین انفجار یا مانیاتو) بلافاصله منفجر میگردد و موجب انفجار خرج تخریبی اصلی میگردد (معمولا از اینگونه چاشنی ها برای انفجارهای زیرآبی و بایکار بردن خرج خمیری استفاده میشود) .

خ

خائن :

خیانت کننده - خیانتکار .
در کاربرد نظامی خائن کسی است که به مقدسات ملی و میهنی خود خیانت نماید که در چنین صورتی به موجب قانون سزای خیانتکار مرگ است .

خرج خمیری :

نوعی از مواد منفجره نظامی است با خواص ویژه مربوط بخود و بصورت خمیر (خرجهای خمیری ، شکل پذیر بوده و بهر اندازه ، هر مقدار و بهر شکل میتوان از آن استفاده نمود) معمولا با استفاده از چاشنیهای الکتریکی در انفجارات و تخریبات زیرآبی از آن استفاده میشود .

خیانتکار :

کسی است که خیانت را پیشه و حرفه خود ساخته است . خیانت پیشه .

د

دستور رزمی :

مجموعه قوانین ، مقررات و

روشهایی است بصورت کتاب و مدرک رسمی که با بهره گیری از تجارب عملیات نظامی گذشته و نیازمندیهای زمان نوشته شده تا در آموزش پرسنل و یگانهای نظامی در رزم مورد بهره برداری و استفاده قرار گیرد (مانند دستوررزمی ۱۴-۷ ز آموزش رزم انفرادی و دستور رزمی ۵-۱۰۱ که مربوط به سازمان و روش ستاد میباشد) .

دفاع غیر نظامی :

سازمانی است متشکل بمنظور کمک و یاری بمردم در هنگام بروز بلیات طبیعی (مانند ، سیل، زلزله، طوفان وغیره...) و بلیات و حوادث غیرطبیعی مانند آتش سوزی ، خرابیهای ناشی از جنگ (انفجارات هسته ای و غیر هسته ای و غیره . . .) .

این سازمان علاوه بر کمک مستقیم به آسیب دیدگان به منظور نجات بخشی آنان با اجرای آموزشهای مطلوب ، خودکفائی لازم را از نظر خود یاری کردن در مردم شهرها ، شهرکها و روستاها بوجود

ده باشی

رزمخواه ، رزم افکن . دلیر ،
دلاور .

رزم ساز :

آنکه نقشه و طرح جنگ (عملیات
رزمی) را بخوبی بداند و نیرو
را آماده رزم و یا کارزار
نماید .

رزم گاه :

جای رزم ، جای جنگ کردن ،
میدان جنگ ، جای زدو خورد ،
رزمگه نیز گفته میشود .

رزم ناو :

نوعی کشتی جنگی تندرو .

رژه :

عبور صفوف سربازان با
گامهای استوار و موزون از
برابر مردم و یا فرماندهان
بزرگ ارتش ، در گذشته واژه
دفیله بجای رژه بیشتر متداول
بوده است .

رژیم : Regime (۱)

– طرز، قاعده، روش، هنجار،
طرز حکومت و وضع سیاسی
در يك کشور .

رژیم داشتن یا گرفتن :

– طرز زندگی و خوراک و

می آورد تا در هنگام بروز
حوادث و بلیات با آگاهی کامل
به نجات خود و دیگران
پردازند .

ده باشی :

متداول در ارتش قدیم – به
معنای گروه بانویا کسبیکه به
ده نفر فرماندهی میکند .

ر

رزم :

نبرد ، پیکار ، جنگ ، رزمه
نیز گفته میشود .

رزم آراء :

کسبیکه در صف آرائی و کار
جنگ ورزیده است و
عملیات رزمی را خوب طرحریزی
میکند و ماهر باشد .

رزم آزما :

کسبیکه جنگ را خوب آزموده
باشد و بیازماید .

رزم آزموده :

دلیر ، جنگجو ، استاد و ماهر
در کار جنگ ، و رزم آزمائیز
گفته میشود .

رزم توز :

رزم توز ، رزمجو ، جنگجو ،

(۱) واژه انگلیسی متداول در اتش شاهنشاهی و زبان فارسی .

پرهیز که پزشك برای بیمار تعیین میکند .

- روش خاصی درخوراك داشتن برای جلوگیری از شدت بیماری .

ز

زره :

جامه جنگ ، باندازه پیراهن و دارای آستین کوتاه که از حلقه های ریز فولادی بافته میشده و در قدیم بهنگام جنگ روی لباسهای دیگر بتن می کرده اند. جدار خارجی بدنه ارا به جنگی و یا نفر بر زرهی را نیز زره گویند .

زره پوش :

زره پوشیده، زره دار، اتومبیل یا کشتی که از صفحه های محکم فلزی پوشیده شده باشد و گلوله به آن اثر نکند. در حال حاضر زره پوشها چرخدار و یا زنجیردار و (شنی دار) هستند .

(معمولا از زره پوشها در یگانهای شناسائی ، عملیات ضد شورش و ضد اغتشاشات استفاده میشود) .

س

سان :

۱- رسم ، عادت ، طرز ، روش و نیز به معنی نظیر و مانند و برابر میباشد .
۲- در کاربرد نظامی بمعنی ارائه یگانهای نظامی و بازدید از سربازان مسلح میباشد .

سان دیدن :

بازدید از صفوف مرتب سربازان و یگانهای نظامی

سان و رژه :

به معنی واژه مراسم سان و رژه مراجعه شود .

ش

شبیخون :

حمله ناگهانی بردشمن هنگام شب - شبیخون، شب تاز و شب تازی نیز گفته میشود .

شرف صدور :

هر فرمانی که از سوی پادشاه برای اجراء صادر شود .

شرفیاب :

بحضور يك مقام بلند پایه و الامقام باریافتن .

شرفیابی

ویگانهای موزیک بسیار استفاده میشود هنگامیکه خطر و یا تهدیدی جدی و مهم اردوگاه و یا سر بازخانه را تهدید نماید بنا به امر فرمانده با آهنگی ویژه توسط شیپورچی شیپور آشوب نواخته میشود و بسا شنیدن این صدا کلیه پرسنل هر یگان برابر طرحهای ابلاغ شده بایستی بلافاصله اقدام و خود را برای مقابله با هر خطری آماده سازند .

شیپور افسر پیش :

با آهنگ مخصوصی که توسط شیپورچی زده میشود (امر فرمانده) برای ابلاغ دستورات فوری بلافاصله افسران یک یگان و یا یک سر بازخانه در محل معینی جمع میشوند .

شیپور بازداشت پیش :

برای کنترل حضور و غیاب بازداشتیها با آهنگ مخصوصی توسط شیپورچی (امر فرمانده) اعلام میگردد که با شنیدن صدای شیپور بایستی بلافاصله پرسنل بازداشت شده در محل تعیین شده حاضر و خود را به افسر نگهبان یا معاون افسر

شرفیابی

بمنظور عرض گزارش و باز یارت پادشاه به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدن .

شما : Schema

- ۱- ترسیم حدود و قسمتهای جزء هر سازمان را بصورت مربع مستطیل هائی که به یکدیگر با خطوط پر یا خط چین وابسته اند شما گویند.
- ۲- نمونه کلی - تصویر کلیات مشترک .

شماتیك : Schematic

نقشه یا سازمانی را بصورت شما ترسیم نمودن - برابر نمونه کلی یا قراردادی .

شیب :

- ۱- بطرف پائین ، سرازیری ، ضد فراز ، شیو هم گفته میشود.
- ۲- شیفته ، آشفته و سرگشته.

شیپور :

نفیر ، سرنا ، سرنای برنجی دهان گشاد ، یکی از سازهای بادی که بادهان نواخته میشود. از این وسیله دریگانهای نظامی برای ابلاغ فرامین فرماندهان

شیپور بیداری

نگهبان آن سربازخانه معرفی نمایند .

شیپور بیداری :

هر پگاه (صبح زود) متناسب با فصول چهارگانه با آهنگ ویژه‌ای که توسط شیپورچی نواخته میشود (امر فرمانده) زمان بیدار شدن و آغاز فعالیت های روزانه پرسنل يك سربازخانه اعلام میگردد و بیدار شدن کلیه پرسنل در آن لحظه الزامی است.

شیپور جمع :

با آهنگ ویژه‌ای که توسط شیپورچی نواخته میشود (برابر دستور فرمانده) کلیه پرسنل يك یگان یا يك سربازخانه در محلهای تعیین شده و با صورت بندی یا صف مورد نظر به سرعت و حالت دو باید جمع شوند (در صورتیکه سازو برگ و جنگ افزار و تجهیزات ای بایستی حمل گردد و یا لباس مخصوصی برتن باشد قبلا اعلام میگردد).

شیپور خاموشی :

در پایان فعالیت های روزانه با آهنگ ویژه‌ای که توسط

شیپورچی نواخته میشود (امر فرمانده) زمان خوابیدن کلیه پرسنل آن سربازخانه اعلام میگردد و تمامی پرسنل سربازخانه با استثنای عوامل نگهبانی ملزم به خوابیدن هستند .

شیپور خبر :

با آهنگ ویژه‌ای که توسط شیپورچی نواخته میشود (امر فرمانده) توجه پرسنل يك سربازخانه به فرمان بعدی که توسط شیپور اعلام خواهد شد جلب میگردد .

شیپور راحت باش :

اعلام ۱۰ دقیقه راحت باش بعد از هر ۵۰ دقیقه آموزش و یا هر فعالیت دیگری بوسیله آهنگ مخصوصی از شیپور (امر فرمانده) نواخته میشود.

شیپور قرق :

قبل از شیپور خاموشی با آهنگ ویژه‌ای که توسط شیپورچی اعلام میگردد (امر فرمانده) توجه پرسنل به ممنوعیت عبور و مرور در محوطه سربازخانه جناب میگردد (معمولا این شیپور دقایقی چند پیش از شیپور خاموشی در سربازخانه نواخته میشود) .

شپیور نگهبان پیش

این مدرک بایستی بامضاء رئیس و کلیه هموندان آن کمیسیون برسد تا بعدها بصورت يك مدرک رسمی در انجام امر ویژه‌ای از آن بهره‌برداری شود .

۲- مدرکی است حاوی کلیه وقایع و مشاهدات دونفر یا بیشتر درباره يك عمل یا رویداد غیرعادی به منظور تنبیه و محکوم ساختن شخص خاطی در برابر قانون و مقررات .

ض

ضد شیب :

۱- اصولاً شیب وضد شیب نسبت به محل دشمن مشخص میگردد - دامنه‌ای از بلندی که سمت بدشمن قرار گرفته شیب و آنطرف آن پشت بلندی واقع شده و از دید زمینی دشمن محفوظ است، ضد شیب نامیده میشود (برابر آئین نامه دستور رزمی ۱۴-۷-ز).

۲- از پائین يك دامنه بطرف بالا یا راس را ضد شیب گویند .

شپیور نگهبان پیش :

با آهنگ ویژه‌ای که توسط شپیورچی نواخته میشود (امر فرمانده) نوبتچی‌ها، نگهبانان و احتمالاً بعضی عناصر پاسدار برای کنترل و یا ابلاغ دستورات ویژه توسط افسر نگهبان داخلی سر بازخانه و یا معاون افسر نگهبان به حالت دو در محل معینی جمع میشوند.

ص

صاحب‌منصب :

۱- دارای منصب و شغل عالی - عالی مقام بلند پایه.
۲- افسر و یا کسی که در ارتش خدمت میکند و دارای درجه افسری باشد (از ستوان به بالا متداول در زمان قدیم، و در اوائل تشکیل ارتش نوین ایران) .

صورت‌جلسه :

۱- مدرکی است حاوی کلیه موارد مورد گفتگو در باره يك یا چند موضوع که هموندان يك کمیسیون در باره آن موضوع یا موضوعات به توافق رسیده باشند .

ط

طرح تیر :

عبارتست از يك نقشه عكسی، كاغذ شبكه بندي شده يا ساده‌ای كه موقعیت نسبی آتشبارهای تیر، نقاط ثبت تیر، هدفها و جزئیات لازم دیگر جهت تهیه عناصر تیر روی آن نشان داده شده است.

طرح منظری :

عبارتست از ترسیم سریع خطوط اصلی طبیعت منطقه مورد نظر توسط دیده بان بر روی يك صفحه كاغذ بمنظور تکمیل گزارشهای دیده بانی و یا هر استفاده اطلاعاتی در منطقه تعیین شده .

ع

عكس هوایی :

۱- برای تهیه نقشه‌های صحیح ومستند با واقعیت بدوآ از مناطق مورد نظر توسط هواپیماهایی كه مجهز به دوربین های مخصوص هستند از راه هوا عكسبرداری میشود (سیستم عكسبرداری از طریق هوا روشهای

گوناگونی داردمانند پیوسته موزائیک ، مرکب و ...) سپس عكسهای تهیه شده هوایی با تغییراتی در سازمان نقشه برداری تبدیل به نقشه‌های گویائی میگردند .

۲- در عملیات نظامی تهیه عكس های هوایی توسط هواپیماهای شناسائی از تأسیسات و فعالیت‌های دشمن در فعالیت‌های اطلاعاتی و بررسی چگونگی امکانات دشمن اهمیت حیاتی و فوق العاده دارد .

ف

فرمان مطاع :

فرمانی كه ناگزیر از اطاعت آن هستند و یا فرمانی كه اطاعت از آن وظیفه و برای هر كس واجب است .

فرمان مطاع مبارك شاهانه :

فرمانی است كه از سوی شاهنشاه شرفصدور مییابد وانجام آن برای هر مقام مسئول در كشور (نظامی و غیر نظامی) برای اداره امور مملكت لازم الاجراء است

فتیله باروتی

و چهارپایان به منطقه تعیین شده (مانند میدان تیر، منطقه مانور) وارد نشوند .

قشون :

در گذشته بجای واژه ارتش و یا نیروهای نظامی واژه قشون متداول بود .

موشح : (بضم م و فتح واو و تشدید شین)

آراسته به زر و زیور - زینت یافته - توشیح شده، بامضای پادشاه یا رئیس جمهور رسیده (قانون موشح گردید) .

مرکز آموزش کادر :

یکی از مراکز آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی است که آموزش پرسنل کادر (درجه - داری) و یا تربیت درجه داران کادر را بعهده دارد (جمع ، مراکز کادر) .

مرکز آموزش وظیفه :

یکی از مراکز آموزشی نیروی زمینی شاهنشاهی است که آموزش مقدماتی پرسنل وظیفه (یا سربازان وظیفه) را بعهده دارد . (جمع مراکز آموزش وظیفه) .

فرامین مطاع مبارک شاهانه

(جمع) .

فتیله باروتی :

این فتیله بصورت کابل باریکی است که محتوی مواد باروتی و سریع الاشتعال است و برای ایجاد تأخیر و بدست آوردن زمان لازم به منظور انفجار خرج تخریبی اصلی بکار میرود ، استفاده از چاشنی غیر - الکتریکی در انتهای این فتیله (در صورتیکه فتیله آتش زده شود) موجب انفجار خرج تخریبی اصلی (مانند تی - ان - تی) میگردد .

ق

قرق :

مأخوذ از ترکی وبه معنی منع و بازداشتن، همانعت از ورود بجائی، جائی که اختصاص بیک عده معینی داشته باشد و دیگران از ورود بان منع شده باشند .

قرقچی :

کسی است که مراقبت از منطقه قرق شده را بعهده دارد تا اشخاص متفرقه و احشام

مراکز فرهنگی :

برای تربیت افسران و درجه-داران در رشته‌ها و تخصص‌های گوناگون و مورد نیاز، نیروی زمینی شاهنشاهی دارای تأسیسات فرهنگی و آموزشی مختلف می‌باشد بنام مراکز فرهنگی) از قبیل دانشکده فرماندهی و ستاد، مرکز پیاده، مرکز زرهی و دانشکده افسری و مانند آن) .

مرکز عملیات تاکتیکی :

سازمانی است مرکب از نمایندگان منتخب ستاد هم‌آهنگ کننده و ستاد تخصصی و برخی از فرماندهان یگانهای پشتیبانی رزمی که در محدوده مسئولیت‌های خود، اخبار مربوط به عملیات جاری را جمع‌آوری نموده و پیشنهادات خود را تهیه و در چهارچوب خط مشی‌های موجود اقدام و دستورهای اجرایی را صادر مینمایند .

مطاع :

پیروی شده - شایسته و سزاوار پیروی کردن، اطاعت شده، فرمانبرده شده، کسی

که مردم از او فرمانبرداری و اطاعت کنند .

معاون و جانشین رئیس ستاد :

معمولاً رئیس ستاد يك يگان بزرگ، برای خود يك معاون و یا جانشین تعیین میکند . معاون افسری است طراح، مشاور و هم‌آهنگ کننده، نامبرده، تنها زمانی دارای اختیار است که رئیسش صراحتاً با و تفویض نموده باشد (معمولاً کلیه اختیارات يك رئیس یکجا بمعاون داده نمیشود) جانشین در چهارچوب محدوده‌ای که برایش تعیین شده اختیار دارد که بجای مافوق اقدام نماید - ضمناً اختیارات وی ممکن است محدود به امر ویژه‌ای باشد که در عنوان او نیز قید میشود (برابر دستور رزمی ۵-۱۰۱) .

ن

نمودار : (گرافیک)

ظاهر، نمایان، آشکار، مانند، نظیر، نشان، علامت و نیز خطی را میگویند که میزان بالا و پائین رفتن آمار و ارقامی

نیروی قرمز :

به تعریف واژه نیروی آبی
مراجعه شود .

و

وضعیت خصوصی :

در تمرینات صحرائی (مانورها) و تمرینات پاسگاه فرماندهی، تمرین بر محور فرضیاتی استوار بوده و جریان پیدا میکند . این فرضیات از يك محدود و وسیع تر آغاز میگردد (بنام وضعیت عمومی) و سپس به دامنه محدود تری کشانده میشود تا چگونگی وضعیت نیروهای دشمن و خودی مثلا در منطقه سپاه یا لشکر (در صورتیکه تمرین در رده این دو یگان باشد) تشریح چنین وضعیتی را در تمرینهای صحرائی و پاسگاه فرماندهی وضعیت خصوصی گویند .

وضعیت خودی :

شامل تشریح کلیه امکانات نیروهای خودی است که در توان رزمی خودی دخالت دارند از آنجمله: گسترش استعداد، ترکیب (منجمله هوایی ،

را نشان میدهد (مانند نمودار پیشرفت آموزش) .
برای ترسیم این خط جدول شطرنج مانندی بر صفحه کاغذ رسم و میزان تغییر مقدار را با پائین و بالا بردن آن خط نشان میدهند .

نوبتچی :

یعنی نگهبانی که از نظر محدود بودن مسئولیت فاقد جنگ-افزار باشد و معمولا مجهز بیک فانسقه و یک سرنیزه میباشد (مانند نوبتچی آسایشگاه و غیره) .

نیروی آبی :

در کاربرد نظامی باین معنی است که : در مراکز فرهنگی و یگانهای رزمی برای اجرای تمرینات تاکتیکی و عملیاتی، نیروهای طرفین را برنگهبانی گوناگون فرض نموده و از بکار بردن نام کشورها خودداری مینمایند . معمولا رنگ آبی را برای کشور خودی و دوست انتخاب مینمایند و رنگهای زرد و قرمز را برای نیروهای دشمن واقمار وابسته به آن در نظر میگیرند .

نیروی زرد :

به تعریف واژه نیروی آبی
مراجعه شود .

ی

یگانهای پشتیبانی رزمی :

شامل کلیه یگانهای هستند که یا استفاده از امکانات ویژه‌ای که در اختیار دارند (مانند آتش-وسائل مخصوص) قادرند در اجرای مأموریت‌های محوله یگانهای رزمی را بطور مستقیم و یا غیر مستقیم پشتیبانی نمایند . (مانند گروه‌ها و یا گردانهای توپخانه- مهندسی، مخابرات و مانند آن)

یگانهای پشتیبانی خدمات رزمی :

شامل کلیه یگانهای هستند که قادرند یگانهای رزمی را از نظر کلیه جهات اقلام آمادی و یا پرسنلی پشتیبانی نمایند (مانند یگانهای فرماندهی لجستیکی از آنجمله گردان آماد و ترابری - گردان تعمیر و نگهداری - گردان بهداری و گردان یا گروهانهای جایگزینی و مانند آنها) .

یگانهای رزمی :

شامل کلیه یگانهای هستند که قادرند مستقیماً در رزم شرکت نمایند (مانند یگانهای پیاده ، پیاده هوای ، پیاده مکانیزه ، زرهی و مانند آنها) .

شیمیائی و هسته‌ای). روحیه، آموزش ، امور غیرنظامیان ، پشتیبانی خدمات رزمی آسیب پذیریهای خودی در برابر تگ هسته‌ای دشمن و بالاخره سایر ملاحظات که در کارآئی رزمی خودی بطور مطلوب و یا نامطلوب اثر میگذارد .

وضعیت عمومی :

در تمرین های صحرائی (مانورها) و تمرینهای پاسگاه فرماندهی و تمرین بر محور فرضیاتی استوار بوده و جریان پیدا میکند . این فرضیات از يك دامنه وسیع تر آغاز میگردد (مثلا تشریح چگونگی بحران بین دو یا چند کشور و تشریح اینکه بچه سبب روابط به تیره‌گی گرائیده و کشورآبی از سوی مرزهای خود مورد تهدید کشور زرد قرار گرفته و نظائر آن .



هدفهای ملی :

مقاصد مشخصی هستند که بمنظور تأمین و یا پشتیبانی مصالح و منافع ملی يك کشور تعیین و بوسیله مقامات ذیصلاح تصویب میشود .

فهرست آثار قلمی نویسنده

ردیف	عنوان کتاب	سال انتشار کتاب
۱	تاریخ شاپور یکم شاهنشاه بزرگ ساسانی	۲۵۱۷ شاهنشاهی
۲	کتاب جنگهای روانی (جنگ سرد)	« ۲۵۲۰
۳	کتاب آموزش رزم انفرادی	« ۲۵۲۷
۴	انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی	« ۲۵۳۱
۵	فرهنگ و اژه‌های نظامی (چاپ یکم)	« ۲۵۳۲
۶	بررسی جنگ اعراب و اسرائیل	« ۲۵۳۳
۷	تاریخچه نیروی زمینی شاهنشاهی از ۲۴۷۹ تا ۲۵۰۰ شاهنشاهی	« ۲۵۳۴
۸	تاریخچه نیروی زمینی شاهنشاهی از سال ۲۵۰۰ تا عصر حاضر	« ۲۵۳۴
۹	تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی	« ۲۵۳۵
۱۰	فرهنگ و اژه‌های نظامی (چاپ دوم)	« ۲۵۳۵

تقاضا میشود قبل از مطالعه
اشتباهات پیمایی زیر را تصحیح فرمائید

صفحه	واژه	سطر	غلط	تصحیح
۶۹	برد مؤثر	۴	نماید	نماید
۶۹	برکناری	۴	خدت	خدمت
۱۱۵	ثابت قدم	۱	باارده	بااراده
۲۰۶	سیکل	۴	صقر	صفر
۲۴۸	غائله	۳	رویداد بدکه	رویداد بدیکه
۳۱۹	مدار اختصاصی	۳	جند	چند
۴۱۰	نیروی آبی	۵	برنگهبانی	برنگ‌های

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

الف

آ

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ نامه وجود ندارد

پ

ب

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ نامه وجود ندارد

فث

فت

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

چ

ج

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

خ

ح

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ف

د

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ز

و

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

س

ژ

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ص

ش

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ط

ض

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ع

ظ

یادداشت برای واژه‌های نویسی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ف

غ

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ک

ق

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ل

گی

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ نامه وجود ندارد

ن

م

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

۵

۹

یادداشت برای واژه‌های نوینی که در این فرهنگ‌نامه وجود ندارد

ی

